

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلد ۲

---

بررسی اثرات خانوادگی  
کاربری کودکان پیش از دبستان  
از تیلت، کنسول بازی، تلفن همراه، ماهواره و رایانه

---

/ دکتر مرتضی منطقی /  
/استاد دانشگاه خوارزمی/



موسسه انتشارات بعثت

تهران - پاییز ۱۳۹۹

سرشناسه	: منطقی، مرتضی، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، کنسول بازی، تلفن همراه، ماهواره و رایانه / مرتضی منطقی.
مشخصات نشر	: تهران : بعثت ، ۱۳۹۹-
مشخصات ظاهری	: ج.: مصور (رنگی).
شابک	: دوره: 3-978-600-437-081-01، ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۷۰۷۹-۰۱؛ ج. ۲: 978-600-437-080-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: تکنولوژی و کودکان
موضوع	: Technology and children
موضوع	: رسانه‌های گروهی و کودکان
موضوع	: Mass media and children
موضوع	: کودکان پیش‌دبستانی -- ایران
موضوع	: Preschool children -- Iran
موضوع	: خانواده‌ها -- ایران
موضوع	: -- IranFamilies
رده بندی کنگره	: HQ۷۸۴
رده بندی دیویی	: ۳۰۲/۳۳۰۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۲۷۸۰۱



#### موسسه انتشارات بعثت

بنیان‌گذار مرحوم استاد فخرالدین حجازی  
تأسیس: ۱۳۴۷ / پروانه نشر: ۶۵۴ / شماره ثبت شرکت‌ها: ۳۳۷۱  
عضو رسمی اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران و انجمن فرهنگی ناشران کتب دانشگاهی

### بررسی اثرات خانوادگی کاربری کودکان

پیش از دبستان از تبلت، کنسول بازی،

تلفن همراه، ماهواره و رایانه

جلد ۲

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

چاپ: اول / سال انتشار: پاییز ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ / تعداد صفحه: ۲۳۶

شابک جلد دوم: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۷-۰۸۰-۰۶ ISBN:978-600-437-080-6

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۷-۰۸۱-۰۳ ISBN:978-600-437-081-3

نشانی: تهران - خ انقلاب، خ ۱۶ آذر، نبش کوچه بهنام، شماره ۳۶، ساختمان بعثت

کدپستی: ۵۴۴۹۳-۱۴۱۷۹ / دفتر: ۶۶۹۶۶۸۶ / پخش: ۶۶۴۱۸۸۹۸

کتاب‌فروشی شعبه ۱: ۶۶۴۱۹۸۹۹ / کتاب‌فروشی شعبه ۲: ۶۶۴۹۲۰۷۱

[www.besatpub.ir](http://www.besatpub.ir)    [besat.lib@gmail.com](mailto:besat.lib@gmail.com)

© این اثر مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه، تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و پخش و مصوب ۱۳۵۲ است. کلیه حقوق چاپ، نشر و پخش و تکثیر به هر صورت (چاپ، تکثیر، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی‌برداری و نقل مطالب از تمام یا قسمتی از این اثر بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

## سخن ناشر

از پرسش‌هایی که بارها در جامعه می‌شنویم، این است که چرا با ورود هر فناوری ارتباطی جدید دچار چالش‌های جدی می‌شویم؟ و ترس و نگرانی از تهدیدها و شتاب در بهره‌برداری از فرصت‌ها، مانع استفاده‌ی مفید و مؤثر ما از دستاوردهای بشری جهت رفاه و زندگی بهتر می‌شود؟

گرچه از جنبه‌های مختلف می‌توان به این پرسش پاسخ داد، اما شاید یکی از پاسخ‌های بسیار جدی و قابل‌تأمل این باشد که ما بسترهای فرهنگی مناسب را به شکل جامع و درخور ساماندهی نمی‌کنیم و با تأخیر در مقابل موج‌های پی‌درپی فناوری‌های نوین، هم امکان کاهش آسیب‌ها را از دست می‌دهیم و هم فرصت افزایش بهره‌مندی مثبت و مفید کاربران از بین می‌رود.

دکتر مرتضی منطقی و دانشجویانش با هدف شناخت بهتر شرایط اجتماعی و با تأکید بر ضرورت خروج از وضعیت نفی، انفعال و انکار پدیده‌های واقعی، پژوهش‌هایی را در یازده عنوان و در سه سطح کاربری کودکان پیش‌دبستانی، نوجوانان دبستانی و جوانان دبیرستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، به عنوان نقطه ورود مناسبی به این چالش‌ها و با هدف افزایش آگاهی لازم برای مشارکت و همدلی کاربران، والدین، و اولیا و مسوولین فرهنگی برای بسترسازی فرهنگی، انجام داده‌اند.

دکتر منطقی باور دارد که می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی برای کاربران \_اعم از کودک، نوجوان، جوان، والدین و اولیای آموزشی\_ تصویری واقع‌گرایانه از پیامدها، حساسیت‌ها، تشویق‌ها و مداخله‌های مؤثر ارایه کرد و در نتیجه تهدیدها را کاهش داد، از فرصت‌ها استفاده بهینه کرد و نقاط ضعف را بهبود داد و نقاط قوت را به کار گرفت تا شاهد جامعه‌ی کاربران متعادل و متوازن باشیم. کتاب حاضر با عنوان «اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید» شامل دو جلد از مجموعه‌ای ۲۱ جلدی است که در اختیار خواننده محترم قرار می‌گیرد.

مؤسسه انتشارات بعثت با هدف کمک به رشد و توسعه فرهنگی کشور تلاش می‌کند با چاپ و نشر کتاب‌های با کیفیت، پاسخگوی نیازهای فرهنگی باشد و مشتاقانه از دریافت نظرات و پیشنهادات خوانندگان گرانقدر استقبال می‌کند.



## فهرست مطالب جلد دوم

۷	مقدمه جلد دوم
۲-۲۰	تردید در اندیشه دیگر پیروی از اولیا
۱۱	۲-۲۱- زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک
۵۴	۲-۲۲- یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا
۶۰	۲-۲۳- منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک
۶۳	۲-۲۴- منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک
۷۱	۲-۲۵- ایجاد تعارض و درگیری‌های خانوادگی
۷۸	۲-۲۶- کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا
۱۰۰	۲-۲۷- مخفی‌کاری و دور زدن خانواده توسط کودک
۱۰۴	۲-۲۷-۱- استفاده از بازی‌های اینترنتی
۱۰۶	۲-۲۷-۲- رمزگشایی پنهانی از تلفن همراه اولیا و اطرافیان
۱۰۷	۲-۲۷-۳- رمزگذاری تبلت و گوشی برای ممانعت از دستیابی اولیا به اطلاعات آن
۱۰۹	۲-۲۷-۴- بدل فن زدن فنی به اولیا
۱۱۱	۲-۲۷-۶- پنهان کردن بازی‌ها در قسمت‌های مختلف تبلت یا گوشی
۱۱۴	۲-۲۷-۷- پنهان‌کاری در جریان انجام بازی‌های فیزیکی
۱۱۶	۲-۲۷-۸- کاربری پنهان و یواشکی از بازی‌های مورد علاقه و فضای مجازی
۱۱۷	۲-۲۷-۹- کاربری مخفیانه از تبلت، گوشی یا سیمکارت اولیا
۱۱۹	۲-۲۷-۱۰- کاربری پنهانی از ماهواره منزل
۱۲۰	۲-۲۷-۱۱- کمک گرفتن از دوستان برای دور زدن خانواده
۱۲۱	۲-۲۷-۱۲- کمک گرفتن از اطرافیان برای دور زدن خانواده
۱۲۴	۲-۲۷-۱۳- کاربری از بازی و پاک کردن آن قبل از کنترل تبلت و گوشی کودک
۱۲۶	۲-۲۷-۱۴- پاک کردن اطلاعات تبلت و گوشی قبل از ارایه برای کنترل اولیا
۱۲۶	۲-۲۷-۱۵- برداشتن و ارسال مخفیانه اطلاعات تلفن همراه اولیا برای خویش
۱۲۷	۲-۲۷-۱۶- سوءاستفاده از اطرافیان برای تحقق خواست‌های خود
۱۲۸	۲-۲۸- تعمیق شکاف بین نسلی
۱۳۱	۲-۲۹- سایر موارد خانوادگی
۱۵۱	۲-۲۹-۱- آسیب دیدگی روانی کودک از کژکاربری اولیا از فضای مجازی
۱۵۲	۲-۲۹-۲- شکل‌گیری خانواده مجازی
۱۵۳	۲-۲۹-۳- تربیت دیجیتال
۱۵۴	۲-۲۹-۴- محبت دیجیتالی
۱۵۶	۲-۲۹-۵- تفاخرجویی دیجیتالی
۱۵۷	۲-۲۹-۶- شوخی‌های دیجیتالی
۱۵۸	۲-۲۹-۷- سرکار نهادن دیجیتالی
۱۵۹	۲-۲۹-۸- ترساندن دیجیتالی
۱۵۹	۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۶۳	منابع
۲۳۱	



## ۱- مقدمه

کتاب حاضر، جلد دوم کتاب بررسی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید است.

در مقدمه جلد نخست خاطرنشان گردید، تاریخچه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته حکایت از آن دارد که فناوری‌های ارتباطی از آغاز با آمیزهای از فرصت‌ها و تهدیدها دیده می‌شدند و تجربه بشری در برخورد با فناوری‌های ارتباطی جدید، بدانجا انجامید که چون نفی و حذف فناوری‌ها امکان‌پذیر نیست، از این رو با بسترسازی فرهنگی لازم بر میزان کاربری از ابعاد مثبت فناوری‌ها بیفزاید و به این ترتیب در عمل عرصه کاربری‌های منفی از فناوری‌ها را محدود و محدودتر سازند.

در ایران برخلاف تجربه بشری غرب، بسیاری از مسوولان فرهنگی جامعه به دلیل آن که کاربری از فناوری‌ها می‌تواند منفی باشد، بیش‌تر از آن که نگاه مبتنی بر کاربری بهینه از فناوری‌ها را داشته باشند، به سبب احتمال پیش‌گفته، دست به نفی و انکار فناوری‌ها زده‌اند. تجربه ممنوعیت ویدیو در آغاز انقلاب و ادامه همین روند در ممنوعیت ماهواره، فیلترینگ سنگین اینترنت، ممنوعیت ورود تلفن همراه به مدارس و ممنوعیت برخی از شبکه‌های اجتماعی، در همین راستا قابل فهم هستند. حال آن که باید توجه داشت، فناوری‌ها انتخاب نبوده و تحمیل هستند و در شرایط اخیر اولیای امور فرهنگی جامعه باید طبق قاعده فقهی دفع افسد به فاسد، با بسترسازی فرهنگی لازم، تلاش کنند تا با افزایش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل کاربری از ابعاد منفی آن را محدود سازند.

نگاه مبتنی بر نفی فناوری‌ها در ایران از زمان طرح مسأله ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس شورای اسلامی تا کنون تداوم داشته است و به همین سبب در عمل عرصه را برای بسترسازی فرهنگی جهت افزایش فرصت‌های فناوری‌ها و کاهش تهدیدهای آن‌ها محدود کرده و بسته است. البته بروز نشانه‌هایی نظیر تلاش برای تهیه موتور جست‌وجوگر ملی یا اینترنت ملی، نشانه‌های مثبتی ارزیابی می‌گردند، اما باید دانست که در گذر زمان به سبب آن که برخی از نیازهای مردم جامعه پاسخ مقتضی دریافت نداشته اند، فضای مجازی به عرصه‌ای برای پاسخ به نیازهای اقشار مختلف اجتماعی تبدیل شده است و به همین سبب بحث کاربری از فناوری‌های در ایران پیچیده‌تر از آن شده است که تصور شود، تنها با بسترسازی فرهنگی برای کاربری مثبت از فناوری‌ها می‌توان به حل مشکل فناوری‌ها در جامعه ایران نایل آمد و اقدام اساسی در این جهت در حال حاضر هم‌زمان با بسترسازی فرهنگی مورد نیاز، انجام برخی از اصلاحات جدی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی لازم در سطح جامعه است.

به هر روی نگارنده از آنجا که از سویی با عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته مواجه بود و از سوی دیگر شاهد استقبال گسترده اقشار مختلف اجتماعی، خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های جدید بود، در صدد بر آمد تا با یاری دانشجویانش دست به بررسی چگونگی کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بزند و با به نمایش کشیدن فراز و فرودهای کاربری آنان از فناوری‌های ارتباطی جدید، ضمن هشدار به مسوولان فرهنگی جامعه، به تعمیق شناخت خانواده‌ها کمک کرده، آنان را در جهت نظارت جدی‌تر و ایفای نقش والدگری الکترونیک واداشته، آنان را نسبت به ضرورت بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری بهینه فرزندانشان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، ترغیب سازد.

اثر حاضر شامل دو جلد است. جلد نخست حاوی مقدمه تا عنوان «تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا» است. جلد دوم کتاب حاوی ادامه مباحث باقی‌مانده است. کتاب حاضر، جلد دوم این مجموعه به شمار می‌آید.

بررسی اثرات خانوادگی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید از جمله عناوینی بود که در جریان تحقیق گروه پژوهش مورد نظر قرار گرفته و در این ارتباط اطلاعات میدانی لازم از کودکان پیش دبستانی کاربر فناوری‌های همچون تبلت، تلفن همراه، پی‌اس‌فور، رایانه و ماهواره اخذ شد.

اثرات خانوادگی احصاء شده این پژوهش میدانی به قرار زیر بودند:

ضرورت والدگری الکترونیک، افزایش اطلاعات عمومی فرزندان، ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری، سوادآموزی نسبی کودکان، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان، نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم، اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان، همراهی خانواده با القائات الگوهای عروسی - کارتونی، استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده، تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند، یادگیری مشاهده‌ای کژکاربری اولیا (یا خواهر و برادرها) از فضای مجازی، تحقق نسل فرزندسالار، اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتونها و فیلم‌ها، پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، استقبال از دید فردگرایی (غربی)، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک، افشای اطلاعات محرمانه خانواده، تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک، ایجاد تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی (بین اولیا، اولیا و فرزندان، فرزندان با هم)، کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا، مخفی کاری و دور زدن اولیا توسط کودک، تعمیق شکاف بین نسلی و سایر موارد خانوادگی.



در جلد نخست کتاب اثرات خانوادگی کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته تا عنوان: «تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا» مورد بحث قرار گرفته و گزارش شدند. اینک در ادامه در جلد دوم کتاب، عناوین باقی‌مانده مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

پس از گزارش میدانی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، در فصل تأملی دوباره، ضمن اشاره به آن که فناوری‌های ارتباطی جدید آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها هستند، خاطرنشان گردیده است که باید با استفاده تجربه بشری غرب، در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای اخیر، دست به فرهنگ سازی زد تا به این ترتیب از میزان تهدیدهای فناوری‌ها کاست و بر فرصت‌های آن افزود و البته تعلل در این زمینه تنها به فرصت سوزی انجامیده، فرزندان این مرز و بوم به جای آن که از فرصت‌های فناوری‌ها بیش‌تر برخوردار گردند، با تهدیدهای آن مواجه شده و در این میان آسیب‌های جسمی، عاطفی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی گسترده‌ای را متحمل می‌شوند.

از این رو در این قسمت، پس از آن که از برخی از تجربیات بشری در زمینه بسترسازی فرهنگی جهت کاربری بهینه از فضای مجازی یاد شده است، با ارایه نمونه‌هایی در این جهت، به عمق تلاش سردمدارانی که راه حل مشکل فناوری‌ها را نه در تعطیل آن‌ها، بلکه در بسترسازی فرهنگی آن‌ها یافته‌اند، اشاره شده است و مثلاً بیان گردیده است که در جریان بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید کوششی جدی به عمل آمده است تا از هر امکان و فرصتی برای بهبود و ارتقای سلامت فضای مجازی برای کاربران خردسال، نوجوانان و جوان، سود برده شود. به عنوان مثال، وزارت ارتباطات کشورهای اخیر با تهیه سایت‌های امن ابزارهای کنترل برای اولیا و سیم کارت‌های امن دانش‌آموزی از سویی و وزارت‌های آموزش عالی (جهت بررسی و پژوهش و پیشنهاد سیاست گذاری‌های بهینه در مورد چگونگی کاربری از فضای مجازی)، آموزش و پرورش (جهت ارتقای سواد رسانه‌ای اولیا، بسترسازی جهت کاربری بهینه دانش‌آموزان از فضای مجازی، انجام حمایت لازم از دانش‌آموزانی که در جریان کاربری از فضای مجازی با تهدید مواجه می‌شوند) به میدان آمده عهده‌دار بسترسازی لازم جهت کاربری بهینه از فضای مجازی گردیده‌اند. تلاش اخیر چنان وسیع است که حتی وزارت دفاع آمریکا با ایجاد پویشی نظیر «متوقف شو، فکر کن و بعد وصل شو»<sup>۱</sup> در صدد ارتقای آگاهی کاربران خردسال، نوجوان و جوان از فضای مجازی برآمده است و افسران پلیس با حضور در مدارس در مورد خطرات محتمل فضای مجازی سخن گفته، به راهنمایی چگونگی استفاده امن از فضای مجازی به دانش‌آموزان خردسال می‌پردازند. تهیه انبوهی از مراکز مشاوره تلفنی و روی خط برای کاربران فضای مجازی، به میان آمدن کلیسا برای بهبود سلامت فضای مجازی و حتی به کار گرفته شدن پزشکان و کتابداران جامعه برای ارایه اطلاعات ضمنی درباره چگونگی کاربری بهینه از فضای مجازی به مراجعانشان، از جمله تلاش‌هایی است که در غرب قابل مشاهده است. بالطبع زمانی که کودکان ۳-۶

ساله در فضای مجازی با نشریه‌های علمی خاص خود روبرو می‌گردند یا زمانی که دانش‌آموزان کلاس اول دبستان موظف می‌شوند تکلیف درسی خود را با ایمیل برای معلمشان ارسال دارند، رفته رفته در می‌یابند که فضای مجازی از فرصت‌های بی‌شماری برخوردار است که باید آنان با احتیاط لازم، از این فرصت‌ها برای پیشرفت و تعالی علمی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی خویش بهره‌مند گردند. متأسفانه از آنجا که مسوولان فرهنگی جامعه، هنوز در کش و قوس تعطیل کردن یا نکردن فضای مجازی هستند، فرصت بسترسازی جهت کاربری بهینه کودکان، نوجوانان، جوان و دیگر اقشار اجتماعی را به میزان زیادی از دست داده‌اند و در این جهت فرصت سوزی پدید آمده است. از این رو بار عمده بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه کودکان، نوجوانان و جوانان از فضای مجازی در عمل بر روی دوش اولیا قرار گرفته است.

مجموعه کتاب‌های تهیه شده با عنوان «بررسی چگونگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری های ارتباطی جدید» در صدد هستند تا در این جهت به یاری اولیا و اولیای آموزشی کودکان پیش دبستانی و بالاتر<sup>۱</sup> درآمده، با نشان دادن فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌ها در ابعاد مختلف روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، عقیدتی، خانوادگی، زیستی، زیست محیطی و زیباشناختی با ارتقای آگاهی اولیا، در عمل به یاری آنان و فرزندان این مرزوبوم بیایند. ان شالله.

---

۱. بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی و دبیرستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید نیز در دست تدوین است و در پی نشر کتاب‌های کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در صورت اخذ مجوز، منتشر خواهند شد. ان شالله.

## ۲۰-۲- تردید در اندیشه دیگر پیروی از اولیا



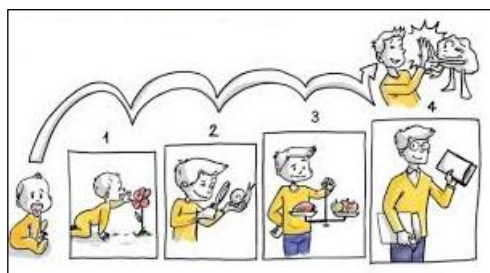
ژان پیاژه، با طرح نظریه تحول ذهنی خویش، با آزمایش‌های متعددی نشان داد که تفکر کودک پس از گذر از دوره حسی- حرکتی، از ۲ سالگی تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی عینی است.



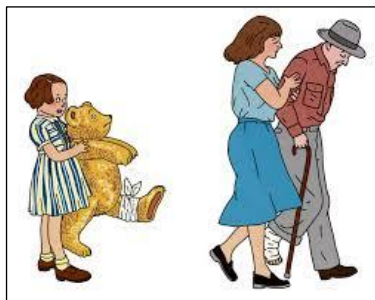
در تفکر عینی، منطق کودک در برخورد عینی و عملی با مسایل فرارویش، قادر به قضاوت صحیح و حل مسأله می‌گردد، بنابراین در این دوره نباید انتظار فهم مسایل انتزاعی و ذهنی را از کودک داشت، اما پس از سن ۱۱، ۱۲ سالگی تا حدود ۱۵، ۱۶ سالگی، تفکر عینی کودک تدریجاً تحول پیدا کرده، به تفکر انتزاعی تبدیل می‌شود، در این دوره، برخلاف دوره قبل که منطق ابتدایی کودک در برخورد عینی و عملی با مسایل فرارو جواب می‌داد، فارغ از ابعاد عینی پیش‌گفته، پاسخ می‌دهد و فرضیه پایه عمل ذهنی نوجوان قرار می‌گیرد. اما باید به یاد داشت که برای استفاده از تفکر انتزاعی اخیر نیز ممارست و تمرین لازم است و نوجوانی که تازه به تفکر انتزاعی خویش دست یافته است، همانند یک فرد بزرگسال، نمی‌تواند از تفکر انتزاعی خود استفاده کند و قدری تمرین جهت استفاده بهینه از تفکر انتزاعی کسب شده، ضرورت دارد (منصور، ۱۳۷۲).

پیاژه منطبق با سه دوره تحول ذهنی کودک، نوجوان و جوان، به طرح سه دوره تحول اخلاقی با عنوان‌های ناپیروی اخلاقی، دیگرپیروی اخلاقی و خودپیروی اخلاقی نیز مبادرت ورزیده است. کودک در مقطع سنی تولد تا ۲ سالگی، دارای ناپیروی اخلاقی است، از ۲ سالگی تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی،

دارای اخلاق دیگ‌پرو است و سرانجام از سن ۱۱، ۱۲ سالگی تا حدود ۱۵، ۱۶ سالگی، به خودپروی اخلاقی دست می‌یابد (منصور و دادستان، ۱۳۷۴).



خصوصیت دیگ‌پروی که از ویژگی‌های مهم کودکان در دوره پیش دبستان تا حدود ۱۲-۱۱ سالگی آنان است، سبب می‌شود کودکان در این دوره، متوجه افراد مطلوب طبعی که در اطراف و اکنافشان می‌بینند، بشوند و تقلید و کپی‌برداری از رفتارهای آنان را در دستور کار خود قرار بدهند. تقلیدهای اخیر ممکن است از طیف مثبت گرفته تا منفی، گسترده باشند، اما کودک فارغ از ارزشی که در رفتار مورد نظر نهفته است، به صرف آن که فرد مطلوب طبع وی دست به انجام عمل خاصی می‌زند، مبادرت به انجام همان کار می‌کنند.



بالتبع غالب افراد مورد علاقه کودکان، اولیای آنان هستند، اما در این میان رفتار افراد دیگری مانند پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های دوست داشتنی، مربی مهربان مهد و نظایر آن‌ها هم ممکن است مورد تقلید و کپی‌برداری کودکان قرار گیرند.

نگارنده با افرادی مواجه شده است که بیان می‌داشتند، به صرف آن که معلم مورد نظر آنان سیگار می‌کشیده است، در صدد یافتن سیگار و کشیدن آن بوده‌اند و یا به دلیل آن که ناظم مهربان مدرسه آنان، در جریان راه رفتن خود، می‌لنگیده است، نیمی از دانش‌آموزان مدرسه در حین راه رفتن خود، شبیه او، با لنگیدن راه می‌رفته‌اند.



با پررنگ شدن نقش رسانه در زندگی کودکان در عصر حاضر، الگوهای مطرح در رسانه (خاصه برنامه‌های کودکان که بچه‌های خردسال بیش‌تر کاربر این سنخ از برنامه‌ها هستند) نیز ممکن است، جزو الگوهای مورد نظر کودک قرار گرفته، به استناد فلان حرف یا رفتار او، کودک عیناً دست به تکرار همان حرف یا رفتار بزند.

اظهار نظر زیر متعلق به ایلپای ۴ ساله است که دیگر پیروی خویش از اولیایش را به نمایش گذارده است. همان‌گونه که از این اظهار نظر و اظهار نظرها مشابه پیداست، وقتی کودک در صدد استدلال کردن در زمینه‌ای برمی‌آید، با استناد به رفتار فرد مورد علاقه‌اش، استدلال خود را تام و تمام می‌یابد: «- ایلپا، تا حالا شده که یک بازی رو بریزی و مامانت این‌ها بگن اون بازی خوب نیست؟ نه، آخه من هیچ‌وقت بازی بد نمی‌ریزم، همه بازی‌های من خوب هستن.

- بازی‌های بد به چه بازی‌هایی می‌گن؟

مثلاً بازی‌هایی که توش بزن بزن هست و دو نفر باهم دعوا می‌کنن و یا تفنگ اینا توش هست.

- کی به تو گفته که کدوم بازی‌ها خوب و کدوم‌ها بد هستن؟

مامانم و بابام این‌ها رو بهم می‌گن.

- یعنی بهت گفتن که بازی‌هایی که توش بزن بزن و اینا هست، بازی‌های بد هستن؟

آره، به من این جوری گفتن.

- تو کلاً خیلی زیاد با تبلت بازی می‌کنی؟

یه کم فقط.

- خوب چرا کم بازی می‌کنی؟

آخه مامان من می‌گه که بذارش کنار.

- چرا بهت می‌گه کنار بذارش؟
- چون که می‌گه چشات ضعیف می‌شه.
- خودت هم همین جوری فکر می‌کنی؟
- آره، خودمم همین فکر رو می‌کنم.
- پس خودت هم دوست نداری که زیاد بازی کنی؟
- نه، دوست ندارم».



اظهار نظرهای برخی از کودکان، حکایت از دیگریروی این کودکان از افرادی به غیر از پدر و مادرشان دارد. کیان با استناد به حرف‌های مادر بزرگ مهربانش، سخن خود را به انجام می‌رساند و یلدا و آبتین هم با تأثیرپذیری از خاله شادی و عمو پورنگ که از مجریان برنامه‌های کودک تلویزیون ایران هستند، به زعم خود به حرف‌هایشان جنبه استدلالی می‌دهند.

خانواده‌هایی که در ارتباط با فرزندشان، در عین داشتن مهر و محبت، با آنان با منطق برخورد کرده، روابط مشفقانه و دوستانه‌ای با فرزندشان دارند، در عمل شکل‌گیری دیگریروی عمیق فرزند از خودشان را بنیان می‌نهند، اما خانواده‌هایی که وقت لازم را برای فرزندانشان صرف نکرده یا روابط آنان با فرزند، مبتنی بر نوسان یا نفی و انکار هست، بالطبع بستر مساعدی را برای الگوبرداری و دیگریروی فرزند از خود را پدید نمی‌آورند.

اظهارات زیر فاطمه ۶ ساله، مصداقی در جهت روابط بهینه و ایده‌آلی است که دیگر پیروی فرزند از اولیا را بنیان می‌نهند:



«- به نظر تو این که السا یا زیبایی خفته نماز نمی‌خونم، خوبه یا بد؟

مگه خارجیا نماز می‌خونن؟

- نمی‌خونن؟

نههه... من ندیدم تو فیلمما خارجیا نماز بخونن.

- این که نماز نمی‌خونم خوبه یا بده؟

خوب اونا به این چیزی اعتقاد ندارن.

- تو چی نماز می‌خونی؟

بلد نیستیم.

- دوست نداری از مامانم یاد بگیری؟

چرا دوست دارم. مامانم اون دفته یه چادر نماز گل گلی برام دوخت. خیلی دوستش دارم.

- پس تو دوست داری نماز بخونی؟

آره، مامانم می‌گه اگه سر نماز دعا کنی، خدا اونو جواب می‌ده.

- تو نمی‌گی که السا یا زیبایی خفته نماز نمی‌خونن، پس منم نمی‌خونم؟

نه، وقتی مامانم نماز می‌خونه، منم دوس دارم باهاش نماز بخونم».



اگر اولیا از جذابیت لازم برای فرزند برخوردار نباشند، الگوهای اطراف و اکناف مورد توجه کودک قرار گرفته، کودک از آن الگوها تبعیت خواهد کرد.

اما نکته مهمی که در این قسمت از آن باید یاد کرد، این است که دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری برای نهادینه سازی اندیشه‌های نظام سرمایه‌داری در کودکان (و البته دیگر اقشار اجتماعی)، دست به تهیه و پردازش الگوهای فرازمینی زده است که کودکان در برخورد با این الگوها که یا در اوج جذابیت و زیبایی ممکن قرار دارند و یا در اوج قدرت و توان فیزیکی ممکن قرار دارند و با انجام اعمال خارق‌العاده چشم کودک را متوجه خودشان می‌کنند، جذب آن‌ها می‌گردند و از آن پس این الگوهای فراگیری مجرا و ممری برای انتقال ارزش‌های مورد علاقه نظام سرمایه‌داری در کودکان می‌گردند!



امیر ۵ ساله و امیرعلی، رامتین و مهن ۶ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در حین یاد کردن از الگوهای فرازمینی و فراگیری مطرح شده در کارتون‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب، در مقایسه این الگوها با اولیایشان، بدون هیچ گونه تردیدی الگوهای اخیر را انتخاب کرده‌اند و به صراحت بیان می‌داشتند که الگوهایی نظیر بن‌تن، بت‌من، اسپایدرمن و مانند آن‌ها، نسبت به اولیای آنان برتری داشته، حاضر به کنار نهادن اولیایشان و انتخاب خطمشی الگوهای اخیر هستند:

«- گفتی آدم‌ها بمیرند، ناراحت نمی‌شی؟»

نه، خوشحال می‌شم.

- چرا خوشحال می‌شی؟

چون آدم بدن، باید بمیرن.

- یعنی تو هم اگه فکر کنی یه آدم بده، می‌زنی؟

آره.

- مثلاً چه کار کنه می‌زنی؟

اذیتم کنه.

---

۱. البته لازم به یادآوری است که جریان‌های مستقل مردمی و انسان‌گرا نیز تولیدهایی در زمینه بازی‌های دیجیتال، کارتون‌ها و پویانمایی‌ها دارند که بعضاً در آن‌ها الگوهای مناسب و معقولی را مطرح کرده‌اند، اما ضعف مالی جریان‌های اخیر سبب شده است، تولیدهای انسانی آن‌ها در مقایسه با کمیت تولید دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، چندان قابل رقابت نباشد.



- به نظرت مرد عنکبوتی چه کارهای بدی می‌کنه؟  
کار بدی نمی‌کنه.
- اگه مرد عنکبوتی دوستت بود، به حرف‌های اون گوش می‌دادی یا مامان و بابات؟  
اوممم... به حرفای اون.
- چرا؟  
چون با حاله، خوشگله».
- «بت من بهتره یا بابات؟  
بت من فکر کنم بهتره.
- چرا؟  
چون بهتره دیگه، قدرت‌منده، پولداره یه عالمه».



- «... دوست دارم از نزدیک با مرد عنکبوتی حرف بزنم.
- اون وقت بهش چی بگی؟  
بگم که منو ببره همیشه پیش خودش، بهم همه چی رو یاد بده.
- به نظر تو مرد عنکبوتی بهتره یا بابات؟  
مرد عنکبوتی.
- چرا؟  
اون از بابام خیلی بهتره.
- چرا از بابات بهتره؟  
بابام هیچ قدرتی نداره، اون بلده فقط رانندگی کنه».
- «مهن به نظرت بت من نماز می‌خونه؟  
نه، نمی‌خونه.
- چرا نمی‌خونه؟  
اِممم نمی‌دونم.

- به نظرت نماز خواندن کار خوبییه یا نه؟
- بابام می‌گه کار خوبییه.
- آگه بابات بگه نماز بخون، می‌خونی؟
- آره، چون کار خوبییه.
- حالا آگه بت من بهت بگه نماز نخون چی؟
- نمی‌خونم.
- چرا؟
- چون بت من آدم خوبییه، کار بد نمی‌گه انجام بدیم... .
- گفتم بت من برای آمریکا هست؟
- آره. چون که انگلیسی حرف می‌زنه تو کارتون‌هاش.
- تو زبون انگلیسی رو بیش‌تر دوست داری یا فارسی رو؟
- انگلیسی.
- چرا؟
- چون بهتره.
- خوب مهن به نظرت آمریکا چه جور کشوریه؟
- کشور خوبییه، چون برا بچه‌ها کارتون‌های خوب می‌ذاره.
- به نظرت امریکا قویه یا ضعیفه؟
- نه، خیلی قویه.
- چرا؟
- چون بت من آمریکاییه و کارتون‌هاش قشنگه.
- تو ایران رو دوست داری یا آمریکا رو؟
- آمریکا رو.
- مامان و بابات کدوم رو دوست دارن؟
- بابام ایران رو دوست داره و می‌گه ایران خوبه.
- تو بزرگ شدی، می‌ری آمریکا زندگی کنی؟
- آره می‌رم».



ماحصل آنچه از آن یاد شد، به نوعی در اظهارات دانیال ۶ ساله، منعکس شده است، به این معنا که دانیال رفتاری را که از الگو به شکل یادگیری مشاهده‌ای فرا گرفته است، عیناً در شرایط مشابه به شکل عملی به معرض دید می‌گذارد:

« خاله کفشاتو دربیار رو این چمن راه برو، ببین چه حسی داره.  
(به گفته کودک کفش‌های خودم را درآوردم و روی چمن‌ها راه رفتم).  
کی بهت گفته وقتی کفش‌هات رو دربیاری، روی چمن راه بری، یه حس خوبی داره؟  
خودم فهمیدم.  
ببین خاله، پاهاتو بکش رو چمن، ببین چه حس خوبی داره. سوسکم بیاد که مهم نیست.  
دیروز تو حیاط ناهار خوردیم خاله.  
اینجا دوستش یک چیز عجیب به دانیال نشان داد و دانیال زد توی سر خودش.  
- دانیال چرا زدی توی سر خودت؟  
چون وقتی یه چیزی که خیلی با حاله و عجیبه، من می‌زنم تو سرم.  
- نزن خاله بزنی تو سرت، سر درد می‌گیری. کی وقتی تعجب می‌کنه، می‌زنه تو سرش؟  
اون آقاهه تو اون فیلمه.»



نکته مهمی که در کنار اثرگذاری عمیق رسانه در الگویابی کودکان مؤثر است، مسأله گروه همسالان و اثرپذیری کودک از دوستان گروه همسالان خودش است. به این معنا که گروه همسالان در برابر حمایتی که از تک تک افراد دارد، انتظار همنوایی آنان با گروه و ارزش‌های آن را دارد و در صورت تخطی فرد از ارزش‌های گروه، فرد ناهمنوا با گروه کنار نهاده خواهد شد. از این رو افراد زیر فشار گروه باید برای باقی ماندن در گروه همسالان، تن به همنوا شدن با ارزش‌های آن بدهند. بالطبع کودکانی که از حمایت کافی و وافی خانواده خویش برخوردار باشند، در برابر خواست گروه همسالان مقاوم‌تر عمل کرده، در صورت لزوم حتی دست به تغییر گروه همسالان خود زده، گروهی را انتخاب می‌کنند که با ارزش‌های آنان مطابقت داشته باشد، اما کودکانی که از پشتوانه قوی خانواده‌ای پر مهر و عطوفت

برخوردار نیستند، ممکن است به سادگی برای از دست ندادن حمایت گروه، تن به تبعیت از ارزش‌های گروه بدهند.

مطالعات میدانی انجام شده دلالت بر آن دارد که کودکان اخیر با ملاحظه بازی خاصی در تبلت یا گوشی دوستانشان یا به صرف شنیدن توصیف تأییدآمیز یک بازی و یا به دلیل تشویق دوستان دیگرشان جهت کاربری از یک بازی، کارتون، پویانمایی و نظایر آن، دست به تبعیت زده، طبق رهنمود دوستانشان در این جهت عمل می‌کنند. اظهارات پرنیا، نازنین و محمدرضای ۶ ساله، در همین زمینه، قابل توجه است. کودکان اخیر به صرف آن که دوستانشان دست به انجام بازی خاصی زده یا از الگوی خاصی خوشش آمده است و یا ابزارهای متناسب به الگویی را برای خودش تهیه کرده است، خودشان را موظف می‌بینند که برای هم رنگ شدن با آنان، دست به کاربری از همان بازی زده یا از همان الگو استقبال کنند و یا ابزارهای متناسب به وی را خریداری کرده و به کار ببرند تا از هر جهت شبیه دیگر دوستانشان باشند.

در مصاحبه‌های انجام شده با برخی از مربیان مهد کودک و اولیای کودکان پیش دبستانی، مسأله تقلید کودکان از یکدیگر، به دفعات مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است.



گروه همسالان ممکن است با استفاده از تمسخر کودک مورد نظر یا زدن برچسب به وی، در عمل او را مجبور به تبعیت از رفتارهای دیگر اعضای گروه کنند.

رایج‌ترین نوع تمسخر افرادی که همسان با گروه عمل نمی‌کنند، خندیدن سایر بچه‌ها به آن‌ها است، به عنوان مثال، بچه‌ها به کودکی که بیان دارد تبلت ندارد، می‌خندند و با خنده خود، در عمل وی را در تنگنای شدیدی قرار می‌دهند. در مرحله بعد، اعضای گروه با زدن برچسب «بچه» به فردی که همسان با آن‌ها عمل نمی‌کند، او را زیر فشار قرار می‌دهند، به عنوان نمونه، اگر کودکی از کاربری از بازی‌های پرخشونت و ترسناک استنکاف کند، در این حالت، دوستانش با زدن برچسب بچه به او، وی را زیر فشار قرار می‌دهند تا مجبور به تغییر رفتار معمول خودش شود.

در موارد دیگری کودکان مصاحبه شده بیان داشته‌اند که برچسب‌های دیگری نظیر «عقب‌مانده»، «خسیس» و مانند آن‌ها از سوی دوستانشان به آنان زده شده است.

یکی از مربیان مهد در مصاحبه خود بیان می‌داشت، وقتی او از بچه‌های کلاسش پرسیده بود که چند نفر تبلت دارند، از ۲۵ نفر کودکان حاضر در کلاس، فقط یک نفر بیان داشته بود که تبلت ندارد که

سایرین با شنیدن این مسأله، با گفتن این که «مگه می‌شه یه آدم اصلاً تبلت نداشته باشه»، شروع به خندیدن به او کرده بودند.

یکی از پژوهش‌گران تحقیق هم گزارش می‌داد، وقتی وی سرکلاس دانش‌آموزان پیش دبستانی، از آن‌ها خواسته بود، نقاشی فردی را که بیش‌تر از همه او را دوست دارند، بکشند، آریان بیان داشته بود که او سیندرلا را دوست دارد و نقاشی او را می‌کشد، اما پس از آن که بچه‌های کلاس به او خندیده بودند، او از ادامه کشیدن تصویر سیندرلا سرباز زده بود و با پاره کردن کاغذش، نقاشی اسپایدرمن (تصویر زیر) را به جای او کشیده بود:



فرزام ۶/۵ ساله، در مصاحبه خود از برجسب خوردن کودکان ناهمونوا با گروه در آغاز اعمال فشار هنجاری گروه به شرح زیر یاد کرده است:

«- تو با دوست‌هات درباره‌ی آدم‌هایی هم که تو اون کارتون هست، حرف می‌زنید؟  
آره.

- چه چیزهایی به هم دیگه می‌گید؟

مثلاً این که سوپرمن با کی‌ها جنگید... بت من چی کار کرد... از این چیزها.

- همه‌ی بچه‌ها درباره‌ی این چیزها حرف می‌زنن؟

آره.

- اگه کسی دوست نداشته باشه درباره‌ی این چیزها حرف بزنه، چه طور؟

خب حرف نمی‌زنه دیگه.

- منظورم اینه که مثلاً یکی از بت من و سوپرمن خوشش نیامد... اون وقت درباره‌ی این چیزها حرف

نمی‌زنه. اگه این جور باشه، بچه‌ها مسخره‌اش می‌کنند یا نه، مثل این که همه بهش بگن چرا از این

چیزها نمی‌بینی؟

اووووم... من از این کارها نمی‌کنم زیاد.

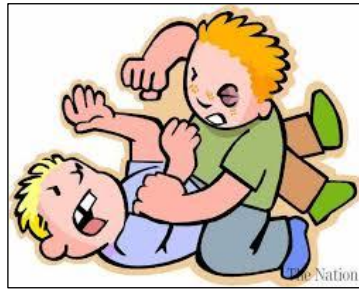
- خوب بقیه چی؟

خب مثلاً شاید، مثلاً به یکی بگن... مثلاً بگن خنگ... یا دهاتی... یا بچه سوسول... .



- خوب تو این جور موقع‌ها چی می‌گی؟  
من اصلاً چیزی نمی‌گم آخه، یه بار فقط گفتم بچه‌ها زیاد بازی نکنین، چشم‌هاتون ضعیف می‌شه.  
دوتاشون اومدن زدن منو.

- فقط به خاطر این که این جوری گفتی؟  
آره. هی هم می‌گفتن برو بابا، تو چون مامانت نمی‌ذاره زیاد بازی کنی، این جوری داری می‌گی.



- یعنی به خاطر تبلت هم با هم دعوا می‌کنن؟  
اووووه آره بابا!!!. همون موقع که هی می‌گفتن تبلت ما از بقیه بزرگ‌تره و بهتره، علیرضا و محمد و علی با هم دعواشون شد، فقط برای این که خاله فهیمه نفهمه زود دعوا رو تموم کردن، آخه اگه خاله فهیمه می‌فهمید، زنگ می‌زد مامانشون بیان و اینا، تازه یکی از بچه‌ها تبلت نداره، اصلاً چندبایااا همین علی و محمد اذیتش کردن و بهش گفتن، برو بابا بی‌تبلت یا این که هی از کنارش رد می‌شن می‌گن پوریا بی‌تبلت!

- بعد پوریا چی می‌گی بهشون؟  
هیچی نمی‌گه اصلاً، ولی خوب گناه داره، چرا آخه این جوری اذیتش می‌کنن».  
کودکانی که بخوانند ناهمنوا با گروه خویش عمل کنند، ممکن است بعد از تمسخر و استهزا، مورد هجمه روانی گروه قرار گرفته یا از آنان کتک بخورند تا به این ترتیب در مسیر گروه قرار گیرند.  
رضای ۵ ساله، از همنوا شدن خود با فشار گروه همسالان به شرح زیر یاد کرده است:  
«- کارتونه‌های دخترونه هم نگاه می‌کنی؟

نه، مگه من دخترم، من پسرم.  
- خوب چه اشکالی داره، بعضی از دخترا هم کارتونه پسرونه نگاه می‌کنن.  
آره، اما من دوست ندارم.

- خوب چرا تو دوست نداری؟  
(با اخم می‌گوید) چون حالمو به هم می‌زنه.  
- چرا حالت رو به هم می‌زنه؟

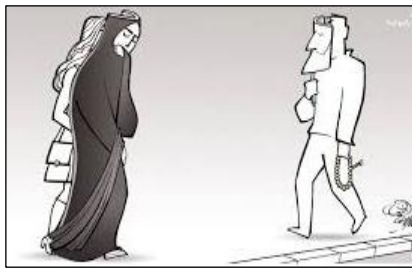
چون دوستام می‌گن، کارتونه دخترونه دوست نداشته باش».



با بررسی میدانی مقوله دیگرپیروی کودکان پیش دبستانی، مشخص می‌شود که حداقل دیگرپیروی اقلاری از کودکان از اولیایشان، دچار وقفه و تردید شده است، به این معنا که کودکان یا در برابر معیارها و ارزش‌های اولیا، دست به مخالفت نسبی می‌زنند و یا آن که در سطحی فراتر، دست به مخالفت تام و تمام با اظهارات اولیایشان می‌زنند. در موارد دیگری ملاحظه می‌شوند که ضمن مخالفت کودکان با اولیا، مخالفت آنان جنبه عملی نیز در برابر اولیا به خود می‌گیرد.

علیرضای ۶ ساله، در مصاحبه خود از پدرش یاد می‌کند که او را به انجام عملی فرامی‌خواند که خودش به آن پایبند نیست:

«موقع استفاده از ماهواره تنهایی یا حتماً باید مامان و بابا کنارت باشن؟  
 نه خاله، اونا که وقت ندارن، ولی بابام گفته وقتی کانالارو رد می‌کنی، اگه آدمداشتن کار بد بد می‌کردن، تو چشمتو با دستت بگیر کانالو رد کن.  
 - کارای بد بد یعنی چی، مثلاً جنگ و دعوا؟  
 نه بابا اونا که بد نیست. مثلاً لب همو ببوسن یا به بدن هم ور برن.  
 - تو هم حتماً به حرف بابا گوش می‌دی دیگه؟  
 سعی می‌کنم ولی آخه خیلی با حاله! یه بار از بابا پرسیدم چرا این کارا رو می‌کنن بابا زد تو دهنم!  
 بعدم خودم دیدم خودش اگه نشون بده تلویزیون می‌بینه این کارای بد رو!  
 - تو از کجا دیدی؟ احتمالاً اشتباه می‌کنی!  
 نه خاله، مثلاً وقتی فیلم می‌بینیم لب همو می‌بوسن، بابا سریع می‌گه چشمتو بگیر. یه بار از لای انگشتم دیدم خودش چشاشو نگرفته!».





سحر ۴ ساله، در مصاحبه خویش از مخالفت نسبی خود با نظر مادرش سخن می‌گوید:

«- عزیزم تو با تبلت چه بازی‌هایی می‌کنی؟»

همه جور بازی مثل باربی، پو، تفنگ و شمشیر بازی.

- خودت این بازی‌ها رو نصب کردی؟

نه، داداشم می‌ریزه. تفنگ و شمشیر بازی برای داداشمه، پو و باربی برای منه، اما من زمانایی که

داداشم نیست، تفنگ بازی‌ام می‌کنم.

- چرا وقت‌هایی که داداشت نیست بازی می‌کنی؟

چون می‌گه تو بلد نیستی، ولی من بلدم، ولی ببینه دارم بازی می‌کنم، می‌ره به مامانم می‌گه، مامانم

دیگه نمی‌ذاره من بازی کنم.

- چرا مامانتم نمی‌ذاره بازی کنی؟

می‌گه این بازی‌ها برای تو خوب نیست، بعدش این که من کوچولوام.

- چرا مامانتم می‌گه این بازی‌ها برای تو خوب نیست؟

توش خون داره من می‌ترسم.

- چرا وقتی می‌ترسی بازی می‌کنی؟

مامانم می‌گه می‌ترسی، ولی من یه کوچولو می‌ترسم، منم مته داداشم قوی‌ام».



آوا و هستی ۵ ساله و نوایان ۶ ساله، در اظهارنظرهایی که دارند، از اقدام‌های مخفیانه خویش که

معارض با نظر اولیا هست، سخن گفته‌اند:

«- داداشت چه بازی‌هایی داره، آوا خانم؟»

داداشم همه نوع بازی داره، همه بازی‌ای منو داره.

- یعنی بازی‌های دخترونه هم داره؟

آره، داره خب.

- تو چی بازی پسرونه داری؟

نه من بازی پسرونه ندارم.

- چرا عزیزم؟

- مامانم دعوام می‌کنه، بازی پسرונה بازی کنم.
- آوا بازی‌های پسرונה چه طوری هستن؟
- ماشین بازی، فوتبال، تفنگ بازی، بتمن بازی، اسپایدرمن.
- چرا ماشین بازی پسرונה هست؟
- مامانم می‌گه.
- به نظر تو هم این‌ها پسرונה هستن؟
- نه، به نظر من اینا با حالن، دوسشون دارم. با تبلت داداشم بازی می‌کنم اینا رو.
- خوب چرا به مامانت گوش نمی‌دی؟
- چون خیلی مزه می‌ده بازی کردنش، باسرعت می‌ری می‌ری یا با تیر می‌زنی یکپو.
- خودت چه بازی‌هایی داری؟
- بازیام، دکتری دارم، عروسی دارم.
- عروس بازی چه طوریه؟
- یه عروسی رو آرایش می‌کنیم، لباس می‌پوشیم، عکس می‌گیریم.
- دوست داری خودت هم آرایش کنی؟
- آره، خیلی زیاد، ولی بابام نمی‌ذاره، دعوام می‌کنه، ولی من بعضی وقتا که نیس، آرایش می‌کنم.
- بعد بابات نمی‌فهمه؟
- نه، بابام که می‌خواد بیاد، پاک می‌کنم. بابام می‌گه آفرین که آرایش نکردی.
- کارت بد نیست؟
- نه خاله، خیلی آخه دوست دارم آرایش کنم، خیلی خوشگل می‌شم».



«- هستی، تو تبلت داری؟»

خاله سارا گوشی داشت، اتوبوس بازی بود، مثلاً هی... هی مثلاً باید از خیابونا رد می‌شدی... به جایی هم می‌خورد، مثلاً یه حرفای قرمزی می‌نوشت... بعد اون قدر دوشش داشتیم، هی قایمکی می‌رفتم برمی‌داشتیم بازی می‌کردم.

- چرا قایمکی می‌رفتی؟ اجازه نمی‌دادن؟

نه، خودم قایمکی برمی‌داشتیم اونا هم نبینن، گوشی مامان بابامم همین طور قایمکی برمی‌دارم بازی می‌کنم... .

- هستی گوشی خاله سارات رو که برداشتی، فیلم‌هاش رو هم دیدی؟

فیلماشو دیگه نمی‌بینم. تو گوشی خاله سارا... یه آهنگ می‌ذارم، برا خودم قایمکی، بعد می‌رم تو اتاق پایین. هی مثلاً در رو هم می‌بندم که صدا خیلی نره بیرون که اونا نفهمن دیگه. بعد این جوری می‌رم بازی می‌کنم.

- چرا نباید اونا بفهمن؟ اجازه نمی‌دن؟ چرا قایمکی می‌ری؟

(با خنده) چون مامان بابام نمی‌ذارن دیگه که من بردارم دیگه، بعد برا همینم من قایمکی می‌رم.

- چرا نمی‌گذارند برداری؟ می‌گن چشم‌هات ضعیف می‌شه؟

نه... چون که خودشون فکر می‌کنن اون موقع کار دارن، اما کار ندارن. برا همین هم من قایمکی برمی‌دارم.

- می‌گند کار دارند؟

آره، اما الکی می‌گن. بعد چند دقیقه بعدش می‌گن کار دارم، اما من حرفشونو گوش نمی‌دم دیگه، همین جور می‌شینم بازم بازی می‌کنم.»

«- نویان پس گفتمی کارتون مرد عنکبوتی رو هم دوست داری؟»

آره، خیلی دوست دارم، ولی مامانم نمی‌ذاره ببینم.

- چرا؟ مگه نگفتمی کارتون با حالیه.

(نویان سرش را به علامت تأیید تکان می‌دهد).

- مرد عنکبوتی بهتره یا کاپیتان زیر شلواری؟

معلومه مرد عنکبوتی، کاپیتان زیر شلواری مال بچه‌هاست.

- چیه مرد عنکبوتی با حال بود؟

(کودک از روی صندلی بلند شد و ضمن در آوردن ژست‌های مرد عنکبوتی گفت): تار می‌اندازه، می‌پره، همه رو دستگیر می‌کنه، تازه هیچیش هم نمی‌شه.

- نگفتمی چرا مامانم نمی‌ذاره، مرد عنکبوتی رو ببینی؟

آخه یه بار از رو مبل پریدم افتادم روی میز، شیشه شکست، دستم پاره شد.

- خیلی دردت اومد؟

بله، خیلی گریه کردم.

- دکتر رفتی؟

بله دکتر بهم آمپول زد (با نوعی احساس غرور جای بخیه را روی دستش نشان می‌دهد).

- از مرد عنکبوتی چیزی داری که با اون بازی کنی؟

نه، قبلاً داشتم، مامانم انداختشون دور، یک لباس مرد عنکبوتی داشتم، عمم خریده بود برام، اما

مامانم انداختش دور.

- می‌بینم روی کیفیت هم عکس مرد عنکبوتیه؟

(کیفش را روی دسته صندلی گذاشت): یه چیزی بگم قول می‌دی به مامانم نگی؟

- حرف‌های ما پیش خودمون می‌مونه، به مامانت هم چیزی نمی‌گم.

من چند تا مرد عنکبوتی دارم، زیر تختم قایمشون کردم (از درون کیفش یک مرد عنکبوتی کوچک

درآورد و به من نشان داد و سپس با دقت در کیفش پنهان کرد).

- این مرد عنکبوتی‌ها رو کی برات خریده؟

یکیش رو آرتام بهم داد، چون دو تا ازش داشت، یکیش رو هم خودم برداشتم، بازی کردم، بهش پس

می‌دم.

- از آرتام اجازه گرفتی؟

نه، ولی بهش پس می‌دم، نمی‌خواهم برای خودم که، بازی کنم، بهش پس می‌دم.

- کی باهاشون بازی می‌کنی؟

وقتی مامانم حمومه.

- آخرین باری که مرد عنکبوتی رو دیدی کی بود؟

چند شب پیش خونه مامان بزرگم، با آرتام تو تبلتش دیدیم، قسمت جدیدش بود، اما من قسمت‌های

قبلیش رو ندیدم، آرتام قراره بیاره خونه مامان بزرگم با هم تو تبلتش ببینیم.

مصاحبه با مادر نویان، ۶ ساله:

- شما تا چه حد روی کارتون‌هایی که نویان می‌بینه، نظارت دارید؟

من خودم کارتون مرد عنکبوتی رو برای نویان دانلود کردم، اما اون همیشه یا تو تلویزیون یا تو

تبلتش، مرد عنکبوتی رو می‌دید، دیگه خسته‌ام کرده بود.

- یعنی چی شما رو خسته کرد؟

خب همش سر و صدا و ادا و اطفار مرد عنکبوتی، بعدش هم مسایه طبقه پایین مدام غر می‌زد که سر

و صدا می‌کنید.

- ولی نویان گفت بعد از آسیب دیدن دستش، کارتون و وسایل مرد عنکبوتی از خانه جمع شد؟

بله. همش رو در و دیوار بود و پپر پپر می کرد، چند بار وسایل خونه رو شکست، چند بار هم بدجوری زمین خورد تا این که آخر افتاد روی میز شیشه‌ای و کارش به بخیه کشید.

- نویان چه قدر کارتون مرد عنکبوتی رو می دید؟

تقریباً همش، وقتی هم که نمی دید، بازیش رو می کرد.

- نویان چه قدر ادای مرد عنکبوتی رو در میاره؟

اگه به خودش باشه، همیشه مرد عنکبوتیه، اما من نگذاشتم.

- چه طوری مانع شدید؟

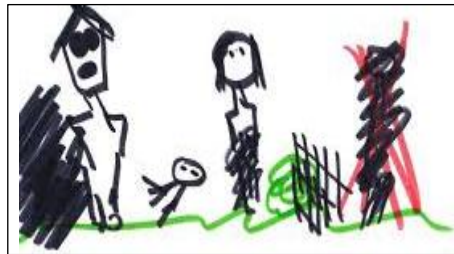
اول کارتون رو ممنوع کردم، بعد ادا درآوردن رو، وسایلیش رو هم جمع کردم، گذاشتم توی انباری.

- نویان وقتی کارتون رو می دید، چه اثری روی اخلاقش مشاهده می کردید؟

اصلاً صبر نمی کرد کارتون تمام بشه، هم زمان می شد مرد عنکبوتی.

- منظورم تقلید از الگو نبود؟

اخلاقش هم می شد مثل اون، گاهی خشن، گاهی هم می گفت مامان من تو رو نجات می دم».



فاطمه ضحی ۶ ساله نیز از مخالفت آتی خود در سال‌های بعد با بیانات پدرش یاد می کند:

«- اگه بزرگ شدی، بابات گفت آرایش نکن، قبول می کنی؟

نه».

در سطحی فراتر، برخی از کودکان پیش دبستانی مصاحبه شده، از مخالفت صریح خود با اولیایشان خبر می دهند. هلنا ۵/۵ ساله و ریحانه ۵ ساله، در مصاحبه‌های خود اظهار می دارند با وجود مخالفت‌های مادر با انجام بازی‌های پسرانه توسط آن‌ها، آنان به دلیل با حال بودن بازی‌های پسرانه، به حرف‌های مادرانشان توجهی نمی کنند:

«- خوب هلنا، دیگه چه بازی‌هایی داشتی؟

دیگه یه موتورسواری، هی تاکسی داشتم، بعدش دو مدل هی تاکسی داشتم، یه دونه موتور، یه دونه ماشین.

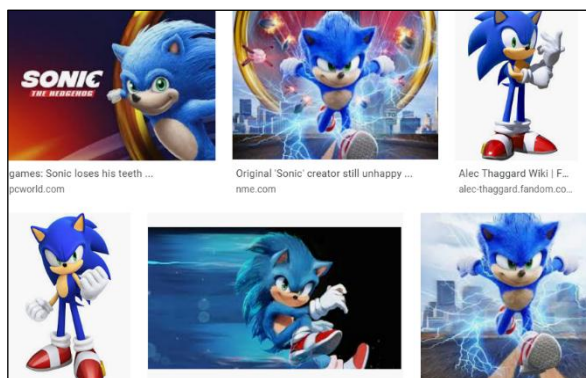
- ماشین بازی رو دوست داری؟

آره، منو آجیم خیلی دوست داریم، من فقط هی تاکسی رو دوست دارم، دیگه هیچ ماشین بازی

دوست ندارم، ولی اون قدر آجیم بازی پسرانه دوست داره، پسر خالمم بازیای دخترانه دوست داره، ولی

من پسر خالمو خیلی دوست دارم، اسمش ایلینا».

- آبجیت چند سالش هست؟  
کلاس ششمه.
- بازی‌های پسرانه کدوم‌ها هستن؟  
مثه ماشین بازی، فوتبال، تفنگ، سونیک.
- سونیک چرا پسرانه هست؟  
چون پسره سونیک.
- بازی‌های دخترانه کدوم‌ها هستن؟  
مثه آرایش‌گری، باربی بازی.
- پسر خاله‌ات چی شده که بازی دخترانه می‌کنه؟  
خیلی خوشش میاد.
- چرا خوشش میاد، تو نمی‌دونی؟  
کلاً شبیه دختراس خاله، نمی‌دونم چرا.
- تو بازی پسرانه می‌کنی؟  
آره، ولی مامانم می‌گه بازی نکن.
- چرا می‌گه بازی نکن؟  
می‌گه اینا خشنن، برا دخترا خوب نیستن.
- به نظر تو و آبجیتیم خشنن؟  
نه با حالن».



«- ریحانه جون، تو تا حالا بازی پسرانه داشتی؟  
آره.

- بازی‌های پسران کدوم‌ها هستن؟  
مثه تفنگ بازی، فوتبال، ماشین بازی، پلیس بازی.

- چرا ماشین بازی پسرانه هست؟
- پسرا بازی می‌کنن.
- مگه تو بازی نمی‌کنی؟
- چرا، ولی مامانم می‌گه پسرانه ان.
- چرا نمی‌خواستی بازی پسرانه‌ها رو مامانت ببینه؟
- چون می‌گه پسرانه نباید دخترا بازی کنن.
- چرا مگه بازیای پسرانه چه طورین؟
- بازیای پسرانه می‌گه آدم کشیه، خشنه.
- مامانت می‌گه خشنه؟
- آره.
- مامانت نمی‌گه چرا بازی‌های خشن نباید بکنی؟
- چرا می‌گه، ولی با حالن».



- ویونای ۶ ساله، در برابر مخالفت مادر، اظهار می‌دارد که «مادرم الکی به من گیر می‌دهد». مطهره و دانیال ۶ ساله هم در گامی فراتر از تردید یافتن نسبت به دیگر پیروی از مادر بیان می‌دارند که تخطی از امر و نهی مادر برای آنان به مثابه امری لذت‌بخش است:
- «- خوب ویونا، اینستاگرام چه کار می‌کنی مامانت نفهمه؟
- مامانم اینستا نداره، نمی‌فهمه.
- یعنی نرم افزارشو داری تو گوشیت؟
- آره خودشو دارم، فقط بلد نیستم.
- از وقتی خریدم اینستا تو گوشیم بود.
- مامانت از اینستا هم خوشش نمیداد؟
- نه، ببینه دعوام می‌کنه. مامانم از تلگرامم خوشش نمیداد، مال خودشو پاک کرده.
- چرا مال خودشو پاک کرده؟
- می‌گه فقط وقت آدم رو می‌گیره.
- پس بهت می‌گه تلگرام نداشته باش؟

- نه با تلگرامم کاری نداره، از واتس آپ بدش میاد.
- دعوا کنه، چه کار می کنی؟
- در اتاق رو قفل می کنم، می رم گریه می کنم.
- به نظرت دلیل خاصی داره که مامانت می گه اینستا و واتس آپ نداشته باش؟
- نه، به نظرم الکی گیر می ده».



- «- تا حالا از عموپورنگ چه چیزهایی یاد گرفتی؟
- عموپورنگ چیزای خوب زیاد می گه، مثلاً می گه ما اجازه نداریم زیاد با تبلت و گوشی مامانمون استفاده کنیم یا این که می گه، اصلاً نباید بدون اجازه مامان و بابام برم اینترنت.
- خوب تو گوش می دی به حرفش؟
- آره، ولی نیکا می گه این طوری بیش تر حال می ده.
- چه طوری؟
- همین طوری که یواشکی بریم عکس باربی ببینیم تو اینترنت».



- «- دانیال تا حالا شده مامان یا بابات بگن بسه دیگه، چه قدر بازی می کنی؟
- بله شده، نه نشده.
- اشکال نداره بگی ها، مامانم به داداشم که همسن تو هست، خیلی وقتا می گه با تبلت کم بازی کن.
- خب پس شده.



- بعد تو گوش دادی؟

آره، گوش می‌دم.

- پرهام داداشم بعضی وقتا گوش نمی‌ده، هر چی می‌گیم.

خب منم گوش نمی‌دم، بعضی وقتا.

- چرا؟

چون مزه می‌ده خاله».



سوگند ۴ ساله، در پاسخ به این سوال که اگر پدرت بازی‌های تو را حذف کند، چه کار می‌کنی، بیان می‌دارد که پدرش را می‌زند. پارسای ۶ ساله نیز با وجود مخالفت‌های مادر در کاربری از بازی‌های نامناسب، مخالفت فعال را پیشه خود کرده، دوباره به نصب همان بازی پرداخته است:

«- بازی‌ها رو دوست داری؟

آره.

- اگه بابات حذفش کنه چه کار می‌کنی؟

باهاش قهر می‌کنم، می‌زنمش.

- چرا مگه بابات رو دوست نداری؟

دارم، اما بازیمو حذف کنه، ندارم».

«- پارسا مامانت می‌دونه چه بازی‌هایی می‌ریزی؟

آره، ولی یکیشو نمی‌دونست، بعد که فهمید پاکش کرد. دوبار ریختمااا بازی رو، ولی هر دو بار رو فهمید پاک کرد.

- چه جوری بود که مامانت نفهمید؟

اون روز سرش درد می‌کرد، بازی‌هام رو نگاه نکرده بود تا یه مدت من بازی می‌کردم، بعد یهو فهمید.

چشمش نخورده بود قبل از اون.

- چند وقت بازی می‌کردی که بعد مامانت نفهمید؟

امممم نمی‌دونم، ولی فکر کنم یه ماه اینا بود، آخه برده بودم اون بازی رو صفحه آخر گوشی مامانم،

بعد مامانم اون صفحه آخر رو اصلاً نگاه نمی‌کرد، برای همون نفهمیده بود.

- از کجا یاد گرفتی که ببری صفحه آخر؟





سامیار ۶ ساله هم در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، او نه تنها حرف مادرش مبنی بر رفتار مقید و دینی را نمی‌پذیرد، بلکه برای پیشبرد خواسته‌های خودش، همان‌گونه که از الگوی مورد علاقه رسانه‌ای خودش فراگرفته است، بر سر مادرش داد می‌کشد:

«- می‌دونی کنگ مال کدوم کشوره؟

حتماً خارجیه.

- چه کشورهایی از خارج رو می‌شناسی؟

آمریکا که خیلی با حاله، خوشالن، هر کاری می‌خوان می‌کنن، خوبه دیگه. جزیره گمشده هم حتماً آمریکاییه، چون خیلی با حاله.

- این‌ها رو از کجا می‌دونی، مگه تو آمریکا رفتی؟

نه، از فیلماش دیدم.

- چرا جزیره گمشده آمریکاییه، من فکر کنم ایرانیه.

نه، مطمئنم ایرانی نیست، ایرانیاش به درد نمی‌خوره. دوس ندارم.

- چرا ایرانی‌هاش به درد نمی‌خوره؟

خب دیگه، خوب نیستن. بزنی بزنی نداره، قیافه‌هاشون زشته، ولی مامانم این جوری دوست داره.

- مامانت چه جوری دوست داره؟

مامانم دوست داره همه روسری سرشون کنن، همه نماز بخونن، نرقصن، نخونن. می‌گه بده خدا

دوست نداره.

- گفتی تو هم دوست داری سیکس پک بشی؟

آره. خیلی دوست دارم برم بدنسازی، ولی مامانم نمی‌ذاره. ولی بزرگ شم، حتماً می‌رم.



- چرا مامانت اجازه نمی‌ده بری بدنسازی؟
- می‌دونم. می‌گه خوب نیست برات.
- اگه باز هم مامانت نگذاشت بری بدنسازی، چی؟
- می‌رم، یواشکی به داییم می‌گم. با داییم می‌رم.
- اگه داییت قبول نکرد چی؟
- می‌رم خونه، داد و فریاد می‌کنم.
- داد و فریاد کنی، مامان و بابات عصبانی می‌شن، ناراحت می‌شن، دعوات می‌کنن. اصلاً داد زدن سر پدر و مادر مگه کار بدی نیست؟
- نه. آدم با داد می‌تونه خواسته‌هاشو بگیره، مثله کنگ که زور داره و داد می‌زنه، منم داد و فریاد می‌کنم».



در بررسی دلایل وقوع تردید در دیگرپیروی اقلاری از کودکان از اولیایشان که به سهم خود مسأله جدید و مهم و قابل توجهی هست، می‌توان به برخی از عوامل خانوادگی و اجتماعی اشاره داشت. احساس ضعف پدر و مادر، بیانات متعارض اولیا، مواجه شدن کودک با تعارض‌های ارزشی و هنجاری موجود بین الگوهای رسانه‌ای و اولیا، فشار هنجاری گروه و برخی از تحول‌های اجتماعی مانند: تغییر نسبی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، افزایش توقعات اقتصادی کودکان در پی پررنگ شدن معیارهای رفاه و تجمل‌پرستی در جامعه و ارتقای دید نقادانه کودکان، از جمله عواملی هستند که در ایجاد تردید در دیگرپیروی برخی از کودکان از اولیایشان مؤثر واقع شده‌اند که در ادامه به شرح اجمالی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

برخی از کودکان در توصیف دلایل تردید یافتن خویش به دیگرپیروی از اولیایشان، از ضعف کاربری آنان از فناوری‌های ارتباطی جدید یاد کرده‌اند. به عنوان مثال، پرهام و سپهر ۶ ساله، در مصاحبه‌هایشان بیان می‌داشتند که آن‌ها برای گوشی مادر رمز گذاشته یا گوشی بهم ریخته مادر را درست می‌کنند:

«- خودت تبلت داری یا فقط با گوشی مامانت بازی می‌کنی؟

من تبلت دارم خب، اما با گوشی مامانم بازی می‌کنم.

گوشی مامانت هم رمز داره؟

ها؟ گوشی مامانم رمزشو می‌ذارم، می‌گه بیا درستش کن.

- خودت بازی‌هات رو می‌ریزی؟

ها؟ آره».

«- یعنی مادرت گوشی رو دادش به تو درست کنی؟

آره.

- این قدر واردی؟

آره.

اینستارم داشتم تازه».

احساس ضعف اخیر، احساسی است که کودکان نسل‌های قبل هیچ‌گاه به ادراک و تجربه آن نپرداخته بودند. حرف‌ها و رفتارهای متعارض اولیا نیز به سهم خود در تردید کودکان در دیگرپیروی از اولیایشان مؤثر است. به این معنا که گاهی اولیا شخصاً رفتارهای متعارضی را در برابر فرزند از خود به معرض دید می‌گذارند. در موارد دیگری گاهی اولیا در مواجهه با ارزش‌های متفاوتی که بازی‌های دیجیتال، کارتونها و پویانمایی‌های غرب به کودکان ارایه می‌کنند، درصد برمی‌آیند تا به نوعی ارزش‌های اخیر را که غالباً در تعابیر با ارزش‌های بومی و ملی آنان است، توجیه کنند که کودکان بلافاصله یا پس از گذشت اندک مدتی، با وقوف به بیانات خلاف واقع اولیا، اعتماد و اطمینان خود را به سایر بیانات آن‌ها نیز به میزان زیادی از دست می‌دهند.

با ملاحظه مصاحبه یاسین ۶ ساله، مشخص می‌شود، مادر وی اجازه تهیه تبلت و کاربری از آن را به فرزندش نمی‌دهد، اما در برابر، خودش آنچنان در شبکه‌های اجتماعی غرق است که به بیان یاسین، وقتی بخواهی به گوشی مادر دست بزنی، از شدت گرمی، انگار به آتش دست زده‌اید:

«- آقا یاسین مامانت سرکار می‌ره؟

نه.

- خوب یاسین جون گوشی یا تبلت هم داری؟

گوشی و تبلت ندارم. اما پسرخالم داره. تبلت داره.

- پسرخاله‌ات رو مگه خیلی می‌بینیش؟

آره خاله، تو یه آپارتمانیم. ۱۰ واحد، ۵ طبقه هست. طبقه دومش مال اوناس. طبقه اولش مال ماس.

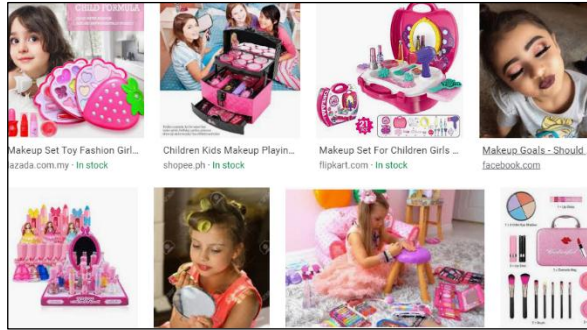
- تو به مامانت نمی‌گی عین محمدحسین، برام تبلت بگیرین؟
- می‌گه حداقل اندازه اون شو. یه کلک برام خریدن. می‌گن پولات رو جمع کن، ۱۰سالت شد، می‌تونم برای خودت یکی بخری.
- پس دیگه بهشون اصرار نمی‌کنی؟
- نه دیگه، خودم می‌رم برای خودم می‌خرم...
- شما هم اینترنت دارید؟
- ما یه سری یه اینترنت شیش ماهه گرفتیم، ۱۰ روزه تمومش کردیم، دیگه بابام نمی‌خره.
- تو که تبلت نداری، پس چرا این قدر زود اینترنت خونتون تموم شد؟
- مامانم خیلی از گوشی استفاده می‌کنه، مثلاً می‌خواه یه لحظه گوشیشو بگیرم، انگار به آتیش دست زدی انقده که داغه.
- مامانت مگه چه برنامه‌ای تو گوشیش داره که این قدر ازش استفاده می‌کنه؟
- تلگرام داره، اووو تو تلگرامش بزن و بکوبه».



- اظهارات پربای ۶ ساله و فرزام ۶/۵ ساله در مصاحبه‌هایشان، نمونه‌های بارزی از تعارض ارزشی اولیا و آن‌چه الگوهای مطلوب طبع کودکان از آن سوی آب بدان‌ها القا کرده‌اند را به نمایش می‌گذارند:
- «- خوب دیگه السا چه کارهایی می‌کنه که تو دوست داری انجام بدی؟
- آرایش می‌کنه.
- تو هم دوست داری از وسایل آرایشی استفاده کنی؟
- آره، ولی مامانم نمی‌ذاره، می‌گه این وسایل مال بزرگ‌ترها هست.
- تو حرفش رو قبول داری؟
- نه، بعضی وقتا یواشکی می‌رم وسایلم رو برمی‌دارم و رژ می‌زنم و زود پاک می‌کنم.
- فکر نمی‌کنی اگه مامانت بفهمه آرایش کردی، ناراحت می‌شه؟
- نه، زود آرایشمو پاک می‌کنم، دیگه نمی‌فهمه.
- چرا دوست داری آرایش کنی؟
- خب این جور آدم خوشگل‌تر می‌شه.

- خوشگل یعنی چه جورى؟

یعنی مثلاً لبات قرمز باشه، صورتت سفید باشه، مثل باربی ها».



«- فرزام اون دختره که اسپایدرمن با اون می ره این ور و اون ور و نجاتش می ده، کیه؟

مامانم می گه نامزدشه... ولی من می دونم، دوست دخترشه.

- این رو تو از کجا می دونی؟

همه می دونن.

- دوست هات هم می دونن؟

آره!

- از کجا فهمیدن؟

(با مکث) آدم می فهمه دیگه... .

- کسی بهتون گفته یا خودتون فهمیدید؟

خب... اوووم... هم بهمون گفتن، هم خودمون فهمیدیم.

- می شه به ذره بهم توضیح بدی؟

خب... مثلاً من عمه ام هم دوست پسر داره... همه اش می رن بیرون.

- چی شد که فهمیدی اون دختره دوست دختر اسپایدرمنه، نه نامزدش.

چون با هم زندگی نمی کنن تو به خونه.

- دیگه چی؟

با هم دیگه هم خیلی مهربونن.

- مگه زن و شوهرها با هم خوب نیستن؟

نه.

یعنی اون هایی که با هم مهربونن، به نظرت دوست پسر دوست دخترن؟

بله.

- چی کار می کنن که می گی با هم مهربونن؟

به هم می‌خندن... می‌رن رستوران... می‌رن سینما... کادو می‌دن به هم... به هم می‌خندن... زنگ می‌زنن به هم... کمک می‌کنن به هم... .

- یعنی دوست پسر، دوست دخترها این جور هستند؟  
آره.

- دیگه از کجا می‌فهمی که دو نفر، دوست پسر و دوست دختر هستند؟  
عروسی نکردن!

- عمه‌ات که دوست پسر داره، به مامان بزرگ، بابا بزرگت این رو می‌گه؟  
نمی‌گه!

- مگه اون‌ها چی کار می‌کنن؟  
دعوا!

- خوب به نظرت چرا دعواش می‌کنن؟  
چون پیرن!

- این کارشون درسته یا غلط؟  
غلط!

- چرا؟

خب بد نیست دیگه... همه دارن.

- یعنی مامان بزرگ و بابا بزرگت که این حرف رو می‌گن، قدیمی‌ان؟  
آره.

- این‌ها رو خودت فهمیدی یا بهت گفتن فرزام؟  
جفتش.

- چرا دختره همه‌اش منتظره اسپایدرمن بیاد نجاتش بده و چرا خودش خودش رو نجات نمی‌ده؟  
خب ضعیفه دیگه خاله... دختره... لوسه.

- تو کارتون اسپایدرمن همه‌اش اسپایدرمن دختره رو نجات می‌ده، آره؟  
آره دیگه... اون باید نجاتش بده.

- دوست دخترش چه شکلیه فرزام؟  
مو طلاییه.

- مو طلایی‌ها خوشگلن؟

نمی‌دونم... ولی مامانم موهاشو طلایی رنگ می‌کنه. لنز هم می‌ذاره... ولی بابام رو بوس نمی‌کنه، مثل دوست دختر اسپایدرمن.

- خوب خیلی‌ها همدیگه رو بوس می‌کنن فرزام... منم که اومدم خونتون، مامانت رو بوس کردم.



(با خنده) اون بوس‌ها فرق می‌کنه!

- این رو از کجا فهمیدی؟

همه می‌دونن!

- با دوست‌ها دربارهِ این چیزها حرف می‌زنی؟

آره!

- تو نمی‌دونستی؟

نه!

- بعد چرا اون‌ها بهت گفتن؟

من خودم پرسیدم.

- چرا؟

می‌خواستم بدونم.

- توی فیلم یا کارتون دیده بودی؟

آره.

از کی پرسیدی؟

از یکی.

- چرا از مامانت نپرسیدی؟

اون بهم نمی‌گفت.

- تو هم دوست داری کسی بوست کنه؟

الآن بچه‌ام... ولی بزرگ شدم، دوست دخترم باید منو ببوسه... خاله این‌ها رو نگی به مامانما!

- نمی‌گم!

- حالا اون دوستت این چیزها رو از کجا می‌دونست؟

اووم... نمی‌دونم!

- به من بگی به کسی نمی‌گمها!!

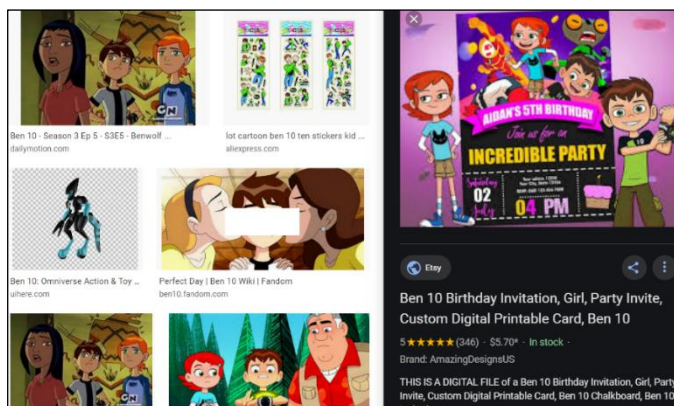
خب... فکر کنم خودش فهمیده بود.

- دوست دختر داشته باشی، نجاتش هم می‌دی؟

باید نجاتش بدم.

- چرا باید؟

پسرها باید دخترها رو نجات بدن دیگه».



نازنین ۶ ساله هم در مصاحبه خود بیان می‌داشت، مربی مهد آنان می‌گوید، اگر شما بدون اجازه به گوشی مادرتان نگاه کنید، خداوند نعمت چشم‌هایتان را از شما می‌گیرد، اما مادرش به او گفته است که تو خودت خانمی و عقل و شعور داری که چه چیزی را بینی و چه چیزی را نبینی.

سپهر و امیر محمد ۶ ساله هم به شکل مشابهی بیان داشته‌اند که پدرشان از آن‌ها می‌خواهد که با تبلت حداکثر یک ساعت بازی کنند، اما خودشان برای چندین ساعت مشغول بازی با تبلت یا تلفن همراهشان می‌شوند.

علاوه بر عوامل خانوادگی پیش‌گفته، عوامل بین فردی و اجتماعی نیز در ایجاد تردید در کودکان نسبت به تبعیت آنان از اولیایشان مؤثر واقع آمده‌اند.

فشار هنجاری گروه و افزایش اثرپذیری کودک از دوستانش، یکی از عوامل بین فردی قابل توجهی است که نباید ناگفته از آن گذشت. درباره شکل‌گیری و اهمیت و تأثیر گروه همسالان باید بیان داشت: کودکان تا حدود ۳-۲ سالگی به تنهایی بازی می‌کنند و حتی وقتی در کنار هم هستند، تمایلی به بازی با هم نشان نمی‌دهند.

در ادامه تحول کودک، کودکان در حالی که باز هم به تنهایی مشغول بازی با خود هستند، ممکن است اسباب بازی‌هایشان را با یکدیگر عوض کنند، اما در گذر زمان، کودکان بازی با همدیگر را شروع می‌کنند و به این ترتیب گروه‌های کوچک ۳-۲ نفره‌ای از اعضای هم‌جنس یا غیرهم‌جنس را تشکیل می‌دهند و از حدود ۶-۵ سالگی به بعد، گروه کودکان خردسال شکل جدی‌تری به خود گرفته، می‌توان از تشکیل گروه به شکل مشخص‌تری در آنان یاد کرد.



کودکان در گروه ضمن آن که به تدریج شناخت لازم از نقاط قوت و ضعف خویش را به دست می‌آورند، در جمع دوستانشان به یادگیری رفتارهایی که برای آینده نیازمند آن هستند، می‌پردازند، ابراز وجود کرده و از ابراز وجود خویش احساس خرسندی می‌کنند. کودک در گروه با دوستانش در پیشبرد امور مختلف مشارکت داشته، با همیاری آنان اهدافی را محقق می‌کند، به دوستانش توجه و محبت کرده و از آنان توجه و محبت متقابل به دست می‌آورد، با گروه بازی می‌کند، در برد گروه به عنوان «مایی» جدید احساس لذت و شادمانی دارد و در جریان باخت گروه (نظیر باختن در بازی فوتبال)، احساس ناکامی می‌کند، اما نکته مهمی که در ارتباط با گروه همسالان باید به آن توجه داشت، مسأله انتظار همنوایی در گروه هست، به این معنا که یک کودک به شرطی می‌تواند از حمایت و همراهی گروه برخوردار شود که همنوایی لازم را با گروه نشان دهد و در صورتی که کودکی بخواهد بدون توجه به ارزش‌های گروه، مسیر مستقل خود را پیش گرفته و طبق خواست درونی خویش عمل کند، گروه به منزوی کردن و احیاناً طرد وی دست خواهد زد.

از الزام پنهانی که جهت حفظ انسجام گروه و تبعیت افراد گروه از هنجارها و ارزش‌های آن وجود دارد، با عنوان فشارهنجاری گروه یاد شده است که طی آن از کودکان عضو گروه خواسته می‌شود تا برمبنای همان هنجارها و ارزش‌ها عمل کند و در غیر این صورت، کودک از سوی جمع زیر فشار نسبی تا شدید قرار می‌گیرد.



بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارند، در حال حاضر در سطح گروه‌های همسالانی که در مهدکودک‌ها، پیش دبستانی‌ها، محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی وجود دارند، علاوه بر مواردی مانند نگاه مثبت و تفاخرجویانه کودکان پیش دبستانی به برخورداری از وسایل فناوری (نظیر تبلت، ایکس باکس و احیاناً گوشی همراه) و کاربری از این فناوری‌ها، یکی از جریان‌های اجتماعی موجود در سطح همسالان پیش دبستانی، تلاش برای اثبات «بیچه نبودن» است، به این معنا که برخی از جذابیت‌های جهان بزرگسالان (مانند کاربری از انواع تولیدهای فضای مجازی یا عضویت در شبکه‌های اجتماعی)، سبب می‌شود کودکان ۵-۶ ساله برای بهره‌مند شدن از امتیازهای اخیر، با دست زدن به انجام بعضی از اموری که متعلق به جهان بزرگسالان است (نظیر کاربری از بازی‌های فوق‌پرخاشگرانه و زامبی و یا ادبیات هرزه‌نگار)، در عمل به دوستانشان ثابت کنند، آن‌ها هم بزرگ هستند و در برابر کسانی را که عُرضه

کاربری از موارد پیش گفته را ندارند، بچه یا سوسول یا بچه ننه خطابکنند. به عنوان مثال، مهدیار ۶ ساله، در قسمتی از مصاحبه خودش چنین بیان می‌داشت:

«- بلدی برای خودت بازی بریزی؟»

آره دیگه. می‌ری تو اون چیزه که بازی می‌ریزه و اونجا انتخاب می‌کنی.

- مامان و بابات برای تو انتخاب نمی‌کنن، چه بازی‌هایی رو بکنی؟

نه، من دیگه بزرگ شدم و بازی و فیلمای ترسناک ترسناک می‌تونم داشته باشم.»

رضای ۵ ساله، ایلیا و ارسلان ۶ ساله هم در مصاحبه‌های جداگانه خود خاطرنشان کرده بودند که

دوستان آن‌ها، آنان را بچه خطاب کرده‌اند و آن‌ها برای گریز از برچسب بچه‌ای که دوستانشان به آن‌ها

زده بودند، انجام رفتارهای مورد نظر دوستان را پی گرفته بودند:

«- رضا تلگرام داری؟»

نه.

- چرا نداری، خودت دوست نداشتی یا مامان و بابا نمی‌گذارن؟

اونا نمی‌گذارن.

- پس خودت دوست داری که تلگرام داشته باشی؟

آره.

- چرا دوست داری؟

آخه هم علیرضا داره، هم دوستاش.

- خوب یعنی چون اون‌ها دارن، تو هم می‌خوای داشته باشی؟

آره.

- چرا چون اون‌ها دارن، تو هم باید داشته باشی؟

چون اونا به من می‌گن بچه.

- دوست نداری که بهت بگن بچه؟

نه.

- رضا، ولی علیرضا و دوستاش از تو خیلی بزرگ‌تر هستن؟

باشه، منم می‌خوام.»



«- ایلیا تو وقتی مومیایی یا زامبی بازی می کنی، نمی ترسی؟  
نه، ترس نداره که تازشم همه بازی می کنن.

- خوب تا حالا نشده، بعد از این که این بازی ها رو می کنی، خوابشون رو ببینی؟  
چرا یه بار خواب زامبی دیدم که خیلی ترسیدم، گریه کردم. مامانم بهم گفت، از بس از این بازی ها می کنی.

- خوب تو چرا باز هم از این بازی ها می کنی؟  
دوستام این بازی ها رو می کنن، من هم هر وقت برم پیششون، این بازی ها رو می کنم.  
- به دوستهات نگفتی این بازی ها رو می کنین، نمی ترسین؟  
وقتی اولین بار بازی کردم، بهشون گفتم، اونا هم گفتن بچه ها می ترسن، بعدشم ما بچه نیستیم، یه ذره که بازی کنی، دیگه نمی ترسی. بازی هیجانی قشنگیه.

- یعنی دوستهات هم زیاد بازی می کنند؟  
آره دیگه.

- ایلیا تو بیش تر با دوستهات هستی یا خونه؟

دوستام میان خونمون یا من می رم خونشون.

- ایلیا چقدر با دوستهات صمیمی هستی؟  
خیلی.

- مثلاً هر کاری دوستهات بهت می گن، انجام می دی؟  
آره.

- تا حالا شده بازی رو دوستهات برات بریزن؟

قبلنا که با تبلت دوستم زامبی بازی می کردم، گفتم می ترسم، اونم برام این بازی رو ریخت تا ترسم.

- چرا الان دیگه بازی نمی کنی؟

دیگه دوسش ندارم، بیش تر ماشین بازی دوس دارم.

- یعنی اگه دوستهات زامبی بازی کنن، تو بازی نمی کنی؟

نه، ولی نگاهشون می کنم».



ایلیا در ادامه مصاحبه‌اش بیان می‌داشت، با وجود آن که او از بازی زامبی می‌ترسیده است، اما برای آن که از سوی دوستانش تحقیر نشود، به بازی زامبی پرداخته است و در این مسیر چنان آزرده خاطر شده است که می‌خواهد وقتی بزرگ شد، یک هکر بزرگ شود که بازی‌های زامبی را از بین ببرد و یا آن که بازی‌های جدیدی ابداع کند که فاقد ترس باشند.

آرمین ۶ ساله هم در مصاحبه خود از رنجیدگی خاطر خود یاد کرده، در ادامه خواهرش بیان می‌دارد که او با وجود ترس از هیولا، کارتون‌های مبتنی بر هیولا را می‌بیند:

«با دوست‌های خودت پلی‌استیشن بازی می‌کنی؟»

(در ابتدا جواب من را نمی‌دهد، اما در ادامه، با ناراحتی بیان می‌کند) خاله من تبلت ندارم.

- خوب عزیزم من هم ندارم. راستی با دوست‌های خودت چه بازی‌هایی می‌کنید؟

مثلاً نون بیار کباب ببر. دوستانم خیلی هیولا دوست دارن!

(خاله منو بغل می‌کند؟ بغلم می‌آید و می‌گوید: خاله این گوشی شماست، روش بازی داری؟).

- یه بازی دخترونه دارم، بگذار بیارم ببینی.

(گوشی من را گرفته و مشغول انجام یک بازی دخترانه می‌شود که در آن باید لاک ناخن طراحی شود. کمی بعد خسته شده و خودش شروع به گشتن در نرم افزارهای گوشی می‌کند).

- گفתי دوست‌های تو هیولا دوست دارن؟

(آرمین در حال بازی است و درست جواب نمی‌دهد. احساس کردم آرمین از هیولا می‌ترسد و دوست ندارد درباره‌اش صحبت کند، برای همین من هم بحث را ادامه ندادم. اما خواهر آرمین اشاره می‌کند که آرمین از بازی‌های کمی ترسناک یا کارتون‌هایی که هیولاها ترسناک دارند، می‌ترسد و حتی کابوس آن‌ها را هم دیده است ولی تحت فشار گروه همسالان، آن کارتونها را می‌بیند).

ارسلان ۶ ساله هم گزارش می‌دهد برای گریز از فشار هنجاری گروه، خود را منطبق با خواست گروه کرده است:

«... ارسلان تو گفתי می‌خواهید با دیدن دخترها به دوست‌هاتون پُر بدید، اما من یه بچه رو

می‌شناختم که می‌گفت، دیدن دخترا اصلاً کارخوبی نیست که بخوام با اون پُر بدم؟

چرا، خیلیم خوبه.

- چرا خوبه؟

چون بهت نمی‌گن بچه.

تا حالا به تو هم بچه گفتن؟

قبلاً آره.

- چرا گفتن بچه؟

چون دوستانم باهام دوست نبودن و منم دخترا رو نمی‌دیدم.

- دوست‌ها همسن تو بودن؟

نه، خیلی بزرگ بودن.

- یعنی به تو می‌خندیدن، چون دخترا رو نمی‌دید؟  
آره.

- دیدن دخترها رو از کی یاد گرفتی؟  
عباس.

- عباس از کجا یاد گرفته بود؟

دیدش که دوستان می‌رن دخترای واقعی رو می‌بینن، تازه باهاشون حرف می‌زدن.

- چرا شماها برای دیدن دخترهای واقعی نرفتین؟

چون دخترا ما رو بچه می‌بینن، دوستمون ندارن.

- پس چون دوست‌هاتون مسخرتون نکنن، تو و عباس با هم رفتید دخترها رو ببینید؟  
آره.

- تو تا حالا تو کارتونی دیدی که پسرها باید بزرگ بشن تا دخترها

رو ببینن؟

آره.

- از کدوم کارتون دیدی؟

همونی که تو جم می‌بینیم.

- همونی که تو و عباس با هم می‌بینین؟

آره.»



تحولات اجتماعی و تغییر نسبی ارزش‌های اجتماعی مقوله مهم دیگری است که باید در تبیین تحولات روان‌شناختی نسل خردسال بدان توجه داشت.

با گسترش فضای آزاد اطلاعاتی، در عمل افراد در زمینه‌های واحد، با سناریوهای متفاوتی روبرو می‌شوند که این امر به سهم خودش سبب می‌شود دید افراد انتقادی‌تر شود. به همین ترتیب، رنگ باختن اندیشه‌های ایدئولوژیک و جایگزین شدن تفکرهای مبتنی بر دنیاطلبی، سبب شده است که رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی از سویی و غرب‌گرایی از سوی دیگر، در بسیاری از شهروندان، از جمله کودکان پیش‌دبستانی، بروز و ظهور و نمود یابند.

مصاحبه‌های فاطمه ۵ ساله و آسانای ۶ ساله، نمود گویایی در جهت تغییر نسبی ارزش‌های اجتماعی را به دست می‌دهند:

«- اسمت چیه خانمی؟

آیسا و فاطمه.

- بالاخره آیسا یا فاطمه؟

می‌دونی من دو تا اسم دارم.

- خوب؟

یکیش تو شناسنامه، یکیشم توی بیرون.

- چرا دو تا اسم داری؟

چون مامانم دوس داره اسمم فاطمه و این چیزا باشه، ولی من دوست ندارم.

- آیسارو کی انتخاب کرده؟

خودم به خالم گفتم بیا به اسم جدید پیدا کنیم با هم گشتیم، از این خوشم اومد».

«- بیش‌تر دوست داری مثل مامانت باشی یا السا؟

السا.

- چرا؟

خب با حال‌تره.

- بیش‌تر خوش می‌گذره و بیش‌تر خرید و این‌ها می‌کنن؟

آره.

- آگه کسی بگه خیلی نمی‌تونید خرید و این‌ها بکنید چی؟

اون وقت قبل این که این چیزها رو بگن، ما با السا همه چی می‌خریم».

ارتقای دید نقادانه کودکان، از دیگر تبعات تحولات اجتماعی است که انعکاس آن در سطح کودکان

پیش دبستانی قابل ملاحظه است.





گذشته از برخورد کودکان با جریان آزاد اطلاعاتی، از آنجا که در حال حاضر کودکان در جریان کاربری خویش از بازی‌های دیجیتال، کارتون‌ها و پویانمایی‌ها، به طور عمده از محصولات غربی سود می‌برند، در عمل با جلوه‌های مختلف فرهنگ غربی مواجه شده، دلبستگی نسبی به آن‌ها پیدا می‌کنند، اما موارد اخیر، در غالب موارد با فرهنگ بومی کودکان کاربرکارتون‌ها و پویانمایی‌ها تعارض نسبی یا شدید دارند و همین شرایط سبب می‌شود، کودکان در دوراهی انتخاب نمادهای فرهنگی بومی یا غربی، مجبور به انتخاب شده، در ادامه از انتخاب خویش دفاع به عمل بیاورند که این مسأله به ارتقای نسبی دید نقادانه آنان می‌انجامد.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، تزلزل نسبی دیگرپیروی برخی از کودکان از اولیایشان، شرایط را برای ارتقای دید نقادانه آنان فراهم می‌آورد.



مجموعه موارد مواجهه با جریان آزاد اطلاعاتی، ترجیح نسبی ارزش‌های فرهنگی غرب که از طریق کارتون‌ها و پویانمایی‌ها به کودکان انتقال می‌یابد و تزلزل نسبی دیگرپیروی از اولیا، در مجموع سبب می‌شوند، کودکان که به دلیل فقدان تفکر انتزاعی و دیگرپیروی اخلاقی کار چندانی با نقد اجتماعی نداشتند، در برخی از مواقع دست به نقد اجتماعی بزنند.



آرمین ۶ ساله، در مصاحبه خود نمونه‌ای از ارتقای دید نقادانه کودکان دهه ۹۰ را به معرض دید گذارده است:

«آرمین تو چه کارتونی رو دوست داری نگاه کنی؟»

بن تن رو خیلی دوس دارم.

- چرا دوستش داری؟

آخه بن تن خیلی قویه.

- چه کار می‌کنه که می‌گی قویه؟

بن تن یه ساعت داره که می‌زنه رو صفحه ساعتش، تبدیل به یه موجود عجیب و غریب می‌شه.

- تو هم دوست داری یه ساعت مثل ساعت بن تن داشته باشی؟

یه ساعت مثل ساعتش دارم، ولی هر چی می‌زنم روش، نمی‌دونم چرا کار نمی‌کنه.

- دلیلش رو از کسی پرسیدی؟

از بابام پرسیدم.

- چی گفت بابات؟

بابام می‌گه بن تن یه موجود خیالی واقعیت نداره، ولی من می‌دونم که بن تن هست و وجود داره.

- دوست‌ها هم نظر تو رو دارن؟

آره. به نظر ما این ساعتایی که به ما می‌فروشن، واقعی نیست.

- اگه ساعتی که براتون خریدن واقعی بود، باهاش چه کار می‌کردی؟

همون کارایی که بن تن می‌کنه.

- بن تن مگه چه کار می‌کنه؟

به مردم کمک می‌کنه، با آدمای شرور و غریبه‌هایی که می‌خوان کره زمین رو از بین ببرن مبارزه می‌کنه.

- به نظرت آدمای شرور و غریبه‌ها برای کدوم کشورن؟

آمریکا.

- چرا؟

چون تو تلویزیون و خیابونا می‌شنوم که همش می‌گن مرگ بر امریکا.

- به نظرت چرا می‌گن مرگ بر امریکا؟

آخه بابام می‌گه امریکایی‌ها مثل آدمای شرور که می‌خوان کره زمین رو نابودکنن، اونام می‌خوان

ایرانیا رو از بین ببرن.

- به نظر تو هم همین طوره؟

نه.

- پس نظر تو چیه؟  
امریکایی‌ها خیلی خوبن، اونا نمی‌خوان ایرانیا رو نابود کنن.  
- دوست‌هاات چه نظری دارن؟  
اونام مٹ من فکر می‌کنن.  
- چرا همچین نظری دارین؟  
آخه بن‌تن که آمریکاییه، به کسایی که مظلومن کاری نداره.  
- به نظر تو ایران کشور مظلومیه؟  
آره.  
- چرا، از چه نظر مظلومه؟  
نمی‌دونم بابام می‌گه مظلومه.  
- دوست‌هاات چی، اون‌ها هم می‌گن ایران کشور مظلومیه؟  
آره.  
- آرمین توگفتی که دوست داری بزرگ شدی بری آمریکا، به من می‌گی برای چی؟  
چون بن‌تن و اسپایدرمن اونجا هستن.  
- یعنی اگه بن‌تن و اسپایدرمن تو کشور چین بودن، تو چین می‌رفتی؟  
نه، من می‌دونم که بن‌تن و اسپایدرمن امریکایی‌ان.  
- یعنی تو فقط به خاطر بن‌تن و اسپایدرمن می‌خوای بری آمریکا؟  
نه.  
- پس برای چی می‌خوای بری؟  
چون که مدرسه‌های اونجا دخترا و پسرا با همون، ماشیناش باکلاسن، شهر بازیاش از اینجا بزرگ‌تره.  
- اگه توی ایران هم مدرسه‌هاش پسرا و دخترا با هم باشن، بعد از اون ماشین باکلاسا توی ایران هم بسازن، شهر بازیاش رو هم مثل اونجا بزرگ بسازن، تو دیگه نمی‌ری امریکا و ایران می‌مونی؟  
نه، من می‌خوام برم آمریکا.  
- چرا؟ همون چیزهایی که دوست داری، اینجا هم همون‌ها رو داشته باشیم، باز هم می‌ری؟  
آره، اولش چون که امریکا کشور قهرمانای منه، بعدشم اول اینا رو امریکا داشت، اگه اینجا بسازن اونا رو، این کارشون می‌شه تقلب کردن.  
- خوب مگه چی می‌شه؟ یه چیز خوب رو می‌تونن تقلب کنن دیگه؟  
نه، اینجا اگه می‌تونن یه چیز دیگه بسازن، ماها ازشون خوشمون بیاد.  
- مثلاً اینجا چی بسازن که تو خوشت بیاد و نری آمریکا؟  
هر چی بسازن، من بزرگ شدم می‌رم آمریکا.  
- بابا و مامانت هم دوست دارن با تو بیان آمریکا؟

بابام آره، ولی مامانم می گه نه.

- چرا مامانت می گه نه؟

آخه می گه، من دلم برای خانواده ام تنگ می شه.

- بابات چرا دوست داره بره امریکا؟

بابام می گه پول اونجا خیلی با ارزش تر از پول ایرانه. بابام می گه این پولی که اینجا درمیارم، اگه تو

امریکا دربیارم، می تونیم کلی باهاتش وسیله های خوب بخریم.

- اگه مامانت راضی نشه باهاتون بیاد امریکا، تو و بابات می رین؟

بابام داره مامانمو راضی می کنه.

- اگه راضی نشد چی؟

بازم می بریمش. اگه اونجا زندگی کنه، اصلاً دوس نداره بیاد ایران.

- چرا؟

چون اونجا همون جوریه که مامانم دوس داره.

- چه جوریه مگه؟

مامانم از این که به لباس پوشیدنش گیر بدن خوشش نیاد. تو آمریکا هم کسی به لباس پوشیدن

آدما کاری نداره. هر کسی می تونه لباسایی رو که دوس داره رو بپوشه. کلی هم بهمون خوش می گذره.

- مگه مامانت چه جور لباس پوشیدنی رو دوست داره؟

از اون لباسایی که خانمای خارجی می پوشن دیگه.

- گفتمی دوست هات هم بزرگ شدن می خوان برن آمریکا، اون ها رو می دونی برای چی می خوان

برن؟

پارسا خیلی شکموعه، اون جا هم از این ساندویچا و شکلاتای بزرگ درست می کنن که پارسا

عاشقشونه.

امیرم می خواد دکتر شه، برای همین می خواد بره اونجا درس بخونه. میلادم می گه می خوام برم

آمریکا درس بخونم پلیس شم و مٹ اسپایدرمن با آدمای بد بجنگم.

علی خیلی بچه ی ترسواویه. می گه بریم آمریکا دیگه از این که کشورمون می خواد جنگ بشه

نمی ترسیم (می خندد).

- دوستت پارسا فقط به خاطر ساندویچ و شکلات های امریکا می خواد بره اون جا؟

آره خاله، پارسا خیلی شکموعه، بعدشم عشق بن تن هم هس، می گه می رم اون جا هم غذاهای

خوشمزه می خورم، هم با بن تن می ریم با دشمنای جنگیم.

- امیر چرا اینجا درس نمی خونه که دکتر بشه؟

دایی امیر داره دانشگاه آمریکا درس می‌خونه، می‌گه که اون جا دانشگاه‌هاش خیلی بهتر از ایرانه، امیرم می‌گه من می‌رم اون جا یه دکتر خوب می‌شم.

- میلاد چرا اینجا رو دوست نداره؟

میلاد تو یه فیلمی پلیسای آمریکا رو دیده، هم از لباسشون خوشش اومده، هم از کاراشون. می‌گه برم اونجا درس بخونم، مٹ پلیسای اونجا می‌شم، بعدشم مٹ اسپایدرمن با آدمای بد می‌جنگم.

- علی هم که فقط از جنگ می‌ترسه؟

آره این جوری که خودش می‌گه، ولی باباشم تو آمریکا یا کانادا نمی‌دونم کدومشونه کار پیدا کرده، می‌خوان برن اون جا.

- تو دوست نداری مثل امیر و میلاد رفتی آمریکا، درس بخونی؟

چرا دیگه، وقتی رفتم اون جا درسمم می‌خونم، منم می‌خوام مٹ میلاد پلیس شم.

- تو چرا می‌خوای پلیس بشی؟

مٹ اسپایدرمن آدمای بدکار رو دستگیر کنم، اونا رو تنبیه کنم».



افزایش توقعات اقتصادی کودکان که در پی افزایش رفاه‌طلبی، تجمل‌پرستی و رانت‌خواری‌های مختلف افراد بزرگ‌سال در جامعه پدید آمده است، از دیگر تحول‌های اجتماعی است که موجبات اختلاف بین کودک و اولیایش را پدید آورده، خود به خود به تردید در دیگر پیروی کودکان از اولیایش می‌رسد.

فرزام ۶/۵ ساله، در مصاحبه‌اش از توقعات بالای خویش که به تبع تحول‌های اجتماعی جامعه رخ داده است، به شرح زیر یاد می‌کرد:

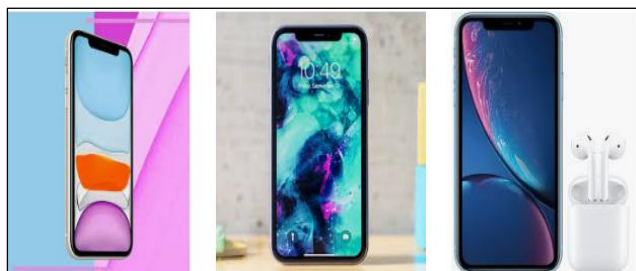
«... من ایل می‌خواستم... مامانم گفت گرون شده و می‌خواد سامسونگ بخره... من نخواستم... اون‌ها هم نگرفتن... اصلاً از اولشم نمی‌خواستن بخرن... بهم کلک زدن.

- چرا؟

خب معلوم بود دیگه خاله... هر دفعه من می‌گفتم گوشی می‌خوام، به هم نگاه می‌کردن.

- ناراحتی که نگرفتن؟

(می‌خندد) نه. از گوشی خودش استفاده می‌کنم، اون قدر تا باطریش خراب شه».



با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، عواملی مانند احساس ضعف پدر و مادر، بیانات متعارض اولیا، مواجه شدن کودکان با تعارض‌های ارزشی و هنجاری که بین آموزه‌های اولیا و آموزه‌های کارتون‌ها و پویانمایی‌های غربی که آنان کاربر آن هستند، وجود دارد، تغییر نسبی ارزش‌ها و هنجاری‌های اجتماعی، ارتقای دید نقادانه کودکان و افزایش توقعات اقتصادی کودکان (که غالباً خانواده‌ها امکان پاسخ بدن‌ها را ندارند)، در مجموع برخی از کودکان را به این نتیجه می‌رساند که می‌توان دیگ‌پیروی از اولیا را به شکل نسبی یا به صورت کامل به حالت تعلیق درآورد و آن گونه که خود احساس کرده یا رسانه‌ها و همسالانشان به آنان القا می‌کنند، رفتار کنند.

بنابراین اگر چه اخلاق دوران کودکی، اخلاقی دیگ‌پیرو است، اما در اخلاق کودکان پیش دبستانی، خاصه در خانواده‌هایی که روابط مشفقانه‌ای با فرزندشان ندارند، تردیدهایی در دیگ‌پیروی کودکان از اولیایشان پدید آمده است و نکته اخیر به این معنا است که بسیاری از کودکان برخلاف دوران گذشته که تنها از یک مأخذ و مرجع ارزشی برخوردار بودند، کودکان در حال حاضر تدریجاً به سمت و سویی هدایت می‌شوند که با داشتن چندین مأخذ و مرجع ارزشی که بعضاً در تنافر با هم‌دیگر هم هستند، تعارض‌های جدی و شدیدی را با اولیا، اولیای آموزش پیش دبستان و اولیای فرهنگی نظام تجربه کنند.



## ۲۱-۲- زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک

کودکان در حدود ۱۱-۲ سالگی خویش از لحاظ اخلاقی، دیگ‌پیرو هستند و علاقه‌مند هستند با یافتن الگوی مورد نظرشان (که ممکن است اولیای خودش، اطرافیان و یا الگوهای مطرح شده توسط نهادهای فرهنگی و رسانه‌های داخلی یا رسانه‌های خارجی باشند)، دست به تقلید از آن‌ها بزنند.



همان گونه که در عنوان «تردید در دیگرپیروی از والدین» آمد، گاهی الگوهای مورد علاقه کودکان ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های اولیایشان را در خود به نمایش می‌گذارند و کودک در تعارض پدید آمده بین ارزش‌های مورد تأیید اولیا و الگوهای مورد علاقه خودش، متوجه الگوهای مورد علاقه‌اش می‌شود به این ترتیب، در دیگرپیروی خویش از اولیایشان تردید می‌یابند، اما در برخی از مواقع، کودکانی که به تبعیت از اوامر و نواهی اولیایشان دست می‌زنند، در تعامل با اولیایشان، با مواردی مواجه می‌شوند که این موارد ممکن است ذهنیت آنان را در آینده نسبت به اولیای خودشان مخدوش کرده، اسباب فاصله‌گیری آنان را از اولیا فراهم آورند. برخی از مهم‌ترین این موارد، ارایه حرف‌های نادرست از سوی اولیا به فرزند، احاله برخی از امور به آینده (با هدف فراموش شدن خواست فرزند) و ارایه بیانات نادرست برای استمالت جویی عاطفی از فرزند است.



برخی از اولیایی که از کاربری فرزندشان از بازی‌های دیجیتال، کارتونها و پویانمایی غربی راضی نیستند، ممکن است با پاک کردن بازی‌های مزبور، به فرزند بگویند که دیگر نمی‌توان بازی‌های پاک شده را اعاده کرد، در حالی که کودک آنان در گذر زمان و در تعامل با دوستانش، متوجه می‌شود که بازی‌های اخیر را به سادگی می‌توان از سایت‌های مختلف، پیاده‌سازی و دریافت کرد. در موارد دیگری اولیا در برابر درخواست خرید البسه و وسایل قهرمان‌های مطرح در کارتونها و بازی‌های دیجیتال، به دروغ به فرزندشان می‌گویند که چنین وسایلی در فروشگاه‌های شهر آنان یافت نمی‌شود که باز هم با گذشت زمان، بلافاصله کودک با خلاف بودن اظهارات اولیا مواجه شده، نسبت به بقیه حرف‌های آنان نیز تردید می‌یابد.

مصاحبه‌های هستی ۶ ساله، نرگس ۵ ساله و نازنین زهرای ۶ ساله، همگی نمونه‌هایی از این دست را به معرض دید نهاده‌اند:

«- هستی دوستان‌ها هم کارتون می‌بینن؟

آره، می‌بینن.

- خوب اون‌ها چه کارتون‌هایی می‌بینن؟

اونا رو نمی‌دونم، اونا بیش‌تر فیلم خارجی می‌بینن، چون ماماناشون خارج رو پاک نکرده.

- از کجا می‌دونی فیلم خارجی می‌بینن؟

چون میان تعریف می‌کنن، مثلاً دیشب تو سریال چی شده.

- وقتی تعریف می‌کنن، تو دلت نمی‌خواد دوباره ماهواره ببینی؟

چرا، خیلی دلم می‌خواد، به مامانم می‌گم، ولی می‌گه دیگه پاکش کردم، نمی‌شه».

«- نرگس خانم تو توی کارتون‌هایی که می‌بینی، دوست داری جای کدومشون باشی؟

السا و آنا، یخ درست می‌کنن.

- چرا دوست داری جای اون‌ها باشی؟

چون خوشگلن، بعد یه قصر یخی می‌سازه، همه جا رو پر یخ می‌کنه.

- کدومشون رو بیش‌تر دوست داری؟

هر دوشون.

- عروسک السا یا لباس‌هاش رو هم داری؟

بابام برای نمی‌خره، می‌گه لباساشو نمی‌فروشن تو بازار.

- خوب یعنی لباسش هست و برات نمی‌خرن؟

دیگه نمی‌خرن، نمی‌دونم».

«- خوب نازنین زهرا، تو گفتی باربی رو خیلی دوست داری؟

آره!

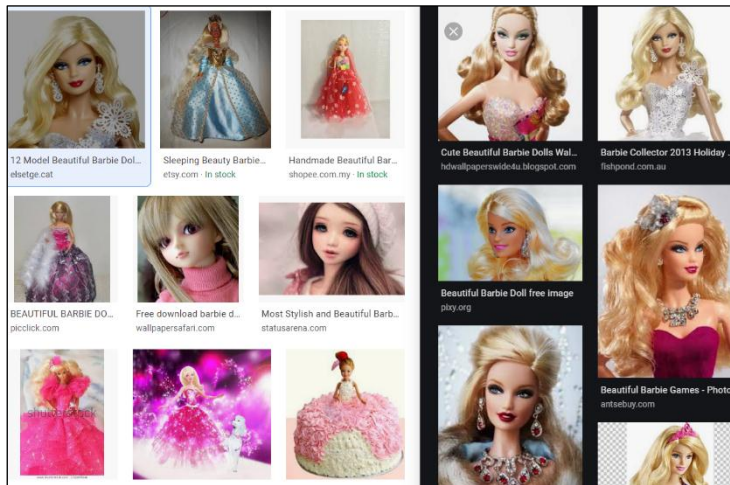
- چند تا از عروسک‌هاش رو داری؟

هیچی.

- چرا؟

به بابام گفتم برام بخرش، گفت از اینا تو شهریار پیدا نمی‌شه».





برخی از اولیا در برابر خواست‌های نامعقول فرزندشان، به جای توجیه آن‌ها، انجام خواست آن‌ها را به آینده احاله می‌دهند تا شاید در گذر زمان فرزند خواست ناروای خود را فراموش کرده یا به نادرستی آن وقوف یابد، اما به دلیل فشار تبلیغاتی قدرتمندی که در رسانه‌های غربی وجود دارد و به دنبال آن، به دلیل تبعیت بسیاری از دوستان کودک از این تبلیغات، فشار هنجاری پدید آمده از سوی آنان، کودک خانواده را در نهایت برآشفته کرده، وی را بر آن می‌دارد که نسبت به اولیایی که به وی حرف نادرستی زده‌اند، تردید یافته، نسبت به آنان معترض شود. مصاحبه با مهرانه ۵/۵ ساله، نمونه‌ای از همین دست موارد را به نمایش نهاده است:

«- دیگه السا چه چیزهای خوبی داره؟

خوش اخلاقه، مهربونه.

- السا خوش اخلاق‌تره یا خدا؟

السا!

- چرا السا؟

چون که من همیشه که فیلمشو می‌بینم، از آهنگش خوشم میاد.

- چه آهنگی می‌خونه؟

سریگو یه آهنگه... اما سخته بخونم.

- السا به نظرت نماز هم می‌خونه؟

نه، چون توی کارتون‌اند، تو واقعیت نماز می‌خونن.

- تو هم نماز می‌خونی؟

آره، با مامانم و داداشم و بابام.

- تا حالا خوابم دیدی بری پیش السا؟

آره.

- خوب چی شده، چه کار کردی؟

مثلاً پیش السا بودم، بعد السا منو دوست داشت، بغلم کرد و برد پیش خودش، بعدش هم بهم یاد می داد چه جوری یخ درست کنم.

- تو هم دوست داری بری پیش السا؟

آره، هر چه قدر به بابام می گم منو ببر خارج تا گل های یخی و السا رو ببینم، می گه حالا بعداً». سرانجام در برخی از موارد اولیا در برخورد با تألم و تأسّف کودکان دال بر این که او مانند باربی و برتزی یا آنا و السا نیست، به جای آن که او را راهنمایی کنند که چنین الگوهایی واقعیت خارجی ندارند و در واقع افرادی با ابعاد بدنی آنها، پیدا نمی شوند، به گونه ای عاطفی با فرزندشان برخورد کرده، به وی وعده می دهند که او نیز در آینده، مانند الگوهای مورد علاقه اش می شود، اما با رسیدن کودک به مرزهای بلوغ و تحقق جهش نموی وی، وقتی کودک مشاهده کرد که اندامش نظیر الگوهای مورد علاقه اش نشده است، آنگاه سرخورده شده، یا به یاد آوردن وعده های نادرست اولیا به خودش، نسبت به آنان نیز معترض می شود. فاطمه ۵ ساله (که اصرار دارد او را آیسا بنامند)، در مصاحبه خود بیان می داشت:

«- تو هم الان آرایش می کنی؟

- نه، آرایش نمی کنم، ولی مامانم گاهی وقتا برام رژ می زنه.

- چرا آرایش نمی کنی؟

واسه این که کوچولوام، زشت می شم.

- مگه کوچولوها با آرایش زشت می شن؟

آره، چون خودشون مثل فرشته ان، صورتشونم پیر نشده، همین جوری خوشگله.

- یعنی بزرگ بشی، آرایش می کنی؟

آره.

- چرا آرایش می کنی؟

واسه این که خوشگل شم.

- چرا دوست داری خوشگل شی؟

به خاطر این که عروس بشم.

- چرا عروس بشی؟

چون ما یه عروس داریم اسمش نسترنه، خیلی خوشگل شده بود، وقتی داشت می رفت، من براش گریه می کردم (مادر آیسا می گوید که نسترن عروس عمه شان است و به خاطر این که دختر زیبایی است، آیسا به او علاقه ی زیادی دارد).

- چرا براش گریه کردی؟

چون این قدر خوشگل شده بود، همه برایش گریه می‌کردن (مادر آیسا می‌گوید: همیشه از من سوال می‌کند که آیا منم بزرگ بشم، مثل نسترن خوشگل می‌شم؟ منم بهش می‌گم آره، از اونم خوشگل‌تر می‌شی)».



در برخی از موارد هم کودکان در جریان بازی با تبلت، گوشی و یا رایانه اولیا، از سر کنجکاوی ممکن است به سایر اطلاعات وسیله اولیا نیز سر بکشند و ناگهان با موارد نامناسبی مواجه شوند. نمونه زیر، مصداق بارزی در همین جهت به شمار می‌آید:

«- دختر خوب چه کار می‌کنه؟»

مثلاً به مامان و باباش کمک می‌کنه... روی مبل پپر پپر نمی‌کنه.

- دیگه چی؟

بی‌اجازه به موبایل دست نمی‌زنه.

- تو تا حالا بی‌اجازه به موبایل دست زدی؟

آره یه بار.

- چه کار کردی؟

رفتم تو اون برنامه که سبزه (واتس آپ) استیکر نداره.

- خوب تو اون برنامه چه کار کردی؟

عکسای تولد نیکا رو دیدم. عکس کیکش هم بود که شبیه یه دلکک بود، آخه نیکا خیلی دلکک

دوست داره.

- دیگه چی دیدی، چیزی دید که برات جالب باشه؟

یه عکسای دیگه که خیلی زشت بودند رو دیدم.

- چه شکلی بودند؟

به کسی نمی‌گی اگه بهت بگم؟

- نه.

یه عکس لختی مامانم بود (با خنده دستش را روی چشمانش می‌گذاره).

- کجا این عکس رو دیدی؟

رفتم برای بابام وویس بذارم، اونجا بود.

- عکسش چه شکلی بود؟

مامانم لباس نداشت، مثل وقتی که از حمام میاد حوله می‌پوشه، ولی همیشه زود می‌ره لباساشو می‌پوشه. اجازه نمی‌ده من برم تو اتاقش تا می‌هاشو ببینم (می‌خندد).

- بعدش چه کار کردی؟

از دست مامانم عصبانی شدم یه جوری که می‌خواستم بزَنَمش.

- چرا؟

چون خیلی کار زشتی کرده بود که لباس نپوشیده بود.

- دیگه چه فکری کردی؟

مامانم نمی‌ذاره من لخت باشم، ولی خودش لخت می‌شه، خیلی غمگین شدم.

- خوب بعدش چه کار کردی، به مامانت نگفتی؟

نه اگه می‌گفتم دعوا می‌کرد، چون بی‌اجازه رفتم سر موبایلش «(سارا، ۶ ساله).

مجموعه آنچه از آن یاد شد، می‌تواند به سادگی موجبات تردید یافتن کودک نسبت به صحت بیانات و ارزش‌های اولیایش را فراهم آورند.

البته لازم به یادآوری است که اظهارات برخی از اولیا که در تخالف با مسوولان جامعه مطرح می‌گردد، ممکن است اعتبار آنان در نگاه کودک را مخدوش کنند. مصاحبه امیررضا نمونه‌ای در همین راستا به شمار می‌رود:

«- این کارتون رو که گفتم، تلوزیون نشون می‌ده؟

نه، من کارتونای تلوزیون رو دوست ندارم. همش تکراری نشون می‌ده یا از ماهواره نگاه می‌کنم یا سی‌دیش رو می‌بینم.

- یعنی اصلاً تلوزیون خودمون رو نگاه نمی‌کنی؟

نه، بابام اینا هم می‌گن تلوزیون خودمون خوب نیست، منم دوست ندارم.

- خوب چرا می‌گن تلوزیون خودمون خوب نیست؟

بابام می‌گه باید آزاد باشه تلوزیون، تلوزیون ما همش رو سانسور می‌کنه».

## ۲-۲- یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا

در بررسی میدانی آثار خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، برخی از شواهد گردآمده دلالت بر آن داشت که بعضی از کودکان خردسال، نسبت به اولیایشان از دیدی تحقیرآمیز برخوردار شده‌اند و آنان را به صورت افرادی حقیر، کم‌فهم و کم‌شعور ارزیابی می‌کنند.



مصاحبه‌های پارسا و سهیل ۶ ساله، شواهدی در این جهت را به دست می‌دهد:

«- بن تن چه کار می‌کنه؟»

یه شکلی می‌شه، می‌ره مردمو نجات می‌ده، بعد که ساعتش قرمز می‌شه، دوباره آدم می‌شه.

- چه جور می‌تونه عوض بشه؟

چون ساعت داره.

- ساعتش چه جوریه؟

یه سبزی و سیاهی داره.

- تو هم از این ساعت‌ها داری؟

نه.

- چرا؟

چون مامان بابای بی‌شعورم برام نمی‌خرن.»

«- رنگین کمون و عموپورنگ رو دوست داری؟»

نه.

- چرا نه؟

چون انگاردارن با بچه حرف می‌زنن.

- چرا این جور حرف می‌زنن؟

چون خنگن، همش یه جور می‌گن، انگار ما نمی‌فهمیم.

- شماها چی رو نمی‌فهمین؟

حرفای بزرگونه.

- حرف‌های بزرگونه یعنی چی؟

فوش (فحش)، دوست پسر.

- تو فحش رو از کی یادگرفتی؟

سوباسا.

- توی کارتون سوباسا کی فحش می‌ده؟

ایشی (با آوردن اسم این شخصیت کودک لبخند می‌زند).

- دوست پسر رو از کی یادگرفتی؟

سوباسا.

- خوب دوست پسر یعنی چی؟

یعنی دختر رو ماچ کنه و بعضی وقتام با هم بیرون برن.

- توی کارتون سوباسا کی از این کارها می کرد؟

دوست پسر مامانش».

در تبیین آنچه از آن یاد شد، می توان از عوامل متعددی یاد کرد. برخی از این عوامل عبارتند از: تحولات قابل توجه خانواده و کاهش نرخ تعامل کودکان با اولیا، جابه‌جا شدن خانواده پدرسالار با خانواده فرزندسالار، قیاس به نفس‌های اشتباه اولیا بین خود و فرزندشان، مشاهده ضعف اولیا در کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید و سرانجام الگوپذیری از رسانه‌های آن سوی آب که بعضاً در آن‌ها بی‌توجهی و اهانت به اولیا به تصویر کشیده می‌شود.

همان‌گونه که پیشتر از آن یاد شد، تحولات خانواده سبب شده است که کارکردهای هدایتی و نظارتی آن ضعیف‌تر شده، جای آن را مدرسه، رسانه‌های داخلی و خاصه رسانه‌های خارجی بگیرند.



کاهش نرخ تعامل اولیا با فرزندان از سوی محققان مختلف بین ۵ تا ۱۵ دقیقه تخمین زده شده است که بالطبع این میزان از تعامل (که غالباً نیز ناظر بر ایراد گرفتن‌های اولیا و دریافت پاسخ‌های بعضاً خصمانه از سوی فرزندان است)، مقدار کمی است.

تحقق عصر فرزندسالاری و گسترش خانواده‌های تک فرزند، عامل دیگری است که سبب می‌شود کودکانی که در مرکز ثقل عواطف خانواده قرار گرفته و دایم مورد لطف و ابراز محبت اولیا قرار می‌گیرند، به دلیل دریافت محبتی بی‌حد و حصر، به تدریج به این ساختار ذهنی برسند که اولیای خویش را به سان خدمت‌کاری ببینند که موظف به خدمت کردن و خدمات رسانی به فرزند است.

قیاس به نفس‌های اشتباه اولیا، مقوله دیگری است که نباید از آن غافل شد. به این معنا که گاهی اولیا با تصور رفتارهای خود در سن ۵-۶ سالگی‌شان، تصور می‌کنند همان‌طور که خودشان در آن سن متوجه چیزی نبودند، کودک آن‌ها نیز در سن ۵-۶ سالگی خودش متوجه خیلی از مسایل نیست، حال

آن که این قیاس به نفس اشتباه است و کودکانی که بعضاً به دلیل برخورداری از یک محیط غنی‌تر (در قیاس با اولیایشان)، از هوشی نسبتاً بالاتر از اولیای خود برخوردارند، با فهم ساده اندیشی و ساده لوحی اولیایشان، ممکن است تصور کنند اولیای آن‌ها به راحتی به فقر و ضعف اندیشه گرفتار هستند. مضاف بر این، وقتی کودکان می‌بینند به لحاظ فنی و فهم فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در سطحی بالاتر از اولیایشان (خاصه مادرانشان) برخوردارند، یا متوجه می‌شوند اولیای آن‌ها با دادن وعده‌های سرخرمن در صدد دور زدن آن‌ها است (مثلاً بیان می‌دارد لباس بن‌تن یا السا را مغازه‌های شهرشان پیدا نکردند، پس نمی‌توانند لباس‌های مزبور را برای پسر یا دخترشان ایتباع کنند)، نسبت به باهوش بودن اولیای خود تردید پیدا می‌کنند.

اما مهم‌ترین عامل مؤثر در حقیر دیدن اولیا توسط کودکان، کاربری کودکان از الگوهای عروسکی-کارتونی و کاربری از فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای است که مطالعات میدانی گروه تحقیق دلالت بر آن دارد که در حدود ۹۰٪ محصولات اخیر، متعلق به داخل نبوده، خارجی می‌باشند و بالطبع حاوی ارزش‌های موطن خود در آن سوی آب هستند.

کودکان کاربر محصولات فرهنگی عرضه شده توسط فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عمل شاهد اهانت فرزندان به اولیا در سریال‌های ماهواره‌ای و یا اصلاً حذف و هدم و نابودی پدر و مادر در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های غربی هستند، بنابراین با توجه به تأثیرپذیری فوق‌العاده عمیق کودکان از الگوهای عروسکی-کارتونی که پیشتر از آن‌ها یاد شد، می‌توان به فهم تحقیرآمیز دیدن اولیا از سوی کودکان خردسالشان، وقوف لازم را پیدا کرد.



## ۲۳-۲- منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک

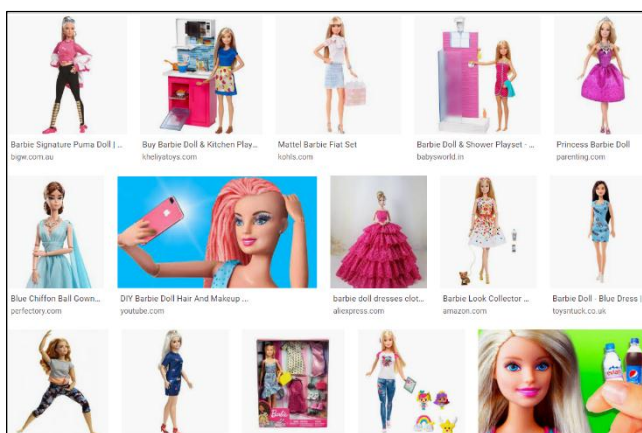
دختران از بدو خردسالی خویش، علاقه مفراطی به عروسک خود نشان می‌دهند و در واقع بسان یک مادر برای عروسکشان مادری می‌کنند و در این روند به نوعی تمرین مادرگری را نیز تجربه می‌کنند. شاید کم‌تر کسی باشد که عطوفت دختر بچه‌های سه ساله را که عروسکی هم قد خودش را روی پاهایش خوابانده‌اند و با لالایی کردن خودشان، در صدد خواباندن عروسکشان است، ندیده باشد. طبع مادرگری عمیق کودک حتی برخی از روان‌شناسان را به این تردید رسانده است که شاید هورمون خاصی در دختران هست که متصدی بروز چنین رفتارهای عاطفی و مادرانه در آن‌ها است که انسان‌ها تا حال حاضر به کشف آن نایل نیامده‌اند.



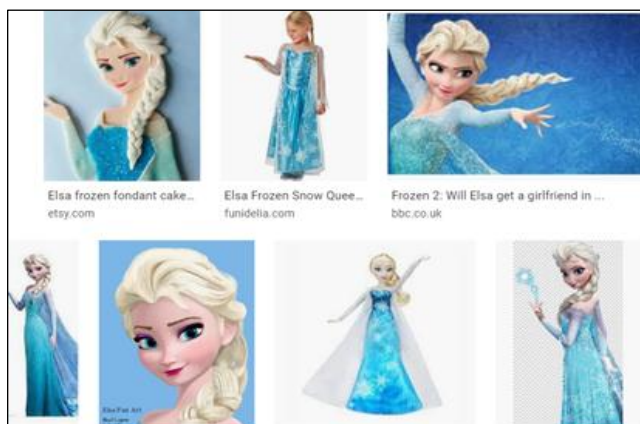
اما با وجود علایق مفرط دختر بچه‌ها به حفظ و حراست از عروسکشان و به نمایش نهادن مادرگری برای آن‌ها، برخی از شواهد میدانی گردآوری شده گروه پژوهش، حکایت از آن دارد که حداقل در اقشاری از دختران خردسال ایرانی مصاحبه شده، علاقه چندانی به والد شدن و مادرگری وجود ندارد و این کودکان ترجیح می‌دهند که در آینده ازدواج نکنند و اگر ازدواج هم کردند، بچه‌دار نشوند.

برخی از دلایلی که پژوهش‌گر را به نتیجه اخیر رسانده است، به قرار زیرند:

در درجه نخست اهمیت، می‌توان از تحولی که در سطح عروسک‌های دختران رخ داده است، یاد کرد. به این معنا که اگر دختران نسل قبل، از عروسک‌هایی برخوردار بودند که به لحاظ سنی کودک و خردسال بودند، اما بسیاری از عروسک‌های حاضر در بازار (نظیر باری، برتز، آنا و السا) یک دختر کوچک خردسال نبوده، بلکه یک دختر مثلاً ۱۸ ساله با انبوهی از آرایش‌های مختلف است. کودکان ایرانی در پرسش از این که آیا مثلاً برای عروسک باری خودشان مادرگری می‌کنند یا خیر، غالباً پاسخ می‌دهند که باری بچه نیست و او را حداقل در حد و شأن یک دوست برای خود تصور کرده و با وی بازی می‌کنند.

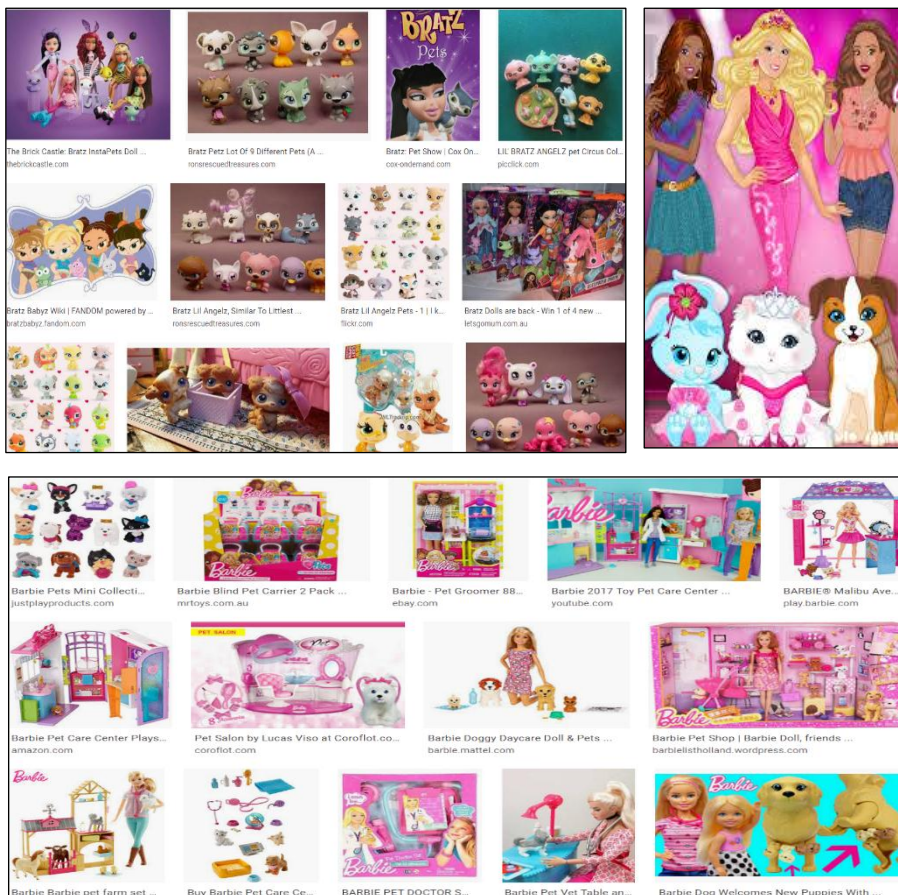






در درجه بعدی اهمیت، باید از الگوهای عروسکی یاد کرد که به شکل غیرمستقیم یا مبلغ مجرد ماندن دختران هستند یا فاقد بچه بوده و یک حیوان دست‌آموز را به جای بچه برای خودشان جایگزین کرده‌اند و عواطف خود را به جای جاری کردن به سوی یک بچه، به سمت و سوی سگ، گربه و یا حیوان مشابه دیگری که دارند، معطوف می‌سازند. الگوی عروسکی - کارتونی باری که با بیش از ۴۰ حیوان برای بچه‌ها به نمایش گذاشته شده است، مصداق بارزی در همین جهت به شمار می‌رود:





در درجه سوم، اهمیت یافتن تصور تن در نزد دختران (و به میزان کمتری پسران) کاربر الگوهای عروسکی - کارتون‌ی است. به این معنا که الگوهای عروسکی - کارتون‌ی دختران خردسال ایرانی، علاوه بر این که بچه نبوده و خردسال نیستند، دارای اندامی غیرواقعی هستند. کودکان کاربر این الگوها نیز با مشاهده اندام کشیده و باریک الگوهای اخیر، در آرزوی به دست آوردن اندامی مشابه، می‌سوزند و حسرت می‌کشند و حتی در سن پیش دبستانی خودشان، در اندیشه رژیم گرفتن می‌افتند تا در بزرگسالی خویش، از اندامی شبیه باری، برتر، آنا، السا، زیبای خفته، سیندرلا و مانند آن‌ها برخوردار شوند. مضاف این که به دلیل پررنگ شدن مقوله جسم در نزد زنان (و همین طور مردان) جامعه، بچه‌ها در عمل با زنانی در اطراف و اکناف خودشان مواجه می‌شوند که آن‌ها نیز در حسرت به دست آوردن اندامی قلمی و باری‌گون هستند و برای تحقق این امر یا به جراحی‌های مختلف تن می‌دهند و یا از رژیم‌های سخت غذایی پیروی می‌کنند تا اندام مورد نظرشان را به دست بیاورند و صد البته وقتی صحبت بچه‌دار شدن در نزد آنان مطرح می‌شود، با استدلال در این که بچه‌دار شدن، هیكل آدم را بهم می‌زند، از بچه‌دار شدن برای بهم

نخوردن اندام خودشان استتکاف دارند و این امر به مثابه الگویی عملی، مد نظر کودکان خردسال قرار می‌گیرد.

البته ارایه الگوهای فمینیستی به کودکان (نظیر السا، میریدار، موانا) و گسترش افکار فمینیستی در جامعه نیز در شکل‌گیری اندیشه مجرد ماندن و بچه‌دار نشدن اقشاری از دختران خردسال ایرانی مؤثر واقع آمده‌اند.



موارد زیر شواهدی در راستای دلایلی اخیر را به دست می‌دهند، آناهیتا و نازگل ۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش از آرزوی مجرد خویش، تحت تأثیر الگوهای مورد علاقه خودشان یعنی السا و باربی یاد کرده‌اند:

«- به نظرت السا و آنا بچه هم دارن یا در آینده بچه‌دار می‌شن؟»

آنا با یک مردی هست، شاید، ولی السا مجرد.

- خوب، کدومشون بهتره. السا که مجرد یا آنا که با یک مرده؟  
السا.

- تو دوست داری در آینده مثل آنا ازدواج کنی یا مثل السا یا مجرد بمونی؟  
مثل السا می‌خوام مجرد باشم.

- یعنی نمی‌خواهی در آینده مامان بشی؟  
نه دوست ندارم.

- چرا؟

چون که مثل السا بهتره. السا مراقب خواهرشه.

- یعنی چون مراقب خواهرشه ازدواج نکرده؟



نمی‌دونم شاید. السا به همه کمک می‌کنه و مهربونه».

«-پس گفتی که باربی رو خیلی دوست داری؟

آره، خیلی خیلی زیاد.

-نازگل خانم باربی ازدواج کرده یا نه؟

نه، باربی ازدواج نکرده.

-تو چی، تو دوست داری بزرگ شدی ازدواج کنی یا نه؟

نه، دوست دارم مثل باربی باشم».

فرشته ۶ ساله نیز در مصاحبه خوداندیشه غوغای تن را در خویش به معرض دید نهاده است و با استناد به این که مایل نیست اندامش به دلیل بچه‌دار شدن، خراب بشود، با بچه‌دار شدن در زندگی آینده خودش مخالفت کرده است:

«- خوب، تو مگه بچه دوست نداری؟

نه!

- چرا؟

من شنیدم بچه هیکل آدم رو خراب می‌کنه».



برخی از کودکان مصاحبه شده با الگو قرار دادن الگوهای فمینیست که در برابر الگوهایی نظیر باربی، برتز، سیندرلا، سفید برفی و نظایر آنها ارایه شده‌اند، تحت تأثیر این الگوها از علاقه خود به مجرد ماندن می‌گفتند:

«- تو گفتی باربی و سیندرلا ضعیف و نمی‌تونن از خودشون دفاع کنن، منظورت چی بود؟

این که اونا منتظرن یکی بیاد تا باهاش عروسی کنن.

- مگه عروسی کردن بده؟

آره، من دوس ندارم عروسی کنم.

- چرا؟

چون مولانم دوس نداره.

- تو دوست نداری عروسی کنی یه مامان مهربون مثل مامان خودت بشی؟

نه، اصلاً بچه دوس ندارم. اگه بچه‌دار بشم یا عروسی کنم، نمی‌تونم به آرزوهام برسم.

- چرا نمی‌تونی؟

چون باید همه وقتمو بذارم تا بچه رو بزرگ کنم.

- یعنی مامانت هم وقتی تو و داداشت رو به دنیا آورد، دیگه نتونست به چیزی که می‌خواست برسه؟

مامانم بچه دوس داشت، ولی من ماث مولان دوس ندارم عروسی کنم و بچه‌دار بشم.

- به نظرت مولان چرا دوست نداره عروسی کنه؟

چون مولان خیلی آرزوهای بزرگی داره، باید برای رسیدن به اونا تلاش کنه، ولی اگه شوهر کنه،

دیگه نمی‌تونه کاری کنه.

- چرا فکر می‌کنی هر کی شوهر کرد دیگه نمی‌تونه پیشرفت کنه؟

چون من تویه فیلمی دیدم دختره می‌خواست دکتر شه، ولی وقتی شوهر کرد، شوهرش نداشت دیگه

درششو بخونه و دکتر شه» (فاطمه، ۶ ساله).



«- خوب پونه گفتی اون مامانش رو خرس کرد، چون نمی‌خواست عروسی کنه. حالا می‌شه به من

بگی که اون چرا نمی‌خواست عروسی کنه؟

خب دوست نداشت... .

- خوب به نظر خودت چرا دوست نداره عروسی کنه؟

خب آخه اگه عروسی کنه، دیگه نمی‌تونه بره اسب سواری... نمی‌تونه بره جنگل... نمی‌تونه بره با

تیرکمون تیراندازی کنه.

- پس عروسی کنه چی می‌شه؟

عروسی کنه مثل مامانش، مامان می‌شه.

- یعنی مریدا دوست نداره مامان بشه؟

نه.

- خوب چرا؟

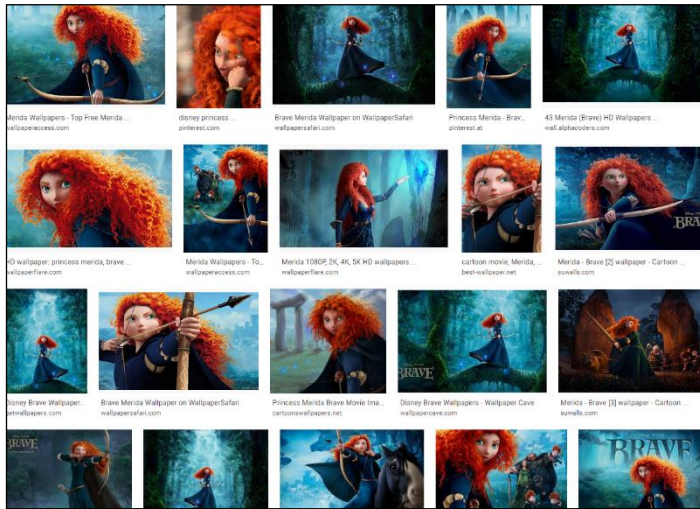
خب نمی‌تونه اون کارهایی که دوست داره رو انجام بده.

- به نظر تو هر کس که عروسی کنه و مامان شه، دیگه نمی‌تونه کارهایی که دوست داره رو انجام بده؟

نه. نمی‌تونه. دیگه مامان می‌شه دیگه.

- تو چی؟ تو هم مثل مریدا دوست نداری مامان بشی؟

اووم... نه، فکر نکنم» (پونه، ۶ ساله).



نکته مهمی که تذکر آن در این قسمت ضرورت دارد، همراهی برخی از پسران پیش دبستانی با دختران در جهت نفی تشکیل خانواده و والدگری در پی آن است. فرزام ۶/۵ ساله در مصاحبه خود بیان می‌دارد وی با الگو قرار دادن کنستانتین (که فردی مجرد است) می‌خواهد در آینده ازدواج نکند:

«- کنستانتین دیگه چه کارهایی می‌کنه که تو خوشت میاد؟

تنها زندگی می‌کنه!

- تو از این که اون تنها زندگی می‌کنه، خوشت میاد؟

آره... .

- چرا؟

خب خیلی خوبه... هیشکی به آدم دستور نمی‌ده... آدم آشغال تخمه رو می‌ریزه زمین... همه جا رو

کثیف می‌کنه. همه‌اش فیلم نگاه می‌کنه.

- اسپایدرمن هم تنها زندگی می‌کنه؟

آره!

یعنی دوست نداری به روز عروسی کنی و بابا بشی؟

نه!

- اون وقت مریض بشی کی میاد مراقبت باشه؟

- دوست دخترم!

- به دوست‌ها یا مامان و بابات این مسأله رو گفتی؟

مامان بابام که نه، ولی یه بار به پارسا گفتم، گفت منم میام پیشت... .

- یعنی اون هم میاد پیش تو تا با هم زندگی کنید؟

آره دیگه... می‌گفت، اگه مثل بابام با مامانم دعوا شد، میام پیش تو.

- فرزام به نظرت اسپایدرمن یا کنستانتین می‌تونن یه روز بابای خوبی بشن؟  
نه.

چرا؟

اون‌ها اصلاً هیچ وقت عروسی نمی‌کنن.

- تو اگه یه روز بخوای بابا بشی، چه کار می‌کنی؟

می‌رم مثل من نفرت‌انگیز از پرورشگاه بچه میارم... ولی من تنها زندگی می‌کنم».



## ۲۴-۲- منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک



علاقه به تشکیل خانواده (و در پی آن بچه‌دار شدن)، برای دختران همواره مطرح بوده است، شدت علاقه به ازدواج و تشکیل خانواده در دختران در حدی بوده است که همواره یکی از بازی‌های مرسوم بین دختران، برگزاری ازدواج بین خود و یک داماد فرضی و به دنبال آن، تجربه موهبت مادر شدن و یافتن عرصه‌ای برای عطاوت و ورزیدن به نوزادی که به دنیا می‌آورند، بوده است، اما برخی از شواهد

میدانی گردآمده، حکایت از عدم علاقه دختران خردسال به تشکیل خانواده در بزرگسالی آنان دارد. زهره ۶ ساله، در همین رابطه در مصاحبه خویش چنین بیان می‌داشت:

«خوب زهره خانم، تو بزرگ شدی، دوست داری ازدواج کنی؟

نه!

— چرا نه، همه دخترا که ازدواج کردن رو دوست دارند؟

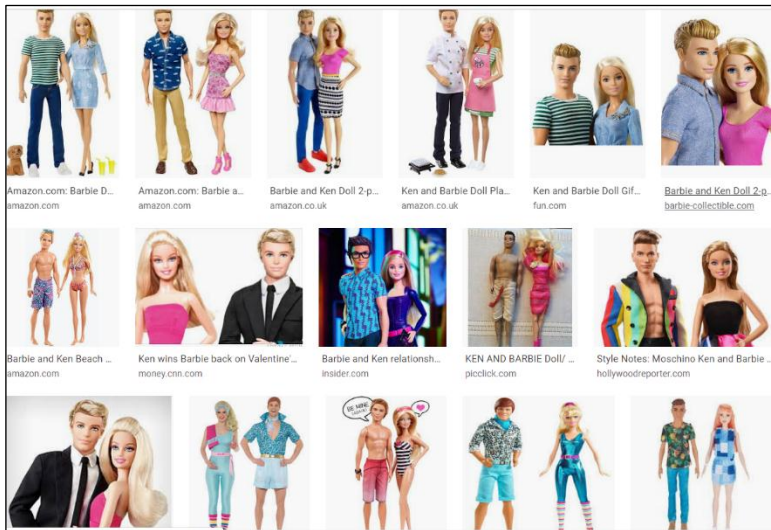
دوست دارم خودم تنها باشم.

— چرا تنها باشی؟

خوبه، تازه اگه خواستم خودم یه آقا پیدا می‌کنم.

— یعنی یه شوهر؟

نه، مثل کین<sup>۱</sup> می‌گم.»



آرام ۶ ساله و ریحانه ۶/۵ ساله، در مصاحبه‌های خود با استناد به الگوهای فمینیست از عدم تمایل خویش به تشکیل خانواده یاد کرده‌اند:

«آرام خانم تو می‌دونی شغل السا و آنا چیه؟

کمک کردن به مردم، به اونایی که تو کوهستان، پتو می‌دن که گرمشون بشه.

— السا و آنا نماز می‌خونن یا دعا هم می‌کنن؟

دعا می‌کنن، با خدا حرف می‌زنن، ولی نماز نه.

— چرا نماز نمی‌خونن؟

۱. کین، نام دوست پسر باربی است.



چون که السا ملکه هست.

- یعنی ملکه‌ها نباید نماز بخونن؟

نه دیگه.

- السا آرایش هم می‌کنه؟

آره، رژ قرمز می‌زنه. آنا هم رژ صورتی می‌زنه.

- تو هم آرایش می‌کنی؟

الآن نه، ولی توی عروسیا مامانم برام رژ می‌زنه.

- دوست داری بزرگ شدی، مثل مامانت بشی یا شبیه السا؟

مثله السا.

- خوب چه جور می‌خواهی مثل السا بشی؟

می‌خوام بزرگ شدم، مثل اون ملکه بشم، کلی لباس خوشگل بگیرم.

- یعنی دوست نداری بزرگ شدی، عروس بشی؟

نه، می‌خوام ملکه بشم. یه قصر بزرگ یخی داشته باشم.

- خوب بعد از این که ملکه بشی، می‌خواهی چه کار کنی؟

خوب از مردم هر چی بخوام، برام میارن.

- مثلاً از وسایل السا کدوم رو می‌خواهی که برات بیارن؟

جواهر، لباس، کفش پاشنه بلند.

- خوب شاید اونا نتونن برات همه این‌ها رو بیارن، اون وقت چی؟

نخیر باید بیارن.»

«- اگر باب اسفنجی زمین بخوره، مادرش دعواش می‌کنه؟

باب اسفنجی که بابا و مامان نداره؟

- چرا نداره؟

آخه تنها زندگی می‌کنه!

- کجا؟

یه خونه داره، شبیه درخته.

- تنها زندگی کردن خوبه یا بده؟

خوبه.

- چرا زندگی تنهایی خوبه؟

چون هیشکی نیست.

- تو هم دوست داری تنها زندگی کنی؟

آره... .

- قیافه السا چه جوریه؟  
موهاش طلاییه، چشماش آبی، سایه آبی هم میزنه.  
- تو هم آرایش می کنی؟  
آره.

- لوازم آرایش داری؟  
نه وسایل مامانمو برمی دارم بی اجازه.  
- چی بر می داری؟  
رژ لب و ریمل.  
- اگر برای السا مشکلی پیش می اومد، چه طوری حلش می کرد؟  
با آنا سوار اسب می شدن می رفتن جنگل.  
- چرا جنگل؟

می رفتن پیش شوهر آنا.  
- برای چی پیش شوهر آنا می رفتن؟  
شوهر آنا، السا رو بوس می کرد.  
- آنا نبود؟

چرا بود.  
- السا شوهر نداره؟  
نه.

- چرا؟  
چون از شوهرش بدش میاد.  
- چرا؟  
نمی دونم.

- تو هم دوست داری مثل آنا شوهر داشته باشی؟  
نه، شوهر بده.  
- چرا بده؟  
نمی دونم».



برخی از کودکان هم در پی الگوبرداری از الگوهای غیرفمینیست غربی، به این نتیجه رسیده‌اند که زندگی مجردی بهترین سبک زندگی است که آنان می‌توانند از آن استقبال کنند. رها و مهرشید ۶ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه خود بیان می‌داشتند:

«- حالا شما اول یه توضیح کلی راجع به کارتون توت فرنگی بده ببینم چه خبره؟!»

خب این یه دختر خوشگله، اسمش توت‌فرنگی خانمه. یه سگ داره اسمش پاپ‌کیکه یه گریه‌ام داره اسمش کاسترده. بعد اینا با هم، با دوستاشون یه عالمه کار جالب می‌کنن. مثلاً خانم آلو مربی ورزشه. بقیه باهاش می‌رن باشگاه تا ورزش کنن. بعد اون قدر مهربونه، همه مردم شهر بهش می‌گن پرنسس.

- چرا می‌رن باشگاه؟

خب برای این که سالم باشن. چاق نشن. مریض نشن. منم می‌رم باشگاه والیبال که مرض نشم، همیشه سالم بمونم.

- ببینم رها توت‌فرنگی خانم خودش تنها زندگی می‌کنه، مامان و باباش کجان؟

نه خب، با کاسترد و پاپ‌کیکه. بعد یه بار برای مامانش کیک درست کرد برد براش. منم دلم می‌خواد یه گریه داشته باشم، اما مامان نمی‌ذاره.

- یعنی فکر می‌کنی خونه مامان و باباش جای دیگه‌ای هست؟

بله.

- اون وقت خوبه آدم خونه جدا داشته باشه؟

خب کیف می‌ده دیگه. مثلاً دوستان میان پیشت. کسی گیر نمی‌ده بهت. الانم خاله فاطمی خونه خودش، کسی بهش گیر نمی‌ده. هر وقت دوست داره فیلم می‌بینه و اینا. تازشم برا خودش گریه داره اسمیش کیتیه».

«- گفتمی باربی‌ها رو دوست داری؟»

آره.

- دوست داشتی جای باربی‌ها باشی یا مامانت؟

خب معلومه جای باربیا.

- چرا؟

چون مامانم کارای سختی می‌کنه.

- مثلاً چه کارهایی؟

ظرف می‌شوره، غذا می‌پزه.

- این کارها، به نظر تو کارهای سختی هستند؟

آره.

- تو اگر بزرگ بشی، دوست نداری این کارها رو انجام بدی؟

نه، دوست ندارم، خیلی سخته».

مهم‌ترین دلیل عدم علاقه برخی از دختران خردسال ایرانی به مقوله خانواده را می‌توان در الگوبرداری آنان از الگوهای عروسکی کارتونی که در اختیار آنان قرار دارد، دید. این الگوها، اولاً خانواده مشخصی ندارند و ثانیاً غالباً مجرد هستند (نظیر باری، برتز، السا، سیندرلا) و ثالثاً در غالب موارد یک یا چند دوست پسر در اطراف خودشان دارند.

در سطح بعد، می‌توان تحولات اجتماعی و گسترش گرایش‌های فمینیستی در جامعه را عامل عدم استقبال دختران خردسال از تشکیل خانواده برشمرد.



تحولات اجتماعی که در جهان معاصر به وقوع پیوسته است، خانواده‌های گسترده را به سمت هسته‌ای شدن سوق داده و با بروز پدیده هم‌خانگی، حتی خانواده هسته‌ای نیز تا حدودی تحت تأثیر این مسأله کم‌رنگ شده است. مضاف بر این، یادگیری‌های مشاهده‌ای کودکان در جامعه، به صورت مکمل آموخته‌های آنان از القانات بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌ها عمل کرده، ورود زنان به زندگی مشترک را مستلزم از دست دادن آزادی و محدود شدن آنان ترسیم می‌کند. البته گرایش‌های فمینیستی موجود در جامعه (به ویژه گرایش‌های رادیکال که به جای همیاری زنان با مردان، مقابله زنان با مردان و له کردن مردان در زیر پای زنان - و به موازات آن پذیرش هم‌جنس‌گرایی - را در دستور کار خود دارد) نیز مزید بر علت شده، با تبلیغ آن که زنان به مردان نیازی ندارند و زنان با حفظ تجرد خود می‌توانند پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی بیش‌تری به دست بیاورند، در کاهش میل دختران به ازدواج ممکن است مؤثر واقع آمده باشند.



نکته آخری که در این قسمت تذکر آن لازم می‌نماید، این مسأله است که هم‌زمان با منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده، هم‌جنس‌گرایی و ازدواج افراد هم‌جنس به عنوان یکی از صور حیات جنسی و خانواده، در برخی از کشورهای غربی پذیرفته شده و انعکاس آن در برخی از کارتون‌ها و پویانمایی‌های تهیه شده در آن سوی آب مشهود است. بالطبع هدف این اقدام، نهادینه کردن مسأله هم‌جنس‌گرایی به عنوان امری طبیعی در اذهان کاربران خردسال است. تصاویر زیر شامل برخی از بازی‌هایی است که در آن‌ها هم‌جنس‌گرایی به شکلی پذیرفته شده مطرح شده، تبلیغ شده‌اند:





## ۲۵-۲- ایجاد تعارض و درگیری‌های خانوادگی

«- نازنین خانوم، تو کارتون هم نگاه می‌کنی؟

آره!

- روزی چند ساعت کارتون نگاه می‌کنی؟

نمی‌دونم، مامانم می‌گه اگه زیاد کارتون نگاه کنم، چشمم درد می‌گیره، هر موقع مامانم بذاره، نگاه

می‌کنم.

- آفرین چه دختر حرف گوش کنی، همیشه همین قدر به حرف‌های مامانت گوش می‌دی؟

آره، فقط بعضی وقتا گریه می‌کنم.

- چرا گریه می‌کنی؟

خوب بعضی وقتا من دوست دارم بیش‌تر کارتون نگاه کنم، مامانم می‌گه بسه، چشمت درد می‌گیره»

(نازنین، ۶ ساله).

با گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید، این فناوری‌ها وارد بسیاری از خانواده‌ها شده است و کاربری یا

عدم کاربری از آن‌ها، بعضاً اسباب اختلاف اولیا با یکدیگر یا اولیا با فرزندان خانواده و یا خواهر و برادرها

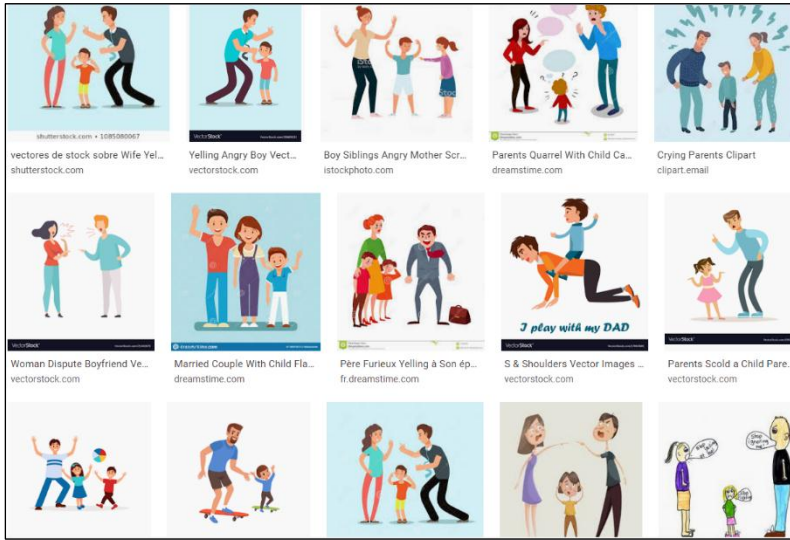
با همدیگر را پدید آورده است.



پدران به دلیل روحیات نسبتاً فنی که از آن برخوردارند و مایل هستند که کودک خود را به سمت کشف و فهم جهان بیرون سوق دهند، غالباً موافق کاربری رسانه‌های دیجیتال برای کودکان از سنین پایین هستند، اما مادران که به لحاظ تربیتی نسبت به تربیت فرزندانشان حساس‌تر هستند، غالباً با کاربری زودهنگام و بی‌حساب و کتاب فرزند از رسانه‌های اخیر، موافق نیستند و این امر بعضاً اسباب اختلاف و تکدر خاطر اولیا را از یکدیگر فراهم می‌آورد، مضاف این که وقتی مثلاً مادر شاهد کژکاربری فرزندش از فناوری‌ها می‌شود، با محکوم کردن پدر، ناراحتی خویش را متوجه وی کرده، این مسأله اسباب دعوای آنان را فراهم می‌آورد. در موارد دیگری وقتی اولیا در سانسور محتویات ماهواره یا رایانه، گوشی و تبلت خود برای فرزندشان کوتاهی داشته باشند، این مسأله اسباب تکدر خاطر اولیا از یکدیگر را فراهم می‌آورد.



در برخی از موارد، اولیا پس از مشاهده هنجارشکنی‌های احتمالی کودک در کاربری از محتویات نامناسب یا احساس کژکاربری فرزندشان از فناوری‌ها (نظیر وابستگی و اعتیاد یافتن فرزند به تبلت، ایکس‌باکس یا تلفن همراه، پرخاشگر شدن کودک در اثر کاربری از بازی‌های پرخاشگرانه یا ضعیف شدن چشم فرزند و مانند آن‌ها)، ممکن است وارد صحنه شده، تلاش کنند تا مانع هنجارشکنی یا آسیب‌دیدگی بیش‌تر فرزندشان شوند، اما بسیاری از خانواده‌ها از سویی به دلیل احساس تنهایی و عدم همراهی محیط با آنان (به صورت انجام بسترسازی‌های فرهنگی لازم در سطح جامعه) و از سوی دیگر به سبب مشغله‌های فراوانی که دارند، نمی‌توانند رأساً با حذف تبلت یا گوشی فرزندشان، جای خالی آن‌ها را با صرف وقت کافی و مداخله مثبت و مؤثر پر کنند، از این رو مجبور می‌شوند با توسل به زور و ارباب کودک یا با تمسک به دروغ‌های مختلف، فرزند را قانع کنند که نباید از فناوری مورد نظرش استفاده کند، البته کودکان نیز در این میان منفعل باقی نمانده، با اعمال فشار به اولیا، می‌کوشند آنان را در برابر خود تسلیم کرده، مجوز ادامه کاربریشان را از تبلت یا گوشی بگیرند.



گذشته از درگیری‌های ایجاد شده سر کاربری یا عدم کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، گاهی خواهر و برادرها سر کاربری از تنها تبلت (یا رایانه) موجود در خانه، با یکدیگر دچار اختلاف شده و یا آن که پسر خانواده پس از کاربری از بازی‌های خشن، خواهر یا کودکان کوچک‌تر از خودش را می‌زند.



به تعبیر دیگر، ورود فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به خانواده‌ها که با عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه همراه شده است، بیش‌تر از آن که به عنوان یک وسیله آموزشی، تفریحی و سرگرم کننده برای کودکان و خانواده آن‌ها مطرح باشد، به نظر می‌رسد، به عنوان وسیله‌ای اختلاف‌انگیز مطرح بوده، تعارض‌ها و درگیری‌های عدیده‌ای را بین اولیا با یکدیگر، اولیا و فرزندان و فرزندان با هم دیگر پدید آورده است.

رضای ۵ ساله و سوگل ۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش از کاربری خود از تبلت یاد کرده‌اند و بیان داشته‌اند، اولیای آن‌ها درباره کاربری زیاد آن‌ها با تبلت، بعضاً با یکدیگر در خانه دعوا و مرافعه دارند:

«چه خوب، رضا جان وقتی مهد نیستی، تو خونۀ چی کار می‌کنی؟»

بازی می‌کنم.



- بازیت رو به مامان و بابات نشون دادی؟  
آره.

- خوب وقتی بازی می کنی مامان به تو چی می گه؟  
دعوام می کنه.

- چرا دعوات می کنه؟

می گه چشمام ضعیف می شه.

- بابات به تو چی می گه؟

می گه به جاش برم نقاشی کنم.

- رضا تا حالا شده با بابات تنها باشی و مامانت نباشه؟  
آره.

- وقتی مامانت نبوده تو بازم بازی می کردی؟  
آره.

- اون موقع بابات بهت چی می گه؟  
هیچی.

- یعنی بهت می گه برو نقاشی کن یا نه؟  
نه.

- پس بابات می گذاره بازی کنی؟  
آره.

- رضا تا حالا شده مامان و بابات به خاطر بازی تو با هم دعوا کنن؟  
آره.

- خوب می تونی بگی چی می گفتن؟

مامانم به بابام می گفت، چرا به بچه چیزی نمی گی... .

- رضا مامانت برات گوشه گرفت یا بابات؟  
بابام.

- مامان چی اون هم دوست داشت تو گوشه خودت رو داشته باشی؟  
نه.

- چرا دوست نداشت؟

آخه می گفت من بچه ام.

- بابات چی؟ چیزی می گفت؟

نه.

- یعنی خودت خواستی که بابات برات بخره یا بابات خودش خرید؟

- اولش من گفتم، بعدش بابام واسه تولدم گرفت.  
- وای چه خوب، برای تولد چند سالگیت گرفت؟  
۵ سالگیم... .  
- تا حالا به مامان و بابا گفتمی که چه قدر دوست داری تلگرام داشته باشی؟  
آره.  
- پس وقتی می بینم تو این قدر تلگرام رو دوست داری، چرا نمی گذارن؟  
می گن من کوچیکم.  
- بعدش تو دیگه بهشون چیزی نمی گی؟  
چرا.  
- خوب چی بهشون می گی؟  
می گم قهرم.  
- این قهر بودن باعث شد که بگذارن تلگرام داشته باشی؟  
نه، ولی یه بار گریه کردم بابام گفت باشه.  
- پس تونستی تلگرام وصل کنی؟  
نه.  
- چرا نتونستی؟  
مامانم با بابام دعوا کرد.  
- چرا؟ چی می گفتن؟  
مامانم گفت چند روز دیگه جلوشو نمی تونیم بگیریم، بابام هم برای این که مامانم ساکت بشه، نداشت.»



- «- سوگل خانم، تو وقتی بازی می کنی پیش داداشت هستی یا پیش مامان؟  
داداشم تو اتاقش بازی می کنه، منم تو اتاقم. بعضی وقتا مامانم صدام می کنه، چی کار می کنم، بهش می گم بازی می کنم یا می رم پیشش بازی می کنم.  
- وقتی بهش می گی بازی می کنم، دیگه چرا پیشش می ری؟ تو اتاقت بازی کن دیگه.»

خب می‌گه بیا پیشم، ببینم چه بازی‌هایی می‌کنی.

- عصبانی نمی‌شی وسط بازی باید بری پیش مامانت تا مامانت هم ببینه چه بازی‌هایی می‌کنی؟  
نه، ولی وقتی باهش قهر می‌کنم، بهم نمی‌گه چه بازی‌هایی می‌کنی. منم تو اتاقم بازی می‌کنم.  
- مامانت می‌دونه همه بازی‌هایی که تو تبلت داری چی هستن؟  
آره.

- وقتی با هم قهر نیستین، بهت نمی‌گه کم‌تر بازی کن؟  
چرا می‌گه، مخصوصاً به داداشم.

- بعدش چی می‌شه؟

هیچی دیگه، داداشم همش غر می‌زنه به من چی کار داری، مامانم تبلت منو می‌گیره، زورش به اون نمی‌رسه (با خنده).

- تو ناراحت نمی‌شی، تبلت تو رو می‌گیره؟

چرا گریه می‌کنم، ولی بعدشم دوباره می‌رم برمی‌دارم، بازی می‌کنم.

- مامانت می‌فهمه؟

بعضی وقتا.

- وقتی می‌فهمه چه کار می‌کنه؟

(با خنده) هیچی فوش می‌ده به بابام».



سارای ۶ ساله، در مصاحبه خویش بیان می‌داشت، او در جریان الگوبرداری از الگوی مورد علاقه‌اش، با محدودیت از طرف مادر مواجه شده، مادر از او می‌خواهد که او نباید اندام خویش را مانند السا حتی در محیط خانه در برابر پدر و برادر به نمایش بگذارد:

«- خوب سارا خانم، موهای السا چه رنگیه؟

یه رنگ با حالیه، اینجا اصلاً ندیدم، حتی اون دوستم که دامن کوتاه داره، می‌گه منم دوست دارم موهامو اون رنگی کنم.

- مامان اون بهش نمی‌گه که دامن کوتاه نپوشه؟

نه، تازه با مامانش می‌رن لباس می‌خرن، وای مامانش موهای رنگ موهای سیندرلا، کفش پاشنه بلند می‌پوشه.

- رنگ موهای سیندرلا قشنگ‌تره یا السا؟

السا رنگ موهای خیلی با حالی داره. سیندرلا رنگ موهای زرده، ماما اون رنگی می‌کنن.

- ماما تو هم موهای اون رنگیه؟

نه، ماما من موهای مشکیه، بعد چادر سرش می‌کنه. من دوست ندارم، دوست دارم ماما مثل ماما مریم باشه.

- چرا به نظر تو چادر خوب نیست؟

خوبه، اما آدم باهاش خوشگل نمی‌شه، من دوست دارم خوشگل باشم.

- ببین من هم چادری هستم، یعنی من هم زشت هستم؟

(می‌خندد) نه خوشگلی، اما من دوست دارم لاک بزنم، خوشگل بشم، رژ بزنم، ولی ماما من می‌گه،

نباید بیرون رفتنی رژ بزنی.

- خوب تو آرایش می‌کنی؟

من که هنوز بزرگ نشدم، اما به بار واسه تولدم، موهایم وقتی بلند بود، ماما من برد آرایشگاه، انقدر

خوشگل شدم اونجا، خانومه واسم یه کم رژ زد، خیلی خوشگل شدم، تازه کیکم هم السا آنایی بود.

- خوب چرا موهایم رو کوتاه کردی؟

(با ناراحتی) آخه ماما من گفت هوا گرمه، موهایم اذیت می‌کنه.

- اشکال نداره، دوباره موهایم بلند می‌شه. حالا کیکت چه شکلی بود؟

کیکم السا آنا بود. انقدر با حال بود، بهم تکیه داده بودن، موهایم بلند بود، یه کاکائو خوشمزه بود.

- لباست چه شکلی بود؟

رنگ لباسم آبی بود، انقدر ناز شده بودم، شبیه السا شده بودم.

- کی گفت خوشگل شدی؟

داداشم، ماما من، بابام، همه می‌گفتن. من دوست دارم همیشه از این لباسا بپوشم، اما ماما من همیشه

می‌گه، دست و پاها رو نباید کسی ببینه، حتی بابا و داداشت».



مادر ساره ۶ ساله هم در مصاحبه خود به مسأله مشابهی به شرح زیر پرداخت:

«به نظر شما سارا در جریان بازی‌های خودش، چه قدر سعی می‌کند شبیه شخصیت‌های کارتونی که می‌بیند، بشه؟»

سارا معمولاً هر چند وقت یک بار به یه کارتون یا بازی گیر می‌ده و بارها اونو تماشا می‌کنه... تا جایی که ما گاهی با هم بحثمون می‌شه... معمولاً در اون بازه زمانی سارا به شدت درگیر اون شخصیت کارتونی و به من می‌گه که اون شخصیت، مثلاً دختر کفشدوزکی رو خیلی دوست داره و می‌خواد شبیه اون باشه، منم گاهی منعش می‌کنم و می‌گم اونو کارتونه، واقعی نیست و تو نمی‌تونی موهاتو مثل اون صورتی کنی... خب سارا هم دایم می‌پرسه چرا؟ و من گاهی وقتا نمی‌دونم چی باید جوابشو بدم و همین مسأله من رو نگران می‌کنه.»



گذشته از صرف وقت زیاد در کاربری از فناوری‌های جدید، گاهی کژکاربری فرزند از بازی‌ها و کلاً محتویات فناوری‌های پیشرفته، موجبات اختلاف اولیا را فراهم می‌آورند. مصاحبه‌های محمدطاها و آرشام ۶ ساله، بیانگر دو نمونه خفیف و شدید از هنجارشکنی و کاربری کودک از محتویات عرضه شده توسط فناوری‌های ارتباطی جدید را به معرض دید می‌گذارند:

«محمدطاها بن‌تن رو می‌شناسی؟»

آره.

- کارتونس رو دیدی؟

آره دیدم، ولی ازش بدم میاد.

- چرا از بن‌تن بدت میاد؟

چون بن‌تن رو بیش‌تر بچه کوچیکا می‌بینن.

- یعنی تو بزرگی؟

بله.

- بزرگ یعنی چی؟

یعنی کبیر.

دوست نداری جای بن تن باشی؟

نه.

- چرا، بن تن که خیلی قدرتمنده؟

نه، قدرتمند نیست، اون فقط تو افسانه‌هاس.

- افسانه یعنی چی؟

یعنی از الکیه دیگه.

- کی بهت گفته الکیه؟

- داداش می‌گه تو واقعیت یه نفر نمی‌تونه این قدر قوی باشه، به خاطر همین بچه‌ها باور می‌کنن که

راسته (محمدطاها یک برادر ۱۵ ساله دارد).

(وقتی محمدطاها به این سوال پاسخ می‌دهد، خواهر کوچک‌تر او پازل محمد طاها که عکس بن تن و

باب اسفنجی روی آن چاپ شده است را می‌آورد و به من می‌گوید، ببین این پازلشه، عکس بن تن داره،

محمد طاها با حالت تعجب فقط می‌گوید: «این!») «این!))

«این! محمدطاها روی پازلت که عکس بن تن داره؟

آره.

- مهد بهتون داده؟

نه، یه جا یه نمایشگاه زده بودن، من از اون جا خریدم.

- خوب مگه تو نگفتی از بن تن بدت میاد؟

آره بدم میاد، ولی خب دوست داشتم که بخرم.

- خوب یعنی یه ذره بن تن رو دوست داری دیگه؟

نه، اصلاً دوستش ندارم، خیالیه...».

«- آرشام تو فیلم اسپایدرمن رو دیدی؟

آره.

- می‌تونی به من بگی چه جوریه هست؟

مثل کارتونس هست، ولی کارای بد تو فیلم می‌کنن.

- کارهای بد یعنی چی؟

اسپایدرمن و اون دختره، هم دیگه رو ماچ می‌کنن.

- مامان و بابات می‌گذارن که تو کارهای بد فیلم رو ببینی؟

نه.

- اگه نمی‌گذارن پس تو چه جوریه می‌بینی؟

یه بار کنترل تلویزیون رو قایم کردم که نتونن کارای بد رو بزندن جلوه.

- خوب مامان و بابات وقتی کارهای بد رو دیدن، چی کار کردن؟  
دنبال کنترل می‌گشتن، مامانم عصبی شد و به بابام گفت که بره از دستگاه بزنه جلو.  
- بابا رفت بزنه جلو؟  
آره، مامانم سرم داد زد که برگردم و نبینم.  
- پس تو نتونستی کارهای بد رو ببینی؟  
چرا دیدم.  
- چه جوری؟  
مگه تو پشت به تلویزیون نشدی؟  
چرا ولی از آینه‌ای که به دیوار زده بودن، می‌دیدم.  
یعنی تو از آینه که جلو تلویزیون زدن، داشتی بدون اجازه، کارهای بد رو می‌دیدي؟  
آره.  
- بعدش چی شد؟  
مامانم با بابام دعواکرد.  
- برای چی دعواکرد؟  
مامانم می‌گفت دوباره کنترل رو کجا گذاشتی.  
- تو به مامان و بابات گفتی که کنترل رو تو برداشتی؟  
نه».



در برخی از موارد اولیا پس از ملاحظه کژکاربری یا کاربری افراطی کودک از تبلت، ایکس‌باکس یا تلفن همراه، به شکل مناسبی با کودک برخورد نکرده، به جای توجیه نسبی وی و پر کردن وقت او یا بازی‌های فیزیکی مناسب، با توسل به زور یا دروغ‌گویی، می‌کوشند فرزندشان را قانع سازند که دیگر دنبال کاربری از وسایل جذاب پیشین نباشد. محمداهای ۵ ساله، در همین رابطه با بغض بیان می‌داشت:

«تبلت منو برا بزرگیام گذاشتن.

- الان با چی بازی می‌کنی؟

هیچی دیگه. مامانی حاجی (مادر بزرگ) هم قبلنا گوش می داد، ولی (با بغض) الان دیگه دعوام می کنه».

اگر چه در مواردی اولیا از دروغهایی سود می برند که کودک بلافاصله به کشف دروغ بودن بیانات اولیا نایل نمی گردد، اما در گذر زمان، با افزایش دانش و آگاهی کودک، وی به دروغ بودن بیانات اولیا پی برده، بلافاصله نسبت به آنها بی اعتماد می گردد. اظهارات احسان ۴ ساله، کسری و روزینای ۶ ساله، گواهی بر همین معنا هستند:

«- احسان گوش می داری؟»

نه، گوش می مامانم هست.

- تبلت هم نداری؟

تبلتمو لولو خورده.

- قبلاً تبلت داشتی؟

همون که تبلت من و سهیل بود، لولو خوردش. من دوشش داشتم، تو نبود.

- ای بابا لولوی بد، الان دیگه تبلت نداری؟

نه... .

گوشیت رو بده بازی کنم.

- گوش می من بازی نداره.

بدش به من (گوشی من را پنهان می کند)، دیدی حالا گوشیمو لولو برد، دیگه بهت نمی ده».



«- چرا فقط ماشین بازی و کلش و جی تی ای داری، بازی های دیگه ای مامانت داندلود نمی کنه؟»

چون گوش می ویروسی می شه، برنامه ها پاک می شه.

- تا حالا شده داری با گوش می بازی می کنی، مامانت بهت بگه کم تر بازی کن؟

آره.

- چون مامانت بهت می گه کم بازی کن، تو هم کم بازی می کنی؟

آره.

- چرا؟



چون هم گوشی ویروسی می‌شه، هم چشم درد می‌گیره».

«از اون لباس‌های پری دریایی خودت هم دوست داری بپوشی؟»

آره، ولی نمی‌شه.

- چرا؟

چون که هی باید بیکینی بپوشیم.

- خوب چرا نمی‌پوشی؟

خب مریمون اجازه نمی‌ده.

- آهان. خونه چی؟ تو خونه می‌پوشی؟

ندارم.

- به مامان و بابا گفتم برات بخرن؟

نمی‌دونن کجاس.

- خاله تبلتت سیم کارتت داره؟

نه، اگه سیم کارت بذارم، تبلتم می‌سوزه.

- چرا؟

داییم می‌گه.

- خوب می‌دونی اگه سیم کارت داشته باشی، چه کارهایی می‌تونی بکنی؟

می‌تونم باهاش دیگه تلفنی حرف بزنم، می‌تونم برم تو تلگرام، تو اینستاگرام، می‌تونم با دوستام حرف

بزنم».

اولیای کیانای ۶ ساله با خرید یک تلویزیون جداگانه برای دخترشان، از وی خواسته‌اند که او تنها از این تلویزیون (و کانال‌های ایرانی) استفاده کند، اما خودشان کاربر کانال‌های ماهواره‌ای می‌باشند، به همین ترتیب علی ۶ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وقتی او می‌خواسته است به اتاق بیاید، مادر که فیلم‌های لختی می‌بیند، به او گفته است نیا تا کانال را عوض کند. موارد اخیر، اگر چه در دوران دیگرپیروی کودک ممکن است خیلی به چشم وی مهم جلوه‌گر نشود، اما با رسیدن دوران خودپیروی کودک، بالطبع او در مورد محرومیت خود از دیدن کانال‌های ماهواره‌ای که اولیا از آن استفاده کرده، اما وی نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند، پرسش به عمل آورده، بر همان نهج و منوال که صحیح می‌داند، عمل خواهد کرد.

علی ۶ ساله از رفتارهای متناقض مادرش، به شرح زیر یاد کرده است:

«بعضی وقتا فقط مامان کنترل رو برمی‌داره، می‌زنه فیلم‌های خودش.

- خوب تو نمی‌نشینی با مامان فیلم ببینی؟

نه، دوست ندارم.

- خوب پیش بده؟

لختاش، بعضیاشون لباسای زشت می‌پوشن با شلواری پاره.

- خودت دوست نداری یا مامان می‌گه نبین؟

مامان می‌گه نبین. بعضیا رو می‌گه ببین، بعضیا رو می‌گه نبین.

- آهان پس بعضی‌ها رو می‌بینی.

یه دفعه خواستم کارتون ببینم، اومدم، یهو مامان پا شد اومد گفت، یه لحظه یه لحظه وایسا».



در کشاکش کاربری یا محدودیت و عدم کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید، گاهی کودکان در مواجهه با اعمال محدودیت‌های اولیا در کاربری آنان از تبلت، تلفن همراه و پی‌اس‌فور، کاربری خود را به صورت مخفیانه ادامه می‌دهند.

در حالت دیگری کودکان مقابله نسبی با اولیا را پیشه خود کرده، مثلاً با قهر کردن و گریه و زاری سعی می‌کنند تا دل اولیا را به رحم آورده، مجوز ادامه کاربریشان را از بازی‌ها، کارتونها و پویانمایی‌های مورد علاقه‌شان بگیرند و سرانجام در آخرین حالت ممکن، کودکان درگیر شدن با اولیا را پیشه خود کرده، می‌کوشند تا با مخالفت جدی و جدال با اولیا، خواست خویش را محقق سازند.

مانیا و پریای ۶ ساله، در مصاحبه‌های خودشان بیان می‌دارند که با کاربری مخفیانه از گوشی یا وسایل آرایش مادر، کار خود را پیش می‌برند. فرزام ۶/۵ ساله هم خاطرنشان می‌سازد، به دلیل بدقولی مادر در خرید یک گوشی اپل، گوشی دیگری را نخریده است و می‌خواهد آن قدر با گوشی مادر بازی کند که با خراب کردن آن، مادر را وادار به خرید گوشی اپل برای خودش کند.

«- مانیا خانم، مامانت چه قدر اجازه می‌ده با گوشیش بازی کنی؟

زیاد نه، یه کم! وقتی که خوابه، خودم یواشکی گوشیش رو برمی‌دارم.

- چرا یواشکی؟ مگه وقتی که بیداره، گوشیش رو بهت نمی‌ده؟

آخه وقتی خوابه، من نقشه می‌کشم، می‌رم می‌دوام برمی‌دارم، میام بازی می‌کنم، باز وقتی بیدار که می‌شه، آروم می‌ذارم سر جاش تا بن‌تن شروع بشه، برم کارتون ببینم.

- فکر نمی‌کنی مامان از این کارت ناراحت بشه؟

نه، نمی فهمه که!

- خوب اگر مادرت بیدار شد و فهمید چی؟

بهش می گم که برام گوشه بخره تا گوشه اونو برندارم!»

«- خوب پریا، دیگه السا چه کارهایی می کنه که تو دوست داری انجام بدی؟  
آرایش می کنه.

- تو هم دوست داری از وسایل آرایشی استفاده کنی؟

آره، ولی مامانم نمی ذاره، می گه این وسایل مال بزرگ ترها هست.

- تو حرفش رو قبول داری؟

نه، بعضی وقتا یواشکی می رم وسایلیش رو برمی دارم و رژ می زنم و زود پاک می کنم.

- فکر نمی کنی اگه مامانم بفهمه آرایش کردی، ناراحت می شه؟

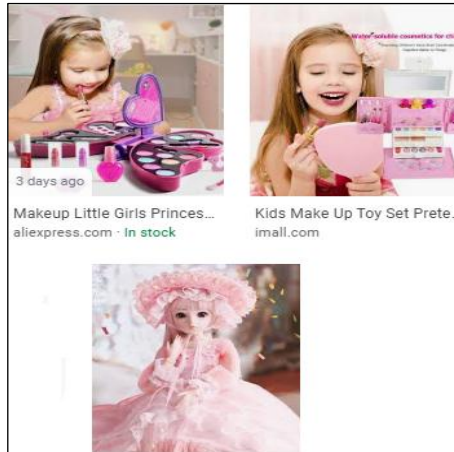
نه، زود آرایشمو پاک می کنم، دیگه نمی فهمه.

- چرا دوست داری آرایش کنی؟

خب این جور می آدم خوشگل تر می شه.

- خوشگل یعنی چه جوری؟

یعنی مثلاً لبات قرمز باشه، صورتت سفید باشه، مثل باربی ها».



«من اپل می خواستم... مامانم گفت گرون شده و می خواد سامسونگ بخره... من نخواستم... اون ها

هم نگرفتن... اصلاً از اولشم نمی خواستن بخرن... بهم کلک زدن.

- چرا؟

خب معلوم بود دیگه خاله... هر دفعه من می گفتم گوشه می خوام، به هم نگاه می کردن.

- ناراحتی که نگرفتن؟

(می خندد) نه. از گوشه خودش استفاده می کنم، اون قدر تا باطریش خراب شه».

باران ۴ ساله و پرنیای ۶ ساله، سطح بالاتری از تعارض با اولیا را به معرض دید نهاده، در مصاحبه خویش اظهار می‌دارند، آن‌ها به جای پیش‌برد مخفیانه کارشان، با اولیای خود برخورد کرده، با گیر دادن یا قهر کردن با آنان، به این طریق می‌کوشند تا پدر و مادر را وادار به پذیرش خواست خویش کنند:

«مصاحبه با مادر باران:

- باران به جز دیدن بن‌تن و کارتون‌های بزن بزن و خشن، آیا از طرف شما محدودیت دیگری هم داره؟

اونایی که خیلی رماتیکیه، مثلاً اون جاهایی که مال السا آنا و پسرا بود، من خودم می‌زدم بره جلو.

- عکس‌العمل باران چی هست، اصلاً متوجه می‌شه که می‌زنین جلو؟

آره بابا! بعد گیر می‌ده که همون خوب بود.

- شما چه توضیحی بهش می‌دید؟

بهش گفتم که اون جاش رو واسه کوچک‌ترها نساختن».

«- خوب پرنیا خانم، تو دیگه چه کارتون‌هایی دیدی؟

یادم نیست.

- کارتون باری رو دیدی؟

نه.

- آنا و السا رو دیدی؟

آره یه بار.

- از شبکه پویا دیدی؟

نه، خونه دوستم دیدم.

- اسم دوستت چیه؟

سارا.

- می‌شه یه کم کارتونش رو برام تعریف کنی؟

یادم نیست.

- از چی تو اون کارتون خوشت اومد؟

از لباسا و تاجاشون.

- لباساشون و تاجاشون چه شکلی بود که خوشت اومد؟

لباساشون بلند بود، برق می‌زد.

- دوست داری مثل آنا و السا لباس بیوشی؟

آره، دوست دارم.

- تو کارتون کارهای بدم می‌کردن؟

نمی‌دونم، یادم نیست، خیلی وقت پیش دیدم.

- توی این کارتون از چه چیزی بدت می‌اومد؟  
می‌شه از این کارتون سوال نکنی، چون خیلی یادم نیست، فقط همین لباسا و اینا یادم بود.
- پرنیا خانم لباس‌های محلی رو دیدی، به نظرت این‌ها قشنگ‌ترین یا لباس‌های آنا و السا؟  
لباس‌های السا و آنا، چون لباس محلی خیلی گشاده و رنگاش زشته، ولی آنا لباسش خوشگله و مٹ لباس عروسا می‌مونه.
- پرنیا خانم به نظرت آنا و السا خوشگلن؟  
آره خوشگلن، ولی زیاد نه.
- هر کی بیش‌تر شبیه اون‌ها باشه خوشگل‌تره؟  
نه، آخه خلیلیا هم هستن، شبیه اونا نیستن، ولی خوشگل‌اند.
- تا حالا خواستی شبیه اون‌ها باشی؟  
نه، یک بار به مامانم گفتم، گف هر کسی خودش خوشگله.
- سعی کردی خودت رو مثل اون‌ها درست کنی؟  
نه، ولی لباسشون رو دوست دارم.
- عزیزم تو قیافه و ظاهر خودت رو دوست داری؟  
آره.
- تا حالا شده به خودت بگی یه جایی از بدنم زشته، کاش شبیه یه شخصیت کارتونی مثلاً آنا و السا یا باربی باشه؟  
نه، من بدن و صورت خودمو دوست دارم.
- تا حالا دلت خواسته وسیله‌ای داشته باشی که شبیه وسایل توی کارتون‌ها باشه؟  
آره.
- مثلاً چی؟  
لباس السا رو دوست داشتم، به بابام گفتم برام بخره، ولی هنوز نخریده.
- وقتی بابات برات اون لباس رو نخرید، چه کار کردی؟  
ناراحت شدم، باهاش قهر کردم.
- بعدش باهاش آشتی کردی؟  
آره.
- چرا باهاش آشتی کردی؟  
یه لباس دیگه برام خرید.
- تو هر چی تو اتاق دوست‌هات هست و ازشون خوشت بیاد، به مامان و بابات می‌گی برات بخرن؟  
بعضی وقتا.

- به خاطر این که بابا و مامان یه چیزی رو برای تو بخرن، تا حالا شده گریه کنی یا مثلاً با مامان و بابا قهر کنی یا بزنیشون؟

آره یه بار.

- کی بوده؟

وقتی لباس السا رو می خواستم.

- از دوست هات توی مهد که براشون تولد گرفتن، کسی بوده که تو جشنش لباس های کارتونی رو بپوشه یا کیکش عکس چیزهای تو کارتونها مثلاً آنا و السا روش باشه یا این که تزیینات جشنش مثل

بادکنک ها یا عکس های عروسک های کارتونی باشه؟

آره.

- کی بوده؟

السا.

- جشنش چه طوری بود؟

آزیتا لباس السا رو پوشیده بود، موهاشم شبیه السا درست کرده بود، تاج السا هم گذاشته بود، بعد

کیکشم عکس السا روش بود.

- جشن تولد تو هم این جوری بوده؟

نه.

- دوست داشتی تولد تو هم مثل تولد آزیتا باشه؟

یه کوچولو، ولی تولد خودمم دوست داشتمم.»



سرانجام برخی از کودکان مصاحبه شده اظهار داشته اند که آنان برخورد شدیدتری را با اولیا، پیشه خود کرده اند و با ایجاد نوعی از درگیری با آنان کوشیده اند تا اولیا را در برابر خواست خویش تسلیم کنند. به عنوان مثال، مادر سلنای ۳ ساله در مصاحبه خود گزارش می دهد، پس از آن که گوشه را از سلنا می گیرد تا او زیاد بازی نکند، سلنا آن قدر به مادر گیر می دهد که مادر را تسلیم خود می کند:

«- شما به سلنا می گید که اگه زیاد بازی کنی چشمت درد می گیره؟

آره می‌گم، ولی می‌گه درد نمی‌گیره.

- شما با این جواب قانع می‌شید؟

نه، ولی خوب چه می‌شه کرد.

- اگه گوشی رو ازش بگیرید چه کار می‌کنه؟

کاری نمی‌کنه، ولی همش راه می‌ره می‌گه حوصله‌ام سر رفته یا اصرار می‌کنه گوشی رو بهش بدم».



فاطمه و آریین ۶ ساله، در مصاحبه‌های خود بیان داشته‌اند که آنان با تهدید اولیا مبنی بر این که اصلاً جشن تولد نمی‌خواهند یا با نخوردن غذا، اولیا را تسلیم خودشان کرده‌اند.

سامیار ۶ ساله هم اظهار می‌دارد، در صورت مخالفت اولیا با خواست وی، او (نظیر الگوی مورد علاقه‌اش) با داد و فریاد زدن، آنان را تسلیم خود کرده، وادار به پذیرش خواسته‌اش می‌سازد:

«- فاطمه خانم تو برای تولدت، موضوع خاصی سفارش می‌دی؟

ماه بعد تولدمه، به مامانم گفتم تم مولان سفارش بدیم، مامانم هم می‌گه نه.

- چرا؟

می‌گه بیشتر دوست‌ها تم مولان رو دوس ندارن.

- تو از حرف مامان ناراحت نشدی؟

یه کم.

- پس می‌خوایین موضوع چی رو برای تولد سفارش بدین؟

مامانم می‌گه تم آنا، ولی من دوس ندارم.

- چرا؟ آنا لباسش خیلی خوشگله... مطمئنم بهت میاد.

نه، من مولان رو دوس دارم.

- اگه برای تولدت موضوع مولان رو سفارش ندن، تو چه کار می‌کنی؟

اصلاً تم نمی‌خوام... اصلاً تولد نمی‌گیرم.

- تو گفتمی مریدا رو هم دوست داری، موضوع مریدا رو سفارش نمی‌دی؟

اوووم. آره مریدام خوب می‌شه.

- دوست‌های تو مریدا رو دوست دارن؟

نه خیلی.

- چرا؟

می‌گن مریدام مٹ مولانه، یعنی مٹ پسرعه».

«- آراین، دوست‌های تو هم بن‌تن رو دوست دارن؟

آلاره همشون، مگه می‌شه بن‌تنو دوست نداشت، خاله تو ندیدی، نمی‌دونی چه قدر خوبه.

- چرا دوستش دارن؟

خب چون می‌زنه آدم بدا رو می‌کشه. کارای با حال می‌کنه. یکی از دوستام خیلی دوشش داره، یعنی

خیلیااا، به مامانش گفته بود براش لباس بن‌تنو بگیره، اونم نگرفت، دوستم تا یه روز هیچی نخورد تا آخرش براش گرفتن.

- تو هم به خاطر بن‌تن از این کارها کردی؟

آره، وقتی می‌خواستن برام تولد بگیرن، گفتم برام ظرف و لیوانای بن‌تن بگیرن، ولی وقتی رفتن

نداشتن، سوپرمن برام گرفتن، منم تا یه روز هیچی نخوردم، اون موقع رفتن برام پیدا کردن، گرفتن، ولی اون مامانش کلاً نمی‌خواست براش بگیره.

- به نظرت راه حل خوبیه که هیچی نخوری تا برات هر چی می‌خوای بگیرن؟

(با ناراحتی) خب من بن‌تن رو خیلی دوس دارم.

- به نظرت چرا مامان دوستت نمی‌خواست براش لباس بن‌تن رو بگیره؟

نمی‌دونم. فک کنم کلاً از بن‌تن خوششون نمی‌اومد. آخه یه بارم دوستم گفت، اون قسمتش که بن-

تن میاد می‌گه اون دختره، دوست دخترمه رو مامانش دیده، بعد از اون نمی‌ذاره کارتونشم ببینه.

- یعنی به نظر مامانش بده که آدم دوست دختر داشته باشه؟

آره، آخه اونا چادری‌ان.

- اون‌هایی که چادری هستن، می‌گن دوست دختر خوب نیست؟

آره.

- تو هم نظرت همینه؟

نه. ما که چادری نیستیم.

- یعنی خوبه؟

آره. اگه بد بود که بن‌تنم نداشت».

«- ... تو هم دوست داری سیکس پک بشی؟

آره. خیلی دوست دارم برم بدنسازی، ولی مامانم نمی‌ذاره. ولی بزرگ شم، حتماً می‌رم.

- چرا مامانت اجازه نمی‌ده بری بدنسازی؟

نمی‌دونم. می‌گه خوب نیست برات.



- اگه باز هم مامانت نگذاشت بری بدنسازی، چی؟

می‌رم، یواشکی به داییم می‌گم. با داییم می‌رم.

- اگه داییت قبول نکرد چی؟

می‌رم خونه، داد و فریاد می‌کنم.

- داد و فریاد کنی، مامان و بابات عصبانی می‌شن، ناراحت می‌شن، دعوات می‌کنن. اصلاً داد زدن

سر پدر و مادر مگه کار بدی نیست؟

نه. آدم با داد می‌تونه خواسته‌هاشو بگیره، مثله کنگ که زور داره و داد می‌زنه، منم داد و فریاد می‌زنم».



یکی از فروشنندگان اسباب بازی هم با اشاره به تعارضی که کاربری از بازی‌ها و کارتون‌های غربی در

سطح فرزندان و اولیا ایجاد می‌کند، بیان می‌داشت:

«- بازی‌ها یا کارتون‌هایی هست که آثار سوپی روی کودکان کاربر داشته باشه؟

بله، زیاد.

- مثلاً چه بازی یا کارتونی؟

مثلاً تام و جری.

- مگه توی کارتون تام و جری چی نشون می‌دن؟

این که تام عاشق یه گربه ماده می‌شه.

- خوب چی نشون می‌ده؟

این که چه جور داره سعی می‌کنه، اون گربه هم عاشقش بشه.

- پس با بازی و کارتون هم مفاهیم نامناسب به کودک آموزش داده می‌شه؟

بله، اتفاقاً همین چند روز پیش یه مادر و دختر اومده بودن، مادرش ناراحت بود و می‌گفت، تو خونه

بدون اجازه برداشته رژ قرمز زده که شبیه سفید برفی بشه.

- مادر وقتی که دیده بود بچه‌اش رژ زده، اون رو چه کار کرده بود؟

می‌گفت رژ رو نمی‌داد، این قدر تو اتاقش گذاشت برای تنبیه بمونه تا رژ رو پس داد».



گذشته از درگیری اولیا با یکدیگر و با فرزندان، برخی از کودکان مصاحبه شده، خاطرنشان می‌ساختند که فناوری‌های جدید، اسباب اختلاف آنان را با خواهر و برادرشان فراهم آورده است. به این معنا که گاهی کاربری مشترک یک خواهر و برادر از یک تبلت یا رایانه و یا دیدن فیلم‌های پرخاشگرانه توسط فرزند (غالباً پسر) خانواده، سبب می‌شوند بین خواهر و برادرها اختلاف و دعوا پیش بیاید. اظهارات مهدیه و مهرآوه ۶ ساله و مادر احسان ۴ ساله، در همین رابطه هستند:

«این خیلی قشنگه، پازل می‌چینی. تو پازل بلدی؟ اگه بلد نیستی من بهت یاد می‌دم.

- وای مهدیه من که خیلی خسته شدم، از بس بازی کردم، چشم‌هام درد گرفت، تو چی؟

بیا اینم بازی کنیم، بعدش دیگه بریم یه بازی دیگه.

- آخه من خسته شدم، مگه تو خسته نمی‌شی؟

من که هنوز خسته نشدم، الان این پازل رو می‌چینم، می‌رم مرحله بعد. توام بیا دیگه.

- باشه منم میام بازی کنیم، بعد از این بازی چه کار کنیم؟

بعدش بریم تبلت رو بزنییم به شارژ، مهیار دعوا نکنه.

- شارژش چه قدر کمه!

به مهیار نگی که زیاد بازی کردیما باشه...

دیگه خسته شدم، بسه بیا بریم گوشی مهیار رو بزنییم به شارژ، بعد که شارژ شد، بازی کنیم.

- مهدیه توی تبلت داداشی دیگه چه بازی‌هایی داری؟

آهان، یه بازی هست، تازه ریختم توی تبلتت، بازی خودمه، عروسک قصه‌گو. برام قصه می‌گه، مهیار

اون حذفش کرد کرد، بابام دعواش کرد، دوباره ریخت توی تبلت مهیار.

- بازی رو خودت خریدی؟

آره دیگه.

- چه طوری خریدی؟

از تو بازار خریدم.

- بلدی بری تو بازار؟

آره بابا، تو بازار همه چی داره.

- بازی زیاد داره؟

آره یه عالمه بازی داره، منم از اونجا بازی مورد علاقم رو خریدم. بعد داداش دعوا کرد.

- چرا دعوات کرد؟  
گفتش بسته اینترنتم رو تموم کردی بچه‌ی بد. منم گریه کردم به بابا گفتم، براش خرید.»  
- «چرا بازی جنگی دوست نداری؟  
آخه این جور ی آدم اگه جنگی بازی کنه، اخلاقش بد می‌شه.  
- !! اینو کی بهت گفته؟  
داداشم زیاد بازی می‌کنه، بابام بهش می‌گه زیاد بازی کنی، بد اخلاق می‌شیا.  
- همین داداش دوقلوت منظورت؟  
بله.  
- فقط بابات این جور ی می‌گه؟  
آره، مامانم چیزی نمی‌گه.  
- حالا این بد اخلاق که می‌گی چه جوریه عزیزم؟  
مثلاً آدم هی سر بزرگ‌ترش داد اینا می‌زنه یا این که بچه‌ها رو کتک می‌زنه.  
- حالا واقعاً داداش وقت ی بازی جنگی می‌کنه، این طوری می‌شه؟  
آره، یه وقتایی زیاد بازی می‌کرد، بعد دیگه حوصله نداشت با من بازی کنه یا این که یه بارم منو زد.  
بابام دیگه نداشت، زیاد جنگی بازی کنه.»  
- «بعد اخلاق احسان چه طوره، بد خلقی هم می‌کنه؟  
اگر گوشی رو ازش بگیرم، آره.  
- شده که گاهی همین طور الکی خشونت به خرج بده یا کم حوصله و بی‌حرکت باشه؟  
اون جور ی که آره، گاهی وقتا بی‌خودی داداشش رو می‌زنه.»



## ۲۶-۲- کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا

بعضی از اولیا در برخورد با فضای مجازی، می‌کوشند تا از این فضا برای کسب درآمد یا برای ارضای خودنمایی‌های خویش سود ببرند، از این رو می‌کوشند با جذب مخاطبان بیش‌تر و بیش‌تر، صفحه خود را بسازند یا بیلبوردهای تبلیغاتی در معرض تبلیغات دیگران قرار دهند و از این طریق به کسب درآمد پرداخته یا مرهمی برای آلام روانی خویش فراهم آورند.

تصاویر زیر متعلق به پانیزد الف است. اولیای پانیزد ۴ ساله در صفحه‌ای که برای وی ساخته‌اند، از فرزندشان به صورت یک چهره تبلیغاتی استفاده کرده، به او یاد داده‌اند که در مقابل دوربین برای تبلیغ یک محصول یا یک صفحه دیگر، مشتری، مخاطب یا طرفدار جمع کند.





صفحه پانیز k ۷۴۶ دنبال کننده (فالور) دارد که رقم بسیار قابل ملاحظه‌ای هست و بالطبع بر همین بنا، ارقام بالایی برای طرح تبلیغات در صفحه پانیز درخواست می‌شود. تصاویر زیر نیز متعلق به نیوان و دلوان است. خانم شبنم ش که دارای چند مقام جهانی در رشته کیک بوکسینگ است، ضمن آن که لحظات شخصی زندگی خود را (برای جذب مخاطب بیشتر) در معرض دید دیگران قرار داده است، از کودکان خود به عنوان تبلیغات چی سود می‌برد. وی برای هر پست تبلیغاتی که در صفحه‌اش می‌گذارد، حداقل ۱۶ میلیون تومان دریافت می‌دارد.





آرات هم کودک ۵ ساله‌ای هست که پدرش او را به تمرین‌های ورزشی سنگین واداشته است. مضاف بر این از رویش موهای بسیار ضخیم در روی بدن آرات می‌توان احساس کرد که وی مجبور به مصرف آمپول هورمونی تستوسترون شده است.



**از ۴ تا ۱۴ بهمن ماه ۹۷ جشنواره فروش ویژه به مناسبت افتتاحیه**

- سفر به شهر زیبای استانبول**  
برای یک نفر  
قیمت: ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان
- سفر به جزیره زیبای کیش**  
برای دو نفر  
قیمت: ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان
- سفر به شهر مشهد مقدس**  
برای یک نفر  
قیمت: ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان
- پختوبایی در رستوران گردان برج میلاد**  
برای دو نفر  
قیمت: ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان
- پختوبایی در رستوران میزبان**  
برای دو نفر  
قیمت: ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان

lovinmobilya

**arat.gym @lovinmobilya**

افتتاح وسیع ترین گارگ میلمان شمال کشور، گارگی میلمان لایون در شهر بهمنیر

با هر میزان خرید از فروشگاههای میلمان لایون ۱۳ در شهرهای پابل و بهمنیر از لایون جایزه بگیرد (برای دیدن لیست جوایز ورق بریزد) @lovinmobilya

لایون پابل : میدان بسج (حمره کلا) حدفاصل ۱۳ و ۱۱ لایون بهمنیر : خیابان امام ، حدفاصل ۳۳ و ۳۷ مراسم افتتاحیه ۳۳ حدفاصل گستان ۳۵ و ۳۷ ۳۴ پنج شنبه ۴ بهمن ۹۷ از ساعت ۱۶ الی ۱۹ @lovinmobilya

#iran #tehran #babol

10,211 likes



اولیای دیگری هم هستند که کودکان را بدل به عرصه‌ای برای خودنمایی‌های خودشان کرده‌اند. به این معنا که این دست از والدین ممکن است با دست زدن به اقدام‌های نامتعارف، مانند خالکوبی و تاتو روی بدن کودک، رنگ کردن موهای نوزاد یا کودک خویش، آرایش دایم، کاشت ناخن و دستکاری در تاریخ تولد فرزند (با شیوه سزارین الکتیو)، به شکل غیرمستقیم به طرح خویش در اذهان دیگر کاربران فضای مجازی بپردازند.

تصاویر زیر شامل تاتوی نام پدر روی بازوی دختر ۱/۵ ساله وی و رنگ صورتی موی نوزاد دو ماهه برای شبیه شدن وی به خواننده معروف، کیتی پری است که موجبات آلرژی و کشیده شدن کار کودک به بیمارستان شده است.



در موارد دیگری اولیا با پیر سینک فرزندشان، دست به سوراخ کردن بینی و یا ناف کودک و یا موارد مشابه زده‌اند که ماحصل این کودک آزاری‌ها، طرح اولای اخیر در اذهان افراد مبتدلی مثل خودشان است.

## ۲۷-۲- مخفی کاری و دور زدن خانواده توسط کودک

یکی از دیگر مسایل جدی که در زمینه کاربری کودکان پیش دبستانی (و کودکان دبستانی و بالاتر) مطرح است، مخفی کاری‌های آن‌ها در برابر کاربری مفرط یا کژکاربری از فناوری‌ها و دور زدن اولیای خانواده برای ادامه همین روند است.



گسترده‌گی و تنوع موضوع اخیر چنان است که منطقی (۱۳۹۵، ج)، خاطرنشان می‌سازد از روش‌های دورزدن خانواده توسط فرزندان‌شان در زمینه کاربری مفرط و کژکاربری از فناوری‌ها می‌توان یک کتاب مستقل تهیه کرد. منطقی در قسمتی از گزارش اخیر به درج نمونه‌هایی از دور زدن خانواده توسط فرزندان پرداخته است:

«کودکان دبستانی زیادی در مصاحبه‌های خود، خاطرنشان ساخته بودند که آنان در جریان کاربری، کاربری مفرط و کژکاربری‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و فضای مجازی دارند، برای در غفلت نگه داشتن اولیایشان از چگونگی کمیت و کیفیت ارتباطها و نوع کاربریشان از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، دست به فریب خانواده زده، آنان را در این جهت دور می‌زنند. بررسی چگونگی دور زدن خانواده‌ها از سوی کاربران دبستانی، حکایت از آن دارد که این کاربران از روش‌های متعددی برای مخفی و پنهان نگه داشتن اطلاعات خویش سود می‌برند، عناوین برخی از این روش‌ها، به قرار زیر است:

- کاربری پنهان از گوشی اولیا (عمدتاً مادران) توسط فرزندان که گوشی ندارند،
- تهیه سیم کارت اضافی (غالباً توسط دوست پسر برای تأمین ارتباط دوست دختر با وی).
- تهیه و کاربری از چند گوشی به شکل هم‌زمان،
- استفاده از دو صفحه یا دو عضویت در یک شبکه اجتماعی (که صفحه بدون ممیزی، در معرض دید اولیا قرار می‌گیرد)،
- رمزگذاری برای گوشی،
- استفاده از برنامه پنهان کردن فایل‌ها،
- نگه‌داری اطلاعات محرمانه در فایل‌های دور از ذهن،



-نگهداری اطلاعات محرمانه روی لپ‌تاپ و انتقال آن‌ها به گوشی در مواقع مورد نظر،  
-کاربری پنهان و به دور از چشم اولیا (نظیر دانلود اطلاعات با گوشی در نیمه شب یا کاربری از گوشی زیر پتو در نیمه شب)،  
-فریب اولیا در جریان کاربری از گوشی (نظیر گذاشتن گوشی در معرض دید اولیا و کاربری از گوشی دوم، نهادن جلد گوشی روی میز و استفاده از آن در جای دیگر، کاربری از گوشی در پوشش سرزدن به سایت مدرسه، کاربری از گوشی در پوشش درس خواندن در لای کتاب درسی و...)،  
فریب اولیا در جریان نظارت بر کاربری فرزند از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، وجه دیگری از دور زدن خانواده است که برخی از نوجوانان به گزارش آن پرداخته‌اند.  
کاربری از فناوری‌ها برای نظارت فرزندان بر مسایل اولیا (نظیر نهادن گوشی در اتاق اولیا و ضبط حرف‌های آنان)، مسأله جدیدی دیگری است که بعضی از دانش‌آموزان مصاحبه شده به آن پرداخته‌اند.  
در بررسی روش‌های فریب و دور زدن اولیا و نزدیکان کودکان پیش دبستانی کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید، می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

- استفاده از بازی‌های اینترنتی،
- رمزگشایی پنهانی از تلفن همراه اولیا و اطرافیان،
- رمزگذاری تبلت و گوشی برای ممانعت از دستیابی اولیا به اطلاعات آن،
- بدل فن زدن فنی به اولیا،
- نمایش بازی کردن برای به تسلیم واداشتن اولیا،
- پنهان کردن بازی‌ها در قسمت‌های مختلف تبلت یا گوشی،
- پنهان کاری در جریان انجام بازی‌های فیزیکی،
- پنهان کاری در جریان انجام بازی‌های مورد علاقه و فضای مجازی،
- کاربری مخفیانه از تبلت، گوشی یا سیم کارت اولیا،
- کاربری پنهانی از ماهواره منزل،
- کمک گرفتن از دوستان برای دور زدن خانواده،
- کمک گرفتن از اطرافیان برای دور زدن خانواده،
- کاربری از بازی و پاک کردن آن قبل از کنترل تبلت و گوشی کودک،
- پاک کردن اطلاعات تبلت و گوشی قبل از ارایه برای کنترل اولیا،
- برداشتن و ارسال مخفیانه اطلاعات تلفن همراه اولیا برای خویش،
- سوءاستفاده از اطرافیان برای تحقق خواست‌های خود.



در ادامه، نمونه‌هایی از موارد پیش‌گفته مطرح خواهد شد.

### ۱-۲۷-۲- استفاده از بازی‌های اینترنتی

برخی از کودکان دست به انجام بازی‌های اینترنتی می‌زنند و از آنجا که این بازی‌ها مستقیماً روی تبلت یا گوشی آنان نیست، اولیا در جریان بازدید وسیله فرزندشان بدان وقوف نمی‌یابند. کودکان دیگری که از روحیه فنی‌تری برخوردارند ممکن است برنامه مورد نظر خود را به شکل زنده (لایو) مورد مشاهده قرار دهند.



هستی ۵ ساله، در نمونه‌ای از استفاده از بازی‌های اینترنتی، چنین بیان می‌داشت:

«دوست‌ها هم تو تبلت‌شون بازی دارن؟»

آره.

- چه بازی‌هایی دارن؟

نمی‌دونم.

- پس چه طوری باهم تبلت بازی می‌کنید؟

هرکی با تبلت خودش بازی می‌کنه. رونیکا یه بازی داشت این قدر بی‌تربیتیه.

- چه جوری مگه؟

خانوم و آقاهه همدیگه رو بوس می‌کنن، ولی بقیه نباید ببینن.

- اگه ببینن چی؟

می‌سوزی.

- این رو تو تبلت‌ش داره؟

نه بازی‌ش نیست، اونجا میاره، ولی می‌گه تو اینترنته.

- مامانش می‌دونه اون بازی‌ش این طوریه؟

مامانش دعواش کرد، الان دیگه نمیارتش.

- کی دید مامانش؟  
وقتی برامون آب میوه آورد یهو دید. بعدش اخم کرد و دعواش کرد».



فرزام ۶/۵ ساله نیز در مصاحبه خودش بیان می‌داشت که وی کارتون مورد علاقه‌اش را پیاده سازی (دانلود) نمی‌کند، زیرا مادرش متوجه این مسأله می‌شود، بنابراین از کارتون مورد علاقه خودش به صورت لایو استفاده می‌کند:

« - فرزام کارتون‌ها رو توی موبایل دانلود می‌کنی؟

نه لایو می‌بینم... دانلود کنم که مامانم می‌فهمه خاله.

- لایو می‌بینی، نمی‌فهمه؟

نه. چون از وای فای استفاده می‌کنم.

- کجاها کارتون لایو می‌بینی؟

بعضی وقت‌ها توی سایت‌ها... بعضی وقت‌ها هم توی بعضی برنامه‌ها... مثل دیجیتون یا تد».

## ۲-۲۷-۲- رمزگشایی پنهانی از تلفن همراه اولیا و اطرافیان



برخی از کودکان مصاحبه شده بیان می‌داشتند که آنان به شکل مخفیانه به رمزگشایی گوشی اولیا یا اطرافیان نگریسته و به رمز گوشی آنان وقوف یافته‌اند و این مسأله امکان بهره‌برداری بعدی آنان از گوشی اولیا یا اطرافیان را فراهم آورده است:

«- مامانت می‌گذاره هر وقت خواستی بازی کنی؟

نه، برای گوشیش رمز گذاشته، ولی من رمزشو پیدا کردم، هر وقت می‌خوام، می‌رم یواشکی از توی کیفش ور می‌دارم، بازی می‌کنم.

- چه جوری رمزش رو یاد گرفتی؟

یه روز که داشت رمزشو می‌زد، یواشکی از پشت نگاهش کردم.

- خوب این کار بدی نیست که یواشکی رمز بقیه رو نگاه کنی؟

نه، اشکال نداره، مال مامانمه» (دردانه، ۵ ساله).

«- کیارش، گوشه مامانت رمز هم داره؟

رمز، آره.

- بعد تو رمزش رو بلدی؟

آره.

- خودت یاد گرفتی یا خودش بهت رمزش رو گفت؟

یه دفعه اومد یواشکی رمزشو عوض کنه، اومدم از بغل نگاه کردم، ببین مثلاً این رمزش هست خب،

ببین از این وسط از این بغلش میاری اینجا (کیارش، ۶ ساله)».



«- وقتی خیلی با تبلت بازی می‌کنی، دچار سر درد نمی‌شی؟

یه کم مغزم درد می‌گیره.

- تبلت پسرخالهات رمز هم داره؟

آره.

- تو بلدی رمزش رو؟

وقتی می‌خواد رمزشو بزنه، به من می‌گه کلاغا رو نگاه کن. بعد من سرمو بالا می‌کنم. بعدش

یواشکی می‌بینم. دیگه یاد گرفتم رمزشو» (یاسین، ۶ ساله).



برخی از کودکان هم در مصاحبه خود بیان می‌دارند که برای رمزگشایی از رمز تلفن همراه اولیایشان از آشنایان خود کمک گرفته‌اند:

«من رمز گوشی مامانمو بلدم.  
- تو که گفتی بلد نیستی.  
گفتم عوض کرده. ولی من به انیس (دختر خاله‌اش) گفتم رمزشو نگاه کرد، به منم گفتم. رمزش مثل N.هN می‌دونی چه شکلیه؟ بیا بهت نشون بدم...» (محمدطاها، ۵ ساله).

### ۳-۲۷-۲- رمز گذاری تبلت و گوشی برای ممانعت از دست‌یابی اولیا به اطلاعات آن



بعضی از کودکان پیش دبستانی در جریان مصاحبه‌شان خاطرنشان می‌کردند که آنان با رمز گذاری تبلت یا گوشی خودشان، در عمل مانع کنترل و نظارت اولیایشان می‌شوند. اظهارات شایان و آرش ۶ ساله، مصادیقی در همین رابطه به شمار می‌روند:

«- شایان گفتی یه چیزهای می‌زنی تو اینترنت.  
آهان آره، خب مثلاً می‌رم می‌زنم، می‌رم می‌زنم... نمی‌دونم.  
مگه توی اینترنت چه کار می‌کنی؟  
همین.  
- اگه مثلاً ممانت بازی‌هات رو حذف کنه، ناراحت می‌شی؟  
رمزش یه چیه که بلد نیست رمزشو».  
«- تبلتت رمز هم داره؟  
آره.

- مامان و بابات رمزش رو می‌دونن؟

من فقط به مامانم گفتم.

- فقط ممانت؟ بابات نمی‌دونه؟

بعضی وقتام شالاااااا، اگه بخوام بهش می‌گم.

- چرا اصلاً براش رمز گذاشتی؟

چون که نمی‌خوام تلگراممو ببینن».



علیرضای ۶ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد که وی دور زدن پیشرفته اولیایش را از خود به نمایش نهاده است:

«- راستی علیرضا تو برای تبلت رمز داری؟»

بله که دارم. همه می‌دارن. منم می‌دارم.

- اون وقت رمز تو رو کیا دارن؟

خاله اگه کسی داشته باشه که اسمش رمز نمی‌شه. فقط خودم.

- یعنی حتی مامان و بابا هم رمزت رو ندارن؟

نه، مگه رمز اونا رو من دارم! اصلاً مگه خاله تو خودت رمزتو به کسی می‌دی؟

- بله من رمز گوشیم رو همسر و پدر و مادرم دارن.

(در حالی که می‌خندد) مگه می‌شه خاله؟ پس دیگه چرا رمز می‌ذاری؟

- رمز می‌گذارم تا اگر گوشیم گم شد، کسی نتونه به اطلاعات شخصیم دسترسی داشته باشه. شما

برای چی رمز می‌گذاری؟

من چون مامانم نبینه چیا دارم.

- مگه چه چیزهایی داری که مامانت نباید ببینه؟

همین بازی اینا دیگه. همین که ببینه می‌گه پاک کن.

- خوب اگه یه وقت مامان ازت رمز تو رو بپرسه چی؟

خاله منو دست کم گرفتی. فکر همه جاشو کردم.

- خوب چه کار می‌کنی؟

خب اگه بگم که دستم رو می‌شه.

- نه من قول می‌دم نگم.

خاله قول دادیا. یه برنامه هست برنامه‌هاتو مخفی می‌کنه.

- اسمش چیه؟

نه دیگه خاله، اینو نمی‌تونم بگم.

- باشه. خوب بگو با اون چه کار می‌کنی؟

هیچی دیگه میام چند تا از این بازی مسخره‌ها مته انگری بردزو رالی و جورچین اینا می‌ریزم. اونا رو

می‌ذارم باشه، اما کاتر اینامو قایم می‌کنم، مامانم نفهمه. البته کلش آف کلنزمو می‌ذارم باشه که دیگه

مامانم شک نکنه همه رو پاک کردم».

مصاحبه انجام شده با مادر علیرضا، بیانگر عمق دور خوردن وی است:

«- علیرضا برای تبلتش رمز داره؟»

آره، گذاشته یه وقت جایی می‌رن بچه‌های فامیل ازش نگیرن بازی کنن.

- شما رمزشو می‌دونین؟

نه من ندارم، اما اگه بهش بگم تبلت رو بده ببینم، تبلتش رو می‌ده. خودمم حواسم هست یه وقت چیزی بدی توش نریزه.

- به نظرتون علیرضا بیش‌تر از چه بازی‌هایی استفاده می‌کنه؟

اولا همش از این بازی جنگیا داشت. من سفت جلوش وایستادم تا پاک کنه اون چرتو پرتو رو. الان فقط رالی اینا داره. البته تیکن تو ایکس باکس بازی می‌کنه. دیگه نمی‌تونم خیلی محدودش کنم!

- علیرضا گفت آخر هفته معمولا با پدرش فیلم ترسناک می‌بینه. فکر نمی‌کنید این فیلم‌ها مناسب سنش نباشه؟

من خودم خیلی به شوهرم می‌گم. ولی اون می‌گه من همش یکی دو شب وقت دارم فیلم ببینم. بعدم یادش داده چشاشو ببندد.

- به نظرتون ممکن نیست علیرضا در حین استفاده از ماهواره، صحنه‌هایی از روابط بزرگسالان رو ببینه؟

نه عزیزم، خدا رو شکر علیرضا بچه عاقلیه. باباش یادش داده چشاشو ببندد و کانالو عوض کنه.

- به نظرت ممکن نیست شیطنت بچه‌گانه باعث بشه کانال رو رد نکنه؟

نه عزیزم یه بچه چه می‌فهمه این چیزا چیه که کنجکاو بشه!».



#### ۴-۲۷-۲- بدل فن زدن فنی به اولیا



برخی از پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که فهم کودکان پیش دبستانی ۶ ساله، در فناوری‌های ارتباطی جدید، از فهم اولیای ۴۰ ساله خودشان بیش‌تر است، همین مسأله سبب می‌شود گاهی برخی از کودکان در برابر ممانعت اولیا از کاربری بیش‌تر آنان از فناوری‌ها، به لحاظ فنی دست به دور زدن اولیایشان بزنند.



تجربه‌های رضای ۵ ساله (که از سوی یکی از اطرافیان‌ش برای پژوهش‌گر نقل می‌شد)، و به‌رادر ۶ ساله، نمونه‌های بازی در همین جهت به شمار می‌روند:

«رضای ۵ ساله، کودکی است که اگر یکی از اطرافیان او در جریان نصب برنامه‌ای روی گوشی خودش مشکلی داشته باشد، رضا در صدد رفع مشکل او برمی‌آید و پیگیرهای او غالباً در این جهت جواب می‌دهد...»

یک بار مادر رضا در کنترل نوع کاربری فرزندش از بازی‌ها، پس از مشاهده کژکاربری فرزندش از بازی‌های دیجیتال، برخی از این بازی‌ها را حذف کرد، اما رضا برای انجام بازی، با جست‌وجوی گوشی، راه‌هایی خلاقانه‌ای برای نصب مجدد آن پیدا کرده است که حتی والدین هم از آن‌ها غافلند، به عنوان مثال، مادر با حذف بازی، برنامه‌ی شیپور ایت را هم برای جلوگیری از دریافت مجدد بازی‌ها توسط فرزندش از همسن و سال‌های خودش، حذف کرده بود، ولی رضا با جست‌وجو در پوشه‌ی فایل منیجر، پوشه‌ی شیپور ایت را یافته و برنامه‌ها را دوباره نصب کرده و هر بار پس از استفاده، آن را حذف می‌کرد تا والدین متوجه کاربری او از بازی‌های ممنوع شده توسط خودشان نشوند و بار دیگر با گرفتن گوشی همین روند را تکرار می‌کرد.»



«- بینم کارتونهایی رو که می‌بینی، کی انتخاب می‌کنه؟ همیشه خودم انتخاب می‌کردم. از وقتی با مامان فاطمه (مادر بزرگ) زندگی می‌کنم، اون نمی‌دازه بن‌تن و بت‌من و مرد عنکبوتی و لاک‌پشت‌های نینجا رو بینم. برا همین اونا رو یواشکی تو فیلمیو می‌بینم. - خوب بینم مامان فاطمه نمی‌دونه که تو توی تبلت می‌توننی این کارتونه‌ها رو بیننی؟ نه بابا اون پیره، این چیزا رو بلد نیست. تا بخواد بفهمه من اومدم بیرون. هیچی نمی‌فهمه.»



### ۵-۲۷-۲- نمایش بازی کردن برای به تسلیم واداشتن اولیا

کودکان مصاحبه شده، در برخی از مواقع دست به فریب اولیا زده، با نقش بازی کردن سعی می‌کنند، آنان را تحت تأثیر قرارداد، در نهایت تسلیم خواست خود کنند، به عنوان مثال، امیرحسین ۵ ساله برای گول زدن اولیایش، دایم به آن‌ها می‌گوید، حوصله‌ام سر رفت تا گوشی آن‌ها را گرفته، به بازی بپردازند.



ریحانه ۶ ساله هم اظهار می‌داشت، او برای به تسلیم واداشتن اولیا، بیان داشته که غذا نمی‌خورد، اما در خفا خود را سیر می‌کرد تا در نهایت اولیا مجبور به تبعیت از خواست وی شدند:

«- وقتی مامان و بابات از گوشی استفاده می‌کنن، توهم کنارشون هستی و می‌تونم ببینی؟ بله.

- همه چیز رو اجازه می‌دن ببینی؟ نه.

- از بازی چی یاد می‌گیری؟ هیچی.

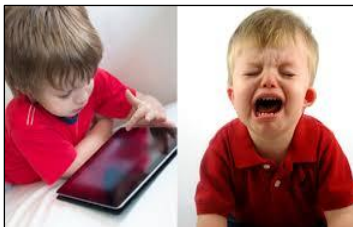
- پس وقتی چیزی یاد نمی‌گیری چرا بازی می‌کنی؟ واسه این که حوصله‌ام سر نره.

- چرا حوصله‌ات سر می‌ره؟

الکی مامان و بابام رو گول می‌زنم که بهم گوشی بدن.

- وقتی می‌گی حوصلت سررفته، بهت گوشی می‌دن؟

آره، به بابام می‌گم حوصلم سررفته، گوشیش رو می‌ده، ولی مامانم نمی‌ده».



«- ریحانه، قبلاً هم قهر کردی تا چیزی رو برات بخرند؟»

اوهوم، من به عروسک کوچیک داشتم که کچل بود، به مامانم گفتم که یکی دیگه برام بخره، ولی گوش نکرد. منم قهر کردم تا خرید.

- اووهوم چه جالب... خب عزیزم مرسی که به سوالاتم جواب دادی، فقط یه چیزی اگه تبلت برات نخرن، چه طوری قهر می کنی؟

دیگه بداخلاق می شم، غذا نمی خورم.

-||| این جوریه که خودت ضعیف می شی، تبلت رو این قدر دوست داری که مریض بشی؟

نه، وقتی مامانم غذا میاره، نمی خورم، ولی خودم یواشکی وقتی خوابه، می رم خوراکی می خورم، اونم نمی فهمه. خاله به کسی نگه ها!«.

## ۶-۲۷-۲- پنهان کردن بازی ها در قسمت های مختلف تبلت یا گوشی

برخی از کودکان برای دور زدن اولیا، بازی ها و اطلاعات مورد نظرشان (نظیر عکس های نامناسب) را در پوشه های دور از ذهن پنهان می کنند و به این ترتیب کنترل و نظارت خانواده را خنثی می سازند:

«- تو توی گوشت، فقط بازی های دخترونه داری؟»

آره.



- به مامانتم هم نشون شون می دی؟

نه.

- چرا؟

مامان دعوا می کنه.

- برای چی دعوات می کنه؟

آخه می گه عکسای زشت نگاه نکن. من می ترسم ببینه، دعوا می کنه.

- به مامان تبلت رو نشون نمی دی؟

یواشکی باز یامو قایم می کنم که نبینه. اونوخ نمی ببینه.

- یعنی بازی‌ها توی یه پوشه قایم می‌کنی؟  
آره، اونوخ دیگه باز یامو نمی‌بینه.
- همه بازی‌ها توی یه پوشه قایم کردی؟  
نه، اون بازی که عککش لخته رو قایم کردم.
- چه طوری قایم می‌کنی به منم یاد می‌دی؟  
آره نگاه کن باید بری توی گزینیه‌هاش، اینو انتخاب کنی بری توش.
- این‌ها رو از کی یاد گرفتی ستاره جون؟  
از دوستانم.
- دوست‌ها هم بازی‌هاشون رو قایم می‌کنن؟  
آره، همه‌مون بازی‌هامون رو از مامانمون قایم می‌کنیم» (ستاره، ۵ ساله).



- «- تا حالا شده مامانت بازی‌ها رو حذف کنه؟  
نه.
- اگه حذف کنه، ناراحت می‌شی؟  
اگه حذف کنه، دوباره نصب می‌کنم.
- بابا و مامانت نمی‌گن، بازی‌ها توی یک کم خشن هستن؟  
نه، چون اونا رو ریختم یه جایی، هیچ‌کس نمی‌بینه.
- چه جور می‌شه هیچ‌کس بازی‌ها رو نبینه؟  
نمی‌دونم، من یه جایی قایم می‌کنم، خودمم یاد می‌ره» (پرهام، ۶ ساله).



عرشپای ۶ ساله، با دور زدن مادر بزرگش، در گوشی او پوشه‌ای حاوی بازی‌های مورد علاقه‌اش را پنهان کرده بود:

« - با تبلت چه بازی‌هایی می‌کنی؟

توی تبلت مامان بزرگم، کلی بازی هستش که فکر می‌کنه حذفشون کرده، اما من هر وقت برم پیشش، اون پوشه رو که توش یه عالمه بازی هست رو میارم و بازی می‌کنم.

- ای پسر زرتنگ! حالا چه بازی‌هایی توش هست؟

موتور سواری هست که من خیلی زیاد دوست دارم. تیکن هم داره».

### ۷-۲۷-۲- پنهان کاری در جریان انجام بازی‌های فیزیکی



برخی از کودکان پیش دبستانی در جریان مصاحبه‌های خویش اظهار می‌داشتند که آنان در مواجهه با مخالفت اولیا با بازی‌هایی که با الگوبرداری از بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های ماهواره‌ای انجام می‌دهند، می‌کوشند تا این بازی‌ها را دور از چشم اولیایشان انجام دهند. مصاحبه‌آوای ۶ ساله، نمونه‌ای در همین جهت به شمار می‌رود:

«- آوا خانم، دوست داشتی تو هم مثل باریبی خیلی لباس داشتی؟

آره، خیلی.

- دوست داشتی مثل اون هم آرایش کنی؟

نه، چون مامانم نمی‌ذاره، فقط یه رژ لب دارم که لبامو نرم می‌کنه و هیچ رنگی نداره. خواهرم هم داره.

- تا حالا با دوست‌هات آنا و السا بازی کردیدی؟

آره، ولی نمی‌تونم بلند بگم، بازیش یه جوریه.

- بیا یواش بهم بگو!

- (با خنده) مثلاً روزان شده بود جک. خواهرم شده بود السا. بعد مثل همون فیلمه تو تبلته، جک به

السا می‌گفت من تو رو دوست دارم و السا هم باهاش بد رفتاری می‌کرد. اولش همو دوست داشتن‌ها، می‌خواستن با هم عروسی کنن، ولی آخرش السا با هانس عروسی کرد.

- تا حالا مامان و بابات این بازی شما رو دیدن؟

(با خنده) نه دیگه، ما در رو می‌بندیم، هر کسی هم که میاد، سریع ساکت می‌شیم».



### ۸-۲۷-۲- کاربری پنهان و یواشکی از بازی‌های مورد علاقه و فضای مجازی

برخی از کودکان مصاحبه شده اظهار می‌داشتند، آنان برای دور زدن اولیایشان، پنهان کاری را پیشه خود کرده‌اند و یا دور از چشم آنان بازی کرده، یا بازی نصب می‌کنند و بازی مورد علاقه خود را در خفا، انجام می‌دهند. اظهارنظرهای ویونا و سارینای ۵ ساله، آرش ۵/۵ ساله و علیرضای ۶ ساله، نمونه‌هایی از همین دست را به معرض دید می‌نهند:

«- (صفحه پردازش گر گوشی خودم را به ویونا نشان می‌دهم)، ویونا تو این برنامه رو می‌شناسی؟  
آره، واتزآپه!

- ولی من از یکی دیگه از دوست‌هات، پرسیدم گفت که تلگرامه.

نه، اون نمی‌دونه، اشتباه گفته. من با همون زنگ می‌زنم به دوستام دیگه.

- دیگه چه کار می‌کنی؟

اصلاً کارتون نمی‌بینم، از صب تا شب عکس اینا می‌بینم با دوستام، بهشونم زنگ می‌زنم.

- مامانت نمی‌گه زیاد استفاده نکن؟

نه... یواشکی این کارا رو می‌کنم... مامانم فک می‌کنه رفتن اسباب بازی بازی کنم... بعد تا شب با تبلتم بازی می‌کنم.

- نمیا بدت بگه؟

نه، چون که در رو قفل می‌کنم، کلیدشم می‌ذارم توی شلوارم که مامانم در رو باز نکنه».

«- بلدی خودت بازی نصب کنی؟

آره. بldم هر روز یواشکی می‌رم تو گوشی مامان و بابام یا تو تبلت می‌ریزم.

- چرا یواشکی؟

آخه چون پر می‌شه و دیگه جا نداره. دعوا می‌کنن زیاد بازی بریزم».



«- تو مامانت تلگرام داره؟»

آره داره.

- می گذاره با تلگرامش کار بکنی؟

نه، نمی گذاره!

- پس تو چه طوری بلدی بری تلگرام؟

مامانم وقتی رمز الگویی می گذاره، می رم بالا سرش یواشکی نگاه می کنم، یاد می گیرم. بعد می رم تو

تلگرام، ولی بقیه چیزای مامانم، مثل بابام رمز نداره، ولی مامانم یه بازی هایی داره که قفل ندارن.

- تا حالا شده تو تبلت چیزی رو داشته باشی، مامان و بابات بگن نباید دیگه داشته باشیش؟

آره. کلش.

- مگه کلش چی داره؟

کلش چیزیه که توش می شه جنگید، مثلاً خالم داره که واسم ریخته و با اینترنت کار می کنه.

- خوب چرا می گن، نباید کلش رو داشته باشی؟

توش یه خرده بده.

- بد یعنی چی؟

یعنی توش جنگه و آدم هایی هستن که آدم می کشن.

- یعنی تو بازی جنگی نمی تونی داشته باشی؟

می تونم، یواشکی می رم می گیرم.

- مامان بابات نمیان سر بزندن به تبلت؟

نه، من بالاخره می گیرم و باهاشون بازی می کنم.»



«گفتی با تبلت هم بازی می‌کنی، با اون چه بازی‌هایی می‌کنی؟  
آره، مثلاً کاتر می‌زنم. نبرد کوهستان می‌رم. جنگ‌جوه‌های نینجا دارم. کلش آف کلنزم بازی می‌کردم.  
الآن خیلی وقته نمی‌رم. آها جنگ ستارگانم دارم که دیگه اون خدایااااااست.  
- چرا دیگه کلش آف کلنزم بازی نمی‌کنی؟  
چون مسخره شده بود. کیف نمی‌داد. اما مثلاً همین که تو کاتر باید خودتو از تروریست‌ها قایم کنی  
و بعد یواشکی بکشیشون، خیلی کیف می‌ده. وای اون جاش که بمب می‌ترکونی که دیگه نگم.  
- ببینم این بازی‌ها رو تو گوشی مامان و بابا هم داری؟  
(در حالی که می‌خندد) معلومه تو گوشی مامان ندارم. می‌کشه منو. اونجا فقط رالی بازی و اینا دارم. اما  
بابا خودش بازیاش از من با حال‌تره. البته اجازه ندارم از کاتر بابا استفاده کنم. ولی بعضی موقع‌ها  
یواشکی کاترشم می‌رم. خاله نری لومون بدی.»

#### ۹-۲۷-۲- کاربری مخفیانه از تبلت، گوشی یا سیم کارت اولیا



بعضی از کودکان پیش دبستانی که اولیای آنان برای تبلت یا گوشی‌شان سیم کارت تهیه نکرده‌اند، در جریان مصاحبه خودشان گزارش می‌دهند که آنان برای برقراری ارتباط با دیگران یا دستیابی به فضای مجازی، به شکل پنهان، از تبلت یا گوشی و یا سیم کارت اولیا، استفاده کرده‌اند. مانی و سپهر ۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش در همین رابطه چنین بیان می‌داشتند:

«ممانت چه قدر اجازه می‌ده با گوشیش بازی کنی؟  
زیاد نه، یه کم! وقتی که خوابه، خودم یواشکی گوشیش رو برمی‌دارم.  
- چرا یواشکی؟ مگه وقتی که بیداره، گوشیش رو بهت نمی‌ده؟  
آخه وقتی خوابه، من نقشه می‌کشم، می‌رم می‌دوام برمی‌دارم، میام بازی می‌کنم، باز وقتی بیدار که می‌شه، آروم می‌ذارم سر جاش تا بن‌تن شروع بشه، برم کارتون ببینم.  
- فکر نمی‌کنی ممان از این کارت ناراحت بشه؟  
نه، نمی‌فهمه که!  
- خوب اگر مادرت بیدار شد و فهمید چی؟  
بهش می‌گم که برام گوشی بخره تا گوشی اونو برندارم!»

«- اینستاگرام چی؟ با اون چه کار می کنی؟»

اینستاگرام خب، رفتم، خب، اونایی که خوشم می اومد رو لایک کردم.

- خودت داریش یا مامان و بابات دارن؟

اممم بابام نداره، داییم داره خب، خالم داره، اون یکی خالمم داره، بعد مامانمم داره.

- بعد تو با گوشی مامانت رفتی؟

آره.

نه، سیم کارتشو برداشتم.

- آهان بعد گذاشتی تو تبلت خودت رفتی. مامانت نفهمید؟

نچ.

- حالا چه قدر بازی می کنی؟

۵ ساعت.

مامانمم خوابه خب، یه ذره بازی می کنم.

- یواشکی؟

آره».



#### ۱۰-۲۷-۲- کاربری پنهانی از ماهواره منزل

برخی از کودکان مصاحبه شده اظهار می داشتند، زمانی که اولیای آن ها با کاربری آنان از ماهواره مخالفت کرده، به زور آن ها را به سمت تلویزیون یا اتاق شخصی خودشان ارجاع می دهند، آن ها به شکل پنهان و دور از چشم اولیا، به دیدن برنامه مورد نظرشان مبادرت می ورزند، مواردی مانند دیدن برنامه مورد نظر از لای در نیمه باز یا زیر در و یا آئینه مشرف بر صفحه تلویزیون، از مواردی بودند که کودکان مصاحبه شده به بیان آن ها مبادرت کردند. آزیتای ۶ ساله، در کاربری پنهان خود از ماهواره منزل، چنین بیان می داشت:

«- خوب آزیتا به نظرت اگر اون ها می خواستن ازدواج کنن، باید چه کار می کردن؟»

انگشتر دست می کردن.

- پس اگر آدم ها انگشتر دست هم بکنن، یعنی با هم ازدواج کردن؟

آره.

- تو از کجا یادگرفتی که ازدواج یعنی انگشتر دست کردن؟

تو فیلم دیدم.

- توی کدوم فیلم دیدی؟

اسمشو نمی دونم، بابام می دید.

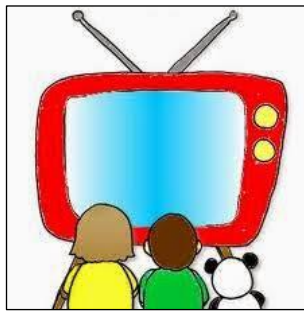


- خوب تو فیلم چه کار می‌کردن؟  
نمی‌دونم بابام نمی‌داشت من ببینم، ولی به مامانم گفت که اینا با هم دیگه ازدواج کردن. منم وقتی دیدم داشتن انگشتر دست می‌کردن.  
- تو بدون اجازه نگاه کردی؟  
آره.  
- از کجا تونستی یواشکی نگاه کنی؟  
از زیر در اتاقم.  
- مگه از زیر در اتاق پیدا است؟  
آره، تلویزیون جلو اتاقمه.  
- تو خودت رفته بودی تو اتاق؟  
نه، به زور منو بردن خوابوندن.  
- آهان پس فکر می‌کردن تو خوابی؟  
آره.  
- چرا نخوابیده بودی؟  
خوابم نمی‌اومد، همش زوری منو می‌خوابوندن».



### ۱۱-۲۷-۲- کمک گرفتن از دوستان برای دور زدن خانواده

تعدادی از کودکان مصاحبه شده بیان می‌داشتند که برای مقابله یا اقدامات محدود کننده اولیایشان، از دوستانشان کمک گرفته، به این ترتیب محدودیت‌های ایجاد شده را دور می‌زنند.



امیررضای ۵ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌داشت که او لوح‌فشرده بازی دزد و پلیس را از دوستش گرفته است و هنگام خواب مادر از آن کاربری دارد:

«- خوب امیررضا تو به جز مک‌کوبین و بت‌من دیگه چی می‌بینی که دوستش داری؟

یه سی‌دی دیگه فقط دارم، تیراندازی.

- بابات برات خریده؟

(یواشکی در گوشم گفت) نه، دوستم بهم داده.

- از کدوم دوستت گرفتی؟

از همسایمون همون که همیشه با هم می‌ریم دوچرخه سواری.

- چند سالشه؟

کلاس دومه (دبستان).

- خوب سی‌دیش رو دیدی؟

آره یه بار که خونه بودیم، مامانم خواب بود، من گذاشتم دیدم.

- سی‌دیش چه جوری بود؟

یه عالمه دزدن و پلیس. بعد بهم تیراندازی می‌کنن، اونم با حاله.

- خوب از فیلمش چی یاد گرفتی؟

یه تفنگ می‌گیرم، تیراندازی می‌کنم.

- با کی بیش‌تر این فیلم‌ها رو می‌بینی؟

خودم تنها.

- چند بار تا حالا این فیلم‌ها رو دیدی؟

هر وقت خونه تنها بودم، می‌دیدم.

- یعنی هر وقت خونه تنهایی، سی‌دیش رو می‌بینی؟

آره.

- مثلاً چند بار دیدیش؟

سه بار فکر کنم.

- خوب حالا چرا قایم‌ش کردی؟

مامان و بابام نبینن.

- بدونن چی می‌شه؟

فکر می‌کنم دعوا می‌کنن.

- تا حالا چیز بدی قایم کردی که دعوات کنن؟

نه، من این طوری فکر می‌کنم».



ارسلان و محیای ۶ ساله و ستاره ۵ ساله هم در مصاحبه‌های خویش بیان می‌داشتند، آنان یا با رفتن به خانه دوستشان و یا با اتکا به دوستان مهدکودکشان، محدودیت‌های اعمال شده از سوی اولیا را کم رنگ کرده‌اند:

«- دیگه چی تو ماهواره می‌بینی؟

یه کانال‌های دیگه رو دوست دارم ببینم، ولی نمی‌شه خاله.

- چرا نمی‌شه ببینی؟

چون نمیاره.

- می‌دونی چرا نمیاره؟

عباس می‌گه چیزای بدی نشون می‌دن.

- عباس از کجا می‌دونه که تو اون کانال چیزهای بدنشون می‌دن؟

می‌گفتش مامان و باباش از اینا نگاه می‌کردن.

- عباس هم مامانش می‌گذاره ماهواره ببینه؟

نه.

- پس چه جوری اون کارتون رو تو جم می‌دید؟

به خاطر بازی میاد پیش من می‌بینه.

- یعنی مامانش نمی‌دونه که عباس جم می‌بینه؟

نه».

«- تا حالا شده دوست‌هاات یه بازی بهت معرفی کنن، اما بعداً مامانت اجازه نداده باشه که توی

تبلتت بریزی؟

یه بازی پادشاه بود، جنگی بود، یکی از دوستانم داره. برام ریخت تو تبلت، ولی مامانم پاک کرد. من

خیلی گریه کردم و با مامانم قهر کردم.

- چرا پاک کرد عزیزم؟

گف این چیه به درد تو نمی‌خوره، شب خوابت نمی‌بره، اگه بازی کنی.

- دوستت دیگه برات نریخت؟

نه.

- با تبلت دوستت هم این بازی رو بازی نکردی؟

یه بار یواشکی، ولی به کسی نگی‌ها خاله.

- نمی‌گم عزیزم. کجا بازی کردی؟

وقتی رفتم خونشون، بهم داد بازی کردم.

- چرا این قدر دوست داشتی این بازی رو بازی کنی؟

آخه دوستم خیلییی تعریف می‌کرد».

«- ستاره تو بیش‌تر تو مهد با گوشه‌ی بازی می‌کنی یا توی خونه؟

تو مهد.

- توی خونه زیاد بازی نمی‌کنی؟

نه.

- برای چی؟

- تو خونه مامان هست، بازی نمی‌کنم.
- چرا مگه مامان چه کار می‌کنه؟
- خوب مامان می‌گه زیاد بازی نکن.
- برای چی مامان این جور می‌گه؟
- خوب می‌گه گوشی خطرناکه، برای سلامتی خوب نیست.
- ولی تو دوست داری بازی کنی؟
- آره، من با دوستام بازی می‌کنم یواشکی.
- به مامانت نمی‌گی که بازی کردی؟
- نه، نمی‌گم، نباید بفهمه.
- کی گفته نباید بفهمه؟
- خب اگر بفهمه دعوا می‌کنه دیگه».

## ۱۲-۲۷-۲- کمک گرفتن از اطرافیان برای دور زدن خانواده



- برخی از کودکان پیش دبستانی در جریان مصاحبه‌های خویش اظهار می‌داشتند که آنان در مواجهه با مخالفت اولیا با بازی‌هایی که با الگوبرداری از بازی‌های دیجیتال و کارتون‌های ماهواره‌ای انجام می‌دهند، می‌کوشند تا اولیای خویش را با کمک گرفتن از افراد بزرگ‌سالی که در اطراف و اکناف خویش می‌شناسند، دور بزنند. تجربیات آریتا و فاطمه زهرا ۶ ساله، نمونه بارزی در همین جهت به شمار می‌روند:
- «- پس گفتم چون سیندرلا روسری سرش نیست، تو هم دوست نداری روسری سرت کنی؟  
آره، ولی چون گردآفرید هم روسری سرشه، دوست ندارم روسری سرکنم.  
- خوب عروسک یا دفتر سیندرلا رو داری؟  
نه، مامانم نمی‌خره.  
- چرا نمی‌خره؟  
می‌گه سیندرلا بده.  
- چرا بده؟

- چون با شاهزاده ازدواج می‌کنه.
- پس چرا کارتون سیندرلا رو داری؟
- مامانم نمی‌دونه دارم.
- پس از کجا کارتون سیندرلا رو آوردی؟
- خاله مرجان (پرستارش) خریده.
- خاله مرجان دیگه چی از سیندرلا برات خریده؟
- کتاب داستان و فیلمشو.
- مامانت هم اصلاً نمی‌دونه که خاله مرجان برات خریده؟
- نه».



- «- فاطمه زهرا خانم، تا حالا شده بعد از بازی با تبلت، چشمات قرمز بشه یا گردنت درد بگیره؟
- آره یه بار چشمم قرمز شده بود، مثل خون آشام شده بودم.
- خون آشام چیه؟
- یه آدمایی هستن که خون می‌خورن.
- این‌ها رو کی بهت گفته؟
- تو یه فیلم دیدم.
- چه فیلمی؟
- دراکولا.
- کجا این فیلم رو دیدی؟
- رفته بودم سینما.
- با کی این فیلم رو دیدی؟
- با پسرخاله‌ام.
- مامان و بابات می‌دونستن رفتی سینما فیلم دراکولا رو ببینی؟
- نه آخه اول قرار بود یه فیلم خنده دار ببینیم، ولی پسر خالم گفت هیجان این فیلمه بیش‌تره، ولی باید قول بدی که به مامانت نگی... منم نگفتم».

### ۱۳-۲۷-۲- کاربری از بازی و پاک کردن آن قبل از کنترل تبلت و گوشی کودک



بعضی از کودکان در جریان مصاحبه خویش بیان می‌داشتند، آنان برای آن که با مخالفت مادر و محروم شدن از تبلت و گوشی مواجه نشوند، از اینترنت یا دوستانشان بازی‌های مورد نظرشان را می‌گیرند و پس از بازی، بلافاصله به پاک کردن آن‌ها اقدام می‌کنند تا مبدا اولیا با دیدن آن موارد، دست به تنبیه و محروم سازی آنان از کاربری از تبلت و گوشی همراه بزنند. هلیای ۴ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«- بازی‌ها رو از کجا میاری؟»

از اینترنت می‌گیرم یا می‌گم مامانم برام بگیره یا لینا برام بفرسته.

- خودت بلدی از اینترنت بگیری؟

نه، تا حالا نگرفتم.

- یعنی تا حالا با گوشی مامانت بازی نگرفتی؟

ههههه.

- گرفتی؟

آره. ولی زود پاک کردم که مامانم دعوا نکنه.»



### ۱۴-۲۷-۲- پاک کردن اطلاعات تبلت و گوشی قبل از ارایه برای کنترل اولیا



تعدادی از مصاحبه شوندگان خردسال بیان می‌داشتند، آنان قبل از آن که اولیا، تبلت یا گوشی آن‌ها را برای کنترل بگیرند، بلافاصله اطلاعات مسأله‌دار تبلت یا گوشی خود را پاک کرده، بعداً وسیله پاک خودشان را جهت کنترل به اولیایشان می‌دهند:

«- مامانت می‌بینه چه بازی‌هایی می‌ریزی؟»

نه، مخفیانه می‌ریزم، یه بازی ریختم، مامانم نمی‌دونه، هر وقت مامانم میاد چیز کنه... ور داره، می‌گم مامان یه دیکه بده، بازی رو پاکش می‌کنم، بعدش می‌دم بهش، بعدش هر وقت، وقت آزاد دارم، دوباره می‌رم توی بازار، دوباره می‌ریزمش، دوباره بازی می‌کنم.

- چرا؟ مامانت اون بازی رو دوست نداره؟

نه، فعلاً نفهمیده چه بازی‌ایه.

- مگه بازی‌ش چه جوریه؟

دوست نداره.

- آهان آگه ببینه، نمی‌گذاره اون رو داشته باشی؟

نه، کلاً اون برنامه رو پاک می‌کنه دیگه، هیچی هم نمی‌تونیم بریزیم، هیچیییی.

- چرا پاک می‌کنه؟

دیگه تو گوشیش اینقد بازی ریختیم، حداقل اینقدش بازی، اینقدش برنامه.

- فقط چون حجمشو می‌گیره؟

آره» (سارا، ۶ ساله).



### ۱۵-۲۷-۲- برداشتن و ارسال مخفیانه اطلاعات تلفن همراه اولیا برای خویش

برخی از افراد مصاحبه شده، بیان داشته‌اند که آنان با دسترسی به اطلاعات محرمانه گوشی پدر و مادرشان، این اطلاعات را برای گوشی یا تبلت خودشان ارسال داشته‌اند تا از آن‌ها کاربری داشته باشند. پارسای ۶ ساله، در همین زمینه بیان می‌داشت:

«- مگه گوشی مامان و بابات رمز نداره؟»

چرا داره، ولی اونا نمی‌دونن که من یاد گرفتم. ههه، خاله به کسی نگیا.

- باشه خاله، خیالت راحت، ولی می‌گم پارسا تو خیلی باهوشی‌ها چه جور ی این قدر مغزت کار می‌کنه؟

خب دیگه ههه.

- حالا چه عکس‌هایی برای خودت می‌ریزی؟

نمی‌تونم بهت نشون بدم، واسه بزرگاست.

- خوب من که کوچیک نیستم. من بزرگم.
- نه واسه مامان و باباهاس، فقط عکس عروسا رو بهت نشون می‌دم، ببین چه خوشگلن.
- اووووه این همه عکس همه رو از گوشه مامان ریختی؟
- نه از گوشه بابامم می‌ریزم.
- بابات هم عکس عروس داره؟
- آره، همهه دوستاش براش می‌فرستن.
- بابات هم نگاه می‌کنه؟
- خب آره دیگه.
- آهان، پس رمز گوشه مامان و بابات رو می‌دونی، بعد هر چیزی رو که می‌خوای برای خودت می‌فرستی؟
- اوهوم».

#### ۱۶-۲۷-۲- سوءاستفاده از اطرافیان برای تحقق خواست‌های خود



تعدادی از کودکان مصاحبه شده خاطرنشان می‌ساختند، آن‌ها برای دور زدن والدین خودشان، غالباً به شکل غیرمستقیم با سوءاستفاده از امکانات اطرافیان، به حل مشکل پدید آمده توسط اولیا نایل آمده‌اند. پوریا و امیرعلی ۶ ساله و علیرضای ۵/۶ ساله، از تجربیات خویش در همین زمینه چنین یاد می‌کردند:

- «- پوریا تو روزی چه قدر کارتون می‌بینی؟
- نشماردم!
- کم می‌بینی یا زیاد؟
- زیاد می‌بینم، ولی مامانم هی می‌گه، زیاد نگاه نکن.
- خوب وقتی مامانم می‌گه نگاه نکن، چه کار می‌کنی؟
- می‌رم خونه مامان بزرگم، اونجا نگاه می‌کنم.
- مگه خونه مامان بزرگ به شما نزدیکه؟
- آره، اونا طبقه پایین هستن.
- خوب وقتی مامانم می‌گه نگاه نکن، چرا به حرفش گوش نمی‌دی؟
- خب آخه دوست دارم نگاه کنم».



- مامان بزرگ بهت نمی‌گه زیاد نگاه نکن؟  
نه، مامانی کاری نداره».



«- گوشی مامانت به اینترنت هم وصل می‌شه؟

اینترنت خودش داره، وای‌فای تو خونه‌ی مادر بزرگم هست، می‌رم اونجا هر چی بخوام از وای‌فای بازی می‌ریزم، یه دستگامه».

«چون مامان بابام اجازه نمی‌دن، بعد فقط مادر سوری خونمونه با مادر سوری (مادر بزرگ) وقتی بابام خوابه، روشن می‌کنم لپ‌تاپ رو، بعد سی‌دی بن‌تن رو که می‌دونم جاش کجاس، تو وسیله‌های مهدکودک بچه‌گیای منه، بعد از اون تو برش می‌دارم، هر سی‌دیایی که می‌خوامو دارم.

- چرا اجازه نمی‌دن، بن‌تن نگاه کنی؟

چون وحشی می‌شم!

- بعد اگه اجازه نمی‌دن، چه جوری سی‌دی‌هاش رو داری؟

می‌خرم.

- خودت؟

مادر سوری می‌خره».

نکته مهمی که تذکر آن در این قسمت لازم می‌نماید، کاهش سن دور زدن خانواده، توسط فرزندان نشان است. ترنم ۳ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌داشت با دروغ گفتن به مادر، در عمل وی را فریب می‌دهد. نیوشای ۴ ساله هم از کشف رمز گوشی خواهر بزرگ‌ترش سخن گفته، اظهار می‌دارد به این طریق از گوشی خواهرش کاربری دارد. یاسمین ۵ ساله، از بازی کردن مخفیانه خودش با تبلت در زیر پتو یاد کرده است و سرانجام ریحانه ۵ ساله، خاطرنشان می‌سازد، وقتی مادرش به او می‌گوید تبلتش را برای کنترل نزد او ببرد، به اسم باز کردن رمز تبلت، بازی پسرانه‌ای را که با خواهرش روی تبلت دارد و مادر آن را نمی‌پذیرد، پاک می‌کند:

«- خاله، بابام می‌گه کنترل رو پیدا کن، بعد وقتی پیدا می‌کنم، بهم جایزه می‌ده!

!! چه عالی.

منم یه بارش خودم کنترل رو قاچم کردم که جایزه بگیرم.

- تو تبلت بازی چی کاری می‌کنی که جایزه بگیری؟

یه روزی مامانم گفت بازی نکن، بازی کردم، تا اومد گذاشتمش اونجا، گفتم بازی نکردم.»  
«- خواهرت با گوشیش چه کار می‌کنه؟  
گوشیش صورته، وقتی من می‌خوام بازی کنم، بازی رو می‌خوام، همش بازی رو می‌ریزه یه جا دیگه  
که من باهاش بازی نکنم.  
- یعنی نمی‌گذاره تو با گوشیش بازی کنی؟  
نه، همش جا به جاش می‌کنه که من پیداش نکنم، ولی من موقع‌هایی که حمومه می‌رم و بازی رو  
پیداش می‌کنم.  
- مگه گوشی خواهرت رمز نداره؟  
چرا داره، ولی من یه بار که داشت رمزگوشیشو می‌زد، یواشکی نگاه کردم و رمزشو یاد گرفتم.»



«- خوب یاسمین، تو همیشه با تبلت بازی می‌کنی؟  
وقتی که می‌رم کلاس قرآن و رقص نه.  
- شب‌ها چی؟  
شبا من می‌رم زیر پتو که مامانم نبینه. بعد بازی می‌کنم.»  
«- دیگه کی مامانت گفت یه کاری رو نکنین، بهش گوش ندادین؟  
شبا که می‌گه زود بخوابین، من و خواهریم یواشکی بازی می‌کنیم.  
- تبلت رمز داشت؟  
آره با خواهرم رمز گذاشتیم.  
- چرا رمز گذاشتین؟  
که مامانم نره توش سونیک و بازی‌های پسرانمون رو ببینه.  
- بعد مامانت نمی‌گه چرا برای تبلت رمز گذاشتی، رمزش رو بگو؟  
تا بگه رمزشو بزن، بازی رو پاک می‌کنم.»  
بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، عدم  
بسترسازی فرهنگی برای کاربری مناسب از رسانه‌های دیجیتال در داخل از سویی و بی‌یاور ماندن اولیا  
در شرّ و شور جذابیت‌های وافر فناوری‌ها و خلاء امکانات تفریحی در داخل از سوی دیگر، سبب شده  
است، اولیا در عمل به تنهایی در برابر سیل فناوری‌های ارتباطی جدید قرار بگیرند و مجبور باشند تا

خودشان بدون هیچ باوری برای کاربری فرزندشان از رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، دست به بسترسازی فرهنگی بزنند که در غالب موارد اولیا به دلیل آگاهی اندک، نداشتن امکانات لازم، قلت وقت و نظایر آن‌ها، در این امر چندان موفق عمل نمی‌کنند.

## ۲۸-۲- تعمیق شکاف بین نسلی

«- ستاره جون، تو توی گوشیت، فقط بازی‌های دخترونه داری؟  
آره.

- به مامانت هم نشون شون می‌دی؟  
نه!

- چرا؟

مامان دعوام می‌کنه!

- برای چی دعوات می‌کنه؟

آخه می‌گه عکسای زشت نگاه نکن. من می‌ترسم ببینه، دعوام بکنه.

- پس به مامان تبلت رو نشون نمی‌دی؟

یواشکی بازیامو قایم می‌کنم که نبینه. اونوخ نمی‌بینه.

- یعنی بازی‌هات رو توی یه پوشه قایم می‌کنی؟

آره، اونوخ دیگه بازیامو نمی‌بینه.

- همه بازی‌هات رو قایم کردی؟

نه، اون بازی که عکسش لخته رو قایم کردم.

- چه طوری قایم می‌کنی، به منم یاد می‌دی؟

آره، نگاه کن باید بری توی گزینه‌هاش، اینو انتخاب کنی، بری توش.

- ستاره جون، این‌ها رو از کی یاد گرفتی؟

از دوستانم.

- دوست‌هات هم بازی‌هاشون رو قایم می‌کنن؟

آره، همه‌مون بازی‌هامون رو از مامانمون قایم می‌کنیم» (ستاره، ۵ ساله).

مفهوم نسل، از جمله مفاهیم جدیدی است که در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی توجه زیادی را به خود معطوف کرده است.

افرادی که در یک مقطع زمانی به دنیا آمده‌اند، یک نسل نامیده می‌شوند. اهمیت مفهوم نسل به این دلیل است که افراد یک نسل، تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی خاصی

قرار گرفته‌اند، به همین سبب شباهتی نسبی به یکدیگر می‌یابند و از نگرش‌های نسبتاً یکسانی برخوردار می‌گردند، بنابراین با تغییر شرایط اخیر در نسل بعد، می‌توان انتظار برخی از تفاوت‌های نسلی را داشت.



کتاب «فرهنگ جامعه‌شناسی» در تعریف نسل می‌نویسد:

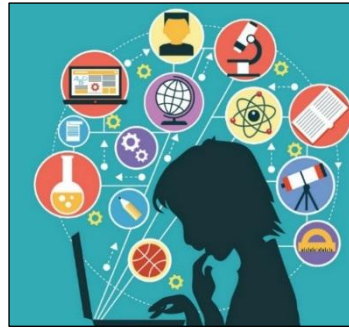
«مفهوم نسل، نقش مهمی در جامعه‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی که رفتار سیاسی را با نسل مرتبط می‌بیند، ایفا می‌کند. گاه ادعا شده است که نسل در توضیح اختلافات فردی و گروهی، در فرهنگ و منافع و رفتار، به همان اندازه اهمیت دارد که طبقه اجتماعی دارای اهمیت است» (آبرکرامبی، برایان، ترنر، ۱۹۸۴، ترجمه پویان، ۱۳۶۷).

اگر چه یک نسل غالباً معادل ۳۰ سال در نظر گرفته شده است، اما بسته به سرعت تحولات اجتماعی، مدت زمان مزبور از دید متون نظری موجود در ادبیات مناسبات نسلی، می‌تواند به ۱۵ یا ۱۰ سال نیز تقلیل پیدا کند.



بررسی‌های میدانی انجام شده در محیط ایران، حکایت از آن دارد که سرعت تحولات نسلی می‌تواند سریع‌تر از چیزی باشد که در متون نظری مطرح شده‌اند، به عنوان مثال، نگارنده وقتی حدود ۵ سال پیش از دانشجویان کارشناسی خود می‌خواست تا آنان با دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه داشته باشند، برخی از دانشجویان ۱۸ ساله اخیر، پس از گفت‌وگو با دانش‌آموزان دبستانی ۱۳-۱۲ ساله، به صراحت به وی گزارش می‌دادند که قادر به فهم افرادی که فقط ۵ ساله فاصله سنی با آن‌ها دارند، نیستند. قریب به ۳ سال پیش، برخی از دانشجویان نگارنده گزارش می‌دادند که وقتی مثلاً آن‌ها در اتوبوس با نوجوانان ۱۴ و ۱۶ ساله همراه بوده‌اند، در عمل مشاهده می‌کردند که نوجوانان ۱۴ ساله حرف‌هایی بر زبان می‌آورند که نوجوانان ۱۶ ساله با شنیدن مضامین مزبور، اظهار عدم فهم آنان را می‌کردند!

یک سال پیش هم نگارنده شاهد بود که وقتی کودکان ۸ ساله در محله‌ای، کودک ۶ ساله‌ای را زده بودند، در پاسخ به مادر وی که به حق خواهی از فرزندش برآمده بود، اظهار می‌داشتند که ما در محله مشغول دیدن عکس‌های «خفن» بودیم، اما بچه شما هم می‌خواست آن‌ها را ببیند که ما برای جلوگیری از دیدن این تصاویر، او را زدیم تا پیش ما نیاید، چون او هنوز بچه است!



یافته‌های میدانی پژوهش حاضر نیز حکایت از آن دارد که گاهی کودکان پیش دبستانی، دوستان خود را بچه می‌خوانند و احساس می‌کنند به دلیل آن که مثلاً آنان کاربر فیلم‌ها و کلاً ادبیات «خفن» شده‌اند، سن بچگی خود را پشت سر نهاده‌اند.

در مصاحبه‌های انجام شده رضای ۵ ساله و ابراهیم و پرهام ۶ ساله، شواهد گویایی در این جهت ارائه شده است.

رضا در توصیف مخالفت مادر با کاربری او از شبکه اجتماعی تلگرام، با عصبانیت از این مسأله یاد می‌کند که مادر او تصور می‌کند وی (که ۵ ساله است) هنوز بچه است (!).

ابراهیم ۶ ساله هم در مصاحبه خود بیان می‌دارد که دیگر بازی با اسباب بازی‌های معمول به درد وی نمی‌خورد، زیرا او دیگر بچه نیست (!).

پرهام ۶ ساله هم در توصیف برخوردی که با پسر خاله‌اش داشته است، گزارش می‌دهد که پسر خاله ۹ ساله او، وی را بچه خطاب می‌کند:

«- خوب ابراهیم تو بالاخره تونستی تلگرام خودت رو وصل کنی؟»

نه!

- چرا نتونستی؟

مامانم با بابام دعوا کردند.

- چرا، مگه چی می‌گفتن؟

مامانم گفت، چند روز دیگه جلوشو نمی‌تونیم بگیریم، بابام هم برای این که مامانم ساکت بشه، نداشت.

- پس با تلگرام اصلاً کار نکردی؟

چرا!

- چه جوری، تو که تلگرام نداری؟
- بعضی روزا تلگرامو از بازار دانلود می‌کنم، ولی !!.
- پس چرا تلگرامت رو پاک می‌کنی؟
- مامانم نمی‌ذاره.
- خوب اگه نمی‌گذاره، پس برای چی می‌ریزی که بخوای پاکش کنی؟
- چون بچه نیستم (رضا وقتی در مورد بچه بودنش صحبت می‌شود، بسیار عصبانی می‌شود).



- «- ابراهیم تو به جز تبلت، دیگه با چه چیزهایی بازی می‌کنی که حوصلهات سر نره؟
- سی دی هم دارم. کامپیوتر، لپ‌تاپ بابام.
- با اسباب بازی‌های خودت بازی نمی‌کنی؟
- نه زیاد.
- چرا؟
- آخه زیاد حال نمی‌دن.
- از چه نظر حال نمی‌دن؟
- آخه مگه من بچه‌ام، اسباب بازی برا کوچیکام بودن.»
- «(پرهام جامدادی خودش را از کیفش درمی‌آورد).



این بن تن بزرگه هست (سمت چپ)، اینم بن تن کوچیکه هست (سمت راست).

- آهان، پس خود بن تن بزرگ شده؟

آره، این بن تنه بزرگه، پیشرفته تره، این کوچیکه نه، این بن تنه کوچیکه ساعتش دید، دید می کنه، کلاً تبدیل می شه به آدم، اما این نه، این جوری تبدیل به هرچی می شه، دایره اش اینجاست (روی سینه اش را نشان می دهد)، دست می زنه، روش چیز می شه، تبدیل به آدم می شه.

مثلاً اون دشمناشن، از دور میان حمله می کنن... .

الآن داداش من همش ادای بن تن رو درمیاره با پسر خالم.

- مثلاً چه کار می کنن؟

مثلاً دو تا ساعت داره، یکیش رو می ده به داداشم، الکی می زنن روش، مثلاً وقتی تبدیل شدن، از در

و دیوار می پرن بالا.

- از در و دیوار می رن بالا؟

آره، البته می رن خونه ی خودشون، من می گم نپرین بالا، تازه اون کلاس سومه می گه، خفه، تو

نمی خواد نظر بدی بچه.»



با بررسی نظریات موجود در مناسبات نسلی، مشاهده می شود که دو سری نظریه در تبیین تفاوت

نسل ها، ارایه شده اند.

نظریه نخست دلالت بر آن دارد که تفاوت نسل ها، روان شناختی است، به این معنا که اقتضای جوانی که با مواجهه جوان با توان مندی های جدید وی توأم است، با تحول گرایی و انقلابی گری مناسب داشته و اقتضای سن پیری که با بیماری و فتور و سستی توأم است، با محافظه کاری مناسب دارد. شاید از همین روست که یک ضرب المثل مشهور فرانسوی بیان می دارد، محافظه کار بودن یک جوان (که در سن انقلابی گری خودش است)، شگفت آفرین است و به همین ترتیب انقلابی گری یک پیر (که در سن محافظه کاری خویش به سر می برد)، جای شگفتی دارد.

نظریه دوم، تفاوت نسل ها را در ارتباط با تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه تبیین می کند. این نظریه بیان می دارد، اگر تحولات عظیمی در جامعه به وقوع پیوندد، این تحولات عظیم (که می توانند

مواردی مانند جنگ، رکود، تورم شدید و نظیر آن باشند)، سبب می‌شوند که ارزش‌های نسل قبل و بعد از یکدیگر متفاوت شود.



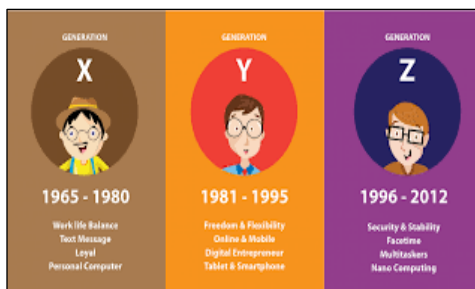
به هر صورت هر یک از نظریات اخیر مقرون به صحت باشند، نقش فناوری‌های ارتباطی جدید در آن‌ها، کتمان‌ناپذیر است. به این معنا که فناوری‌ها که غالباً مورد توجه شدید نسل‌های کم‌سن‌تر جامعه است، سبب می‌شود شکاف نسلی موجود بین کودکان، نوجوانان و جوانان با بزرگسالان نشان که علایق مشابهی به فناوری‌ها نشان نمی‌دهند، از عمق بیش‌تری برخوردار شود.

بررسی تحولات نسلی در غرب، نقش پراهمیت فناوری‌ها را نشان می‌دهد. به این معنا که وقتی جین دورستون جهت پژوهش خویش با تین‌ایجرهای متولد دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مصاحبه کرد، با شگفتی دریافت که این افراد به خدا کم‌تر اعتقاد دارند، به ملکه کم‌تر احترام می‌گذارند، بی‌احترامی آنان به والدین شان فزونی یافته است و قبل از ازدواج با یکدیگر روابط جسمانی برقرار می‌کنند. دورستون که از نتایج پژوهش خویش شگفت‌زده شده بود، از این نسل با عنوان نسل ایکس (X) یا نسل سیزدهم یاد کرد.

پس از نسل ایکس، در غرب نسل وای (Y) مطرح شد. این نسل که به تعبیری متعلق به محدوده سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۴ شمرده می‌شدند، در زمانی به دنیا آمدند که فناوری‌های اینترنت و تلفن همراه ظهور یافته بودند. از این رو مقوله فناوری‌ها در زندگی آن‌ها بسیار پر رنگ‌تر از نسل ایکس بود، تا جایی که از پژوهش‌گران در کنار این که با عناوینی مانند «نسل چرا» و «نسل خاموش» از آنان یاد می‌کردند، با عناوینی نظیر نسل شبکه (نت)، نسل اینترنت، نسل گوگل، نسل یوتیوب، نسل فیس بوک نیز یاد می‌کردند که این مسأله بیانگر اهمیت فناوری‌ها در زندگی آنان بود.

سرانجام نسل ضد (Z) که در محدوده سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ متولد شده‌اند، در عمل در زمانی به دنیا آمدند که فناوری‌های ارتباطی پیشرفته فراگیر شده بودند، از این رو از نسل ضد، با عنوان نسل دیجیتال‌زاده نیز یاد شده است. نسل اخیر به دلیل آن که بعضاً کاربری بیش از اندازه از فناوری‌ها داشته‌اند، به فناوری‌ها اعتیاد و وابستگی پیدا کرده‌اند، خوابشان با مشکلاتی توأم است و مضاف بر این، نسل اخیر کاربری گسترده از شبکه جهانی وب داشته، بعضاً دارای وب نوشت و مانند آن هستند.





بررسی تطبیقی نسل‌های پس از انقلاب، حکایت از آن دارد که تفاوت‌های گسترده‌ای بین نسل‌های دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ وجود دارد و نقش فناوری‌های ارتباطی جدید، با گذشت زمان در این میان پررنگ‌تر و واضح‌تر شده است. منطقی (منتشر نشده) در توصیف روان‌شناسی اجتماعی نسل دهه ۹۰ می‌نویسد:

«نسل دهه ۹۰، یعنی کودکانی که در دهه ۹۰ متولد شده‌اند و در حال حاضر حداکثر ۶ سال دارند، نسل اخیر تحت تأثیر برخی از عوامل داخلی و خاصه خارجی، از مختصات روان‌شناختی خاصی برخوردار شده‌اند که برخی از اهم این موارد به قرار زیرند:

اثرگذاری گسترده فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،  
اثرگذاری عمیق الگوهای غربی (توسط بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب)  
بر روی کودکان،

کاهش تأثیر خانواده در جریان جامعه‌پذیری کودکان،  
کاهش تأثیر نهادهای فرهنگی جامعه در جریان جامعه‌پذیری کودکان،  
اثرات تحولات اقتصادی - سیاسی جامعه،  
تحول نسبی زیستی کودکان،  
تحول نسبی روان‌شناختی کودکان،  
و تحولات ارزشی و هنجاری کودکان<sup>۱</sup>».

مصاحبه زیر که با دنیای ۳/۵ ساله صورت پذیرفته است، نمونه‌ای از تحولات ارزشی و هنجاری کودکان نسل دهه ۹۰ را (که انتقادی شدن دید آن‌ها نسبت به نسل بزرگسال یا اولیایشان است) را به دست می‌دهد:

«- تو سیندرلا رو هم دوست داری؟»

آره، مامانشو خیلی دوس دارم.

- خودش رو چی؟

۱. این عناوین در عنوان بعد کتاب که به بررسی روان‌شناسی اجتماعی نسل دهه ۹۰ پرداخته است، به شکل گسترده‌تری مورد بحث قرار گرفته است.

- خودش عروس می‌شه، دوس دارم. شوهرش باهانش ازدواج می‌کنه.
- یعنی به خاطر عروس شدن دوستش داری یا چون اخلاق‌های دیگه داره؟
- من مامانشو دوس دارم خاله. واسش شعر می‌خونه، لباساش عوض می‌شه!
- براش شعر می‌خونه؟
- آره. بی با دو (شعر بی بی دی با بی دی بو).
- مامان تو هم برات شعر می‌خونه؟
- نه، ولی مامانی (مادر بزرگ) برام می‌خونه.
- پس مامانی مثل مامان سیندرلا است؟
- نه. مامان سیندرلا صدش خیلی قشنگه. مامانی فقط لالایی بلده بخونه.
- تو مامانی رو بیش‌تر دوست داری یا مامان سیندرلا؟
- !!! مامانی.
- دوست داشتی مامان سیندرلا، مامان تو هم بود؟
- به مامانم نمی‌گی؟
- نه، قول می‌دم.
- آره. مامان سیندرلا هر چی اون می‌ساخت (می‌خواست) رو براش درست می‌کرد، کادو می‌داد.
- مگه مامان تو بهت کادو نمی‌ده؟
- مامانم فقط تولدم بهم می‌ده. مامان اون همیشه می‌داد.
- مامانی چی؟
- مامانی همیشه برام خوراکی می‌خره.
- دوست داری برات خوراکی بخرن یا وسیله‌های سیندرلا؟
- کادو بخرن. لباس، رُج لب (رژ لب).
- دوست داری برات لباس سیندرلا بخرن؟
- آره خیلی.
- لباس سیندرلا رو بیش‌تر دوست داری یا السا رو؟
- سیندرلا رو.
- چرا؟
- خیلی خوب بود.
- از نظر تو خیلی خوب چیه؟
- لباسش رنگ آسمون بود، بلند بود، بعد مثل عروس‌ها بود.
- پس مثل عروس‌ها بودن یعنی خیلی خوب؟

آره.

- موهاش چی؟ موهاش رو هم از السا بیش تر دوست داشتی؟
- موهای سیندرلا کوتاه بود. جمع شده بود بالای سرش مثل عروس‌ها.
- یعنی قشنگ‌تر از السا بود؟
- نه مال السا بلندتر بود، خوشگل‌تر بود.
- سیندرلا هم مثل السا عصبانی می‌شد، یخ درست می‌کرد؟
- نه، فقط السا می‌تونس. سیندرلا با موش‌ها حرف می‌زد و پرنده‌ها.
- تو هم دوست داری باهاشون حرف بزنی؟
- من حرف زدم، ولی صدای من رو نمی‌شنون.
- پس حیوون‌ها نمی‌تونن با آدم‌ها حرف بززن؟
- اون مال کارتون‌ها است.
- سیندرلا به جز با حیوون‌ها با بقیه هم حرف می‌زد؟
- آره با خواهراش.
- مگه خواهر هم داشت؟
- آره، هم قد تو بودن.
- مهربون بودن؟
- نه، لباس‌های سیندرلا رو پاره می‌کردن.
- پاره کردن لباس کار بدیه؟
- آره. آخه مامانش گفته بود دوستت دارم، بذار لباس‌هاتو عوض کنم، بعد اونا پاره کردن لباساشو.
- سیندرلا چی کار کرد؟
- از مامانش کمک گرفت. گریه کرد، رفت پیش مامانش.
- تو هم اگر کسی اذیتت کنه، می‌ری پیش مامانت؟
- من می‌رم پیش مامانی (مادر بزرگ).
- پیش مامانت نمی‌ری؟ مامانت که خیلی مهربونه! مثل مامان سیندرلا مواظبته!
- آره، ولی مامانی همیشه باهام مهربونه، مامانم فقط گاهی وقتا.
- خوب مامانت کار می‌کنه، خسته می‌شه. مامانی و مامان سیندرلا که کار نمی‌کنن!
- آره، ولی مامان سیندرلا که پیرتر از مامانه منه، اما همیشه مهربونه.
- مامان تو هم جوونه و هم حوصله داره. باهات بازی می‌کنه، باهات سیندرلا می‌بینه!
- آره.
- مگه توی سیندرلا چی نشون می‌ده که می‌فهمی مامانش حوصله‌اش رو داره؟
- واسش کفش درست می‌کنه.

- مامان تو برات کفش می‌خره، مگه نمی‌خره؟!  
چرا ولی ترجی لاترجی (شعر جادوگران) رو نمی‌خونه که پول می‌ده.  
- ممنون خاله. قبل از این که بری بگو من برات یه دعا کنم.  
||| دعا کن بابا محمدم واسم اسب بخره (به گفته مادر دنیا، دخترش تحت تأثیر سریال مختار، به اسب علاقه‌مند شده است).»



با «گسترش فراگیر فناوری‌های ارتباطی جدید»، اقشار قابل تأملی از کودکان پیش دبستانی به کاربری از تبلت، تلفن همراه، پی‌اس‌فور، رایانه و ماهواره پرداخته‌اند و این مسأله اثرگذاری فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بر روی همه اقشار اجتماعی، خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان را افزایش داده است. مضاف این که در عین گسترش فناوری‌ها در کودکان پیش دبستانی، سن کاربری آنان از فناوری‌ها نیز کاهش یافته است.

جذابیت کاربری از فناوری‌ها، در سطح فرزندان و اولیا یکسان نبوده، کاربری بیش‌تر فرزندان از فناوری‌ها، بر عمق شکاف نسلی موجود بین کودکان و اولیا می‌افزاید.  
کودکان پیش دبستانی که علاقه و آفری به کاربری از فناوری‌های ارتباطی دارند، در صورت مواجهه با ممانعت اولیایشان در کاربری از فناوری‌ها، ممکن است با اتکا به تک فرزند بودن و در واقع فرزندسالاری که از آن برخوردارند، یا با اتکا به توان فنی که از آن برخوردارند، دست به دور زدن اولیای خویش بزنند و به کاربری گسترده خویش از فناوری‌ها ادامه دهند.



در جریان کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، «الگوهای غربی» که توسط بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب به کودکان ارائه می‌گردند، اثرگذاری

عمیقی بر کودکان دارند. به این معنا که کاربران خردسال با بریدگی تدریجی از فرهنگ خودشان، دست به اخذ ارزش‌ها و سبک زندگی معرفی شده در فضای مجازی برای خودشان می‌زنند و با تحقق عملی این ارزش‌ها در زندگی خویش، بر میزان فاصله و شکاف نسلی موجود بین خود و خانواده‌شان می‌افزایند.



کودکان کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید در جریان کاربری از این فناوری‌ها، به طور عمده کاربر کارتونها و پویانمایی‌های آن سوی آب هستند که همین کاربری رفته رفته نظام ارزشی جدیدی را در آنان شکل می‌دهد.



کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، آشنخو فرهنگی و ارزشی جدیدی را فراروی کودکان خردسال می‌گشاید و کودکانی که جذب کاربری از محتوای ارایه شده در تابلت، تلفن همراه، رایانه، پی اس فور و ماهواره گردیده‌اند، با درون‌سازی کردن ارزش‌ها و سبک زندگی که در محتویات ارایه شده در فناوری‌های اخیر تبلیغ می‌گردید، به تدریج به سمت اخذ ارزش‌هایی سوق می‌یابند که با ارزش‌های اولیا و محیط اجتماعی آنان تفاوت زیادی دارند و شکاف موجود بین آن‌ها و اولیا (و جامعه‌ی) آنان را عمق بیش‌تری می‌بخشند.



با برخورد فعال دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری در جهت ارایه تولیدهای جهت‌دار در پوشش بازی‌های دیجیتال، کارتون‌ها و پویانمایی‌ها، تأثیر خانواده و نهادهای فرهنگی جامعه در جریان جامعه پذیری کودکان کاهش نسبی یافته است.

ضعف والدگری الکترونیک از سویی و تحقق نسل فرزندسالار از سوی دیگر، نسبت به پیروی کودکان از اولیایشان تردیدهایی در ذهن آنان پدید می‌آورد.

هم‌زمان با آنچه از آن یاد شد، طرح مفهوم حریم خصوصی که به تبع گسترش فضای مجازی بیش‌تر از گذشته مطرح شده است، باعث برداشت‌های غلطی بین اولیا و فرزندان شده است که همین امر نیز به نوعی با کاهش کنترل اولیا، بر فاصله آنان با فرزندانشان می‌افزاید.

کاهش تأثیر «نهادهای فرهنگی جامعه» و «اثرات تحولات اقتصادی- سیاسی جامعه»، در مجموع نقش و رنگ عوامل اجتماعی و فرهنگی داخلی را در جریان جامعه‌پذیری کودکان کم کرده‌اند. مضاف بر این، کودکانی که هر روز شاهد کارتون‌ها و پویانمایی‌هایی هستند که در آن‌ها کودک نه دارای جذابیتی مشابه الگوهای جذاب عرضه شده به خودش هست و نه از امکانات اقتصادی، رفاهی و تفریحی مشابه آنان برخوردار است، در سطح فردی احساس حقارت مضاعف و در سطح جمعی احساس حقارت ملی را تجربه خواهد کرد.



تحول نسبی برخی از ویژگی‌های زیستی کودکان، مقوله مهم دیگری است که باید در تحلیل کودکان دهه ۹۰ بدان توجه داشت. به این معنی که از سویی با افزایش تحریک‌های محیطی (که البته بازی‌های دیجیتال، کارتون‌ها و پویانمایی‌های نیمه برهنه و احياناً برهنه، نقش عمده‌ای در آن دارند) و همین‌طور تغذیه مناسب کودکان و کم‌ترکی آنان که به چاق شدن کودکان انجامیده، همین‌طور عامل بلوغ زیستی کودک را تسریع می‌بخشد، سبب شده است سن بلوغ در هر دو جنس کاهش یافته بلوغ برخی از دانش‌آموزان در مقطع دبستان رخ دهد.

یکی از مریبان مهد کودک در مصاحبه خودش بیان می‌داشت، در حال حاضر اطلاعات جنسی کودکان خیلی بالاتر از چند سال پیش به نظر می‌رسد که این مسأله را باید در افزایش کاربری آنان از فناوری‌های جدید دید.

این مربی بیان می‌کرد، مهد کودک آن‌ها طی چند سال قبل، برای آموزش مراکز خصوصی بدن دختران و پسران، با آوردن روان‌شناس به مهد، در این جهت می‌کوشید، اما در حال حاضر با توجه حرف‌هایی که گاه و بی‌گاه در سطح کودکان مهد رد و بدل می‌گردد، مشخص می‌شود که اطلاعات آنان در سن پیش دبستان بسیار وسیع‌تر از شناخت مراکز خصوصی بدن بوده، موارد (جنسی) پیشرفته‌تری را بین خودشان مطرح می‌سازند.



تحول نسبی برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی که کودکان نسل دهه ۹۰ رخ داده است، از دیگر مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی نسل دهه ۹۰ مؤثر و ذی‌نقش واقع شده است. تزلزل نسبی دیگرپیروی کودک مسأله مهمی است که شواهد گسترده‌ای در باب آن وجود دارد. کاهش دیگرپیروی کودک از اولیا سبب می‌شود، وی متوجه مراجع ارزشی دیگر شده، بعضاً پیروی از ارزش‌های متضاد و متعارض را پیشه خود کند.

احساس حقارت مضاعف، بروز برخی از اختلال‌های روانی، کاهش سن در برخی از اختلال‌های روانی (مانند اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، وابستگی و اعتیاد به فناوری‌های جدید)، تهدید بهداشت روانی کودکان و سوق یافتن کودک به سمت حل هیجان‌مدار مسایل، از دیگر تبعات کژکاربری و کاربری مفرط از فناوری‌های ارتباطی جدید است که بعضاً در سطح کودکان نسل دهه ۹۰ قابل مشاهده است.

کاستی گرفتن تعامل‌های اجتماعی کودکان در اثر غرق شدن در کاربری از فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی هم سبب شده است که کودکان نسل دهه ۹۰ کم‌تر در بستر طبیعت و مواردی مانند بازی‌های فیزیکی و جمعی باشند و به زعم برخی از پژوهش‌گران غربی مشخص نیست افرادی که در فضای مجازی رشد می‌کنند، سرانجام در بزرگسالی خویش چگونه رفتار کرده و خواهند زیست.

ماحصل آن چه از آن یاد شد را می‌توان در تحولات ارزشی و هنجاری نسل دهه ۹۰ ملاحظه کرد، به این معنا که تحولات ارزشی و هنجاری نسل دهه ۹۰ (که در زمان تألیف کتاب، کودکان پیش دبستانی به شمار می‌روند)، یکی از شاخص‌ترین فرازهای تحولات نسل اخیر به شمار می‌رود.

فرزاد ۴ ساله و کیمیای ۵/۵ ساله، پس از کاربری از محصولات فرهنگی غرب، از علایق خودشان به مصرف سیگار و شراب به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- فراز دوست داری بزرگ شدی، چه کاره بشی؟

فندکی، سیگاری از این جور کارا.

سیگار کشیدن که کار بدیه؟

نه، با حاله».

«- خاله جون این عروسک‌ها ت چقدر بزرگ هستن؟

آره.

- اسماشون چیه؟

پگاه و پریسا.

- باهاشون بازی هم می‌کنی؟

آره.

- مثلاً چه بازی‌هایی؟

خاله بازی می‌کنیم، مهمونی بازی می‌کنیم، قهوه می‌خوریم، موهامونو درست می‌کنیم، آرایش بازی

می‌کنیم، ناخونامونو خوشگل می‌کنیم، می‌ریم خرید می‌کنیم.

- قهوه هم می‌خورین؟ حالا چرا قهوه؟ چرا چایی نمی‌خورین؟

آخه منم وقتی کوچیک بودم، با عروسکام چایی می‌خوردیم با هم. من چایی نمی‌خورم اصن، به

مامانم می‌گم برام قهوه درست می‌کنه همش.

- چرا آخه؟ چایی که خیلی خوشمزه هست؟

آره هس، ولی تو این فیلمایی که مامان بابام می‌بینن، کسی چایی نمی‌خوره که، همشون یا قهوه

می‌خورن یا شراب.

- آره عزیزم، ولی شراب چیز خیلی بدیه‌ها.

نخیرم اصن به من چه که بده، تازه شم خیلی ام خوبه. منم می‌خوام بزرگ که شم، شراب بخورم.

- چرا آخه؟

چون دوس دارم».

آوین ۶ ساله، در مصاحبه خود از علایق خویش به استفاده از لوازمی نظیر رژ لب، رژگونه، ریمل، خط

چشم و مانند آن‌ها یاد کرده است:

«- آوین گفتی رژ لب دوست داری؟

آره.

- رژ لب چه رنگی دوست داری؟

قرمز.

- خودت هم رژ لب داری؟

آره.

- چه رنگیه مال تو؟



بنفش.

- همیشه رژ لب می‌زنی؟  
(به علامت نفی سر تکان می‌دهد).
- پس کی می‌زنی؟  
موقع عروسی... جشن... .
- دیگه چی داری؟  
رژ گونه هم دارم.
- رژ گونه‌ات چه رنگیه؟  
ازون درخشانان... ولی سبزه.
- خوب... دیگه چی؟  
همین دوتا.
- ریمل داری؟  
آره.
- خط چشم داری؟  
آره.
- مامانت خریده برات؟  
آره.
- اون‌ها رو کی استفاده می‌کنی؟  
موقع های عروسی... جشن... تولد... جشن عقد.
- خودت می‌زنی یا مامانت برات می‌زنه؟  
خودم.
- خودت بلدی؟  
آره».



نکته‌ای که در این قسمت لازم به یادآوری است، تحول ارزشی ذهنی برخی از کودکان نسل دهه ۹۰ است. به این معنا که گاهی کودکانی در جریان کاربری از محصولات آن سوی آب، شیفته ارزش‌های مندرج در این محصولات می‌گردند، اما به سبب آن که اولیای آنان مخالف با ارزش‌های یاد شده هستند و یا آن که فاقد توان اقتصادی لازم جهت تحقق بخشیدن به خواست‌های فرزندشان هستند، با وجود آن که تقاضاهای فرزند را در عمل محقق نمی‌سازند، اما فرزندشان مترصد یافتن فضایی برای تحقق بخشیدن به اندیشه‌هایی است که وی به شکل ذهنی به پذیرش آن‌ها اقدام کرده است. نمونه کیانای ۶ ساله، مصداقی در همین راستا به شمار می‌رود. پژوهش‌گری که با کیانا مصاحبه کرده بود، در حاشیه مصاحبه خویش می‌نویسد:

«من وقتی از بچه‌ها خواستم تا تصویر عروسک مورد علاقه خودشان را بکشند، کیانا در نقاشی خودش، فقط موش و گربه را کشید. از او سوال کردم، چرا عروسک دلخواهت رو نکشیدی؟ او گفت: ما فقیر هستیم، بابا و مامانم پول ندارند، من خونه سارا اینا، السا رو دیدم و خیلی ازش خوشم اومد، اما بعدش خیلی حسودیم شد، چون من خوشگل نیستم، لباس خوشگل ندارم، لاغر نیستم، ناخن قشنگ ندارم، دستام سفید نیست، هر روز باید یه لباس بیوشم، بعضی وقت‌ها هم باید لباس آبی‌ام رو بیوشم. از وقتی السا رو دیدم، از خودم و از بی‌پولی خودمون ناراحتم، می‌خوام تا وقتی مثل السا خوشگل نشدم، عکسش رو هم نکشم. وقتی به مامانم می‌گم، من مثل دوستام می‌خوام کلی وسایل السا رو بگیرم، مامانم می‌گه، تو دختر خوبی هستی، بلدی قرآن بخونی، باید به این چیزها فکر کنی، ولی من دیگه دوست ندارم، حتی یه سوره دیگه حفظ کنم، همش دروغه.

کیانا دید بسیار منفی نسبت به خودش پیدا کرده است و دایم خودش را با السا مقایسه می‌کند و به علت گوشه‌گیر بودن که مربی مهد نیز به آن اشاره می‌کند، خلق پایینی نسبت به دوستان خودش دارد، چرا که نمی‌تواند مانند الگوی کارتون‌ی مورد علاقه‌اش، زیبا و پولدار باشد، بنابراین از خودش بدش می‌آید و حتی نقاشی آن را هم نمی‌کشد، چون او با آگاهی یافتن از وضعیتی که در آن قرار گرفته است، بسیار خشمگین است و سوال‌های زیادی دارد که کسی پاسخ‌گوی آن‌ها نیست و دیگر تمایل خود به زیبایی‌های معنوی را نیز از دست داده است».



با توجه به مؤلفه‌های ذی‌نقشی که در شکل‌گیری روان‌شناسی نسل دهه ۹۰ مؤثر واقع می‌آیند و آن چه از آن یاد شد، می‌توان اظهار داشت بروز گسست نسلی و تعمیق شکاف بین نسلی ایجاد شده بین کودکان و اولیای آنان نتیجه‌ای طبیعی به شمار می‌رود.

پونه و سامیار ۶ ساله و نسترن و پریسای ۶/۵ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خود از شکاف بین نسلی که بین خود و اولیای‌شان احساس می‌کنند، سخن گفته‌اند:

«پونه تو مهمونی که گفתי اونجا که پسرها اومدن خواستگاری مریدا، زن و مرد کنار همدیگه هستن؟ یعنی با هم یه جان؟

بله.

- تا حالا خودت مهمونی رفتی؟

بله.

- تو مهمونی‌هایی که می‌ری، زن و مرد با هم یه جا هستن؟

نه.

- بعد اونجا هم آهنگ می‌ذارن و همه با هم می‌رقصن؟

نه.

- چرا؟

نمی‌دونم.

- تو کدوم رو بیش‌تر دوست داری؟

اون‌ها رو.

- چرا؟

بیش‌تر کیف می‌ده و آدم می‌خنده.

- تا حالا به کسی این رو گفتی؟

نه.

- خودت فکر می‌کنی، چرا این جوریه که مثلاً مهمونی‌های اون‌ها با ما فرق داره؟

نمی‌دونم... فکر کنم آدم پیرها نمی‌ذارن.

چرا؟

- خوب من عروسی دختر عموم بود... بعد زن عموم می‌خواست عروسی قاتی بگیره... مامان بزرگم

گفت این جوریه بگیرید من نمیام... بعد جدا گرفتن.

- تو ناراحت شدی؟

اوهوم.

- نفهمیدی چرا مامان بزرگت این کار رو کرد؟

نه. ولی زن عموم ناراحت شد... با مامان بزرگم قهر کرد.

- پونه، به نظرت چرا اون‌ها مثلاً به مدل دیگه‌ای مهمونی می‌گیرن و مامان بزرگ تو به مدل دیگه؟  
خب... چون اون‌ها فرق دارن.

- چرا فرق دارن؟

خب اون‌ها خارجی‌ان.

- خارجی‌ها بهتر از ما مهمونی می‌گیرن؟

بله.»

«- ... می‌دونی کنگ مال کدوم کشوره؟

حتماً خارجیه.

- چه کشورهایی از خارج رو می‌شناسی؟

آمریکا که خیلی با حاله، خوشالن، هر کاری می‌خوان می‌کنن، خوبه دیگه. جزیره گمشده هم حتماً

آمریکاییه، چون خیلی با حاله.

- این‌ها رو از کجا می‌دونی، مگه تو آمریکا رفتی؟

نه، از فیلماش دیدم.

- چرا جزیره گمشده آمریکاییه، من فکر کنم ایرانیه.

نه، مطمئنم ایرانی نیست. ایرانیاش به درد نمی‌خوره. دوس ندارم.

- چرا ایرانی‌هاش به درد نمی‌خوره؟

خب دیگه، خوب نیستن. بزنی بزنی نداره، قیافه‌هاشون زشته، ولی مامانم این جور دوست داره.

- مامانم چه جور دوست داره؟

مامانم دوست داره همه روسری سرشون کنن، همه نماز بخونن، نرقصن، نخونن. می‌گه بده خدا

دوست نداره.

- سامیار حالا کی بیش‌تر برات کارتون انتخاب می‌کنه؟

دوست دارم داییم انتخاب کنه، چون کارتونای با حال انتخاب می‌کنه. ولی مامان و بابام نمی‌ذارن.

مامان بابام همش کارتونای زشته و مسخره‌ی برنامه کودک رو می‌گن ببین. مامان و بابام مثل من و داییم نیستن.

- یعنی چی مثل تو و داییت نیستن؟

مامانم هی می‌گه اینو ببین زشته، اونو ببین زشته، ولی نمی‌دونن خونه داییم اینا از ماهواره خیلی چیزا

رو می‌بینم.

- مثلاً تو ماهواره چی می‌بینی؟

فیلمای با حالی داره. با هم می‌خونن، می‌رقصن، خوشالن دیگه دوست دارم.

- تو هم دوست داری بخونی و برقصی؟

آره خیلییی، ولی مامانم اینا نمی‌ذارن.»



«- نسترن خانم، تو دوست داری شبیه راپونزل رفتار کنی یا مامانت؟

راپونزل.

- چرا؟

آخه راپونزل شاهزاده هست و خیلی خوبه، ولی مامان من همش غر می‌زنه، منو دعوا می‌کنه، من خوشم نمیاد.

- مامان که مهربونه، موهات رو این قدر قشنگ بافته و برات غذاهای خوشمزه درست می‌کنه، تو این

کارهات رو هم دوست نداری؟

نه، من دوس ندارم مثل مامان آشپزی کنم، خدمتکارم این کارا رو می‌کنه.

- مگه کار خونه وظیفه خدمتکاره؟

من نمی‌دونم، ولی بده، آدم گناه داره ازین کارا بکنه، مامان راپونزل هم همش اونو مجبورش می‌کرد

کار خونه بکنه، اونم ناراحت می‌شد».

«- یه کم از داستان کارتون سیندرلا برام بگو.

یه پسره هست که خیلی خوش تیپه، عاشق سیندرلا می‌شه، ولی نامادریش نمی‌ذاره که اونا به

همدیگه برسند.

- از پسره چه قدر خوشت میاد؟

خیلی. به سیندرلا حسودیم می‌شه.

- چرا؟

دوست دارم وقتی بزرگ شدم، دوست پسرم اون شکلی باشه.

- پس وقتی بزرگ شدی، می‌خواهی دوست پسر پیدا کنی؟

آره، همه باید دوست پسر داشته باشن.

- این رو کی بهت گفته؟

آبجی بزرگم.

- چند سالشه؟

پونزده سال.

- خودش دوست پسر داره؟

آره.

- دوست پسر برای چی هست؟

هیچی، همدیگه رو دوست دارن.

- فقط همدیگه رو دوست دارن؟

بعضی وقتا هم همدیگه رو بوس می کنن.

- تو از کجا می دونی؟

خودش برام تعریف می کنه.

- بابا و مامانت می دونن؟

نه، من لو نمی دمش.

- فکر می کنی خواهرت کار درستی می کنه؟

نمی دونم. فکر نکنم اشکالی داشته باشه.

- اگر اشکالی نداره، پس چرا پدر و مادرت مخالفن؟

آبجیم می گه اونوا فکرشون قدیمیه».



مطهره ۶ ساله هم از قول دوستش بیان می دارد که دور زدن اوامر و نواهی اولیاء، «خیلی حال می دهد»:

«- تا حالا از عموپورنگ چه چیزهایی یاد گرفتی؟

عموپورنگ چیزای خوب زیاد می گه، مثلاً می گه ما اجازه نداریم زیاد با تبلت و گوشی مامانامون

استفاده کنیم یا این که می گه، اصلاً نباید بدون اجازه مامان و بابام برم اینترنت.

- خوب تو گوش می دی به حرفش؟

آره، ولی نیکا می گه این طوری بیش تر حال می ده.

- چه طوری؟

همین طوری که یواشکی بریم عکس باربی ببینیم تو اینترنت».



با توجه به آنچه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، اگر چه عوامل متعددی در گسست نسلی پدید آمده بین نسل‌های جوان‌تر و بزرگسال جامعه وجود دارد، اما کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، از جمله مهم‌ترین علل ایجاد و تعمیق گسست نسلی بین نسل دهه ۹۰ (و نسل‌های دهه‌های ۸۰ و ۷۰) با بزرگسالان جامعه به شمار آمده، به نظر می‌رسد با سایه گستر شدن بیش از پیش فناوری‌های ارتباطی جدید در جامعه، اثرات آن‌ها به شکل مشهودتری در روابط خانوادگی و اجتماعی منعکس گردد.



## ۲۹-۲- سایر موارد خانوادگی

مسئله اثرات فناوری‌های ارتباطی جدید روی خانواده، خاصه در محیط جمع‌گرای ایران، مورد بحث و بررسی جدی پژوهش‌گران واقع نشده است، اما در بررسی میدانی انجام شده حاضر، برخی از آثار کاربری رسانه‌های دیجیتال توسط اولیا و فرزندان (خردسال) آنان مشخص شد که در این قسمت به اجمال به آن‌ها پرداخته خواهد شد.



«آسیب دیدگی روانی کودکان از کژکاربری اولیا از فضای مجازی»، یکی از آسیب‌های عمده‌ای است که در عرصه مطالعات خانواده ملاحظه می‌گردد. حجم بالای طلاق‌هایی که در اثر کژکاربری یکی از اولیا از فناوری‌ها وجود دارد، فضای تلخ و ناکام‌کننده‌ای برای همسر و بالطبع فرزند یا فرزندان خانواده پدید می‌آورد.

«شکل‌گیری خانواده مجازی»، «تربیت دیجیتال» و به تبع «تربیت دیجیتالی»، «محبت دیجیتالی»، از دیگر مواردی است که در جریان مصاحبه با کودکان خردسال پیش دبستانی مطرح شده است. عناوین «تفاخرجویی دیجیتالی»، «تحقق شوخی‌های دیجیتالی» و «سرکار نهادن‌های دیجیتالی»، مقولات قابل تأمل دیگری هستند که کودکان مصاحبه شده به آن اشاره داشته‌اند. سرانجام عنوان «تنبیه دیجیتالی»، ناظر بر یکی از روش‌های تربیتی جدیدی است که برخی از اولیا در مواجهه با فضای مجازی از آن استفاده کرده، به این وسیله سعی در تربیت بهینه (!) فرزندشان دارند. در ادامه تک تک عناوین مطرح شده، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

### ۱-۲۹-۲- آسیب دیدگی روانی کودک از کژکاربری اولیا از فضای مجازی



برخی از اولیا، به دلیل عدم برخورداری از یک شخصیت متوازن، در مواجهه با فضای مجازی، یا وارد عرصه‌های هزینه‌نگاری و ایجاد روابط فراخانوادگی شده‌اند و یا وارد وقت‌گذرانی و اتلاف وقت و یا خریدهای پشت سرهم و نظایر آن را پیشه خود کرده‌اند که در هر صورت موارد اخیر، کیان خانواده را به خطر انداخته‌اند.

آرمیتای ۶ ساله (که قسمتی از مصاحبه وی پیشتر آمد)، خاطرنشان می‌سازد، او در بررسی مخفیانه گوشی پدرش، با ادبیات هزینه‌نگار مواجه شده بود، اما همین که مادرش از او خواست تا گوشی پدر را پنهانی نزد وی ببرد، آرمیتا پس از پاک کردن تصاویر هزینه‌نگار گوشی پدر، آن را به دست مادر می‌رساند. اما به هر صورت پدر که در فضای مجازی با دختری آشنا شده بود، با طلاق دادن مادر آرمیتا، با وی ازدواج می‌کند. مصاحبه آرمیتای ۶ ساله، عمق تأثر و آسیب خوردگی آرمیتا را از کژکاربری پدر از فضای مجازی به معرض دید می‌گذارد:



- «- آرمیتا وقتی توی فیلم می‌بینی، یه بابایی دخترش رو بغل کرده، چه حسی داری؟ دوست داشتم جای اون دختره باشم.
- برای چی دوست داری جای دختره تو فیلم باشی؟ باباش مهربونه.
- آرمیتا مامانت رو دوست داری؟ آره.
- پس چرا راجع به مامانت زیاد حرف نمی‌زنی؟ آخه مهربون و خوبه.
- آرمیتا شده وقتی تنهایی با خودت حرف بزنی؟ آره.
- اون موقع چی به خودت می‌گی؟ می‌گم بچه خوبی بشو تا بابات مهربون بشه.
- مگه تو بچه بدی بودی؟ آره.
- چرا فکر می‌کنی بچه بدی بودی؟ چون بابام مهربون نیست.
- آرمیتا اگه بخوای آرزو کنی، چی آرزو می‌کنی؟ بابام مهربون بشه.
- گریه نکن گلم، ببین اگه گریه کنی من و تو دیگه نمی‌تونیم با هم حرف بزنینم، می‌خوای حرف بزنی؟ نه.
- پس گریه نکن باشه؟ باشه».

## ۲-۲۹-۲- شکل‌گیری خانواده مجازی

برخی از اولیا، بدون آن که از هویت مستقلی برخوردار باشند، تصور می‌کنند خلاء درونی و هویتی خویش را می‌توانند با توسل و تمسک به امکانات بیرونی پر کنند. به تعبیر دیگر، همان‌گونه که در جریان مد، افرادی برای متفاوت نشان دادن خود از دیگران، به مد متوسل شده، می‌کوشند حتی با استقبال از مدهای غیرمتعارف، خود را متفاوت از دیگران نشان دهند، اولیای اخیر می‌کوشند تا با پیش گرفتن رفتارهای متفاوت، به نوعی بر پیش رو بودن خویش و تافته جدا بافته بودن خود صحه بگذارند. در این میان فناوری‌ها و تمسک به فناوری‌ها، عرصه مناسبی برای به نمایش نهادن برخی از افراد از خودشان است. به

این معنا که گاهی یک کودک بیان می‌دارد، با وجود آن که خودش و اولیایش در خانه قرار دارند، از اتاق خود با مادرش که در حال است، صحبت می‌کند یا پدرش از او می‌خواهد که به او لوکیشن بدهد.



از این رو می‌توان از خانواده‌هایی که در کنار هم، باز برای تماس با یکدیگر متوسل به فناوری‌ها می‌گردند، با عنوان خانواده مجازی یاد کرد.

### ۳-۲۹-۲- تربیت دیجیتال

فضای مجازی فرصت‌های گسترده و زیادی در زمینه‌های ارتباطی، آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن‌ها در اختیار افراد قرار داده است که می‌توان از این فرصت‌ها برای حل مشکلات و اعتلا بخشی به امور مختلف سود برد.



سوانک<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳)، در نمونه‌ای از این کاربری‌های مثبت، در بررسی که روی مادران سایبری (مادران کاربر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی) دارای کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم داشته‌اند، گزارش می‌دهند، این دسته از مادران با پیگیری وب‌نوشت افرادی که آنان نیز فرزندان مبتلا به اختلال اوتیسم داشتند، گروهی را در فضای مجازی تشکیل داده‌اند که به لحاظ عاطفی، هیجانی، اطلاعاتی و ابزاری به کمک همدیگر شتافته‌اند. به تعبیر دیگر اولیایی که ناگهان در برخورد با کودک اتیستیک خود دچار بحران و آشفتگی شده‌اند، می‌توانند با کاربری مناسب از شبکه‌های اجتماعی از تجربیات افراد مشابه خویش سود برده، تربیت فرزندشان را با کم‌ترین هزینه، به بهترین شکل ممکن پیش ببرند.

1. Swanke, J.



در برابر اولیایی که کاربری مناسب و بهینه‌ای از ظرفیت‌های فضای مجازی دارند، اولیای دیگری هستند که کاربری سوئی از فضای مجازی دارند. به عنوان مثال، برخی از اولیا می‌کوشند با سوءاستفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید، از بار سنگین مسوولیت خویش در تربیت فرزندانشان بکاهند و بار مسوولیت خود را بیش‌تر بر دوش فناوری‌ها بیندازند. از این رو از فناوری‌ها به صورت یک دایه و یا پرستار الکترونیکی سود می‌برند که البته در حالت اخیر آسیب‌های جدی بسیاری بر فرزند مترتب خواهد شد.<sup>۱</sup>

در حال حاضر، در شرایطی که بحثی از بسترسازی فرهنگی در جامعه، مدرسه و بسیاری از خانواده‌ها نیست، متأسفانه بیش‌تر از آن که فواید فناوری‌ها متوجه مخاطبان آن شود، آسیب‌های آن متوجه مخاطبان، خاصه مخاطبان کم‌سن‌تر خواهد شد. سحر ۴ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، با وجود آن که دوست دارد، مادرش با او بازی کند و برایش قصه بگوید، اما مادر برای او قصه‌های دیجیتالی می‌گذارد و برای بازی به او می‌گوید، برو با تبلت بازی کن:

«- چه قصه‌هایی گوش می‌دی؟»

بز بز قندی و حسنی، تازه حفظم هستم.

- چه عالی! مامانت برات قصه نمی‌گه؟

نه. خیلی کم، اونم وقتایی که من گریه می‌کنم قصه می‌گه.

- تو دوست داری مامانت بهت قصه بگه یا با گوشه قصه گوش کنی؟

مامانم برام قصه بگه.

- مهد رو بیش‌تر دوست داری یا خونه رو؟

مهد.

- چرا مهد رو بیش‌تر دوست داری؟

چون با دوستام بازی می‌کنم، تو خونه کسی نیست که با من بازی کنه.

- مگه آبی یا داداش نداری که باهات بازی کنن؟

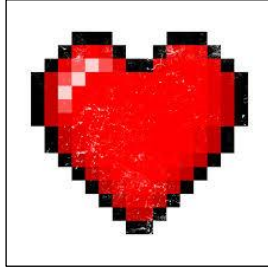
نه، هنوز ندارم، ولی مامان می‌خواد برام یه داداشی بیاره.

- مامان یا بابات با تو بازی نمی‌کنن؟

نه، مامانم که می‌گه برو با تبلت بازی کن. بابامم که سرکاره».

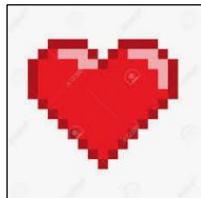
۱. از این مسأله در عنوان استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان یاد گردید.

#### ۴-۲۹-۲- محبت دیجیتالی



منطقی (۱۳۹۵، ج) با طرح محبت دیجیتالی از پدیده جدید دیگری که رهاورد فناوری‌های ارتباطی جدید است، به شرح زیر یاد کرده است:

«برخی از اولیا، به سبب فشارهای اقتصادی موجود در جامعه، خود را مجبور می‌بینند که از سرکار اول، سرکار دوم و سوم خویش بروند و به این ترتیب، در عمل، امکان تماس و بسر بردن در نزد کودکان را به مقدار زیادی از دست می‌دهند. این اولیا پیش خود فکر می‌کنند با خرید و دادن یک تبلت یا گوشی همراه به فرزندشان، می‌توانند از سرکار خود، با ارسال روزانه نامه‌های کپی پیست شده عاشقانه به فرزندشان، محبت و عطف لازم را در حق فرزند خود انجام دهند، حال آن که وقتی کودک در بازگشت اولیا از سرکار، با پدر و مادری مواجه می‌شود که از شدت خستگی قادر به چند لحظه حشر و نشر با وی نیست، به کاذب بودن محبت دیجیتالی اولیا پی می‌برد. به تعبیر دیگر محبت دیجیتالی، بسان سرابی است که تنها اسباب دلخوشی برخی از اولیا را فراهم می‌آورد، اما قادر به سیراب کردن فرزند نبوده، جای عاطفه واقعی و راستین را در فضای واقعی برای وی نمی‌گیرد».



سهیل ۵ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌اش بیان می‌داشت:

«- واقعاً گوشی لازم داری؟

آره، مامان و بابام باهام تماس می‌گیرند و با من حرف می‌زنند.

- از کجا؟

از سرکار.

- توی خونه هم همین طور هست؟

نه، دیگه توی خونه خسته هستند».

## ۵-۲۹-۲- تفاخرجویی دیجیتالی

برخی از اولیایی که از تربیت اصیل و غنای درونی برخوردار نبوده‌اند، تصور می‌کنند با تمسک به فناوری‌ها، می‌توانند خلاء درونی خویش را پر کنند و به این ترتیب ضمن آن که خلاءهای درونی خویش را کاهش می‌دهند، با مطرح شدن در انظار دیگران، از هویت نداشته خود فاصله گرفته، دیگران با هویت جدید و برتری بدان‌ها می‌نگرند، بنابراین وقتی افراد بی‌هویت و توخالی بخواهند خود را با فناوری‌ها مطرح سازند، چاره‌ای جز خرید رسانه‌های دیجیتال برای خود و کودکان کم سن خود و تغییر مدام و به روز آن وسایل یا تهیه مدل‌های جدید از فناوری‌های عرضه شده به بازار یا تهیه دو یا چند تبلت یا گوشی برای خود یا فرزندشان ندارند.



مادر یکی از کودکان خردسال، در دفاع از تهیه گوشی پیشرفته برای فرزند پیش دبستانی خود بیان می‌داشت، من نمی‌خواهم بچه‌ام با دیدن گوشی بچه‌های دیگه تحقیر بشه، در حالی که شاید این شخص بیش‌تر از آن که دنبال ممانعت از تحقیر شدگی فرزندش باشد، در پی چشم و هم چشمی و یا فراتر از آن در پی تفاخرجویی خویش بود.



مادر دیگری از پذیرش تام و تمام درخواست‌های کودکش در زمینه فناوری‌ها خبر می‌داد، از تهیه تبلت و گوشی و سیم‌کارت گرفته تا نصب انواع و اقسام بازی‌ها و عضویت در شبکه‌های اجتماعی. در ادامه، وی در جمع همگنان، با افتخار از عضویت کودک خود در شبکه‌های اجتماعی و کاربری از آن‌ها یاد می‌کرد که در دیدی عمیق‌تر به مسأله، آنچه در این میان به عیان ملاحظه می‌شود، چیزی جز تفاخرجویی خانواده در زمینه کاربری فرزندش از فناوری‌های روز نیست. مصاحبه با آترین ۶ ساله، مصداقی در همین راستا به شمار می‌آید:

«با غرور خطاب به مصاحبه‌گر) من هم تبلت دارم، هم دو تا گوشی دارم.  
- واقعاً به دو تا گوشی و تبلت نیاز داری؟  
دیگه، دیگه!»

## ۶-۲۹-۲- شوخی‌های دیجیتالی

فناوری‌ها ظرفیت‌های مختلفی از خود را به عرصه ظهور نهاده‌اند و در این میان کودکان یا اولیای خانواده، ممکن است از فناوری‌ها در جهت شوخی یا سرکار نهادن اطرافیان و دیگران، سود ببرند.



خلاء ارضای هیجان‌جویی در جامعه، سبب شده است که بسیاری از مردم به رسانه‌های دیجیتالی به مثابه وسیله‌ای برای خندیدن و ارضای هیجان‌جویی خویش بنگرند. از این رو کودکان این افراد نیز با مشاهده کاربری هیجان‌جویانه و طنزآمیز اولیا از رسانه‌های دیجیتالی، به خود اجازه می‌دهند تا از رسانه‌های دیجیتالی برای شوخی‌های دیجیتالی خود سود ببرند. مه‌دیه ۶ ساله، در همین رابطه در مصاحبه خود اظهار می‌داشت:

«- مه‌دیه تو بلدی توی تلگرام عکس بفرستی؟

آره.

- چه عکس‌هایی بلدی بفرستی، به من هم یاد می‌دی؟ منم می‌خوام یاد بگیرم.

نگاه کن، عکس مهبیار رو می‌فرستم.

- برای کی می‌فرستی؟

برای بابا، تو گروه می‌ذارم.

- گروه دیگه چی هست؟

گروه بابا ایناس، توش مامان هست، بابا هست، خاله زهرا اینا هستن، عمو مه‌دی، همه هستن توش.»

## ۷-۲۹-۲- سرکار نهادن دیجیتالی



در اقدامی نزدیک به شوخی‌های دیجیتالی، سرکار نهادن‌های دیجیتالی مطرح است که قدری از طراوت مزاح و شوخی دور شده، ممکن است یک کاربر با سرکار نهادن یا به استیصال رساندن دیگران، لبخند را به لب‌ها بیاورد. مصاحبه سپهر، نمونه‌ای از همین معنا را به معرض دید می‌نهد:

«- تبلت سیم‌کارت هم می‌خوره؟

یه بار سیم‌کارت گوشی مامانمو انداخته بودم خب، گوشی رو برداشت رفت تو تلگرام، دید هیچی نیست، سیم‌کارت می‌خواست... .

- تو سیم‌کارتش رو برداشتی؟

آره، من خودم تلگرام داشتم، براش رمز گذاشته بودم، تو اون جای بابام، بعد یه چیزایی فرستاده بودم... بعد خب، بعد رفتم تو گروه چیز، گروه دوستی خب، بعد غذاهایی که مامان فرستاده بود رو پاک کردم، رفتم تو چیز، گروه چیزه، سایت خالم خب، بعد غذاهای اونو برداشتم، فرستادم تو گروه.

- جای غذاهای مامانت؟

آره (با خنده).

- مامانت نفهمید سیم‌کارتش رو برداشتی؟

نه، دیگه اون رفت دیدش، فک کرد خرابه خبیب، بعد بهم گفت تا تو درستش نکنی ول کنت نیستیم،

بعد من سیم‌کارتشو انداختم، ول کرد.»



## ۸-۲۹-۲- ترساندن دیجیتالی

تشدید ترس کودک توسط اولیای ناآگاه، یکی از مسایل و مشکلات دیگری است که در جریان مصاحبه با کودکان خردسال پیش دبستانی مشاهده می‌شود. به این معنا که اولاً بسیاری از اولیا از بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه فرزندشان از فناوری‌های ارتباطی جدید سرباز زده، به وظیفه

والدگری الکترونیکی خویش در این زمینه عمل نمی‌کنند، ثانیاً اولیای دیگری هستند که بدون توجه به آن که با رها کردن فرزندشان در فضای مجازی و کاربری بی‌حساب و کتاب فرزند از این فضا، تبعات زیادی، از جمله ترس و کابوس عارض فرزند آنان شده است، برای تأدیب فرزند به ترساندن وی روی می‌آورند و با برخی از صحنه‌سازی‌ها در عمل به ترس‌های ذهنی کودکان جامه‌ای از واقعیت می‌پوشانند و به این ترتیب بدون آن که متوجه پیامدهای رفتار نادرست خود باشند، دست به کودک آزاری زده، اسباب ایذا و اذیت روانی فرزندشان را فراهم می‌آورند.



دانیال ۶ ساله، در مصاحبه خویش در بیان تجربه خویش در همین ارتباط، چنین اظهار می‌داشت:

«- تو دوست نداری بازی کنی؟»

نه، خطرناکه.

- داداشت نمی‌گذاره بازی کنی؟

نه، خطرناکه، می‌ترسم شب لولویی می‌ره، آدامارم می‌کشه.

- خوب پس چرا نگاه می‌کنی؟

نگاه می‌کنم، ببینم چه طوریه.

- خواب ترسناک هم می‌بینی؟

آره.

- خواب ترسناک چی می‌بینی؟

خواب دیدم مادرم هی ماشین می‌زد بهش، بعد مادرم پرت شد، بعد من رفتم زدم تو لپش، بعد از

گردنش آویزون شد به پنجره، بعد من شیشه رو دادم بالا، گردنش تیکه شد، افتاد زمین.

- از خواب بیدار شدی؟

از خواب پریدم، جیش کردم تو خودم.

- چند بار خواب دیدی؟

۵ بار، مثلاً خواب دیدم مامان فاطمه رفته بودم یه کفش زنده بود، هی شیشه‌ها رو می‌شکوند

که ما رو بکشه، بخوره.



دیگه خواب چی دیدی؟

از اون قطبی‌ها هستن که می‌چرخه، خودش بعد انگشتر داره، چشم باز می‌کنه، می‌زنه. اون خوابم دیدم.

- دیگه چه خوابی دیدی؟

همه خوابا رو دیدم، چند بار هم تو خودم جیش کردم.

- مگه چی دیدی که ترسیدی؟

یه فیلم بود، یه مرده با یه مرده دیگه که زن داره، می‌ره تو محله، یه هیولا میاد می‌خوردش، نمی‌خوره‌ها مثلاً مرده رو عوض می‌کنه، یه هیولا می‌شه، دم درمیاره، بعد می‌ره آدما رو می‌کشه... .

- دیگه خواب هیچی رو نمی‌بینی؟

چرا، خواب لولو.

- لولو چه شکلیه؟

یه ماسک می‌ذاره، یه بار خونه مامان فاطمه‌ام، واقعی‌ها، من اذیت کردم، بعد آقا لولو واقعاً زنگ زد به من، بعد اومد، در خونه مامان فاطمه، بعد گفت، پسر دیگه مامان فاطمه رو اذیت نکنیا، وگرنه می‌خورمت.

- تو دیدیش؟

نه در رو باز نکردم، فقط صداشو شنیدم.»





### ۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فصل نخست کتاب در ابتدا با اشاره به فرصت بودن و تهدید بودن توامان فناوری‌های ارتباطی جدید، خاطرنشان شد، اولیای فرهنگی کشورهای مختلف جهان برای کاهش تهدیدهای فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با بسترسازی‌های گسترده‌ای که در سطح خانه، مهد، مدرسه و جامعه فراهم آورده‌اند، در عمل کوشیده‌اند با مسایل و مشکلات فراروی کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته برخورد کرده و بکوشند تا با کاهش تهدیدهای آن، امکان بهره‌وری کاربران از فرصت‌های این فناوری‌ها را بیش از پیش فراهم آورند.

بسترسازی‌های فرهنگی اخیر به شکلی است که حتی در کشورهایی که با فیلترینگ فناوری‌های ارتباطی جدید مخالف هستند، در عمل کودکان و نوجوانان خویش را با اقدام‌های فرهنگی مناسب (نظیر عدم کاربری از اینترنت در سال‌های اولیه زندگی و استفاده از سیم کارت دانش‌آموزی و مانند آن)، به میزان زیادی از دسترسی به محتویات نامناسب بازداشته می‌شوند، مضاف این که قوانین وضع شده در این جهات، کار را به جایی می‌رساند که حتی از اولیای خاطی در کژکاربری فرزند از فضای مجازی، سلب صلاحیت شده، کودکان آن‌ها از آنان گرفته می‌شوند.

اما برخلاف تجربه بشری اخیر که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، حال آن که برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌ها انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی برای کاربر کاربران از آن زد.

رویکرد اخیر خود به خود امکان بسترسازی فرهنگی جهت فضای مجازی را به میزان زیادی محدود کرده است. مضاف بر این، خلاء قانون‌های لازم برای کاربری مناسب از فضای مجازی و برخورد با کاربری‌های نامناسب از این فضا، امر مهم دیگری است که در جامعه به وضوح ملاحظه می‌گردد.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، گره خوردن برخی از خلاءهای اجتماعی با فضای مجازی در ایران از سویی و عدم توجه به برخی از فرآیندهای اجتماعی موجود در جامعه، نظیر شکل‌گیری نوعی از مقاومت

منفی در برابر مسوولان و اولیای فرهنگی از سوی مردم، کار را به آنجا کشانده است که سردرگمی مواجهه مسوولان با فضای مجازی در کشور به متجاوز از دو دهه برسد.

انعکاس مستقیم سردرگمی اولیای فرهنگی نظام در مواجهه با فضای مجازی را می‌توان مستقیماً در نظام آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی کشور و خانواده‌ها، ملاحظه کرد. به این معنا که به سبب علایق گسترده کودکان، نوجوانان و جوانان به پدیده نو، جذاب و متنوع فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، آنان به شدت متوجه فضای مجازی گردیده‌اند، اما اولیای آموزش پیش دبستان و آموزش و پرورش عمومی کشور با مخالفت با کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در محیط پیش دبستان، دبستان و دبیرستان، در عمل در برابر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته موضع گرفته، همین تخالف‌ورزی، امکان بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی را به میزان بسیار زیادی از مسوولان ذیربط سلب کرده، به جای فرصت‌سازی در این جهت، کار را به فرصت‌سوزی رسانده است.

از این رو با توجه به آنچه از آن یاد شد، مداخله جدی در امر کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته الزامی است. در راستای بسترسازی فرهنگی جهت کاربری کودکان از فناوری‌های اخیر، پژوهش میدانی گسترده‌ای انجام شد تا اثرات زیستی، روان‌شناختی، خانوادگی، تربیتی - اخلاقی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و زیباشناختی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید مشخص گردد کتاب حاضر به گزارش اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته پرداخته است.

پس از بررسی میدانی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید، اطلاعات به دست آمده ذیل عنوان زیر طبقه‌بندی و ارایه گردیدند:

ضرورت والدگری الکترونیک، افزایش اطلاعات عمومی فرزندان، ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری، سوادآموزی نسبی کودکان، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان، نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم، اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان، همراهی خانواده با القائات الگوهای عروسکی - کارتونی، استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده، تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزندان، یادگیری مشاهده‌ای کژکاربری اولیاء (یا خواهر و برادرها) از فضای مجازی، تحقق نسل فرزندسالار، اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتونها و فیلم‌ها، پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، استقبال از دید فردگرایی، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک، افشای اطلاعات محرمانه خانواده، تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به

اولیا، منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک، ایجاد تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی (بین اولیا، اولیا و فرزندان، فرزندان با هم)، مخفی‌کاری و دور زدن اولیا توسط کودک، تعمیق شکاف بین نسلی و سایر موارد خانوادگی.

عنوان «والدگری الکترونیک» به این معنا پرداخته است که یکی از الزام‌های فضای جهانی شده برای خانواده‌ها در حال حاضر، امر والدگری الکترونیک است. به این معنا که اگر در گذشته، خانواده‌ها در جهان واقع موظف به حفظ و حراست کودکانشان از عوامل آسیب‌زای بیرونی و تدارک شرایط رشد علمی- فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی آنان بود، در حال حاضر با شکل‌گیری و تحقق فضای جهانی شده، ضرورت دارد اولیا علاوه بر محافظت و مراقبت از فرزندان‌شان در جهان بیرون، حفظ و حراست از فرزندان‌شان در فضای مجازی را نیز برعهده بگیرند تا نقش والدگری الکترونیک خود را به خوبی انجام دهند. در ذیل عنوان اخیر، چهار مقوله والدگری الکترونیکی «اولیای مسوول»، «اولیای غافل»، «اولیای ناهماهنگ» و «اولیای مسأله‌دار» مورد بحث قرار گرفت.

عنوان «افزایش اطلاعات عمومی فرزندان»، ناظر بر این مسأله بود که کاربری مناسب از فناوری‌های ارتباطی جدید، متضمن افزایش اطلاعات عمومی فرزندان می‌باشد (همان‌گونه که کاربری نامناسب از فناوری‌های اخیر عارضه‌زا واقع خواهند شد). کودکان کاربر بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌های مناسب، در جریان کاربری از این محصولات فرهنگی ارزشمند، با مباحثی نظیر مفاهیم علمی، بازی‌های خلاق، افزایش اطلاعات بهداشتی و پزشکی، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش شناخت اجتماعی، ارتقای اندیشه‌های راهبردی، آموزش روش‌های پرورشی و مانند، آشنا می‌شود (اما در برابر بازی‌های نامناسب، بازی‌هایی هستند که در روند بازی، انبوهی از مفاهیم غیرمتعارف، نظیر مفاهیم پرخاشگرانه، جنسی، بزه‌کارانه، خرافی و مانند آن به کودک القا می‌گردد).

در عنوان «ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری»، این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که مطالعات انجام شده در زمینه بررسی اثرات بازی‌های دیجیتالی بر روی کودکان پیش دبستانی بیانگر آن است که این بازی‌ها عموماً در آموزش کودکان مؤثر بوده، اثرات مثبتی از خود در آموزش مسایل از مسایل آموزشی گرفته تا مسایل بهداشتی و هنری نشان می‌دهند.

عنوان «سوادآموزی نسبی کودکان»، ناظر بر این معنا بود که اگر چه در جریان کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید، آموزش فعال (حداقل برای برخی از آنان) محقق می‌گردد و همین‌طور بعضی از بازی‌های دیجیتالی به شکل غیرمستقیم در تقویت تفکر راهبردی یا یادگیری مفاهیم اولیه ریاضی و مانند آن در کودک مؤثر واقع می‌آیند، اما برخی از بازی‌ها می‌توانند مستقیماً در سوادآموزی کودکان مؤثر واقع آمده، به آن‌ها سوادی نسبی بیاموزند.

در عنوان «ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان»، این مسأله مورد بحث قرار گرفت که خلاقیت و کارآفرینی از مقوله‌های مهمی هستند که مدنظر پژوهش‌گران آموزشی و سیاست‌گذاران اجتماعی بوده است و غالب پژوهش‌گرانی که در زمینه تأثیر کاربری رسانه‌های دیجیتال در افزایش یا کاهش خلاقیت

و کارآفرینی کودکان به بررسی پرداخته‌اند، در گزارش پژوهش خود در این ارتباط خاطرنشان ساخته‌اند که کاربری مناسب کودکان از فناوری‌های ارتباطی جدید، در ارتقای عملکرد خلاقیت و کارآفرین آنان اثر مثبتی داشته است، بنابراین با والدگری الکترونیک مناسب کودکان، این امکان وجود دارد که کودکان پیش دبستانی در جریان کاربری مناسب و اندیشیده از بازی‌ها، کارتونها و فیلم‌های مناسب، بر میزان انگیزه‌های خلاق و کارآفرین خود افزوده، در جریان عمل دست به خلاقیت و کارآفرینی بزنند.

عنوان «نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم»، به این مقوله پرداخته بود، در خانواده‌هایی که دارای چند فرزند هستند، غالباً فرزندان کوچک‌تر با همیاری خواهر و برادر بزرگ‌تر یا با مشاهده چگونگی کاربری آنان از رسانه‌های دیجیتال، با کاربری از این رسانه‌ها آشنایی می‌یابند، بنابراین اگر اولیا قسمتی از وظیفه والدگری الکترونیک خود را در عمل به خواهر و برادر بزرگ‌تر فرزند خردسالشان احاله دهند، می‌توانند خلاء اطلاعاتی یا نقصان نظارت خویش بر چگونگی کاربری فرزند خردسالشان از فناوری‌های ارتباطی جدید را مرتفع سازند.

کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، مانند انجام بازی‌های دیجیتال و یا دیدن کارتون (روی تبلت، ایکس باکس، گوشی و رایانه) می‌تواند در مهارت‌های حرکتی و بینایی کودکان کاربر، ارتقا پدید آورد، اما کاربری زیاد از فناوری‌های متضمن مواردی مانند: کاهش فعالیت‌های جسمانی و چاقی (خاصه در سنین بالاتر از سن پیش دبستان)، ناراحتی‌های چشمی، ضعف بینایی، سردرد، سرگیجه، بی‌اشتهایی، دردهای عضلانی و اسکلتی، بلوغ زودرس و تبعات زیستی ناشی از پرتوهای یونیزان و نایونیزان و مانند آن‌ها خواهد بود. موارد اخیر ذیل عنوان «اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید»، مورد بحث قرار گرفتند.

در عنوان «همراهی خانواده با القائات الگوهای عروسکی - کارتونی» خاطرنشان گردید، کودکان در روند تحول خویش نیازمند الگو بوده، با اتخاذ الگوهای مطلوب طبعشان، از این الگوها چگونه بودن و چگونه شدن را فرا می‌گیرند. بالطبع اگر الگوهایی که فراروی کودکان قرار می‌گیرند، الگوهای خوب و مناسبی باشند، کودکان با الهام گرفتن از این الگوهای مناسب، در مسیر تعالی اخلاقی و ارزشی قرار خواهند گرفت، اما اگر الگوهای مورد نظر، الگوهایی خنثی و یا منفی و ضدارزش باشند، آنگاه کودکان با کپی‌برداری از الگوهای اخیر، در مسیری بی‌ارزش و یا حتی ضدارزش قرار گرفته، بر همان منوال نیز رفتار می‌کنند.

با بررسی بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌های موجود در سطح جهان، در عمل می‌توان این محصولات را به لحاظ محتوایی به سه مقوله ارزشمند، خنثی و ضدارزش طبقه‌بندی کرد. به این معنا که در سطح جهان برخی از جریان‌های دینی، انسان‌گرا و مردمی، با هدف اشاعه و گسترش انسان دوستی، احترام به زیست محیط و ارتقای علمی و فرهنگی ابنای بشر، دست به تهیه و عرضه برخی از محصولات کارتونی و پویانمایی‌های ارزشمند می‌زنند. ارزش‌های مندرج در تولیدهای اخیر، ارزش‌های دینی، مردمی و انسانی است و کودکان کاربر این محصولات در جریان کاربریشان از آن‌ها، در عمل

تشویق می‌شوند که علم، اخلاق و ارزش‌های انسانی را پاس دارند و بکوشند تا خود، جامعه و جامعه جهانی خویش را به سوی خیر، رفاه و سعادت بشری راهنمون سازند.

دومین مقوله‌ای که در تولیدهای محتوای دیجیتال، کارتونها و پویانمایی‌ها در سطح ملی و بین‌المللی قابل ملاحظه است، تولید نهادهایی است که به کارشان به صورت محل و ممری برای کسب درآمد و امرار معاش می‌نگرند، از این رو به جای آن که دنبال علم، اخلاق و ارزش‌های انسانی باشند، بیش‌تر در پی آن هستند که با ارایه برخی از خدمات (نظیر ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان، سرگرم کردن کودکان، ارایه برخی از خدمات آموزشی، ارایه انواع آهنگ‌ها، رقص‌ها، موسیقی‌ها، مدها و مانند آن‌ها)، سود مورد نظر خویش را به دست آورند.

سومین مقوله‌ای که در جریان تولید محصولات دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌ها در سطح جهان وجود دارد، تلاش جهت تبلیغ خطمشی‌های سیاسی و اقتصادی مورد نظر طراحان بازی‌ها و کارتونها و پویانمایی‌ها است، به این معنا که کمپانی‌هایی که مایل هستند فروش محصولات خویش را تضمین کرده و ارتقا دهند، به کاربران خردسال کارتونها و پویانمایی‌ها به صورت مشتریان بالقوه خود می‌نگرند و با مندرج کردن ارزش‌های خود در تولیداتشان، در عمل می‌کوشند تا کودکان کاربر بازی‌های دیجیتال و کارتونها را به شکل هشیار و ناهشیار قانع کنند که در بزرگ‌سالی خویش از محصولات آن‌ها استفاده کنند.

القای خطمشی‌های سیاسی، هدف مهم‌تری است که سبب می‌شود، نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری با القای اهداف سیاسی خاص خویش (نظیر معرفی نظام سرمایه‌داری به مثابه ایده‌آل‌ترین نظام اقتصادی جهان، یا معرفی نظام سیاسی امریکا به مثابه یک نظام قدرتمند و انسان‌گرا و مطرح کردن نظام‌های مخالف امریکا به عنوان نظام‌هایی غیرعقلانی، ارتجاعی و خطرناک) کاربران بازی‌های دیجیتال و کارتونها را قانع سازند که کعبه آمال جهان امریکا است و به فرض کشورهای اسلامی یا بلوک شرق، نظام‌هایی خطرناک و نامتعادل به شمار می‌روند که باید از آن‌ها دوری جست و در طرد، نفی و هدم آن‌ها کوشید.

اما در یک جمع‌بندی کلی باید اذعان داشت که متأسفانه جریان‌های مردمی و انسان‌گرا، به علت محدودیت‌های مالی و امکانات خویش، توان زیادی در تولید آثار آرمان‌گرا و انسان‌گرایانه و توزیع و گسترش آن‌ها ندارند و بنابراین از اثرگذاری کلی اندکی در سطح جهان برخوردارند.

جریان دوم که در پی کسب سود بوده و اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی را دنبال نمی‌کنند، در مرتبه بعدی تولید محصولات فرهنگی در جهان معاصر قرار دارند. اما دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، به دلیل برخورداری از قدرت مالی گسترده، بیش‌ترین سرمایه‌گذاری و در نتیجه بیش‌ترین تولید با اهداف و خطمشی‌های سیاسی و اقتصادی خاص خودش را دارد.

با توجه به آنچه از آن یاد شد، بالطبع اگر اولیا، اولیای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها و اولیای فرهنگی جامعه، با بسترسازی فرهنگی مناسب و غربالگری محصولات آن سوی آب، تولیدهایی با

مضامین ارزشی، اخلاقی، علمی و مانند آن‌ها را گزینش کرده، در اختیار کودکان قرار دهند، در عمل فرصت‌های زیادی برای اعتلای اخلاقی، علمی و ارزشی کودکان کشور فراهم آورده‌اند، اما اگر جامعه سرمایه‌گذاری لازم در تهیه و تولید ادبیات فاخر را نداشته باشد و اولیای کودکان، اولیای مهدها و اولیای فرهنگی نظام دست به بسترسازی فرهنگی مناسب نزنند و کودکان در انتخاب بازی‌ها، کارتون‌ها و پویانمایی‌های خویش، آزاد، رها و یله در مسند انتخاب قرار گیرند، طبیعی است که در جریان تولیدهای گسترده دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، عمدتاً کاربر محصولات جهت‌دار آنان خواهند شد و در روند کاربری از محصولات فرهنگی آنان، در عمل پذیرای القائات ارزش‌های اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری خواهند شد.

نکته تأسف باری که در این میان مشاهده می‌شود، اولیا و خانواده‌هایی هستند که بدون شناخت لازم، خودشان در کاربری فرزندشان از محصولات تهیه شده نظام سرمایه‌داری پیش قدم شده، آنان را به سمت مصرف محصولات اخیر سوق داده و در این جهت تشویق می‌کنند. به تعبیر دیگر، برخی از اولیا فراتر از سرگرم شدن فرزندشان یا یادگیری زبان انگلیسی توسط وی، آگاهانه یا ناآگاهانه از افراد مطرح شده در کارتون‌ها و پویانمایی‌ها برای فرزندشان الگوسازی می‌کنند و آنان را در جهت همسان و منطبق شدن با الگوهای مطرح شده تشویق می‌کنند. اما این اولیا دقت ندارند که وقتی از فرزندشان می‌خواهند مانند سیندرلا قهر نکند، اتاقش تمیز بوده و مهربان باشد، با الگو شدن سیندرلا یا مانند وی برای فرزند، فرزند با انطباق‌یابی با الگوی موردنظر، از برهنگی وی، روابط جسمانی وی با افراد نامحرم و غریبه، مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی وی و نظایر آن‌ها نیز تبعیت خواهد کرد.

بنابراین با عنایت به آن که مسوولان فرهنگی با کوتاهی در تولید ادبیات فاخر از سوی و تعلق در بسترسازی فرهنگی مناسب (از جمله غربالگری بازی‌ها، کارتون‌ها و پویانمایی‌های موجود) اقدام جدی و مناسبی در زمینه هدایت کاربری کودکان ایرانی از فضای مجازی نداشته‌اند، باید اولیای مهدها و اولیای کودکان به سهم خود در درجه نخست با کسب آگاهی لازم و در درجه بعدی اهمیت، با بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری فرزند یا تربیشان از فضای مجازی، تبعات منفی و آسیب‌زای این فضا را برای فرزندشان تا می‌توانند کم و کم‌تر کنند، نه آن که با الگوکردن چهره‌های نامناسبی که دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری دست به پردازش آن‌ها زده‌اند، در عمل کودکان خود را در معرض انبوهی از القائات سیاسی و اقتصادی طراحان بازی‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب قرار دهند.

«استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان» عنوان بعدی بود که در کتاب مورد بحث قرار گرفت. در این عنوان بیان شد، برخی از خانواده‌ها درگیر مشکلاتی هستند که مشکلات اخیر مانع از ایفای نقش والدگری و والدگری الکترونیک آن‌ها می‌گردد. به عنوان مثال، گاهی پدر یا مادر درگیر بیماری جسمانی یا برخی از اختلال‌های روانی است. در موارد دیگری ممکن است، اولیا جهت تحصیل (خاصه مادران) در دسترس فرزندشان نبوده یا به دلیل فقر امکانات محیطی قادر به تهیه امکانات لازم



برای رشد و شکوفایی فرزندشان نباشند. در برخی از موارد اولیا جهت تأمین معیشت خانواده، تن به کار دوم و سوم می‌دهند، بنابراین در هنگام بازگشت به کاشانه خویش، پس از از دست دادن طراوت و نشاط خود، جسم فرسوده خود را به خانه می‌آورند و دیگر توانی برای آنان باقی نمانده است که آن را صرف فرزندشان کنند. در بعضی از موارد هم یک یا هر دو ولی فرزند، چنان جذب جذابیت‌های مادی و شهوانی زندگی شده‌اند که سرشان گرم لذت بردن از مواهب مادی زندگی است و حاضر به پذیرش مسوولیت‌های خویش در قبال فرزندشان نیستند. البته در موارد دیگری، قهر و طلاق عاطفی که در محیط زندگی خانواده پدید آمده است، چنان اولیا را دچار فرسایش روانی کرده است که دیگر توانی برای ایفای مسوولیت خویش در برابر فرزندشان ندارند.

در تمامی شرایط پیش‌گفته، برخی از خانواده‌ها با توجه به گستردگی و جذابیت فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، متوجه رسانه‌های دیجیتالی شده، می‌کوشند تا با تهیه تبلت، ایکس‌باکس، تلفن همراه یا رایانه برای فرزندشان، به تعبیر استینکوهلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) از این وسایل به مثابه یک پرستار الکترونیک<sup>۲</sup> سود ببرند و با ارجاع دایمی فرزندشان به این فناوری‌ها، در عمل کودک را از سر خودشان باز کرده، بدون مزاحمت فرزندان، به اشتغالات یا تفریح و تنوع خودشان بپردازند.

بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از آن دارند که عواملی نظیر: بارداری ناخواسته مادر، فقدان مهارت والدگری، بیماری جسمی اولیا -خاصه مادر-، اختلال روانی اولیا -به ویژه در مادر-، اشتغال به تحصیل مادر، اشتغال اولیا و خستگی از کار مفراطی، نبود سرزندگی در اولیا -خاصه در مادر-، کمبود امکان تفریح و سرگرمی کودک، سرگرم کردن کودک برای پرداختن به خرید یا کار خانه، سن بالای اولیا -به ویژه مادر-، وابستگی اولیا به فناوری‌های ارتباطی جدید، مشکلات زناشویی اولیا، طلاق اولیا، آرام کردن کودک برای جلوگیری از اعتراض همسایه‌ها، ممانعت از شیطنت کودک در محیط منزل، غذا دادن و خواباندن کودک و تنهایی (تک فرزند بودن) کودک در روی آوردن اولیا به مراقبت و پرستاری الکترونیک نقش دارند که در عنوان استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، به اجمال مورد بحث قرار گرفته‌اند.

عنوان «یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده»، در راستای عنوان قبل، به این مسأله پرداخته بود که متأسفانه قریب به یک چهارم از ازدواج‌ها در ایران به طلاق می‌انجامد و شاید قریب به همین میزان یا بیش‌تر، خانواده‌هایی وجود دارند که اگر طلاق در آن‌ها جاری نشده است، اما بین اولیا، طلاق عاطفی به وجود آمده است و آن‌ها بدون آن که عاطفه مثبتی نسبت به یکدیگر داشته باشند، تنها به دلیل برخی از ملاحظات شخصی، اخلاقی، حقوقی و یا اجتماعی، از سر اجبار همدیگر را تحمل می‌کنند.

1. Steinkuhler, C.  
2. Digital babysitter

بالتبع در هر دو شرایط پیش گفته، کودکان خانواده‌های مطلقه یا خانواده‌هایی که طلاق عاطفی در آن‌ها به وقوع پیوسته و یا در شرف تحقق است، به شدت از وضعیت پیش آمده، آسیب می‌خورند. در شرایط اخیر این دست از اولیا برای کاهش عذاب وجدان خویش، ممکن است با خرید و دادن یک تبلت یا گوشی پیشرفته به فرزندش، بکوشد تا در عمل قدری از احساس عذاب وجدان خود کاسته، احیاناً از همین طریق، محبت دیجیتالی (!) خویش را به سمت فرزندش معطوف دارد، اما فناوری پیش گفته، در غالب موارد به دلیل عدم بسترسازی فرهنگی لازم برای کودکان، نوجوانان و جوانان، بیش‌تر از آن که فرصت‌های خود را به معرض نمایش بگذارد، تهدیدهای خویش را به معرض دید می‌نهد و آسیب و خسران را برای فرزند رقم می‌زند.

عنوان «تربیت کودکان جزم اندیش» ناظر بر این معنا است که کودکان در روند رشد و تحول خویش، با نزدیک شدن به سال‌های بلوغ به دنبال شکل دادن به هویت خویش، به پرسش سوال‌های مختلفی از خود دست می‌زنند، نظیر این که من چه کسی هستم، باید از چه نظام ارزشی تبعیت کنم، چگونه بیندیشم، چگونه زندگی کنم و ارتباطم با دیگران و حتی زیست محیط خودم، چگونه باشد و مانند آن‌ها. از منظر نظریه‌پردازان هویت، نوجوانی که در صدد یافتن پاسخ قانع کننده‌ی پرسش‌های خویش بریاید، به شکل مطلوبی در مسیر شکل دادن به هویت خویش حرکت می‌کند. بالطبع این افراد که در روند هویت‌یابی خویش با تأمل و تدبیر، در جست‌وجوی پاسخ به سوال‌های خویش بوده‌اند، از رویکردی باز و پذیرا نسبت به مسایل مختلف و چالش برانگیز (و حتی مخالف‌اندیشه خودشان) برخوردار خواهند شد و همواره در روند زندگیشان، پس از مواجه شدن با یک چالش، ضمن بررسی ابعاد و وجوه مختلف آن، با تأمل و تأنی دست به ارزیابی آن زده، در صورت صحیح یافتن آن، نسبت به پذیرش مسأله مورد نظر اقدام می‌کنند، هر چند این نتیجه با پیش فرض‌های اولیه ذهنی آنان مغایر باشد. اما در این میان ممکن است، برخی از اولیا به فرزندشان اجازه کم‌ترین جست‌وجو و تخصص را در انتخاب ارزش‌ها و خط مشی‌های زندگی ندهند که در صورت اخیر کودک و نوجوان پاسخ به سوال‌های خویش را در جریان جست‌وجوی فعال خود به دست نخواهد آورد، در حالت اخیر این دست از افراد، از هویتی زود بسته شده برخوردار خواهند شد. افراد اخیر که در روند زندگیشان، تجربه برخورد فعال با مسایل مختلف را نداشته‌اند و فاقد تجربه سبک و سنگین کردن مسایل مختلف هستند، از مواجهه با هر چالش جدیدی که در تنافر با پیش فرض‌های اولیه خودشان باشد، به شدت گریزان هستند، زیرا ظرفیت پذیرش هیچ نوع اصلاحی را در خود نمی‌یابند و بنابراین با حالتی دفاعی و با تمسک به برچسب زدن به‌اندیشه‌های مخالف، در صدد برمی‌آیند تا خود را از مواجهه با اندیشه‌های مغایر با افکار خودشان برهانند، بالطبع روند نادرست اخیر، در سراسر عمر بر زندگی این افراد سایه افکننده، رفتار جزم‌اندیشانه آنان را در پی خواهد داشت. متأسفانه برخی از اولیا به جای ایجاد بستری برای اندیشه‌ورزی کودک، نوجوان و جوان، با القای ارزش‌های ثابت و انعطاف‌ناپذیر خویش به آنان، در عمل هویتی زودبسته شده را برای آنان رقم می‌زنند

و به این ترتیب، به لحاظ فکری، فرزندان خود را به این مسیر سوق می‌دهند که در مواجهه با افکار مغایر با اندیشه خودشان، بدون تأمل و تأنی لازم، با روحیه‌ای تدافعی و جزم‌گرا، دست به نفی افکار و اندیشه‌های مخالف خود بزنند، هر چند که این اندیشه‌ها، صحیح و صواب باشند.

در عنوان «کاهش نظارت اولیا بر تهیه محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند»، به این مسأله پرداخته شد که متأسفانه اولیا برخلاف رویه معمول خودشان در خرید یک کتاب که خودشان را موظف به تورق در کتاب مزبور می‌کنند (تا از خرید کتاب نامناسب اجتناب کنند)، در جریان کاربری کودکان از بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و انیمیشن‌ها، به دلیل عدم شناخت لازم، نظارت خود را اعمال نمی‌کنند و کودکان در غالب موارد بدون نظارت اولیا، دست به تهیه محصولات اخیر برای خود می‌زنند که بالطبع این امر متضمن آسیب‌ها و خسران‌های گسترده‌ای برای کودک می‌باشد.

بعضی از کودکان در جریان مصاحبه‌های میدانی خویش اذعان داشته‌اند که بدآموزی‌های آنان از فضای مجازی، در درجه نخست اهمیت، به مشاهده محصولات نامناسبی برمی‌گردد که اولیای آنان روی تبلت، تلفن همراه یا رایانه خویش داشته‌اند. به این معنا که کودکانی که با اجازه و یا بدون اجازه اولیا، از تبلت، گوشی همراه و یا رایانه آن‌ها برای بازی استفاده می‌کنند، بعضاً ممکن است، از سر کنجکاوی بخواهند به قسمت‌های دیگر وسیله اولیا سر بزنند که ناگهان با تصاویر و یا کلیپ‌های هرزه نگار (و در موارد اندکی، کلیپ‌های حاوی رفتارهای نامتعارف و پرخاشگرانه و فوق پرخاشگرانه) مواجه می‌گردند. این کودکان نه تنها توجه و آفری به ادبیات هرزه‌نگار پیدا کرده، در جریان بلوغ زودرس قرار می‌گیرند، ممکن است اعتماد خویش را هم به اولیایشان به مقدار زیادی از دست بدهند، زیرا آنان در حالی به موعظه‌های اخلاقی فرزند می‌پردازند که خودشان در عمل غیراخلاقی رفتار می‌کنند.

مشابه آنچه از آن یاد شد، ممکن است در جریان کاربری کودک از تبلت، گوشی و یا رایانه خواهر یا برادر بزرگ‌ترش رخ بدهد و کودک در حین کاربری از وسایل خواهر یا برادر بزرگ‌تر، با ادبیات هرزه‌نگار یا موارد ترسناکی نظیر بازی‌های زامبی (مرده متحرک) یا بازی‌های فوق پرخاشگرانه دیگر مواجه گردیده، به لحاظ روانی آسیب بخورد. آنچه از آن یاد شد، با عنوان «یادگیری مشاهده‌ای از کژ کاربری اولیا (و خواهر و برادرها) از فضای مجازی»، مورد توجه و بحث قرار گرفته است.

عنوان «تحقق نسل فرزندسالار» با عنایت به تحولات شدید نسلی که در جامعه وجود دارد، به مسأله تحول پدرسالاری به فرزندسالاری در جامعه معاصر پرداخته است.

برخی از پژوهش‌گران از تحقق نسل فرزندسالار در جامعه ایران در چند دهه اخیر خبر می‌دهند، به این معنا که اگر تا زمانی قبل‌تر، در جامعه ایران، پدرسالاری وجود داشت و پدر به مثابه یک مقام مقتدر، تکالیف کودکان را بدان‌ها امر و نهی می‌کرد و کودکان بدون چون و چرا موظف به انجام خواست ولی خود بودند، اما در گذر زمان، به دلایل متعددی، به تدریج حاکمیت پدرسالاری در جامعه کم رنگ شده و جای خود را رفته رفته به فرزندسالاری داده است. به این معنا که بسیاری از خانواده‌هایی که به روش درست تربیت فرزندان، آشنا نیستند یا از اقدام مناسب در این جهت تخطی و قصور می‌ورزند، کودک یا

کودکان خانواده را (که برخلاف نسل قبل، از خانواده‌های پر جمعیت به خانواده‌های کم جمعیت و حتی تک فرزند تبدیل شده است)، مورد مهر و محبت بی‌حد و حصر خویش قرار می‌دهند و کودک یا کودکانی که در عمل با قرار گرفتن در مرکز ثقل عواطف و توجهات خانواده، در تشخیص موضع و مقام درست خویش دچار اشتباه شده‌اند، تصور می‌کنند، اولیای آنان چیزی در حد خدمت کار آنان هستند، از این رو بدون توجه به امکانات و اقتضائات اولیا، خواسته‌های مختلف و متنوع خویش را به صورت آمرانه از اولیا تقاضا می‌کنند و به خودشان حق می‌دهند که در صورت مخالفت احتمالی آنان با خواست فرزند، با توسل به فشار یا بداخلاقی و قهر و غضب، از اولیای خویش انجام خواست خود را تقاضا کنند و با استمرار این امر و به استیصال رساندن آنان، اولیا را وادار به تحقق خواست درست یا نادرست خویش کنند.

«اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتون‌ها و فیلم‌ها»، عنوان دیگری بود که در بررسی اثرات خانوادگی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید مورد توجه قرار گرفت. تفکر قالبی یا تفکر کلیشه‌ای، بیانگر نظری است که از پیش تشکیل شده است و در برخورد با واقعیات اجتماعی، مانع شناخت درست مسایل فرارو و قضاوت درست درباره آن‌ها می‌شود، زیرا افرادی که دارای تفکر قالبی یا کلیشه‌ای هستند، با اخذ اطلاعاتی جزئی، بدون آن که از شناخت و اطلاعات لازم برخوردار باشند، به صرف اطلاعات (مخدوش) پیشینیشان، دست به قضاوت و ارزشیابی موضوع‌های فرارویشان می‌زنند.

تفکر قالبی و کلیشه‌ای در بازی‌های دیجیتالی و یا کارتون‌های غربی به میزان زیادی وجود داشته، بعضاً با القای ارزش‌هایی ارزش‌هایی که اولیا در تربیت فرزندشان اعمال می‌کنند، در سطح کودکان کاربر مؤثر واقع آمده، به تفکر و ذهنیت آنان رنگ خاص خود را می‌بخشند.

عنوان «پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی»، مقوله دیگری است که در مجموعه عناوین کتاب مورد بحث قرار گرفت. در ذیل عنوان اخیر خاطر نشان شد که فرهنگ انسان‌مدار غرب، از آنجا که انسان را در پی به حداکثر رساندن رفاه و لذات خود می‌بیند، بنابراین به مسأله لذت‌گرایی توجه خاصی داشته، به دنبال تحقق لذت‌گرایی اخیر به هر شکل ممکن است. بالطبع از آنجا که رابطه بعضاً بدون قید و بند دو جنس هم متضمن قسمتی از لذت‌گرایی اخیر به شمار می‌آید، این معنا هم در دستور کار جوامع اخیر قرار دارد.

با بررسی محصولات فرهنگی تولید شده برای کودکان، مشخص می‌گردد که این محصولات مشحون از روابط تعریف نشده دو جنس است. به این معنا که با نگاهی به الگوهای مطرح در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های آن سوی آب (مانند باربی، برتزی، آنا و السا، بن‌تن، بت‌من، اسپایدرمن و نظایر آن‌ها)، مشخص می‌گردد که در تمامی این الگوها، دوستی از جنس مخالف را در کنار آنان قرار دارد. البته همزمان با طرح دوست جنس مخالف در کنار قهرمان‌های مطرح در بازی‌ها و کارتون‌ها، نه تنها روابط

جسمانی آن‌ها نیز کم و بیش به نمایش درمی‌آید، بلکه در بازی‌ها و کارتون‌های اخیر، بعضاً روابط جسمانی، در هاله‌ای از قداست ارایه شده‌اند.

مصاحبه‌های انجام شده با کودکان پیش دبستانی دلالت بر آن دارد که کودکان اخیر پس از کاربری بازی‌ها و کارتون‌هایی که کاربر آن هستند، در عمل احساس می‌کنند که دوست جنس مخالف به مثابه مسأله‌ای اساسی در زندگی مطرح بوده، باید شخصاً به دنبال رفع نیاز اخیر برآیند.

«استقبال از دید فردگرایی (غرب)»، عنوان دیگری است که در کتاب مورد توجه و بحث قرار گرفته است. در این عنوان خاطر نشان گردیده است که جوامع بشری مختلف را از منظری می‌توان به دو طبقه کلی جوامع فردگرا و جوامع جمع‌گرا تقسیم کرد.

در جوامع فردگرا، این جوامع به دلیل اهمیت و اصالتی که برای انسان قایل هستند، فرد در محور همه معادلات قرار دارد و باید بستر لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای فردی وی فراهم آید. بالطبع دخالت نهاد دولت در امور فردی انسان‌ها (تا جایی که مخل آزادی دیگران نباشند)، مورد پذیرش نخواهد بود و حقوق فردی فرد، در هر شرایطی باید رعایت شده و لحاظ گردد.

در نظام‌های فردگرا، هر فردی دارای خلوت و حریم خصوصی فیزیکی، روانی و عقیدتی خویش است و این حریم باید از جانب دیگران محترم شمرده شود. اما در برابر، در جوامع جمع‌گرا، اهمیتی که در فرهنگ انسان‌مدار و اومانستی به انسان داده می‌شود، به جامعه داده می‌شود و پیش از آن که فرد محور معادلات انسانی در جامعه قرار گیرد، جمع در محور توجه قرار دارد و باید پیش از آن که به فرد توجه کرد، به جمع توجه لازم را معطوف داشت.

برتری علمی، اقتصادی و سیاسی غرب طی چند قرن اخیر، بستری برای جافتادن فلسفه سیاسی غرب که همان فردگرایی است، پدید آورده است و کشورهایی مانند چین، ژاپن و هند که از فرهنگ جمع‌گرایی با خلوص بالایی برخوردارند، در گذر زمان، از میزان خلوص جمع‌گراییشان کاسته شده، به تدریج به سمت جلوه‌هایی از فردگرایی و فرهنگ فردگرا، سوق یافته‌اند.

آنچه در تحول جوامع جمع‌گرا به سمت جوامع فردگرا قابل اهمیت است، فروریزی ارزش‌ها و هنجارهای جمعی پیشین و جابه‌جایی این ارزش‌ها و هنجارها با ارزش‌ها و هنجارهای فردی است، اما تا زمانی که هنجارهای فردی لازم در جوامع جمع‌گرا شکل گرفته و جایگزین هنجارها و ارزش‌های جمع‌گرا شوند، خلاء ارزشی و هنجاری پدید آمده، موجد افزایش برخی از آسیب‌های اجتماعی در جوامع جمع‌گرا خواهد شد.

بررسی بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌هایی که توسط تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، رایانه و ماهواره در اختیار کودکان ایرانی قرار می‌گیرد، دلالت بر آن دارد که کودکان به شکل غیرمستقیم با اندیشه‌ها و اعمال فردگرایانه آشنا شده، از جلوه‌های جمع‌گرایی فرهنگ خویش فاصله می‌گیرند.

عمق فردگرایی اخیر چنان زیاد است که حتی خانواده نیز در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های غربی مورد کاربری کودکان ایرانی کم رنگ بوده و اثر چندانی از آن پیدا نیست.

به دنبال تأکید گرایش کودکان کاربر محصولات فناوری‌های جدید به مقوله فردگرایی، در عنوان «کم رنگ شدن نسبی اهمیت اولیا برای کودک»، از کم شدن نسبی اهمیت اولیا در نزد کودکان کاربر بازی‌های دیجیتال و کارتونها و پویانمایی‌های غربی یاد شده است.

بررسی میدانی گروه پژوهش، دلالت بر آن دارد که کودکان خردسال ایرانی، از کاربری از البسه قهرمان‌های (غالباً غربی) مورد علاقه‌شان گرفته تا کپی‌برداری از حرکات، سکناات و افکار و اندیشه‌های آنان را مورد توجه خود قرار می‌دهند و در این میان به دلیل کم‌اهمیتی خانواده در بازی‌های دیجیتالی و کارتونها و فیلم‌های غربی، کودکان خردسال ایرانی نیز با بی‌اهمیتی با خانواده و اولیای خویش برخورد می‌کنند. به عبارت دیگر، کارتونها و بازی‌های غربی با محو، گم و ناپیدا ترسیم کردن خانواده، در عمل کودکان کاربر خویش را تشویق می‌کنند تا به تبعیت از خطمشی دریافتیشان از کارتونها و بازی‌ها، با بی‌اهمیتی با اولیای خویش برخورد کنند و اقتدار اندک اولیا را بیش از پیش مورد نفی و انکار خویش قرار دهند.

در عنوان «افشای اطلاعات محرمانه خانواده»، به خطر دیگری که کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته برای خانواده دربردارد، اشاره گردیده است.

یکی از بحث‌هایی که سال‌ها است در سطح جهان مطرح است، افشای اطلاعات محرمانه خانواده هست. با عرضه عروسک باربی دوربین‌دار به جامعه، یکی از بحث‌هایی که در همین ارتباط مطرح شد، احتمال فیلم‌برداری رخدادها و حوادث خانواده توسط باربی دوربین‌دار و انتقال این فیلم‌ها به شرکت سازنده باربی و امکان سوءاستفاده از این اطلاعات یا نشر و پخش آن در سطح رسانه‌های مختلف بود. با پیشرفت فناوری‌ها و تهیه وسایل هوشمند (نظیر تلویزیون هوشمند)، مجدداً درز اطلاعات محرمانه خانواده توسط وسایل هوشمند مطرح گردید (به این صورت که مثلاً تلویزیون هوشمند با فیلم‌برداری از رخدادهای داخلی خانه و ارسال آن به مراکز جاسوسی و نظایر آن، موجب افشای مسایل محرمانه انسان‌ها می‌گردد).

اما در حال حاضر فناوری‌هایی که در دسترس کودکان قرار گرفته است، امکان اخیر را فراهم آورده‌اند، به این معنا که کودکان خردسالی که از تفکر انتزاعی (و در واقع انتقادی)، بی‌بهره هستند، بدون آن که به تبعات وخیم کار خود بیندیشند، با تهیه تصویر و یا فیلم از اولیای خودشان (بدون آن که آنان از این مسأله مطلع باشند)، این تصاویر و فیلم‌ها را با نمایش دادن و یا ارسال برای دوستانشان، پخش کنند. برخی از کودکان اولیای آسان‌گیر هم به خود اجازه می‌دهند که بدون اجازه اولیا، با تبلت، گوشی یا رایانه آنان، به بازی بپردازند و یا با آن به دوستانشان پیام ارسال دارند که در حالت اخیر ممکن است در جریان بازی‌ها یا کنجکاوی‌های کودک، قسمتی از اطلاعات محرمانه گوشی اولیا برای دیگران ارسال شود و به این ترتیب با افشای اطلاعات محرمانه خانوادگی، حریم خانواده در معرض تهدید قرار گیرد.

عنوان «تردید در اندیشه دیگر پیروی از اولیا» به مسأله مهم عدم گرایش کودکان به الگوبرداری از اولیایشان پرداخته است. به این معنا که یکی از ویژگی‌های مهم کودکان ۲ تا ۱۲-۱۱ سال، خصوصیت

دیگرپیروی آنان است، کودکان در جریان دیگرپیروی خویش، متوجه افراد مطلوب طبعی که در اطراف و اکنافشان می‌بینند می‌شوند و تقلید و کپی‌برداری از رفتارهای آنان در دستور کار خود قرار می‌دهند. کارهای اخیر ممکن است از طیف مثبت گرفته تا منفی، گسترده باشند، اما کودک فارغ از ارزشی که در رفتار مورد نظر نهفته است، به صرف آن که فرد مطلوب طبع وی دست به انجام کار خاصی می‌زند، مبادرت به انجام همان عمل می‌کنند.

بالتبع غالب افراد مورد علاقه کودکان، اولیای آنان هستند، اما در این میان رفتار افراد دیگری مانند پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های دوست داشتنی، مربی مهربان مهد و نظایر آنها نیز ممکن است مورد تقلید و کپی‌برداری کودکان قرار گیرند.

با پررنگ شدن نقش رسانه در زندگی کودکان، الگوهای مطرح در رسانه (خاصه برنامه‌های کودکان که بچه‌های خردسال بیش‌تر کاربر این سنخ از برنامه‌ها هستند) هم ممکن است جزو الگوهای مورد نظر کودک قرار گرفته، به استناد فلان حرف یا رفتار او، کودک نیز عیناً دست به تکرار همان حرف یا رفتار بزند. با بررسی میدانی مقوله دیگرپیروی کودکان پیش دبستانی، مشخص می‌شود که حداقل دیگرپیروی اقشاری از کودکان از اولیایشان، دچار وقفه و تردید شده است، به این معنا که کودکان یا در برابر معیارها و ارزش‌های اولیا، دست به مخالفت نسبی می‌زنند و یا آن که در سطحی فراتر، دست به مخالفت تام و تمام با اظهارات اولیایشان می‌زنند. در موارد دیگری ملاحظه می‌شوند که ضمن مخالفت کودکان با اولیا، مخالفت آنان جنبه عملی نیز در برابر اولیا به خود می‌گیرد.

دلایل وقوع تردید در اندیشه دیگرپیروی از چهره‌های مهمی که در اطراف کودکان خردسال هستند را می‌توان در مواردی مانند: جذابیت‌های بسیار زیاد فناوری‌های ارتباطی جدید، مقتدر ندیدن اولیا و تعارض‌های رفتاری و گفتاری آنان، تغییر ارزش‌های اجتماعی و فشار هنجاری گروه دید. موارد اخیر در مجموع برخی از کودکان را به این نتیجه می‌رساند که می‌توانند پیروی از اولیا را به شکل نسبی یا کامل به صورت تعلیق در آورده، آن گونه که رسانه‌ها و همسالانشان به آنان القاء می‌کنند، رفتار کنند.

«زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک» از دیگر عناوین مورد بحث کتاب حاضر می‌باشد. همان‌گونه که در عنوان «تردید در دیگرپیروی از والدین» آمد، گاهی الگوهای مورد علاقه کودکان ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های اولیایشان را در خود به نمایش می‌گذارند و کودک در تعارض پدید آمده بین ارزش‌های مورد تأیید اولیا و الگوهای مورد علاقه خودش، متوجه الگوهای مورد علاقه‌اش می‌شود به این ترتیب، در دیگرپیروی خویش از اولیایشان تردید می‌یابند، اما در برخی از مواقع، کودکانی که به تبعیت از اوامر و نواهی اولیایشان دست می‌زنند، در تعامل با اولیایشان، با مواردی مواجه می‌شوند که این موارد ممکن است، ذهنیت آنان را در آینده نسبت به اولیایشان مخدوش کرده، اسباب فاصله‌گیری آنان را از اولیا فراهم آورند. برخی از مهم‌ترین این موارد، ارایه حرف‌های نادرست از سوی اولیا به فرزند، احاله برخی از امور به آینده (با هدف فراموش شدن خواست فرزند) و ارایه بیانات نادرست برای استمالت و

دل‌جویی عاطفی از فرزند است. موارد اخیر می‌توانند به سادگی موجبات تردید یافتن کودک نسبت به صحت بیانات و ارزش‌های اولیایش را فراهم آورند.

در بررسی میدانی آثار خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، برخی از شواهد گردآمده دلالت بر آن داشت که بعضی از کودکان خردسال، نسبت به اولیایشان از دیدی تحقیرآمیز برخوردار شده‌اند و آنان را به صورت افرادی حقیر، کم‌فهم و کم‌شعور ارزیابی می‌کنند. از این مسأله زیر عنوان «یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا»، یاد شده است.

در تبیین مسأله اخیر، می‌توان از عواملی مانند: تحولات قابل توجه خانواده و کاهش نرخ تعامل کودکان با اولیا، جابه‌جا شدن خانواده پدرسالار با خانواده فرزندسالار، قیاس به نفس‌های اشتباه اولیا بین خود و فرزندشان، مشاهده ضعف اولیا در کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید و سرانجام الگوپذیری از رسانه‌های آن سوی آب که بعضاً در آن‌ها بی‌توجهی و اهانت به اولیا به تصویر کشیده می‌شود، یاد کرد. به عنوان مثال، کودکان کاربر محصولات فرهنگی عرضه شده توسط فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عمل شاهد اهانت فرزندان به اولیا در سریال‌های ماهواره‌ای و یا اصلاً حذف و هدم و نابودی پدر و مادر در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های غربی هستند، بنابراین با توجه به تأثیرپذیری فوق‌العاده عمیق کودکان از الگوهای عروسکی - کارتونی که بیشتر از آن‌ها یاد شد، می‌توان به فهم تحقیرآمیز دیدن اولیا از سوی کودکان خردسالشان، و قوف لازم را پیدا کرد.

در عنوان «منفی جلوه‌گر شدن مادرگری در نزد کودک»، این مسأله مورد توجه قرار گرفت که با وجود علایق مفرط دختر بچه‌ها به عروسکشان و به نمایش نهادن مادرگری برای آن‌ها، حداقل در اقشاری از دختران خردسال ایرانی مصاحبه شده، علاقه چندانی به مادرگری وجود نداشت و این کودکان ترجیح می‌دادند که در آینده ازدواج نکنند و اگر ازدواج هم کردند، بچه‌دار نشوند. در بررسی دلایل مسأله اخیر در درجه نخست اهمیت، می‌توان از تحولی که در سطح عروسک‌های دختران رخ داده است، یاد کرد. به این معنا که اگر دختران نسل قبل، از عروسک‌هایی برخوردار بودند که به لحاظ سنی کودک و خردسال بودند، اما بسیاری از عروسک‌های حاضر در بازار (نظیر باری، برتر، آنا و السا) یک دختر کوچک خردسال نبوده، بلکه یک دختر مثلاً ۱۸ ساله با انبوهی از آرایش‌های مختلف است. کودکان ایرانی در پرسش از این که آیا مثلاً برای عروسک باری خودشان مادرگری می‌کنند یا خیر، غالباً پاسخ می‌دهند که باری بچه نیست و او را حداکثر در حد و شأن یک دوست برای خودتصور کرده و با وی بازی می‌کنند.

در درجه بعدی اهمیت، باید از الگوهای عروسکی یاد کرد که به شکل غیرمستقیم یا مبلغ مجرد ماندن دختران هستند یا فاقد بچه بوده و یک حیوان دست‌آموز را به جای بچه برای خودشان جایگزین کرده‌اند و عواطف خود را به جای جاری کردن به سوی یک بچه، به سمت و سوی سگ، گربه و یا حیوان مشابه دیگری که دارند، معطوف می‌سازند.



در درجه سوم، اهمیت یافتن فوق تصور تن در نزد دختران (و به میزان کم‌تری پسران) کاربر الگوهای عروسکی - کارتونی است. به این معنا که الگوهای عروسکی - کارتونی دختران خردسال ایرانی، علاوه بر این که بچه نبوده و خردسال نیستند، دارای اندامی غیرواقعی هستند. کودکان این الگوها نیز با مشاهده اندام کشیده و باریک الگوهای اخیر، در آرزوی به دست آوردن اندامی مشابه، می‌سوزند و حسرت می‌کشند و حتی در سن پیش دبستانی خودشان، در اندیشه رژیم گرفتن می‌افتند تا در بزرگ سالی خویش، از اندامی شبیه باری، برتر، آنا، السا، زیبایی خفته، سیندرلا و مانند آن‌ها برخوردار شوند. مضاف این که به دلیل پررنگ شدن مقوله جسم در نزد زنان (و همین طور مردان) جامعه، بچه‌ها در عمل با زنانی در اطراف و اکناف خودشان مواجه می‌شوند که آن‌ها نیز در حسرت به دست آوردن اندامی قلمی و باری‌گون هستند و برای تحقق این امر یا به جراحی‌های مختلف تن می‌دهند و یا از رژیم‌های سخت غذایی پیروی می‌کنند تا اندام مورد نظرشان را به دست بیاورند و صد البته وقتی صحبت بچه‌دار شدن در نزد آنان مطرح می‌شود، با استدلال در این که بچه‌دار شدن، هیکل آدم را بهم می‌زند، از بچه‌دار شدن برای بهم نخوردن اندام خودشان استنکاف دارند و این امر به مثابه الگویی عملی مد نظر کودکان خردسال قرار می‌گیرد.

«منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک»، عنوان مشابهی است که در کتاب مورد توجه و بحث قرار گرفته است.

بررسی‌های انجام شده در این زمینه دلالت بر آن دارد که مهم‌ترین دلیل عدم علاقه برخی از دختران خردسال ایرانی به مقوله خانواده را می‌توان در الگوبرداری آنان از الگوهای عروسکی کارتونی که در اختیار آنان قرار دارد، دید. این الگوها، اولاً خانواده مشخصی ندارند و ثانیاً غالباً مجرد هستند (نظیر باری، برتر، السا، سیندرلا) و ثالثاً در غالب موارد یک یا چند دوست پسر در اطراف خودشان دارند.

عنوان «ایجاد تعارض و درگیری‌های خانوادگی» ناظر بر این مسأله است که کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، به ایجاد برخی از درگیری‌ها بین اولیا و اولیا و کودکان می‌انجامد.

با گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید، این فناوری‌ها وارد بسیاری از خانواده‌ها شده است و کاربری یا عدم کاربری از آن‌ها، بعضاً اسباب اختلاف اولیا با یکدیگر یا اولیا با فرزندان خانواده و یا خواهر و برادرها با همدیگر را پدید آورده است.

پدران به دلیل روحیات نسبتاً فنی که از آن برخوردارند و مایل هستند که کودک خود را به سمت کشف و فهم جهان بیرون سوق دهند، غالباً موافق کاربری رسانه‌های دیجیتال برای کودکان از سنین پایین هستند، اما مادران که به لحاظ تربیتی نسبت به تربیت فرزندان حساس‌تر هستند، غالباً با کاربری زود هنگام و بی‌حساب و کتاب فرزند از رسانه‌های اخیر موافق نیستند و این امر بعضاً اسباب اختلاف و تکدر خاطر اولیا را از یکدیگر فراهم می‌آورد، مضاف این که وقتی مثلاً مادر شاهد کژ کاربری فرزندش از فناوری‌ها می‌شود، با محکوم کردن پدر، ناراحتی خویش را متوجه وی کرده، این مسأله اسباب دعوای آنان را فراهم می‌آورد.

در برخی از موارد، اولیا پس از احساس اثرات نامناسب کاربری از فناوری‌ها توسط فرزندشان (نظیر وابستگی و اعتیاد یافتن فرزند به تبلت، ایکس‌باکس یا تلفن همراه و یا پرخاشگر شدن کودک در اثر کاربری از بازی‌های پرخاشگرانه یا ضعیف شدن چشم فرزند)، ممکن است وارد صحنه شده، تلاش کنند تا مانع آسیب‌دیدگی بیش‌تر فرزندشان شوند، اما بسیاری از خانواده‌ها از سویی به دلیل احساس تنهایی و عدم همراهی محیط با آنان (به صورت انجام بسترسازی‌های فرهنگی لازم در سطح جامعه) و از سوی دیگر به سبب مشغله‌های فراوانشان، نمی‌توانند رأساً با حذف تبلت یا گوشی فرزندشان، جای خالی آن‌ها را با صرف وقت کافی و مداخله مثبت و مؤثر پر کنند، از این رو مجبور می‌شوند با توسل به زور و ارباب کودک یا با تمسک به دروغ‌های مختلف، فرزند را قانع کنند که نباید از فناوری مورد نظرش استفاده کند، البته کودکان نیز در این میان منفعل باقی نمانده، با اعمال فشار به اولیا، می‌کوشند آنان را در برابر خود تسلیم کرده، مجوز ادامه کاربریشان را از تبلت یا گوشی بگیرند.

گذشته از درگیری‌های ایجاد شده سر کاربری یا عدم کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، گاهی خواهر و برادرها سر کاربری از تنها تبلت (یا رایانه) موجود در خانه، با یکدیگر دچار اختلاف شده و یا آن که پسر خانواده پس از کاربری از بازی‌های خشن، خواهر یا کودکان کوچک‌تر از خودش را می‌زند. به تعبیر دیگر، ورود فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به خانواده‌ها که با عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه همراه شده است، بیش‌تر از آن که به عنوان یک وسیله آموزشی، تفریحی و سرگرم‌کننده برای کودکان و خانواده آن‌ها مطرح باشد، به نظر می‌رسد، به عنوان وسیله‌ای اختلاف‌انگیز مطرح بوده، تعارض‌ها و درگیری‌های عدیده‌ای را بین اولیا با یکدیگر، اولیا و فرزندان و فرزندان با هم دیگر پدید آورده است.

عنوان «کودک‌آزاری دیجیتال برخی از اولیا»، ناظر بر مسأله سوءاستفاده‌های مالی و روانی بعضی از اولیا از فرزندان خردسالشان هست. به این معنی که بعضی از اولیا در برخورد با فضای مجازی، می‌کوشند تا از این فضا برای کسب درآمد یا برای ارضای خودنمایی‌های خویش سود ببرند، از این رو می‌کوشند با جذب مخاطبان بیش‌تر و بیش‌تر، صفحه خود را بسان یک بیلپورد تبلیغاتی در معرض تبلیغات دیگران قرار دهند و از این طریق به کسب درآمد پرداخته یا مرهمی برای آلام روانی خویش فراهم آورند.

اولیای دیگری هم هستند که کودکشان را بدل به عرصه‌ای برای خودنمایی‌های خودشان کرده‌اند. به این معنا که این دست از والدین ممکن است با دست زدن به اقدام‌های نامتعارف، مانند خالکوبی و تاتو روی بدن کودک، رنگ کردن موهای نوزاد یا کودک خویش، آرایش دایم، کاشت ناخن و دستکاری در تاریخ تولد فرزند (با شیوه سزارین الکتیو)، به شکل غیرمستقیم به طرح خویش در اذهان دیگر کاربران فضای مجازی پردازند.

در موارد دیگری اولیا با پیر سینک فرزندشان، دست به سوراخ کردن بینی و یا ناف کودک و یا موارد مشابه زده‌اند که ماحصل این کودک‌آزاری‌ها، طرح اولای اخیر در اذهان افراد مبتدلی مثل خودشان است.

یکی از دیگر مسایل جدی که در زمینه کاربری کودکان پیش دبستانی (و کودکان دبستانی و بالاتر) مطرح است، مخفی کاری‌های آن‌ها در زمینه کاربری مفرط یا کژکاربری از فناوری‌ها و دور زدن اولیای خانواده برای ادامه همین روند است. از این مسأله با عنوان «مخفی کاری و دور زدن خانواده توسط کودک» یاد شد و در ادامه حداقل ۱۶ روش مختلف در فریب و دور زدن اولیا و نزدیکان که در مصاحبه با کودکان پیش دبستانی مشخص گردیده بود، مورد بحث قرار گرفتند.

عنوان پراهمیت دیگری که در کتاب مورد بحث قرار گرفته، «تعمیق گسست نسلی» است. در عنوان اخیر بیان شد که مفهوم نسل، از جمله مفاهیم جدیدی است که در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی توجه زیادی را به خود معطوف کرده است.

افرادی که در یک مقطع زمانی به دنیا آمده‌اند، یک نسل نامیده می‌شوند. اهمیت مفهوم نسل به این دلیل است که افراد یک نسل، تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی خاصی قرار گرفته‌اند، به همین سبب شباهتی نسبی به یکدیگر می‌یابند و از نگرش‌های نسبتاً یکسانی برخوردار می‌گردند، بنابراین با تغییر شرایط اخیر در نسل بعد، می‌توان انتظار برخی از تفاوت‌های نسلی را داشت. اگر چه یک نسل غالباً معادل ۳۰ سال در نظر گرفته شده است، اما بسته به سرعت تحولات اجتماعی، مدت زمان مزبور از دید متون نظری موجود در ادبیات مناسبات نسلی، می‌تواند به ۱۵ یا ۱۰ سال نیز تقلیل پیدا کند.

بررسی تطبیقی نسل‌های پس از انقلاب، حکایت از آن دارد که تفاوت‌های گسترده‌ای بین نسل‌های دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ وجود دارد و نقش فناوری‌های ارتباطی جدید، با گذشت زمان در این میان پررنگ‌تر و واضح‌تر شده است. در توصیف روان‌شناسی اجتماعی نسل دهه ۹۰ می‌توان بیان داشت، نسل دهه ۹۰، یعنی کودکانی که در دهه ۹۰ متولد شده‌اند و در حال حاضر حداکثر ۶ سال دارند، نسل اخیر تحت تأثیر برخی از عوامل داخلی و خاصه خارجی، از مختصات روان‌شناختی خاصی برخوردار شده‌اند که برخی از اهم این موارد به قرار زیرند:

اثرگذاری گسترده فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،

اثرگذاری عمیق الگوهای غربی (توسط بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب)

بر روی کودکان،

کاهش تأثیر خانواده در جریان جامعه‌پذیری کودکان،

کاهش تأثیر نهادهای فرهنگی جامعه در جریان جامعه‌پذیری کودکان،

اثرات تحولات اقتصادی - سیاسی جامعه،

تحول نسبی زیستی کودکان،

تحول نسبی روان‌شناختی کودکان،

و تحولات ارزشی و هنجاری کودکان.

اگر چه عوامل متعددی در گسست نسلی پدید آمده بین نسل‌های جوان‌تر و بزرگ‌سال جامعه وجود دارد، اما کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، از جمله مهم‌ترین علل ایجاد و تعمیق گسست نسلی بین نسل دهه ۹۰ (و نسل‌های دهه‌های ۸۰ و ۷۰) با بزرگ‌سالان جامعه به شمار آمده، به نظر می‌رسد با سایه گستر شدن بیش از پیش فناوری‌های ارتباطی جدید در جامعه، اثرات آن‌ها به شکل مشهودتری در روابط خانوادگی و اجتماعی منعکس گردد.

عنوان «تحول ارزشی نسل دهه ۹۰» معطوف به این مسأله بود که نسل دهه ۹۰، تحت تأثیر برخی از عوامل زیستی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی، از روان‌شناسی اجتماعی متفاوتی برخوردار است که شناخت آن از اهمیت تامی برخوردار است. به این معنا که نسل دهه ۹۰ به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی مانند ارتقای نقد اجتماعی، ارزش دیدن هنجارشکنی و احساس اعتبار اجتماعی بیش‌تر در جریان هنجارشکنی و موارد مشابه دیگر، نسلی ناشناخته می‌نماید. از این رو باید برای هدایت و تعامل مناسب با آن، در درجه نخست این نسل را به درستی شناخت و در درجه بعد، با شناخت فراز و فرودهای نسل دهه ۹۰، با دامن زدن به فرصت‌های آن، خود به خود از تهدیدهای آن کاست.

عنوان «سایر موارد خانوادگی» نیز به برخی از دیگر اثرات کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید پرداخته بود. در ذیل عنوان اخیر مواردی مانند: شکل‌گیری «خانواده مجازی» و «تربیت دیجیتال»، «تفاخرجویی دیجیتالی»، تحقق «شوخی‌های دیجیتالی»، «سرکار نهادن‌های دیجیتالی» و بروز «محبت دیجیتالی» و «تنبیه دیجیتالی» یاد شده است که کودکان مصاحبه شده به آن اشاره داشته‌اند.

به نظر می‌رسد مجموعه عناوین ذکر شده، بتوانند دورنمای روشنی از اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید به دست بدهند.

با توجه به اطلاعاتی که ارائه گردید، می‌توان بیان داشت، آنچه در درجه نخست اهمیت، در مصاحبه‌های انجام شده بارز می‌باشد، سرعت تحولات شدیدی است که در جامعه، فناوری‌ها و حتی در سطح کودکان خردسال ملاحظه می‌شود و در درجه بعدی اهمیت، اطلاعات گردآمده، بیانگر غفلت گسترده‌ای است که اولیای فرهنگی - اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان، اولیای آموزشی و اولیای خود آنان را دربرگرفته است.

در آنچه گذشت، سرعت تحولات شدیدی که در فناوری‌های ارتباطی جدید وجود دارد، قابل لمس است، به همین ترتیب سرعت تحولاتی که در کودکان پیش دبستانی وجود دارد، حیرت برانگیز است. کودکان اخیر از سویی ظرفیت‌های بالایی در فهم فناوری‌ها و به کارگیری آن‌ها را در خود به نمایش می‌نهند و از سویی شکل‌گیری موارد آسیب‌زایی مانند کاهش عزت نفس، افسردگی، احساس بدشکلی بدنی و نظایر آن‌ها را در خود به منصفه ظهور می‌گذاشتند.

کودکان با وجود ملاحظه ممنوعیت ورود تبلت و تلفن همراه به مهد کودک، در عمل در بطن مهد رسمی خویش، با وارد کردن مخفیانه وسایل پیش گفته به مهد خود، مهد پنهانی پدید آورده‌اند که در آن انواع آهنگ‌ها، تصاویر، کلیپ‌ها و فیلم‌ها، ردوبدل می‌گردد و در آنجا کودکان خردسال به یاری هم برخاسته، مشکلات فنی یکدیگر را حل کرده یا هم‌دیگر را در دور زدن اولیایشان، توجیه می‌کنند.

اما در برابر نسلی که در اثر کاربری (و در واقع به میزان زیادی کژ کاربری)، از فضای مجازی به تدریج نگاه و تحلیل‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - عقیدتی متفاوتی می‌یابد و غالباً به سمت موضعی مخالف آنچه مطلوب طبع اولیا، اولیای پرورشی و اولیای فرهنگی - اجتماعی نظام است، سوق می‌یابد، به نظر می‌رسد، غفلت گسترده‌ای وجود دارد.

در آنچه گذشت، انفعال اولیای فرهنگی و اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان به عیان قابل مشاهده بود. اولیای فرهنگی به جای مبادرت ورزیدن به اقدام‌هایی نظیر تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، اطلاع‌رسانی به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل کننده فناوری‌های ارتباطی جدید برای اولیا، اعمال نظارت (از نیروهای انتظامی گرفته تا نهادهای دینی و مردمی)، تدوین قوانین منع آسیب و ایذای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت فضای مجازی و به کارگیری مؤسسات خصوصی برای ارائه محصولات جهان مجازی با استانداردهای دولتی به جامعه و مانند آن‌ها که در سطح جهان معمول می‌باشد، به طور عمده به دستوره‌های از بالا به پایین و در غالب موارد با مضامین نفی و انکار ی‌ها و فضای مجازی می‌پردازند که آمار کاربری ۶۹٪ فیلترشکن از سوی کاربران، به خوبی گواه شکست خطامشی اخیر است.

مسوولان و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه داشته باشند که در درجه نخست اهمیت، فناوری‌ها تحمیل بوده (و آنان در موضع انتخاب قرار ندارند که اگر فناوری‌ها را نخواستند، انتخاب نکنند)، و در درجه بعدی اهمیت، فناوری‌ها و فضای مجازی به دلیل پاسخ نسبی که به نیازهایی مانند ارضای هیجان‌جویی جامعه یا مشکلات جنسی آن می‌دهند، در عمل به سادگی قابل حذف نیستند، مگر آن که پیشاپیش با بازنگری جدی خطامشی‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه، مشکلات پیش گفته حل شوند. به تعبیر دیگر، زمانی که حتی برخی از مسوولان، کنسرت‌هایی را که در آن اشعار حافظ و مولوی خوانده می‌شود، تحمل نمی‌کنند، انتظار غلبه بر جذابیت‌های بی‌پایان فضای مجازی، انتظار درستی به نظر نمی‌رسد. البته تمهیداتی مانند تهیه اینترنت ملی، موتور جست‌وجوگر یوز، یاحق یا گسترش پیام‌رسان

نظایر آن در دستور کار اولیای فرهنگی نظام هست که تمهیدات لازمی هم به شمار می‌روند، اما عمق مسأله فناوری‌های جدید در ایران فراتر از این مسایل هست، به این معنا که مسأله فناوری‌ها در عمل با کلان خطمشی‌های نظام گره خورده است و حل مسأله فناوری‌ها در ایران، نه تنها مستلزم کوشش و تلاش در جهت بسترسازی برای فناوری‌های ارتباطی جدید است، بلکه باید هم‌زمان به ایجاد برخی از اصلاحات فرهنگی-اجتماعی در جامعه همت گمارد. به عنوان مثال، فناوری‌ها در حال حاضر به برخی از خلاءهای اجتماعی پاسخ می‌دهند و مثلاً هیجان‌جویی ارضا نشده افراد را به نوعی ارضا می‌کنند یا به مثابه عرصه‌ای برای ابراز نظر افرادی قرار گرفته است که احساس می‌کنند حرف آن‌ها در رسانه‌های جمعی جامعه انعکاس نمی‌یابد و از این رو به دنبال یافتن جایی برای اظهار نظر، شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی را در این جهت مورد توجه قرار داده‌اند، به همین ترتیب با شکل‌گیری مقاومت فرهنگی اقشار مختلف اجتماعی در برابر اولیای امور جامعه، مردمی که با از دست دادن تربیون‌های سیاسی، عرصه فرهنگی را عرصه اظهار نظر و احیاناً مخالفت خویش بدل کرده‌اند، به دلیل تخالف ورزی با مسوولان، ممکن است به سادگی از تمهیدهایی نظیر اینترنت ملی یا موتورهای جست‌وجوگر داخلی و یا پیام‌رسان‌های داخلی سود نبرند و اعمال فیلتر مسوولان در این جهت را با به کارگیری فیلترشکن در عمل خنثی کنند.

تجرباتی مانند توقیف شبکه اجتماعی واتس‌آپ و در پی آن مهاجرت ۱۴ میلیونی کاربران این شبکه در طی یک شبانه روز به شبکه اجتماعی تلگرام؛ فیلتر دو هفته‌ای تلگرام در درگیری‌های دی ۹۶ در جامعه و هجوم کاربران این شبکه برای خرید وی‌پی‌ان (که فیلترشکن پولی است) یا کاربری از سایفون (که فیلترشکن مجانی است)؛ باقی ماندن ۴۴ میلیون نفر از ۴۵ میلیون کاربر تلگرام در این شبکه اجتماعی پس از اعلان ممنوعیت آن توسط قوه قضائیه (شرق، ۱۳۹۷/۲/۲۰) و یا (به بیان وزیر مخابرات) روی آوردن کاربران به فیلترشکن‌هایی که در جاسوسی آن‌ها تردیدی نیست، برای رفع احتمال جاسوسی احتمالی تلگرام (شرق، ۱۳۹۷/۲/۲۷)، گواه سردرگمی و خسران‌های تصمیم‌های مطالعه نشده می‌باشند.

گذشته از مواضع مسوولان فرهنگی جامعه، مسوولان نظام آموزش عمومی کشور نیز در برخورد با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و فضای مجازی، از عملکرد مناسبی برخوردار نیستند و با ممنوعیت ورود تلفن همراه (و در سطحی نازل‌تر، تبلت و رایانه) به مدارس و در حد خفیف‌تری در سطح مهد کودک‌ها، در عمل مخالفت خویش را با فناوری‌های اخیر به معرض دید نهاده‌اند.

اولیای پرورشی و آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان برای رهایی خود از مضان اتهام این که به فرض در مهد یا مدرسه‌ای، یک تصویر نامناسب رد و بدل شده است، هم کودکان و هم اولیای آنان را تنها نهاده و به آنان پشت کرده‌اند. به تعبیر دیگر، شدت مخالفت اولیای پرورشی و آموزشی با تبلت و تلفن همراه چنان است که با وجود آن که مربیان مهد و معلمان مدارس، بعضاً از نفوذ کلام قابل قبولی در مربیان خود برخوردارند، در بسیاری از موارد، حتی حاضر به تذکر شفاهی برخی از فراز و فرودهای

وسایل پیش‌گفته و روشنگری در این جهت نبوده، حاضر نیستند خود را به در دسر انداخته، به نوعی خلاف حکم مسوولان ارشد خویش عمل کنند.

تلاش برخی از اولیای آموزشی که برای اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان سخنرانی می‌آورند که در جریان سخنرانی خویش آنان را قسم می‌دهد(!) ماهواره و اینترنت و تلفن اندرویدی را از بساط زندگی خویش جمع کنند، گواه روشنی در اندیشه بخش قابل تأملی از اولیای فرهنگی کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه است.

سرانجام در آنچه گذشت، از اولیایی یاد شد که آنان نیز در غالب موارد از تحول‌هایی که در سطح فرزندان آنان به وقوع پیوسته است، بی‌خبر و ناآگاه هستند.

اگر در جمع مصاحبه‌های انجام شده، مواردی که در آن، کودکان خردسال مهد کودک به دور زدن اولیا و اولیای پرورشی خود پرداخته‌اند، احصاء گردند، بدون تردید این مجموعه از روش‌های فریب اولیا می‌توانند با تنوع شگفت‌آوری انظار اولیا و اولیای پرورشی کودکان را معطوف به خود کند.

ماحصل آنچه از آن یاد شد، کاربری‌های غالباً کنترل نشده فرزندان از فضای مجازی است، کاربری‌هایی که گاه فرزندان بی‌تجربه را در عمل با شکارچیان جنسی و افراد بزه‌کاری در فضای مجازی مواجه می‌کند که با استفاده از غفلت اولیای فرهنگی، پرورشی و آموزشی کاربران خردسال و نوجوان و اولیای آنان، آزادانه در فضای مجازی پرسه زده، شکارهای خویش را طعمه هوا و هوس خویش می‌کنند و آنان را در نهایت به صورت انسانی درهم شکسته و مالا مال از کینه و نفرت رها می‌سازند.

در جست‌وجوی راهکارهای ممکن برای برخورد با وضعیت موجود، از سویی توجه به ارزش‌های بومی و ملی - مذهبی و از سوی دیگر توجه به دستاوردهای بشری غرب در برخورد با فناوری‌های ارتباطی جدید ضرورت دارد.

در ادامه پس از بررسی اجمالی تجربه بشری غرب در ارتباط با فضای مجازی، از برخی از آرایه طریق‌های بومی در همین رابطه یاد خواهد شد.

### **دست‌آورد بشری غرب در مواجهه با فضای مجازی**

با گسترش فناوری‌های جدید در جامعه، برخی از پژوهش‌گران ترغیب شدند تا گسترش فناوری‌های ارتباطی نسبتاً قدیمی، مانند تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون و ویدیو را مورد نظر قرار داده، واکنش شهروندان را در ارتباط با آن‌ها، هنگامی که تازه به جامعه عرضه شده بودند، مورد بررسی قرار دهند. مجموعه مطالعات انجام شده در این زمینه، حکایت از آن دارند که شباهت‌های زیادی بین واکنش مردم در ارتباط با فناوری‌های قدیمی، زمانی که هنوز «تازه» بودند و فناوری‌های بسیار جدید، وجود دارد.

مطالعه تاریخچه پدیدآیی فناوری‌های مختلف، نشان می‌دهد که با بروز و ظهور هر فناوری جدیدی، موجی از امیدها و هراس‌ها، فراوری بشر، پدیدار شده است.

با پا به عرصه نهادن تلگراف، این امید در دل برخی از انسان‌های نیک‌اندیش و خیرخواه پدید آمد که این فناوری، به تحقق یک «جامعه جهانی» کمک خواهد کرد و بدین ترتیب دیگر جهان، شاهد رخ دادن جنگی نخواهد بود.

زمانی که تلفن اختراع شد، برخی از منافع کثیر آن سخن به میان آوردند و از خارج شدن انسان‌ها از انزوای اجتماعی و برقراری رابطه بین افراد و برخی از نزدیکانشان که به دلیل بعد راه، از یکدیگر دور افتاده‌اند، سخن گفتند.

با شکل‌گیری اینترنت، این‌اندیشه در اقصاء گسترده‌ای از مردم شکل گرفت که با کمک اینترنت، می‌توان جامعه‌ای برتر را رقم زد، جامعه‌ای که پیش‌بینی‌ها در آن بیشتر مثبت و امیدوار کننده‌اند و می‌توان در آن به وعده‌های تحقق دمکراسی و یک‌پارچه کردن کشورهای جهان در جامعه‌ای واحد و جهانی، جامه عمل پوشاند.

اما با وجود طرح ابعاد امیدبخش در جریان بروز و ظهور فناوری‌های جدید، برخی از افراد در جهت‌گیری و سمت و سویی متفاوت، نسبت به خطرات بالقوه فناوری‌های مزبور، هشدار دادند. به عنوان مثال، در پی وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، افراد دیگری به جدّ عقیده یافتند که اینترنت، در جهت سازماندهی افرادی که به برج‌های دوقلوی امریکا و اهدافی مشابه حمله کردند، مورد استفاده قرار گرفته است، از این رو، ضرورت دارد که کنترل‌های گسترده و عمیق‌تری را بر ارایه دهندگان خدمات اینترنتی، اعمال کرد.

سرانجام با ارایه فناوری‌های تلفن همراه و تبلت، در حالی که بعضی از پژوهش‌گران، به طرح مواردی مانند آموزش مبتنی بر تلفن همراه یا تبلت می‌پرداختند، هم‌زمان برخی از منتقدان، هشدار دادند که این وسایل می‌توانند زمینه بروز و شکل‌گیری برخی از مشکلات را در سطح جامعه، فراهم آورند.

تجربه بشری در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل بستر سازی فرهنگی برای افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدید فناوری‌های ارتباطی جدید را مطرح کرده است.

بررسی اجمالی کشورهای پیشرو در امر بستر سازی فرهنگی جهت کاربری بهینه از فضای مجازی نشان می‌دهد که این کشورها در جریان تهیه بستر فرهنگی مناسب جهت کاربری مناسب از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در سطوح مختلفی دست به سرمایه‌گذاری زده‌اند.

مراکز دانشگاهی و پژوهشی با انجام پژوهش‌های لازم، شناخت مورد نیاز جهت ایجاد بستر مناسب برای کاربری بهینه کودکان، نوجوانان، جوانان و دیگر اقصاء جامعه را به دست می‌دهند، وزارت ارتباطات نیز حسب فعالیت خود، با تدارک سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایمن برای کاربران خردسال و جوان، ایمنی کاربری از فضای مجازی را برای کاربران این سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

وزارت آموزش و پرورش به عنوان دومین خانواده کودکان، نوجوانان و جوانان، در تلاش برای بستر سازی بهینه برای کاربری دانش‌آموزان از فضای مجازی، با پیش گرفتن اقدام‌های مختلف، فضای



فرهنگی لازم را جهت کاربری مناسب دانش‌آموزان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته فراهم می‌آورد. در همین راستا سایر مؤسسات مرتبط با جوانان مراکز امنیتی و حفاظتی جامعه و دیگر نهادهای دولتی به همراه سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد، می‌کوشند تا با پیش گرفتن مجموعه‌ای از اقدام‌های توانمندساز و ایجابی، دسترسی کاربران خردسال و جوان را به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فراهم آورند. از سوی دیگر در کنار اقدام‌های قوای مقننه و مجریه، قوه قضائیه می‌کوشد تا با تدوین قوانین مورد نیاز، ضمن تحدید عرصه‌های کژکاربری از فضای مجازی، امکان کاربری مثبت و مؤثر از این فضا را برای کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته فراهم آورد.

مجموعه اقدام‌های قوای سه‌گانه، در سطوح نوجوانان و جوانان کاربر، خانواده جوانان کاربر و سرانجام کلان جامعه، به شکل گسترده اطلاع‌رسانی می‌گردد. البته با وجود اقدام‌های مؤثر اخیر که همگی با هدف کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فضای مجازی برای کاربران خردسال، نوجوان و جوان جامعه است، با این همه هنوز هم مشکلاتی در سر راه ایمن‌سازی فضای مجازی برای کاربران مختلف آن وجود دارد که در انتهای مباحث این قسمت، از آن نیز یاد خواهد شد.

در ادامه، عنوان‌های پیش‌گفته به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱- فعالیت مراکز دانشگاهی و پژوهشی

مراکز دانشگاهی و پژوهشی جهت ایمن‌سازی فضای مجازی برای اقشار مختلف جامعه، خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا با شناخت هر چه بهتر فضای مجازی، بر مبنای شناخت حاصله رهنمودهای لازم را به نهادهای سیاست‌گذار ارائه کرده، ابزارهای لازم را نیز جهت حصول سیاست‌گذاری‌های انجام شده در جهت ایمن‌سازی فضای مجازی فراهم آورند.

به نظر می‌رسد، اهم فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را بتوان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- تلاش در جهت شناخت هر چه بیش‌تر فراز و فرودهای فناوری‌های ارتباطی جدید،

- بررسی فراز و فرودهای تعامل جوانان با فناوری‌های پیشرفته،

- بررسی میزان آگاهی نوجوانان و جوانان از خطرهای فضای مجازی،

- بررسی اثرات سیاست‌گذاری‌های انجام شده در امر فضای مجازی،

- ارائه رهنمود بر مبنای پژوهش‌های انجام شده برای سیاست‌گذاری‌های جدید،

- طراحی سایت‌های امن برای پاسخ به نیاز اولیا،

- تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی،

- تهیه محتوای آموزشی و کمک آموزشی (برای دانش‌آموزان و معلمان)،

- ایجاد کتابخانه‌ها و موزه‌های مجازی،

- پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود،

- تمهید مراکز راهنمایی و مداخله در بحران.

فلوروس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی که درباره سوءمصرف اینترنت در یک دوره دو ساله در سطح ۲۰۱۷ دانش آموز داشته‌اند، گزارش می‌دهند که میزان سوءمصرف اینترنت به شکل قابل توجهی فزونی یافته است. از این رو بر ضرورت شناخت عوامل مؤثر روان شناختی در افراد مهاجم و قربانی در این میان تأکید می‌ورزند. کمیسیون تجارت فدرال<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، در گزارشی که درباره خطرات فضای مجازی به کنگره امریکا داده است، بر ضرورت رتبه‌بندی محتوای روی خط که کاربران از آن بهره می‌برند، تأکید کرده است. به همین ترتیب این کمیسیون بر ضرورت ارتقای فناوری‌ها برای تفکیک نوجوانان کاربر از بزرگسالان تأکید ورزیده است تا کاربران کم سال، تنها با همسالان خودشان رابطه برقرار کنند. شوچوک<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در گزارش پژوهشی خویش، با توجه به یافته‌های پژوهش، سیاست‌گذاری مسوولان در این ارتباط را خواستار گردیده است.

جیانت<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) بر مبنای یافته‌های علمی موجود، دست به تهیه یک کتابچه راهنما جهت کاربری اولیای مدارس و اولیای جوانان در جامعه زده است.

یاردی<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) نیز در رساله دکتری خودش، دست به طراحی سایت مستقلی زده است که به سوال‌های اولیا در زمینه کاربری و کژکاربری فرزندان آنان پاسخ می‌دهد.

برخی از توصیه‌های ارائه شده توسط انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA)<sup>۶</sup>؛ آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP)<sup>۷</sup> و انجمن بین‌المللی فناوری در آموزش و پرورش (ISTE)<sup>۸</sup> درباره تربیت دیجیتالی فرزندان توسط اولیا، به شرح زیر است:

برای اولین بار در تاریخ بشریت، رسانه‌های محبوب<sup>۹</sup> و قابل دسترس، جوانان را درگیر یک یادگیری اجتماعی گسترده ساخته است.

در دنیای فناوری، منظور از «شهروندی دیجیتالی»<sup>۱</sup> همان راه یادگیری و زندگی کردن مسوولانه در دنیای روی خط یا برخط<sup>۲</sup> است که در جوامع آموزشی و خانگی گسترش یافته است.

1. Floros, G. D.

2. Federal trade commission

3. Shewchuk, S.

4. Giant, N.

5. Yardi, S. A.

6. Digital Guidelines promoting healthy technology use for children/ apa.org (American Psychological Association).

7. Growing up digital – Media research symposium/ aap.org (the American Academy of Pediatrics).

8. Six ways parents can foster good technology habits/ iste.org (International Society for Technology in Education).

9. User-friendly

کودکان و نوجوانان، «بومی‌های دنیای دیجیتال<sup>۳</sup>» هستند که از بدو تولد به صورت روی خط با زیست‌بومی دیجیتالی<sup>۴</sup> که همواره در حال تغییر است، در تعامل هستند و این زیست‌بوم به کمک رسانه‌های همراه<sup>۵</sup> رشد می‌یابد.

از آن‌جا که فناوری به صورت بخش جدایی‌ناپذیر دنیای پیرامون افراد درآمده است، والدین برای ایجاد عادت سالم و فرهنگ درست و ایجاد مهارت استفاده از فناوری در فرزندانشان، باید به چند نکته‌ی تربیتی ذیل توجه کنند:

- اولیا باید از کودکی به فرزند خود در مورد فناوری آموزش و آگاهی داده، راهنمایی همراه با رشد فرزندان را مد نظر داشته باشند.

به کودکان، در سنین کم، باید آموخت که وسایل الکترونیک از قبیل گوشی، تبلت، لپ‌تاپ و رایانه، اسباب‌بازی نیستند و باید از آن‌ها با احتیاط کاربری داشت. فرزندان لازم است از سن پایین در مورد مزایا و معایب و خطرهای فناوری آگاهی پیدا کنند و متوجه اهمیت نکات امنیتی و ایمنی در دنیای مجازی و حفظ اطلاعات شخصی در آن شوند.

- اولیا باید به فرزند خود راجع به نکات امنیتی و ایمنی در دنیای مجازی اخطار و آگاهی بدهند؛ کودکان و به‌خصوص نوجوانان باید بدانند، اطلاعاتی که به اشتراک گذاشته می‌شوند، هرگز قابل پاک‌سازی به طور کامل نخواهند بود و این داده‌ها شامل پیغام‌های نامتعارف و تصاویر ناهنجار نیز هست. همچنین کودکان و نوجوانان ممکن است نسبت به تنظیم‌های امنیتی آگاهی نداشته باشند و ندانند که مجرمان جنسی عموماً از شبکه‌های اجتماعی، اتاق‌های مکالمه<sup>۶</sup>، پُست الکترونیک و بازی‌های برخط برای ارتباط گرفتن و بهره‌گیری از بچه‌ها استفاده می‌کنند.

پس از مطرح کردن نکات امنیتی اخیر با فرزندان و صدور اجازه‌ی استفاده از فناوری برای آن‌ها، باید این قانون برای کودک و نوجوان خانواده جا بیفتد، در صورتی که وی مرتکب اشتباه یا خطایی شد (به دور از ترس از تنبیه شدن)، آن را به والد خود اطلاع دهد. در صورتی که خطر تنبیه کودک را تهدید کند، وی مشکل را اطلاع نمی‌دهد و مجالی برای بحث در مورد مشکل و درس گرفتن از آن پیش نمی‌آید.

- اولیا باید رفتار درست و آداب صحیح در دنیای مجازی را به فرزندان خود آموزش بدهند؛ افراد عمدتاً حرف‌هایی را به صورت مجازی به دیگران می‌زنند که هرگز رو در رو آن را بیان نمی‌کنند. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط شرکت امنیت اینترنتی مک‌آفه<sup>۷</sup> در سال ۲۰۱۴، ۸۷ درصد از

- 
1. Digital Citizenship
  2. Online
  3. Digital Natives
  4. Digital Ecosystem
  5. Mobile Media
  6. Chatroom
  7. The Internet Security firm McAfee

نوجوانان شاهد زورگیری اینترنتی بوده‌اند. اولیا باید درباره‌ی اهمیت رفتار محترمانه در تعامل‌های برخط، به فرزندان خود آموزش دهند و از وی بخواهند که در صورت مشاهده‌ی زورگیری اینترنتی و یا برخورد با اطلاعات نگران‌کننده در دنیای مجازی، آن را با والدین خود در میان بگذارند.

- اولیا باید در مورد قدرت تصمیم‌گیری دیجیتال<sup>۱</sup> با فرزندان گفت‌وگو داشته باشند؛ تمیز سایت‌های اینترنتی معتبر و قابل اعتماد و اطلاعات صحیح و واقعی از منابع دروغین، می‌تواند سخت باشد. والدین در خصوص تشخیص و ارزیابی اعتبار<sup>۲</sup> و صحت<sup>۳</sup> اطلاعات برخط بایستی با فرزندان خود گفت‌وگو کنند و به آن‌ها توضیح دهند که چرا نباید برنامه‌های عجیب و ناآشنا را بارگذاری<sup>۴</sup> کنند و یا بر روی پیوندهای<sup>۵</sup> مشکوک کلیک کنند و یا اطلاعات شخصی خود را در برنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی غریبه، به اشتراک بگذارند. همچنین باید به فرزندان یاد داد که به پیغام‌های ناخواسته از طرف افراد ناشناس نباید پاسخ دهند و در صورت دریافت این‌گونه پیغام‌ها، آن را با والدین خود در میان بگذارند.

- اولیا می‌توانند گاهی فرزند خود را در جایگاه معلم خود قرار دهند؛ فرزندان این نسل غالباً نسبت به والدین خود از آگاهی بیش‌تری نسبت به دنیای فناوری برخوردارند. اگر اولیا گاه‌گاهی از آن‌ها به عنوان راهنمایان و آموزگاران خود در مورد فناوری استفاده کنند، این مسأله موجب تقویت و پرورش استقلال، تفکر مسوولانه و آگاهی آن‌ها می‌شود.

- هر کس برای خانواده‌ی خود، باید برنامه‌ی استفاده از فناوری و مشارکت در امور خانه را تعریف کند؛ به تعبیر دیگر رسانه‌ها در چارچوب ضوابط و قواعد خانواده و شیوه‌ی تربیتی هر فرد باید قرار گیرد. در صورتی که با برنامه‌ریزی از رسانه‌ها استفاده شود، این موارد می‌توانند زندگی روزمره‌ی افراد خانواده را بهبود بخشند، اما در صورتی که افراد بدون برنامه‌ریزی به سراغ رسانه‌ها بروند، می‌تواند جای بسیار از فعالیت‌های مهم زندگی، مانند تعامل‌های رو در رو، اوقاتی که با خانواده صرف می‌شود، فعالیت‌های خارج از خانه، ورزش و خواب را بگیرد. همچنین گذاشتن مسوولیت‌هایی در خانه بر دوش فرزندان (و دور کردن آن‌ها از فناوری) موجب رشد و پرورش احساس مسوولیت و تفکر انتقادی در آن‌ها می‌شود.

- باید میان دنیای مجازی و واقعی تعادل مناسبی برقرار شود؛ برقراری تعادل زمانی بین دو دنیای مجازی و واقعی از اهمیت بالایی برخوردار است. سلامتی روانی و فیزیکی با فعالیت‌های بیرون از خانه و تحرک رابطه‌ی مستقیم دارد. در کنار اهمیت بحث درباره‌ی کاربری صحیح از فناوری با فرزندان، آموزش ذهن‌هایشان برای لذت بردن از زندگی در «لحظه» نیز نیازمند به توجه ویژه است. بنابراین، استفاده از فناوری، همچون بسیاری از فعالیت‌ها و کارکردهای دیگر، باید از محدودیت‌هایی برخوردار

- 
1. Digital Decision-making
  2. Authenticity
  3. Accuracy
  4. Download
  5. Links

باشد و در کنار تعامل‌های مجازی، به تعامل‌های اجتماعی در دنیای واقعی نیز پرداخته شود. چرا که برای کودکان، گفت‌وگوهای دوطرفه با دیگران نه تنها اسباب رشد و تحول زبان را فراهم می‌آورد (تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که شنیدن منفعل و یا تعامل یک‌طرفه از طریق وسایل الکترونیک، نسبت به گفت‌وگوهای دوطرفه در رشد و تحول زبان تأثیر چشم‌گیری ندارند)، بلکه به تعمیق روابط هم‌حسی با دیگران و نودوستی کودکان نیز می‌انجامد.

- اولیا باید تا حد ممکن در زمان استفاده از فناوری، کنار فرزند خود باشند؛ مشارکت با فرزندان زمانی که آنان در دنیای مجازی سیر می‌کنند، می‌تواند به بهبود تعامل‌های اجتماعی و یادگیری کودک منجر شود. هم‌بازی شدن در بازی‌های ویدیویی با فرزندان توسط والدین، می‌تواند به آن‌ها رفتار و اخلاق انسانی و آداب بازی کردن را بیاموزد. تماشای برنامه‌های تلویزیونی با آن‌ها، فرصت‌هایی برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و دیدگاه والدین و راهنمایی کردن آن‌ها را ایجاد می‌کند. نظارت صرف بر کاربری فرزندان از فناوری کافی نیست، بلکه می‌بایست با آن‌ها در تعامل بود تا نسبت به آن، آگاهی لازم حاصل شود.

- اولیا باید توجه داشته باشند که از فناوری به عنوان پرستار بچه استفاده نکنند؛ رسانه‌ها می‌توانند در آرام نگه داشتن کودکان بسیار مؤثر واقع شوند، اما این مسأله نبایست راهی باشد که آن‌ها برای ساکت ماندن فرزند بیاموزند. کودکان باید یاد بگیرند که هیجان‌های قوی را تشخیص دهند و آن را کنترل کنند، فعالیت‌های خلاقانه ابداع کنند تا بر بی‌حوصلگی خود غلبه و آن را مدیریت کنند، با تنفس عمیق، بتوانند آرام شوند و یا با گفت‌وگو و مشورت کردن، مشکلی را حل کنند و راهبرها و راه‌کارهای نو برای هدایت هیجان‌ها و احساساتشان پیدا کنند.

- از دیگر تمهیدهایی است که اولیا باید بدان توجه داشته باشند، ایجاد مکان و زمان‌هایی عاری از فناوری در خانه است؛ در زمان صرف وعده‌ی غذایی، دورهمی‌های خانوادگی یا اجتماعی و زمان خواب فرزندان، فناوری باید دور از دسترس قرار گیرد. پژوهش‌ها در خصوص استفاده از فناوری در زمان خواب، نشان داده‌اند که کاربری فناوری در این زمان بر کیفیت خواب تأثیرگذار است. بنابراین از نیم ساعت قبل از خواب، می‌بایست از استفاده از وسایل الکترونیک پرهیز کرد. همچنین از روشن گذاشتن تلویزیون، زمانی که کسی به آن توجهی ندارد، باید اجتناب ورزید؛ چرا که تلویزیون روشن در پس‌زمینه می‌تواند در تعامل رو در روی والدین با فرزندان تداخل ایجاد کند و حواس آن‌ها را از گفت‌وگو پرت کند. در خصوص شارژ کردن وسایل الکترونیک نیز بهتر است این وسایل بیرون از اتاق خواب و در طول شب شارژ شوند تا افراد نسبت به استفاده از آن‌ها در هنگام خواب، وسوسه نشوند.

تغییرات اخیر موجب بهبود روابط خانوادگی، رژیم غذایی سالم‌تر و خواب بهتر می‌شوند. آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP) برای سنین مختلف از نوزادان زیر ۲ سال تا نوجوانان ۱۸ ساله، میزان زمان استفاده از فناوری و چگونگی کاربری از آن را به شرح زیر ارایه کرده است:

## کاربری نوزادان زیر ۲ سال:

نوزادان زیر ۲ سال به طرز حیرت‌آوری در ضربه‌زدن<sup>۱</sup> و کشیدن<sup>۲</sup> مهارت دارند، اما وسایل الکترونیک نظیر گوشی و تبلت می‌بایست از دسترس آن‌ها دور باشند.

بسیاری از والدین از گوشی هوشمند خود به عنوان «پستانک» و یا «پرستار بچه» استفاده می‌کنند؛ چرا که برنامه‌های مختلف و رنگارنگ و جالب، به سادگی نوزاد را آرام کرده و آرام نگه می‌دارد.

در این خصوص، والدین باید بدانند که مغز کودک در سه سال ابتدایی زندگی خود، سریع‌ترین میزان رشد خود را دارد و این بازه‌ی زمانی، حیاتی‌ترین وقت برای تحولات زبانی، هیجانی، اجتماعی و مهارت‌های حرکتی هستند. تعامل با دیگران و استفاده و تجربه کردن تمامی حس‌های خود در دنیای واقعی نسبت به تعامل کودک تنها با یک صفحه‌ی تصویری متحرک در این تحولات تأثیر چشم‌گیر و مؤثری دارند (به تعبیر دیگر، تجربه‌ی حرکت و لمس یک توپ با تصویر یا ویدیوی آن، حتی اگر تکان بخورد و صدا دهد، بسیار متفاوت است).

آشنا کردن کودکان با فناوری در این سن خوب است، ولی باید دقت داشت که تنها بخش بسیار کمی از زمان کودکان در طول روز به آن اختصاص داده شود؛ چرا که کودکان در این سن بیش‌ترین آموزه‌های خود را از محیط اجتماعی می‌گیرند و باید بیش‌ترین زمان از بیداری خود را صرف کارهایی کنند که برای تحول مغزشان مفید است.

آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP)، در سال ۲۰۱۶، بر اذعان خود حاکی از آن که «کودکان زیر ۲ سال هیچ‌گونه زمانی را صرف فناوری و نشستن پای گوشی‌ها نباید کنند»، به شرح زیر تغییر داد: برای نوزادان ۱۸ ماهه، تنها تماس ویدیویی با بستگان هم‌چون پدر بزرگ و مادر بزرگ مجاز است. برای نوزادان بین ۱۸ تا ۲۴ ماه، تماشای برنامه‌هایی با کیفیت بالا و آموزنده همراه با والدین (هم‌چون سه سام استریت<sup>۳</sup> و واندر پتس<sup>۴</sup>) تعیین شده است. برای کودکان بین ۲ تا ۵ سال، یک ساعت در روز استفاده از فناوری و برای کودکان ۶ سال به بالا، محدودیت زمانی لازم برای کاربری از فناوری باید در نظر گرفته شود.

هرچند این کاربری پیشنهادی در سال ۲۰۱۶، نسبت به آن‌چه در سال ۲۰۱۰ تعریف شده بود، از سخت‌گیری کم‌تری برخوردار بود؛ اما هنوز برای بسیاری از خانواده‌ها، بسیار سخت‌گیرانه و تاحدودی غیرضروری به نظر می‌آید. پژوهشی که دانشگاه آکسفورد<sup>۵</sup> در دسامبر سال ۲۰۱۷ منتشر شد، نشان داد

---

1. Tapping

2. Swiping

۳. Sesame Street برنامه خیابان سه‌سامی برنامه‌ای برای کودکان است که به منظور آموزش‌های فرهنگی و تربیتی آنان با نمایش عروسکی و انیمیشن‌های جذاب تهیه شده است.

۴. Wonder Pets برنامه حیوان‌های شگفت، در رابطه با دنیای حیوانات برای کودکان تهیه شده است.

5. Oxford University

که همبستگی‌ای بین سلامت کودکان و اجرای محدودیت‌های کاربری‌ای که آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP) تعریف کرده است، وجود ندارد.

برخی از نکات دیگر برای ایجاد تعادل در استفاده از فناوری برای کودکان به قرار زیر است: آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP) با وجود اذعان به ارزش گفت‌وگوهای دوجانبه، حتی اگر از صفحه نمایش گوشی صورت گیرد، میزان استفاده از فناوری جهت تماس‌های ویدیویی با بستگان را برای کودکان محدود کرده، هشدار می‌دهد، با وجود مشغله‌های روزمره، والدین نباید از فناوری به عنوان پستانک یا پرستار الکترونیک برای آرام نگه‌داشتن کودکانشان استفاده کنند؛ در صورتی که اولیا نمی‌توانند به کودک خود رسیدگی کنند، بهتر است به او کتاب یا اسباب‌بازی‌ای بدهند که بتواند از تمامی حس‌های خود استفاده کند.

از سوی دیگر در معرض قرار گرفتن کودک در برابر حجم زیاد فناوری خطرناک است؛ این در حالی است که کودک هم می‌تواند برای وسایل الکترونیک خطرناک جلوه‌گر شده، اطلاعات و وسایل اخیر را از بین ببرد و یا اسباب انتشار آن‌ها در فضای مجازی را فراهم آورد. کاربری کودکان نوپا و پیش‌دستانی (۲ الی ۵ سال):

والدین با صرف زمان برای بازی، تماشای و یا جست‌وجو با کودکان، زمانی بدون فناوری به وجود می‌آورند. کودک در هنگام تحرک، نسبت به یادگیری بسیار کنجکاو است و به همین دلیل دور نگه‌داشتن وسایل الکترونیک سخت به نظر می‌رسد. نتایج نظرسنجی انجام‌شده توسط مؤسسه‌ی اریکسون<sup>۱</sup> بر روی تعدادی از والدین حاکی از آن بود که بیش از ۸۵ درصد از آنان به کودک زیر ۶ سال خود اجازه‌ی استفاده از فناوری را در خانه می‌دهند و ۸۶ درصد از والدین اذعان داشتند که استفاده از فناوری را برای کودک خود مفید می‌دانستند که از جمله‌ی آن به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: سوادآموزی، آمادگی برای مدرسه‌رفتن و کسب موفقیت در مدرسه. در حالی که بیش از هر زمان دیگری، برنامه‌ها و ابزارهای بسیاری مختص به کودکان طراحی شده است، والدین می‌بایست فناوری را بخش کوچکی از فعالیت‌ها و یادگیری‌های کودکان در این سن در نظر گیرند.

در این سن، کودکان در حال یادگیری رفتارهای اجتماعی انسانی از قبیل به اشتراک‌گذاری<sup>۲</sup>، کمک کردن، بخشش<sup>۳</sup> و بهره‌گیری<sup>۴</sup> از دیگران هستند. این سن زمانی است که بچه‌ها یاد می‌گیرند این فعالیت‌ها را انجام دهند. فناوری در این مراحل تحولی، زمانی که والدین با آن‌ها بازی یا جست‌وجو می‌کنند و یا فیلم می‌بینند، می‌تواند کمک کرده و زمان کاربری از فناوری به زمان ایجاد عطف و نزدیکی کودک با دیگران و حتی زیست محیط وی تبدیل شود.

---

1. Erikson Institute  
2. Sharing  
3. Donating  
4. Benefiting

درباره انتخاب برنامه و بازی رایانه‌ای برای کودکان نیز لازم به یادآوری است، والدین پیش از خرید بازی‌های رایانه‌ای، ضرورت دارد که رده‌ی سنی محتوای دیجیتالی مورد نظر را بررسی کنند. استفان بالکم<sup>۱</sup>، مؤسس و مدیرعامل مؤسسه‌ی غیرانتفاعی امنیت روی خط خانواده<sup>۲</sup> که نماینده شرکت‌هایی همچون آمازون<sup>۳</sup> و وریزون<sup>۴</sup> با هدف امن‌تر کردن دنیای برخط برای کودکان و خانواده است، پیشنهاد می‌دهد، والدین به جای استفاده از طبقه‌بندی‌های انجام شده توسط فروشگاه‌های معمولی و برخط، از رتبه‌بندی‌های اتحاد بین‌المللی رتبه‌بندی سنی<sup>۵</sup> (IARC) استفاده کنند. گوگل<sup>۶</sup>، مایکروسافت<sup>۷</sup>، نینتندو<sup>۸</sup> و بسیاری از شرکت‌های عظیم فناوری از رتبه‌بندی‌های IARC در حین ساختن محتوا استفاده می‌کنند. به علاوه، رتبه‌بندی‌های IARC مرتبط به سیستم‌های ملی رتبه‌بندی سنی است. از بعضی از برنامه‌های مناسب برای کودکان نوپا می‌توان به کیدل<sup>۹</sup>، موتور جست‌وجوگر مجازی گوگل برای کودکان و کیدوز<sup>۱۰</sup> که یک مجموعه‌ی سازمان‌یافته از برنامه‌ها و محتوای مناسب برای کودکان است، اشاره کرد.

سایت CommonSenseMedia.org به ارایی‌ی نظرات کاربران در مورد برنامه‌ها و بازی‌ها بر اساس گروه‌های سنی پرداخته است. باید در نظر داشت که توصیه‌های سنی ارائه شده توسط فروشگاه‌های برخط برنامه و سایت‌هایی مانند یوتیوب<sup>۱۱</sup> همیشه دقیق نیستند. هرچند، بعضی از تأمین‌کننده‌ها برای نفوذ به فهرست‌های رتبه‌بندی و نشان‌دادن محتوای خود به عنوان محتوایی مفید برای کودک، تلاش زیادی می‌کنند. در نتیجه، بهترین ابتکار این است که محتوایی که فرزندان به آن دسترسی دارد را خود والدین مورد بررسی قرار دهند.

نکته قابل ذکر دیگری که در این مقطع سنی باید از آن یاد کرد، تنظیم فضاها و زمان‌هایی برای کودک است که وی دور از فناوری باشد.

والدین باید با تدوین قوانینی برای خانواده‌ی خود، زمان‌هایی را در نظر بگیرند که در آن افراد خانواده به‌دور از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته باشند، نظیر عدم استفاده از فناوری دو ساعت قبل از وقت خواب و

- 
1. Stefan Balkam
  2. The Family Online Safety
  3. Amazon - فروشگاه خرید اینترنتی
  4. Verizon - شرکت مخابراتی آمریکا
  5. International Age Rating Coalition (IARC)
  6. Google
  7. Microsoft
  8. Nintendo
  9. Kiddle
  10. Kidz
  11. YouTube



حین غذا خوردن، یا تعیین قسمت‌هایی از خانه که استفاده از وسایل الکترونیک در آن ممنوع است - مانند ممنوعیت کاربری از تلفن‌های همراه، رایانه‌ها و تلویزیون در اتاق‌های خواب و غذاخوری - این گونه قوانین سخت‌گیرانه که همه اعضای خانواده آن‌ها را رعایت می‌کنند، با ایجاد زمان‌های به‌دور از فناوری برای اعضای خانواده، زمان مصاحبت افراد با خانواده را افزایش می‌دهد.

### کاربری کودک جوان (۶ الی ۱۲ سال):

این سن، زمان مناسبی برای یادگیری عادت‌های سالم کاربری از فناوری است. احتمالاً کودکان در دوره‌ی دبستان به طور روزمره از فناوری استفاده می‌کنند. به همین دلیل، آن‌ها در این بازه‌ی زمانی به راهنمایی والدین خود بیش از پیش نیازمندند، تلاش والدین در این مقطع سنی - که اتفاقاً سن دیگر پیروی اخلاقی کودک نیز به شمار می‌آید - مؤثر واقع شده و می‌تواند کاربری صحیح از فناوری را به آن‌ها آموزش دهند و پایه‌های ارزش‌های خانوادگی خود را مستحکم کنند.

برخی از نکاتی که در این سن باید مورد توجه قرار گیرند، به شرح زیرند:  
ساختن حساب کاربری کودکان، امر لازمی در این مقطع سنی به حساب می‌آید.  
کودکان در این بازه‌ی سنی ممکن است برای انجام دادن تکالیف خود از رایانه استفاده کنند. برنامه‌ی کنترل به آنان کمک می‌کند تا محدودیت زمانی برای استفاده از رایانه و برنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی را در نظر بگیرند.

تلاش برای آموزش به خود فرزندان موجب می‌شود مشکلات بیش‌تری پیش آید؛ مثلاً لپ‌تاپ را پرت کنند، شیرشان را روی صفحه کلید بریزند، صفحه نمایش را بشکنند و با پنهان‌کاری مسوولیت این کارها را قبول نکنند! بهترین راه این است که دستگاه‌هایی مخصوص خود آن‌ها در نظر گرفته شود و اگر والدین تبلت یا لپ‌تاپ مخصوص کار دارند، کودکان را از آن دور نگه دارند.

کرومبوک‌ها<sup>۱</sup> لپ‌تاپ‌های ارزان‌قیمتی هستند و در نتیجه برای استفاده‌ی کودکان مناسب هستند.  
نگهداری وسایل هوشمند در اتاق خاصی که همه‌ی اعضای خانواده از آن استفاده می‌کنند، بهتر است، زیرا روی استفاده‌ی کودکان از آن‌ها نظارت وجود خواهد داشت.  
بها دادن به خلاقیت کودکان نکته قابل توجه دیگری است که نباید آن را از یاد برد<sup>۲</sup>.

#### 1. Chromebooks

۲. فناوری می‌تواند خیلی چیزها به کودکان بیاموزد، ولی این امر بستگی به برنامه‌هایی دارد که والدین برای آن‌ها انتخاب می‌کنند. اگر فرزندان به ساختن اشیاء علاقه دارد می‌توان از برنامه‌های ذیل استفاده کرد:

- برنامه‌ی اُسمو (Osmo) که اشیای واقعی را با نمونه‌های دیجیتالی روی آی‌پد ادغام می‌کند و باعث یادگیری و تجربه‌ی دیداری می‌شود.

- برنامه‌ی اسکِرچ (Scratch) که توسط مؤسسه‌ی تکنولوژی ماساچوست (M.I.T) ساخته شده است، به کودکان تفکر استدلالی را از طریق قصه‌نویسی، انیمیشن‌سازی و بازی‌سازی یاد می‌دهد.

- برنامه‌ی تونستیک (Toontastic)، خلاقیت کودکان را برای فیلم‌سازی یا نویسندگی در آینده بهبود می‌بخشد.

آموزش روش‌های شخصی‌سازی، نکته قابل توجه دیگری است که نباید از نظر دور بماند. اولیا می‌بایست از سنین پایین صحبت کردن در مورد امنیت در فضای مجازی را با کودکان خود آغاز کرده و هر از گاهی آن‌ها را تکرار کنند. والدین باید به کودکان خود بیاموزند که هر آن چه که در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند، از بین نمی‌رود و آن‌ها هرگز نباید اطلاعات خصوصی و حساس خود را به اشتراک بگذارند. ممکن است برای والدین مقدور نباشد که در مورد هر برنامه‌ی جدیدی که ساخته می‌شود، اطلاعات زیادی داشته باشند، اما می‌توانند از طریق صحبت با کودکانشان آن‌ها را از این آسیب‌ها مصون بدارند. کودکانی که در مورد کارهایی که به صورت برخط انجام می‌دهند، صحبت می‌کنند، راحت‌تر می‌توانند ناراحتی و نگرانی خود را نسبت به اتفاق‌های خاصی که در دنیای مجازی برایشان می‌افتد، ابراز کنند.

کارت‌های امنیتی اینترنتی مؤسسه‌ی آن‌لاین ایمنی خانواده<sup>۱</sup> می‌تواند به والدین کمک کند برای وسایل الکترونیک جدیدی که به کودکانشان می‌دهند، قوانینی اصولی مشخص کنند.

مقوله مزاحم‌های اینترنتی، مسأله مهم دیگری است که اولیا باید به آن عطف توجه داشته باشند. مزاحمت، چه در دنیای واقعی چه مجازی، مشکلی است که ممکن است برای کودکان در دوره‌ی دبستان پیش بیاید. تحقیقات در این مورد نشان داده است که زندگی کودکان در دنیای واقعی تفاوت چندانی با دنیای مجازی ندارد. والدین باید به کودکانشان بیاموزند که:

- وقتی مزاحمت، چه در دنیای مجازی و چه در دنیای واقعی را دیدند، دست روی دست نگذارند و بزرگ‌ترهایشان را در این زمینه باخبر سازند.

- از قربانی این مزاحمت حمایت کنند و جلوی مزاحم بایستند.

- از قربانی حمایت کنند، مثلاً او را در کارهای خود شریک کنند و ارتباطشان را بیش‌تر کنند و همچنین حالش را جویا باشند.<sup>۲</sup>

نکته دیگر، برخورداری یا عدم برخورداری از گوشی شخصی توسط کودکان است. در بازه سنی ۶ تا ۱۲ سال، ممکن است کودکان از والدین تقاضای خرید گوشی برای خودشان را داشته باشند، چون بعضی از دوستانشان گوشی دارند. طبق تحقیقات نیلسن<sup>۳</sup>، از نظر سنی، تعداد کودکانی که گوشی می‌خرند به ترتیب در ۱۰ سالگی، ۸ سالگی، ۹ سالگی و ۱۱ سالگی بیش‌تر است. اکثر والدین به منظور حفظ ارتباط دائمی با فرزندان و یا دانستن موقعیتی مکانی آن‌ها در هر زمان برای آن‌ها گوشی

همچنین می‌توان از بازی‌های ویدیویی ساخته شده برای اعضای خانواده استفاده کرد که برای پلی‌استیشن، ایکس‌باکس و مانند آن‌ها تهیه شده‌اند.

1. Family Online Safety Institute (F.O.S.I)

۲. در سایت [stopbullying.gov](http://stopbullying.gov) پیشنهادی بیش‌تری برای والدین و کودکان در راستای جلوگیری از مزاحمت وجود دارد.

3. Nielsen

می‌خرند. اما این که بقیه‌ی بچه‌ها گوشی دارند، به معنای آمادگی فرزندان برای داشتن گوشی نیست. باید قبل از خریدن گوشی برای آن‌ها به نکات ذیل توجه کرد:

- آیا کودک در قبال چیزهایی که دارد مسوولیت‌پذیر است؟
- آیا اگر برای وی گوشی خریداری شود، از قوانین والدین خود در مورد استفاده از آن پیروی می‌کند؟
- آیا کودک به اندازه‌ی کافی مسوولیت‌پذیر هست که از پیام فرستادن و عکس و فیلم فرستادن در فضای مجازی درست استفاده کنند؟

در هر صورت استفاده از سیم کارت دانش‌آموزی گزینه مطلوبی است که در بازه سنی اخیر می‌تواند مد نظر باشد.

کاربری نوجوانان و جوانان (۱۳ الی ۱۸ سال):

نوجوانان و جوانان در این سن خواهان آزادی و حریم خصوصی بیش‌تری هستند، اما والدین باید از امنیت آن‌ها در برابر دنیای مجازی (و حتی واقعی) مطمئن بوده، با حفظ اعتماد، نسبت به اعمالشان آگاه باشند.

نوجوانان استقلال بیش‌تری می‌خواهند، که این مسأله شامل خودکفایی‌شان در استفاده از وسایل الکترونیک‌شان، بدون نظارت والدین نیز می‌شود. والدین باید از نظارت‌های سخت‌گیرانه به راهنمایی‌های آگاهی‌بخش به نوجوانانشان برای ایجاد احساس مسوولیت در آن‌ها، تغییر رویه دهند. برای استفاده از گوشی و وسایل الکترونیک می‌بایست قوانینی وجود داشته باشد (اگرچه انتظار می‌رود در سنین قبل‌تر قوانین لازم تدوین و برای فرزند مطرح شده باشد).

نظارت کامل بر آن چه نوجوان به صورت برخط انجام می‌دهد، برای والدین غیرممکن است، اما نظارت‌های دوره‌ای بر آن چه نوجوان با داشتن آزادی در دسترسی به فناوری دیجیتال، انجام می‌دهد، می‌تواند بینشی کلی از میزان مسوولیت‌پذیری در کاربری از فناوری وی را به والدین بدهد. دادن تعهد درخصوص چگونگی استفاده از گوشی توسط فرزند، امر لازمی است که باید همواره مورد توجه اولیا باشد. برخی از قواعد غیرقابل بحث شامل موارد ذیل است:

- در هنگام رانندگی هرگز از گوشی استفاده نشود.
- عکس‌ها و ویدیوهای نامناسب هرگز دیده نشده و به اشتراک گذاشته نشوند.
- فرزند در صورت ترک کردن یا رسیدن به خانه‌ی دوستش، حتماً به والد خود خبر بدهد.
- درباره‌ی عادت‌های سالم استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تفکر انتقادی فرزند باید مطمئن شد که عزت نفس وی وابسته به لایک‌ها و اشتراک‌گذاری‌ها نیست.
- اولیا باید راجع به پیام‌های تبلیغاتی که می‌توانند درجهت سوءاستفاده از افراد به کار گرفته شوند، به فرزندشان آگاهی دهند که باید ضمن توجه به انبوه شایعات موجود در فضای مجازی، به طور کلی نسبت به هر آن چه در فضای مجازی می‌بینند، مشکوک بوده، با احتیاط لازم برخورد کنند.

والدین می‌توانند با دنبال کردن<sup>۱</sup> فرزند خود در شبکه‌های اجتماعی، از کارهای وی در هر دوره‌ای آگاهی یابند (و این مسأله می‌بایست یک قاعده‌ی غیرقابل مذاکره باشد، حتی اگر فرزند در مقابلش مقاومت می‌کند).

نکته مهم دیگری است که اولیا در جریان کاربری فرزند از فناوری‌های ارتباطی جدید باید بدان توجه لازم را معطوف دارند، اعتمادسازی متقابل است. به این معنا که اولیا باید دقت کنند که نظارت آنان به شکل ناخواسته تبدیل به جاسوسی<sup>۲</sup> نشود.

در این مرحله‌ی حساس تحول فرزند، والدین لازم است بین احترام به نیاز حریم خصوصی فرزندان خود و تضمین کردن امنیت آن‌ها، تعادل ایجاد کنند.

چند ایده برای قوانین کلی این تعادل به قرار زیر است: والدین به تلفن‌های آن‌ها گوش نمی‌دهند و پست‌های الکترونیک‌شان را نمی‌خوانند، مگر آن که مشکوک به چیزی باشند. در مقابل، فرزندان تلفن و یا رمزعبور حساب کاربری خود را هر زمان که والدین بخواهند فعالیت‌های آن‌ها را بازبینی کنند، تحویل می‌دهند. این کار به نوجوانان اجازه می‌دهد که بدانند که والدین حق نظارت بر آن‌ها را دارند.

راهکار هوشمندانه‌ای برای ایجاد اعتماد بین فرزندان و والدین برای دسترسی به حساب‌های کاربری فرزندان در صورت نیاز، آن است که والدین از فرزندان خود بخواهند، رمزعبور خود را در یک قلم که در زمان نیاز باید شکسته شود بگذارند. والدین توضیح می‌دهند که نمی‌خواهند به حساب کاربری آن‌ها دسترسی پیدا کنند، ولی می‌خواهند که توانایی اقدام در «مواقع اضطراری» را داشته باشند.

هدایت به سمت بهره‌وری بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید، نکته دیگری است که اولیا باید بدان توجه لازم را معطوف دارند.

والدین بایستی علایق فرزندان خود را به سمت بهره‌وری هر چه بیش‌تر از فضای مجازی هدایت کنند. سواد دیجیتالی<sup>۳</sup> یک مهارت فوق‌العاده کارآمد است و فناوری می‌تواند موقعیت‌های ابتکاری و آکادمیک ارایه کند. در صورت علاقه‌مندی فرزندان، کلاس‌های برنامه‌نویسی، طراحی دیجیتالی، انیمیشن‌سازی یا هر موضوع فناوری محور موجود است که بتواند به وی کمک کند که از فناوری بهره‌مند شود و برای استفاده از آن در آینده، آماده شود.

جلوگیری از اعتیاد به فناوری، مسأله مهم دیگری است که باید اولیا بدان توجه داشته باشند. دو علامت هشداردهنده اولیه در رابطه با رابطه ناسالم فرزندان با فناوری وجود دارد که می‌بایست نسبت به آن‌ها آگاه بود؛ یکی از آن‌ها رفتاری و دیگری عاطفی است.

---

1. Follow/ Friend  
2. Spying  
3. Digital Literacy

در جنبه‌ی رفتاری، تشخیص عبور زمان استفاده از رایانه از حد مجاز، مهم است، به نحوی که وقت لازم برای بازی کردن در دنیای واقعی، انجام ورزش‌های فیزیکی و ارتباط واقعی را از فرزند می‌گیرد. در رابطه با جنبه عاطفی، تشخیص تجربه منفی فرزند، بعد از استفاده از رایانه مهم است، مخصوصاً اگر احساس اذیت‌شدن<sup>۱</sup> و یا حس کلی بدی از تعامل‌های برخط خود دارند. این امر ممکن است در شبکه‌های اجتماعی، ارتباط برقرار کردن با پیغام یا بازی‌های چند نفره‌ی نقش‌آفرینی<sup>۲</sup> و مانند آن‌ها اتفاق بیفتد.

باید مراقب بود که فرزندان فعالیت‌های غیررایانه‌ای را که زمانی دوست داشت، با فعالیت رایانه‌ای جایگزین نکند، از خوابش به دلیل استفاده‌ی شبانه از فناوری نکاهد و یا تعامل‌های بین‌فردی (از جمله شام‌های خانوادگی) توسط فناوری جایگزین نشود.

## ۲- وزارت ارتباطات

وزارت ارتباطات به دلیل وظیفه ذاتی خودش، تلاش می‌کند تا برای کاربران خردسال فضایی مناسب و امن ایجاد کند. از این رو دست به تمهید راهکارهایی جهت تحقق این امر می‌زند. برخی از اقدام‌های این وزارت خانه به قرار زیر است:

- تهیه و تدارک سایت‌های مناسب و سالم جهت افزایش ایمنی روی‌خط کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی،

- تهیه سیم کارت دانش‌آموزی.

در برخی از کشورهای جهان، سازمان‌های ملی برای نظارت بر محتویات رسانه‌های دیجیتالی که مورد استفاده کودکان پیش دبستان و بالاتر قرار می‌گیرند، وارد صحنه شده‌اند (شورای ملی مطالعات اجتماعی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ سامشن<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

هندرسون<sup>۵</sup> و دی زوارت<sup>۶</sup> (۲۰۱۴)، در مقاله خویش گزارش می‌دهند که وزارت ارتباطات استرالیا جهت افزایش امنیت روی‌خط کودکان، نوجوانان و جوانان زیر ۱۸ سال، ضمن ایجاد یک گروه در زمینه حفظ ایمنی کودکان، تلاش در جهت حذف موارد آسیب‌زا برای کودکان در رسانه‌های اجتماعی را خواستار شده است.

- 
1. Bullied
  2. Role-playing
  3. National council for the social studies
  4. Sumsion, J.
  5. Henderson, M.
  6. De Zwart, M.

یونیسف (میرکا، ۲۰۱۱) و بنیاد جی‌اس‌ام<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در اسناد منتشره خود با طرح سیم‌کارت دانش‌آموزی، خاطرنشان ساخته‌اند که سیم‌کارت اخیر با جذابیت‌های متعددی توأم است (نظیر دانلود کتاب‌های کمک درسی، بازی، فیلم، موسیقی، خرید بلیط با تخفیف، طرح یک شبکه اجتماعی خاص برای دارندگان سیم‌کارت دانش‌آموزی، ایجاد یک باشگاه از صاحبان سیم‌کارت مزبور و مانند آن)، امکان تماس دانش‌آموزان را محدود به افراد خانواده کرده، در طی ساعات کلاس درس نیز فعال نیست.

منطقی (۱۳۹۵، و) در توصیف برخی از ویژگی‌های سیم‌کارت دانش‌آموزی می‌نویسد: «کودکی، نوجوانی و جوانی سنین بحرانی محسوب می‌گردند، زیرا اثرپذیری‌های سنین اخیر، تأثیرپذیری‌هایی ماندگار بوده، در جهت‌گیری ارزشی و شخصیتی آنان در طول زندگیشان مؤثر واقع می‌گردند.

حساسیت سنین رشد و تحول از سویی و احتمال آسیب خوردگی کودکان، نوجوانان و جوانان در فضای مجازی از سوی دیگر، سبب شده است، حتی کشورهایی که اعتقادی به فیلترینگ ندارند، در عمل در صدد فیلتر کردن کودکان، نوجوانان و جوانان خویش برآیند. یکی از جلوه‌های بارز فیلتر کردن افراد سنین رشد و تحول، تهییه و ارایه سیم‌کارت دانش‌آموزی به دانش‌آموزان است.

سیم‌کارت دانش‌آموزی، سیم‌کارتی با ظرفیت‌های قابل توجه و امکانات جذاب است که توجه دانش‌آموزان را معطوف به خود کرده، نیازهای ارتباطی، آموزشی و تفریحی آنان را به خوبی مرتفع می‌سازد. مسأله اخیر سبب می‌شود، دانش‌آموزان در برابر ارایه سیم‌کارت دانش‌آموزی به آنان، در برابر آن مقاومت نکرده، نسبت به آن پذیرا باشند.

سیم‌کارت دانش‌آموزی ضمن ایجاد امکان تماس دانش‌آموزان با اطرافیان، حاوی برخی از جذابیت‌های جانبی به قرار زیر است: سامانه کمک آموزشی، پورتال و مرکز دانلود کتاب الکترونیک، سامانه مشاوره دانش‌آموزان، سامانه مشاوره حمایتی- اجتماعی کودک و نوجوانان، پورتال دانلود بازی، پورتال اختصاصی موسیقی و فیلم، شبکه اجتماعی دانش‌آموزی، باشگاه دانش‌آموزی، کیف پول الکترونیکی، بلیط الکترونیکی، سامانه ارتباطی مدرسه با دانش‌آموز و والدین.

سامانه کمک آموزشی، سامانه‌ای است که بر بستر تلفن همراه، امکان دسترسی دانش‌آموزان به محتوای آموزشی در مقطع خودشان را فراهم می‌آورد.

دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند، متوجه درسی از دروس خویش نشده‌اند، می‌توانند با استفاده از تلفن همراه یا تبلت خودشان در فضای مجازی به اطلاعات آموزشی خودشان به شکل کلاس درسی، پرسش و پاسخ و رفع اشکال، دسترسی پیدا کنند.

پورتال و مرکز دانلود کتاب الکترونیکی امکان دانلود کتاب‌های الکترونیکی رایگان و کتاب‌های آموزشی مناسب را که از طریق کیف پول الکترونیکی نیز قابل ایتباع است، در دسترس دانش آموز قرار می‌دهد. سامانه مشاوره دانش‌آموزان، امکان عمل دیگری است که سیم‌کارت دانش‌آموزی دسترسی به آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد.

دانش‌آموزان می‌توانند نیازهای مشاوره‌ای خود را از گستره مباحث درسی گرفته تا مباحث اطلاعاتی، سلامتی، فرهنگی، اجتماعی و حمایتی و امنیتی از سامانه مزبور دریافت دارند. به این معنا که اگر به فرض دانش‌آموزان کاربر فضای مجازی، در جریان کاربری خویش از این فضا به مانع و رادعی برخوردند یا از سوی فرد یا افرادی مورد تهدید قرار گرفتند، می‌توانند با مراجعه به سامانه مزبور، از حمایت آن یا تدابیر پیشنهادی آن در جهت حل مشکل استفاده کنند.

سامانه اختصاصی دانلود بازی، موسیقی و فیلم، از دیگر جذابیت‌های سیم‌کارت دانش‌آموزی است که اوقات فراغت آنان را به شکل بهینه تأمین می‌سازد، به این معنا که سیم‌کارت دانش‌آموزی به دلیل امنیت بالایی که از آن برخوردار است، مانع از رسوخ افراد غیردانش‌آموز در بین دارندگان سیم‌کارت‌های دانش‌آموزی شده، با هدایت غیرمستقیم اولیای آموزشی، منابع ارزشمندی در زمینه‌های بازی (نظیر بازی‌های آموزشی)، موسیقی و فیلم (مانند فیلم‌های علمی و فرهنگی - اجتماعی)، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد.

از آنجا که شبکه‌های اجتماعی از جذابیت‌های قابل توجه فضای مجازی بوده، کاربران فضای مجازی علاقه‌مند به کاربری از آن می‌باشند، برای سیم‌کارت دانش‌آموزی شبکه اجتماعی خاصی تعریف شده است که تقریباً تمامی امکانات یک شبکه اجتماعی مناسب و به روز را در اختیار دانش‌آموزان کاربر قرار می‌دهد، بالطبع همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، اولاً به سبب موانع امنیتی که فراروی افراد غیردانش‌آموز وجود دارد و ثانیاً به دلیل حضور کارشناسان تربیتی در فضای شبکه اجتماعی سیم‌کارت دانش‌آموزی، مباحث مطرح شده در این شبکه اجتماعی، بسیار سالم‌تر از شبکه‌های معمولی بوده، تفاوتی کیفی با آنان را به معرض دید می‌نهند. به تعبیر دیگر، تمهید اخیر سبب می‌شود، دانش‌آموزان ضمن برخوردار شدن از امکان بهره‌برداری از یک شبکه اجتماعی، در معرض خطر تهدیدهایی که در شبکه‌های اجتماعی دیگر وجود دارد، قرار نگیرند.

باشگاه دانش‌آموزی، طرح نوآورانه دیگری است که برای سیم‌کارت دانش‌آموزی تعریف شده است. به این معنا که دانش‌آموزان دارای سیم‌کارت دانش‌آموزی، در عمل می‌توانند عضو باشگاهی برمبنای سیم‌کارت مورد استفاده خویش شده، از مزایای عضویت در آن برخوردار شوند. مزایای اخیر مواردی مانند امکان برخوردار شدن از تخفیف‌های ویژه برای خرید بلیط رخدادهای علمی، هنری، ادبی ورزشی و نظیر آن است.

سیم‌کارت دانش‌آموزی از جذابیت‌های دیگری مانند کیف پول الکترونیکی و تهیه بلیط الکترونیکی نیز برخوردار است. به این معنا که اولیا می‌توانند وجه مورد نیاز فرزند را به سیم‌کارت دانش‌آموزی وی واریز کرده، دانش‌آموز در مواقع ضروری از تلفن همراهش به مثابه کیف پول الکترونیکی سود برده،

دست به تهیه و خرید مایحتاج مورد نیازش بزند. مضاف براین، سیم‌کارت دانش‌آموزی واجد این ویژگی مثبت می‌باشد که دانش‌آموزان بلیط‌های مورد نیاز خویش (نظیر بلیط اتوبوس) را از این طریق با تخفیف (مانند ۱۵٪ تخفیف) تهیه می‌کنند.

از آنجا که یکی از مشکلات جدی محیط‌های آموزشی کاربری دانش‌آموزان از تلفن همراه در کلاس و احياناً سر جلسه امتحان، به منظور تقلب، می‌باشد، تمهیدی اندیشیده شده است که سیم‌کارت دانش‌آموزی از بدو ورود شاگرد به مدرسه تا زمان خروج وی از مدرسه فعال نیست و به این ترتیب امکان کژکاربری احتمالی از گوشی همراه توسط دانش‌آموزان در محیط آموزشی به شدت تقلیل می‌یابد. البته لازم به یادآوری است، در صورتی که دانش‌آموزی در طول ساعات مدرسه دچار ناراحتی جسمی و یا مشکل خاص دیگری شد، می‌تواند با مراجعه به دفتر مدرسه کد خاصی از دفتر دریافت دارد تا با آن با اولیای خویش تماس حاصل کرده، آنان را در جریان مسأله و مشکل خویش قرار دهد و در صورت نیاز اولیا برای کمک به وی به مدرسه بیایند.

ویژگی مثبت دیگری که در سیم‌کارت دانش‌آموزی در نظر گرفته شده است، سامانه ارتباطی مدرسه با دانش‌آموز و اولیای وی می‌باشد.

مدرسه با ارایه اطلاعات مورد نیاز آموزشی (از مقررات گرفته تا تاریخ امتحانات) دانش‌آموزان، جذابیت خاصی برای خود در نزد دانش‌آموزان پدید می‌آورد. مضاف براین، سامانه ارتباطی مزبور، ارتباط مسوولان مدرسه با اولیای دانش‌آموزان را نیز تمهید دیده است و اولیا از طریق این سامانه در جریان مسایل علمی، آموزشی، اخلاقی و تربیتی فرزندش در مدرسه قرار می‌گیرد.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، با پیش گرفتن راهکار سیم‌کارت دانش‌آموزی، بتوان ضمن تصحیح خطای اولیای آموزش و پرورش دال بر ممنوعیت ورود تلفن همراه به مدرسه، در درجه نخست با مدارس پنهانی که در جریان ممنوعیت نادرست تلفن همراه به مدارس، در مدارس آموزش و پرورش پدید آمده است و دانش‌آموزان با بردن تلفن همراه خویش، دست به مبادله انواع اطلاعات خویش در مدرسه می‌زنند، به مقابله پرداخت و در درجه بعدی اهمیت، با اتکا به تلفن همراه دانش‌آموزان، از یادگیری مبتنی بر تلفن همراه (یا موبایل لرنینگ) که در حال حاضر انقلابی آموزشی در جهان حاضر پدید آورده است، در سطح مدارس سود جست.

### ۳- آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش، مسوولیت تربیت علمی، اخلاقی و فرهنگی دانش‌آموزان را برعهده دارد و بعد از خانواده، اثرگذارترین نهاد بر روی کودکان، نوجوانان و جوانان تحت پوشش خود هست. بررسی ادبیات پژوهش در زمینه انتظاراتی که از وزارت آموزش و پرورش در کشورهای غربی می‌رود، موارد زیر را در بسترسازی فرهنگی جهت کاربری دانش‌آموزان از فضای مجازی مشخص می‌سازد:

- ارایه مباحث فناوری‌ها به شکل ضمنی در متون درسی،



- اختصاص واحد مستقل سواد رسانه‌ای در برخی از کشورها،  
- ارایه برخی از درس‌ها به صورت ترکیبی از تدریس مستقیم و تدریس روی خط،  
- انجام فعالیت‌های فوق برنامه در ارتباط با خطرهای فضای مجازی،  
- ارسال محتوا در ارتباط با فضای مجازی امن برای اولیای دانش‌آموزان،  
- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین دانش‌آموزان،  
- اختصاص خط تلفن مستقل برای ارتباط اولیا با مسوولان مدارس در زمینه کاربری فرزندان از فضای مجازی،

- ایجاد امکان ارتباط ای‌میلی اولیا با مسوولان مدرسه در ارتباط با کاربری فرزندان از فضای مجازی،  
- درگیر کردن اولیای مدرسه (مدیران، مشاوران، روان‌شناسان و معلمان) با مقوله فضای مجازی،  
- تهیه کتابچه راهنما برای مسوولان و اولیای مدارس،  
- ارایه و معرفی سایت‌های امن و سالم به دانش‌آموزان و معلمان،  
- ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان،  
- ارایه کنترل شده فضای مجازی (با فیلتر کردن سایت‌های نامناسب) به دانش‌آموزان.

برسون<sup>۱</sup> و برسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، دانش‌آموزان با سرعت بیش‌تری نسبت به خانه، در مدارس به فضای مجازی دسترسی پیدا می‌کنند، از این رو ضرورت دارد که آموزش و پرورش به امنیت روی خط دانش‌آموزان توجه ویژه نشان دهد.  
بوشونگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در مقاله خویش گزارش می‌دهد، با توجه به آمار کاربری کودکان از اینترنت، ضرورت فیلتر کردن اینترنت برای کودکان به شدت احساس می‌شود.

مانزو<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان رفع فیلتر، از زاویه دید دیگری وارد مقوله کاربری دانش‌آموزان از اینترنت شده، بیان می‌دارد، تکیه صرف روی فیلترینگ اینترنت برای نوجوانان و جوانان چندان ثمربخش نیست، اما باید با ایجاد سایت‌ها و فضاهای امن برای دانش‌آموزان، امکان برخورداری آنان از فضای مجازی را بیش از پیش فراهم آورد. از نظر مانزو، حضور و مشارکت معلمان در فضاهای اخیر، بر جذابیت سایت‌های امن پیشنهادی برای جوانان می‌افزاید.

وین<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای که با عنوان ترویج شهروندی دیجیتالی از طریق شبکه‌های مبتنی بر مدارس تهیه کرده است، خاطرنشان می‌سازد، شبکه‌های اجتماعی جدیدی وجود دارند که از امکان کنترل دقیق‌تری برخوردارند و می‌توانند امکان تماس دانش‌آموزان را با همسالان خودشان و معلمان و

---

1. Berson, I. R.  
2. Berson, M. J.  
3. Bushong, S.  
4. Manso, K. K.  
5. Winn, M. R..

اولیای مدرسه فراهم سازند، بنابراین استقبال از این شبکه‌ها توسط اولیای مدارس می‌تواند برای آنان راهگشا باشد.

(دستورالعمل) وزارت آموزش و پرورش بریتانیا (۲۰۱۵)، از ضرورت اختصاص سایت خاصی برای دانش‌آموزان یاد می‌کند که امنیت آنان را در فضای مجازی تأمین کند.

گذشته از ضرورت توجه مدارس به مسأله فضای مجازی، تأکید در کاربری مثبت و بهینه از فضای مجازی مورد توجه بسیاری از متخصصان و پژوهش‌گران آموزشی قرار گرفته است.

رانگولوف<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در گزارش پژوهشی خود خاطرنشان می‌سازد، برنامه اینترنت امن توسط کمیسیون اروپا مورد تأیید قرار گرفته است و یافته‌های حاصل از بررسی ۳۰ کشور اروپایی نشان می‌دهد، آموزش

امنیت اطلاعاتی در مدارس ابتدایی و متوسطه مورد توجه قرار گرفته است.

مک تاویش<sup>۲</sup> و فیلیپنکو<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در مقاله خویش از ضرورت توجه مسوولان به سواد رسانه‌ای

کاربران یاد کرده‌اند.

گزارش تهیه شده توسط مجمع کتابخانه‌های مدارس کانادا (۲۰۰۰) در ارتباط با سیاست اینترنت امن

و حفظ حریم شخصی، از ضرورت ارایه یک واحد درسی در کلاس‌های ششم تا نهم یاد می‌کند. این واحد درسی در صدد ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان بوده، سایت‌های مناسب را نیز برای کاربری آنان معرفی می‌کند.

کرونهولز<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) گزارش می‌دهد، از اواسط دهه ۱۹۹۰، آموزش روی‌خط مطرح گردیده است و

طبق برآورد انجمن بین‌المللی یادگیری روی‌خط، ۸۲٪ مدارس در حال حاضر حداقل یک دوره روی‌خط

را ارایه می‌دهند. از این رو کرونهولز پیشنهاد می‌کند، برای رفع مشکلات دوره‌های صرفاً حضوری یا

غیرحضوری (و روی‌خط)، می‌توان ترکیب برنامه‌های حضوری و روی‌خط را در نظام آموزشی در دستور کار قرار داد. طرح اخیر در برخی از مدارس در حال اجرا است.

(دستورالعمل) وزارت آموزش و پرورش بریتانیا (۲۰۱۵) برگزاری دوره‌های آموزشی برای اولیای

دانش‌آموزان را یکی از الزام‌های آموزش و پرورش معرفی می‌کند. به همین ترتیب دستورالعمل اخیر از

اولیای مدارس خواسته است تا با اختصاص یک ایمیل و اعلان یک خط تلفن مشخص، امکان دسترسی و اظهارنظر اولیای دانش‌آموزان برای مسوولان مدارس را فراهم آورند.

ضرورت آموزش بیش از پیش مراقبان دانش‌آوزان در مدرسه، درخواست دیگری است که در

دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش بریتانیا، منعکس گردیده است.

---

1. Ranguelov, S.

2. Mctavish, M.

3. Filipenko, M.

4. Kronholz, J.

اولسن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱) برای ارتقای ایمنی دانش‌آموزان در فضای مجازی، افزایش مراقبت دانش‌آموزان توسط مراقبان آنان در مدارس را مورد تأکید قرار داده‌اند. مک فارلان<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز روی مسوولیت بیش‌تر مدیران مدارس در آسیب‌های فضای مجازی تأکید دارد. تعمیق روابط اولیا و مشاوران، مقوله دیگری است که در زمینه ارتباط مدرسه با اولیا، مورد توجه قرار گرفته است.

گروبز<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در بررسی که در سطح جمعی از اولیای دانش‌آموزان داشت، انتظارات آنان از مدرسه را از طریق مرتب‌سازی کارت‌های حاوی خواست اولیا، دریافت داشت. انتظارات اخیر که شامل مواردی مانند مهارت‌های والدگری، خودآگاهی و عزت نفس جوانان، روابط همسالان، سلامت بهداشتی، فرصت‌های تحصیلی، انتخاب شغل، ارتباط با معلمان، کاربری از فناوری‌های ارتباطی و ایمنی در جریان کاربری از اینترنت بود، دورنمای روشنی از انتظارات اولیا برای مشاوران مدارس ترسیم می‌نماید و آنان می‌توانند در جریان پاسخ به انتظارات اخیر در عمل به روابط خود با اولیا نیز عمق بیش‌تری ببخشند. ولنتین<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای که در مورد درخواست‌های جنسی روی خط تهیه کرده است، از خطر اخیر که نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی را مورد تهدید خود قرار داده است، یاد می‌کند و خواستار مداخله جدی‌تر روان‌شناسان مدرسه در این زمینه گردیده است.

(دستورالعمل) وزارت آموزش و پرورش بریتانیا (۲۰۱۵)، ضمن تأکید فیلترینگ اینترنت مدارس و حفاظت اولیای مدارس از دانش‌آموزان در برابر زورگیری الکترونیکی و آزارهای جنسی، آنان را موظف می‌سازد تا ضمن تشویق نوجوانان و جوانان به کاربری از برنامه‌های سالم اینترنتی (مانند استفاده از برنامه «تور افسانه‌ای اینترنتی»)، دست به اطلاع‌رسانی درباره تروریسم به دانش‌آموزان زده، مانع پیوستن آنان به گروه‌های اخیر (نظیر داعش) شوند.

شوچوک (۲۰۱۴) در بررسی توصیه‌های ارایه شده به مسوولان مدارس خاطرنشان می‌سازد، این توصیه‌ها از ابهام نسبی برخوردارند و ضرورت دارد توصیه‌ها و سیاست‌گذاری‌های انجام شده، ضمن به روز شدن، مورد بازنگری و تدقیق بیش‌تری قرار گیرند.

#### ۴ - سایر مؤسسات مرتبط با نوجوانان و جوانان

از آنجا که مقوله فضای مجازی، مقوله مهمی است و فضای مجازی به سرعت در حال گسترش است، اولیای فرهنگی نوجوانان و جوانان در جوامع مختلف می‌کوشند، در جریان بسترسازی فرهنگی برای ایجاد فضایی امن و کاربری بهینه جوانان از فضای مجازی، از تمامی امکان‌های موجود در جامعه

---

1. Olsen, H.  
2. Mac Farlane, M. A.  
3. Grubbs, N. K.  
4. Valentine, C.

در این جهت بهره‌مند گردند. از این رو در تدوین راهکارهای اجرایی بهینه‌سازی کاربری از فضای مجازی از امکانات مختلفی که جوانان کم و بیش با آن‌ها مرتبط هستند، سود برده، پیشنهاد استفاده از این امکانات را نیز داده‌اند. امکانات زیر عبارتند از:

- مراکز پزشکی،

- مراکز مشاوره و روان‌درمانی،

- کتابخانه‌ها،

- و نهادهای دینی (کلیسا).

پزشکان، روان‌شناسان، مشاوران، کتابداران کتابخانه‌ها و مراجع دینی، بعضاً محل رجوع نوجوانان و جوانان هستند. این افراد می‌توانند در جریان خدمات‌رسانی به مراجعان جوان خویش، به شکل ضمنی به انتقال برخی از توصیه‌های مهم در جهت بهینه‌سازی کاربری جوانان از فضای مجازی دست بزنند. کولیر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مقاله‌ای که در زمینه ایمنی روی خط دانش‌آموزان تهیه کرده است، در جمع‌بندی مقاله خود روی نکته اخیر تأکید کرده، یادآور گردیده است که کتابداران کتابخانه که محل رجوع دانش‌آموزان هستند، می‌توانند به شکل مستقیم و غیرمستقیم (یعنی با معرفی منابع مناسب)، در عمل دست به راهنمایی جوانان برای بهینه‌سازی کاربری خودشان از فضای مجازی بزنند.

گرشام<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) نیز با تأکید ورود کلیسا در فضای مجازی، خاطرنشان می‌سازد، می‌توان آموزه‌های دینی (خاصه آموزه‌هایی که ناظر بر مسایل جمعی و اجتماعی هستند) را در فضای مجازی مطرح کرد و به آموزش آن به علاقه‌مندان و فراگیران پرداخت.

بالتبع نوجوانان و جوانانی که به مسایلی نظیر زیست محیطی، اخلاق اجتماعی و مانند آن‌ها توجه خاصی نشان می‌دهند، به سادگی می‌توانند مورد خطاب این دست از آموزش‌ها قرار گیرند.

##### ۵- اطلاع‌رسانی مراکز امنیتی و حفاظتی جامعه

فضای مجازی امکان عمل‌های گسترده‌ای را فراروی بشر گشوده است. یکی از این امکان عمل‌ها، روی آوردن افراد بزهکار از جهان واقعی به فضای مجازی است، زیرا یک بزهکار در جهان واقعی خود را با تهدیدت گلوله‌های آتشین پلیس مواجه می‌بیند، اما با تحقق همان بزهکاری در فضای مجازی، آن فرد از گلوله‌های آتشین پلیس در امان خواهد بود. بنابراین مراکز امنیتی و حفاظتی جامعه با وقوف به اهمیت یافتن فضای مجازی و مهاجرت افراد بزهکار به فضای مجازی، وظیفه خود می‌دانند که دست به روشنگری‌های لازم در این جهت برای اقشار مختلف اجتماعی، از نوجوانان و جوانان گرفته تا اولیای آنان بزنند. در بررسی اجمالی ادبیات پژوهش در این زمینه، اقدام‌های زیر ملاحظه می‌گردند:

---

1. Collier, A.  
2. Gresham, J.

- ایجاد جریان‌های اجتماعی روشنگر در ارتباط با فضای مجازی،
- ارایه ابزارهای کنترل کننده به اولیا،
- نشر کتاب، کتابچه، جزوات و برشورها و پوسترهای اطلاع‌رسانی برای اقشار مختلف اجتماعی،
- راه‌اندازی سایت‌های خاص کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه،
- ارایه هشدارهای لازم به خانواده‌ها،
- ارایه هشدارهای ضروری به جامعه،
- حضور یافتن پلیس در فضای مجازی (نظیر اتاق‌های گپ اینترنتی) برای رصد فعالیت افراد مختلف،
- ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای تهیه محیطی امن‌تر.

---

۱. هشدارهای اخیر غالباً در ارتباط با موارد زیر هستند:

- برنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی (Website)،
  - برنامه‌های پیام‌دهی (Texting Apps)،
  - برنامه‌های محرمانه و مخفی (Secret Apps)،
  - برنامه‌های ملاقات (Meeting Apps)،
  - گزارش مشکل (Reporting Problem)،
  - مشکلات فنی،
  - مشکلات ایجاد شده توسط فناوری،
  - ایمنی و امنیت (Safety and Security)،
  - بازی‌ها،
  - کنترل والدین (Parental Control)،
  - امکانات تلفن‌های همراه (Mobile Features)،
  - دسترسی به موقعیت مکانی (Location Consent)،
  - اطلاعات حساب بانکی،
  - رمز عبور (Password)،
  - تنظیم‌های امنیتی،
  - شهرت (اعتبار) دیجیتالی (Digital Reputation)،
  - تفکر انتقادی (Critical Thinking)،
  - تنظیم‌های لازم جهت حفظ حریم خصوصی (Privacy Settings).
- (Teaching parents Tech/ aplatformforgood.org)

وزارت امنیت ملی امریکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، در یکی از اقدام‌های خود کوشید تا با راه‌اندازی پویش اجتماعی «توقف کن، تأمل کن و سپس وصل شو»<sup>۲</sup>، نسبت به جرایم موجود در فضای مجازی اطلاع‌رسانی کرده، وظایف نوجوانان و جوانان، اولیای آنان و اولیای آموزش دانش‌آموزان را در این جهت یادآور شود. وزارت امنیت ملی امریکا (۲۰۱۳) در فراز دیگری از تلاش‌های خود، با تهیه یک بستر آموزشی برای اولیا و اولیای آموزشی دانش‌آموزان، کوشیده است تا حساسیت اولیا و اولیای آموزشی دانش‌آموزان را نسبت به کاربری از فضای مجازی افزایش داده، آنان را تشویق به مداخله فعال در امر کاربری فرزند یا دانش‌آموزشان کنند.

#### ۶- سایر نهادهای دولتی و سازمان‌های مدنی

از آنجا که امر بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فضای مجازی کار پیچیده و دشواری است، از هر امکان عملی برای مواجهه با این مسأله و انجام آن باید استقبال کرد، بنابراین نه تنها نهادهای دولتی دیگر (مثلاً مراکز تبلیغاتی نظام)، موظف به همکاری در بسترسازی فرهنگی برای ایجاد اینترنت امن هستند، بلکه نهادهای مردم‌یار یا مدنی هم به یاری طلبیده شده، از این نهادها هم درخواست می‌شود تا در جریان اطلاع‌رسانی و ایمن‌سازی بیش از پیش اینترنت، به کمک دیگر نهادهای دولتی آمده، به این ترتیب فضای امنی را برای کاربری آنان از فضای مجازی فراهم آورند. بررسی‌های اولیه در این زمینه، اقدام‌ها زیر را که از سوی دیگر نهادهای دولتی و سازمان‌های مدنی صورت می‌پذیرد، مشخص کرده‌اند:

- تهیه کتاب، کتابچه، برشور و پوستر برای اولیا و دانش‌آموزان،
  - راه‌اندازی سایت‌های امن برای کودکان، نوجوانان و جوانان،
  - درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای و سایت‌های فضای مجازی،
  - برگزاری کلاس‌های آموزشی برای اولیا و مراقبان نوجوانان و جوانان،
  - برگزاری سالانه روز اینترنت امن،
  - برگزاری همایش‌های علمی - تخصصی در زمینه فراز و فرودهای فضای مجازی،
  - ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین.
- استفاده از نهادهای مدنی یا مردم‌یار، از تجربیات موفق است که در بسیاری از کشورهای جهان جامه عمل پوشیده‌اند (آتمور<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ وان‌دیجکن<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

برخی از پژوهش‌گران (ولیس،؟، ترجمه اوحدی و همکاران، ۱۳۸۲)، با گزارش بعضی از اقدام‌های مثبت انسان‌ها و مجامع نیک اندیش، یادآور می‌گردند، از آنجا که برخی از کاربران سایت‌های هرزه‌نگار

---

1. US Department of Homeland Security  
2. Stop, Think, Connect  
3. Atmore, E.  
4. VanDijken, M. J.

اینترنتی، جهت آموزش یا رفع خلاءهای اطلاعاتی خویش، به سایت‌های مزبور روی آورده‌اند، با تهیه سایت‌هایی که مثلاً با تهیه پویانمایی، به ارائه اطلاعات جنسی لازم به کاربران می‌پردازند یا تهیه سایت‌هایی که در آن متخصصان سکس، به سوال‌های اختلال‌های کارکردی افراد در مسایل جنسی پاسخ می‌دهند، سعی در رفع نیاز کاربرانی می‌کنند که به سبب خلاء اطلاعاتیشان، خود را نیازمند سایت‌های هرزه‌نگار اینترنتی می‌بینند و به این ترتیب می‌کوشند تا از مراجعان به سایت‌های هرزه‌نگار بکاهند.

## ۷- قوه قضائیه

از قوه قضائیه نیز همپای سایر قوای مقننه و مجریه انتظار می‌رود تا در بحث کاربری از فضای مجازی و ایمن‌سازی فضای مجازی ورود پیدا کرده، در جهت سالم‌سازی هرچه بیش‌تر فضای مجازی بکوشد. از این رو قوه قضائیه غالب کشورهای غربی کوشیده‌اند تا با تدوین قوانین مناسب، امکان کژکاربری از فضای مجازی را برای کاربران تحدید کرده، بستری برای کاربری بهینه و مثبت برای کاربران پدید آورد. بررسی اجمالی ادبیات پژوهش دلالت بر آن دارند که قوه قضائیه کشورهای غربی در موارد زیر، اقدام‌های قابل توجهی انجام داده‌اند:

- تدوین قوانین لازم برای حمایت از کاربران نوجوان و جوان فضای مجازی،
  - تدوین قوانین منع آسیب و ایذایی کاربران فضای مجازی (مانند ممنوعیت هرزه‌نگاری کودکان، نژادپرستی، زورگیری الکترونیکی، سرقت هویت و نظایر آن‌ها)،
  - تدوین قوانین ناظر بر حسن عملکرد اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان.
- مجموعه نهادهای مقننه، مجریه و قضائیه در کشورهای غربی می‌کوشند در جریان ایمن‌سازی فضای مجازی، کاربری بهینه کودکان، نوجوانان و جوانان از اینترنت را فراهم آورند. از این رو در کنار اقدام‌های اجرایی که در این زمینه برای جوانان صورت می‌پذیرد، اطلاع‌رسانی‌های گسترده برای جمعیت هدف که کودکان، نوجوانان و جوانان هستند، ضرورت دارد.

## ۸- اطلاع‌رسانی نهادهای مختلف اجتماعی برای ارتقای شناخت نوجوانان و جوانان از فراز و فرودهای فضای مجازی

بررسی ادبیات پژوهش دلالت بر آن دارد که اطلاع‌رسانی به نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی در اشکال زیر صورت پذیرفته است:

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خاص برای کاربری جوانان،
- ارائه محتوای سواد رسانه‌ای به شکل مستقیم و غیرمستقیم در مباحث آموزشی و فوق‌برنامه،
- تشویق تفکر انتقادی نوجوانان و جوانان،
- تشویق نوجوانان و جوانان به انتقال مسایل و مشکلات پیش آمده برای آنان در فضای مجازی به اولیا،

- ایجاد امکان گفت‌وگوی روی خط کاربران نوجوان و جوان با متخصصان سلامت روان،  
 - در دسترس قراردادن روزنامه‌های الکترونیکی جهت ارتقای شناخت نوجوانان و جوانان از فضای مجازی،  
 - هشدار به کودکان، نوجوانان و جوانان مبنی بر ماندن سوابق فرد در فضای مجازی و دخالت این موارد در استخدام و آینده شغلی آنان.

آلورمان<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مقاله خود گزارش می‌دهد، جوانان در جریان کاربری از فضای مجازی، رفته رفته به فراز و فرودهای آن وقوف یافته، به این ترتیب سواد رسانه‌ای خود را بالا می‌برند. اما برخی از مطالعات حکایت از آن دارد که درک کاربران نوجوان از خطرات بالقوه فضای مجازی در حد رضایت‌بخش و قابل قبول نیست (راموس سولر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸، زیلکا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

سولدآتووا<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، در بررسی چگونگی مواجهه نوجوانان و جوانان با خطرهای فضای مجازی گزارش می‌دهند که غالباً کاربران نوجوان و جوان در برخورد با ابعاد آسیب‌زای فضای مجازی آشفته شده و به شکلی منفعل با آن‌ها مواجه می‌گردند. بنابراین اطلاع‌رسانی و مداخله فعال در ایمن‌سازی فضای مجازی برای نوجوانان و جوانان امری الزامی است.

گالاکر<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) در مقاله پژوهشی خویش نتیجه می‌گیرد، فیلترینگ تنهای فضای مجازی برای نوجوانان و جوان جوابگو نیست و باید هم‌زمان با فیلتر نسبی سایت‌های نامناسب در فضای مجازی برای کاربران جوان، سواد رسانه‌ای آنان را ارتقاء بخشید.

دولینگ<sup>۶</sup> و ریکوود<sup>۷</sup> (۲۰۱۴) از شکل‌گیری امکان گفت‌وگوی نوجوانان و جوانان در فضای مجازی با جمعی از متخصصان سلامت روان به صورت روی خط یاد می‌کند.

گروسین<sup>۸</sup> و ادموندسون<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) از تهیه روزنامه‌های الکترونیک برای نوجوانان و جوانان یاد کرده، خاطر نشان می‌سازند، جوانان می‌توانند در فضای مجازی از این روزنامه‌ها سود ببرند.

سرانجام درج<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷)، در مقاله خود با روشنگری درباره ماندن رد پای جوانان در سایت‌هایی که به آن‌ها رفته و از آن‌ها کاربری دارند، خطاب به آنان بیان می‌دارد، در صورت کژکاربری جوانان از فضای

- 
1. Alvermann, D. E.
  2. Ramos-Soler, I.
  3. Zilka, G. C.
  4. Soldatova, G. U.
  5. Gallagher, F.
  6. Dowling, M. J.
  7. Rickwood, D. J.
  8. Grusin, E. K.
  9. Edmondson, A.
  10. Dredge, S.



مجازی، رد پاهای باقی مانده افراد در زمان استخدام افراد، آنان را دچار مشکل می‌کند، از این رو جوانان بهتر است با آینده‌نگری لازم، دست از کاربری نامناسب از فضای مجازی دست بردارند.

## ۹- اطلاع رسانی برای اولیای دانش آموزان

اولیای دانش آموزان، وظیفه تربیت فرزندشان را نیز برعهده دارند، از این رو باید بدان‌ها کمک کرد تا در کنار نهادهای مختلفی که در جامعه در صدد بسترسازی برای رشد و تعالی وی هستند، وظایف خود را نیز به نحو احسن انجام دهند تا با اطمینان بیش‌تری فرزندشان از رشد و شکوفایی علمی و انسانی لازم برخوردار گردد.

اقدام‌های انجام گرفته شده جهت اطلاع‌رسانی به اولیای دانش آموزان و ایجاد روشنگری‌های لازم و تنویر افکار آنان، به اجمال در ادبیات پژوهش به قرار زیر عنوان شده است:

- ارایه کتاب، کتابچه، برشور، پوستر و بسته‌های آموزشی تهیه شده برای اولیا،
  - برگزاری کلاس آموزشی برای ارتقای آگاهی اولیا در زمینه فضای مجازی،
  - ارایه انواع ابزارهای کنترل فناوری‌ها (رایانه، تلفن همراه و دیگر فناوری‌های ارتباطی) به اولیا (که در غالب موارد رایگان هستند)،
  - رتبه‌بندی محتوای سایت‌ها جهت اطلاع اولیا،
  - تعمیق روابط اولیا با مشاوران مدارس،
  - تشویق گذاشتن قرار و مدارهای مشترک اولیا با فرزند، جهت کاربری مناسب وی از فناوری‌های ارتباطی،
  - تعمیق رابطه دوستانه با فرزند برای ممانعت از پنهان کردن مشکلات پیش آمده برای وی،
  - معرفی سایت‌های مناسب به فرزند،
  - نظارت بر نحوه کاربری فرزند از فضای مجازی،
  - مداخله فعال در جهت حل مشکلات پیش آمده برای فرزند در فضای مجازی.
- رابرتز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در مقاله‌ای که با عنوان «والدین کودکان سایبری باید چه کار بکنند»، تهیه کرده است، خاطرنشان می‌سازد، با وجود آن که کودکان در برخورد با فضای مجازی از برخی از فرصت‌های موجود در این فضا برخوردار می‌گردند، اما باید دانست که فضای اخیر تهدیدهایی نیز برای کودکان در بردارد و ضرورت دارد که اولیا برای محافظت فرزندانشان از تهدیدهایی که در فضای مجازی فرزندان آن‌ها را تهدید می‌کند، رأساً وارد صحنه شده، حفظ و حراست از کودکانشان را در فضای مجازی محقق سازند.
- برخی از بررسی‌های انجام شده حکایت از آن دارد که حداقل برخی از اولیا از آگاهی لازم برای نظارت بر چگونگی مصرف فناوری توسط فرزندشان بی‌بهره‌اند. به عنوان مثال، درج (۲۰۱۷) گزارش

می‌دهد، اولیای یک فرزند ده ساله، با تصور این که تبلت امکان انتقال اطلاعات به دیگران را ندارد، برای فرزندشان تبلت تهیه کردند، اما پس از مدتی دریافتند که فرزند ده ساله آنان، ویدیوی برهنه‌ای را که از دختر همسایه در جریان چت با وی تهیه کرده بود، در فضای مجازی به نمایش نهاده است. از این رو آگاه‌سازی هر چه بیش‌تر اولیا توسط بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأیید قرار گرفته است (مک دونالد-بارون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) از همین رو رابرتز (۲۰۱۰) بیان می‌دارد، باید اولیا در صدد ارتقای دانش و آگاهی خود در زمینه جوانان باشند تا جایی که در حد و شأن یک کارشناس جوانان ظاهر شوند. ارایه برنامه‌های کنترل که به اولیا امکان مسدود کردن سایت‌ها و یا محتواهای نامناسب یا محدود کردن زمان کاربری از اینترنت را می‌دهد (دفتر تحقیقات فدرال، ۲۰۰۱، استینبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) وجه دیگری از یاری رساندن به اولیای دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد.

یبارا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۹) در گزارش تحقیقی خویش خاطرنشان می‌سازند، بررسی آنان در زمینه مواجهه کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر با موارد ناخواسته جنسی، در مواردی که رایانه یا تلفن آن‌ها دارای ابزارهای کنترل کننده بوده‌اند، به مراتب کم‌تر از مواردی است که روی فناوری‌های مورد استفاده آنان، ابزار کنترل اولیا نصب نشده بود.

معرفی سایت‌های مفید به فرزند (درج، ۲۰۱۷)، تهیه کتابچه‌های راهنما برای اولیا (مرکز پی‌ای‌سی‌ای‌آر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳)، اطلاع‌رسانی در زمینه وب سایت‌های امن به اولیا (آدلمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴) و روشنگری در مورد خطرهای بالقوه فناوری‌ها (نظیر زورگیری الکترونیکی که کاربر را به کاهش عملکرد تحصیلی تا افکار خودکشی مبتلا می‌سازد) (هولادی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰)، قسمت دیگری از اطلاع‌رسانی به اولیا را تشکیل می‌دهند. آیرس<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) در مقاله خود پس از بیان خطرهای جنسی که کاربران خردسال و کم سن فضای مجازی را تهدید می‌کند، خاطرنشان می‌سازد، اولیا برای جلوگیری و ممانعت از خطر پیش‌گفته، باید ضمن ارایه برخی از اطلاعات لازم به فرزند (مانند طرح مراکز خصوصی بدن دختران و پسران برای آنان)، رابطه خویش را چنان با فرزندشان عمیق کنند که در صورت پیش آمدن هرگونه مشکلی برای فرزند، وی بلافاصله اولیای خود را در جریان آن قرار دهد تا آنان برای حل مشکل او، به کمکش بشتابند.

- 
1. Mac Donald-Brown, C.
  2. Steinberg, S.
  3. Ybarra, M. L.
  4. PACER Center
  5. Adelman, H.
  6. Holladay, J.
  7. Ayers, L.

تشویق اولیا برای گذاشتن قرار و مدارهای مشترک با فرزند برای کاربری از فضای مجازی، امر مهم دیگری است که همواره به اولیا توصیه شده است (دردج، ۲۰۱۷). این قرار و مدارها مواردی مانند میزان استفاده روزانه، باز نکردن نامه‌های الکترونیکی ناشناس، عدم ارتباط با افراد ناشناس، نظارت پست‌های فرزند، پرهیز از ارسال تصاویر خویش و یا کاهش رزولوشن تصویر در صورت ارسال، توجه به حریم خصوصی خویش در شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن هستند.

اولیا موظف هستند درباره تبعات کژکاربری از فضای مجازی (که مواردی مانند افسردگی فیس‌بوکی، زورگیری الکترونیکی، اذیت و آزارهای جنسی و نظایر آن‌ها هستند)، برای فرزندشان صحبت کنند (دردج، ۲۰۱۷).

تبدیل اشتباهات فرزند به یک کلاس درس از سوی اولیا برای فرزند، متضمن اثرات ارزشمندی برای آینده کاربری وی خواهد بود.

انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) <sup>۱</sup> در توصیه‌هایی که برای کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید دارد، به ذکر نکات زیر به والدین پرداخته است:

«در رابطه با فناوری، والدین نسبت به فرزندان خود که از بدو تولد با فناوری سر و کار داشته‌اند، از آگاهی کم‌تری برخوردارند و حتی به نظر می‌رسد با نسلی که پس از به دنیا آمدن، در عمل با وسیله‌های الکترونیکی سروکار داشته‌اند، هرگز نرسند!

با این وجود، مانند بسیاری از موارد دیگر، آگاهی پیدا کردن نسبت به فناوری و قابلیت‌های آن، غیرممکن نبوده، به سادگی امکان‌پذیر است و اولیا می‌توانند نحوه‌ی عملکرد برنامه‌ها<sup>۲</sup> و تنظیمات امنیتی<sup>۳</sup> را مطابق با ارزش‌های خانوادگی<sup>۴</sup> خود، شخصی‌سازی<sup>۵</sup> کنند.

هم‌چنین ضرورت دارد، والدین عاداتی سالم در خصوص استفاده از فناوری در خود ایجاد کنند، زیرا که فرزندان به طور عمده از والدین خود الگوبرداری می‌کنند. این عادات عبارتند از:

- در هنگام رانندگی از تلفن همراه خود استفاده نکنند؛ سالانه هزاران آمریکایی در اثر رانندگی پرخطر و با توجه اندک، جان خود را از دست می‌دهند. در هنگام رانندگی، اختراهای گوشی خود را خاموش کرده و آن را دور از دسترس قرار دهند.

- نسبت به خواب خود آگاه باشند؛ پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که استفاده شبانه‌گاهی از گوشی هوشمند می‌تواند در کیفیت خواب افراد دخالت کند. با توجه به این واقعیت که تلفن‌های همراه و

---

1. Connected and content managing healthy technology use/ apa.org (American Psychological Association).

2. Apps

3. Security Setting

4. Family Agenda

5. Customize

وسایل الکترونیک دیگر از خود نور آبی<sup>۱</sup> ساطع می‌کنند، می‌توانند بر ترشح هورمون ملاتونین (که هورمون مرتبط با خواب است) اثر بگذارند. اما مشکل دیگر آن است، محتوایی که در این وسایل در اختیار کاربران قرار می‌دهند، غالباً تحریک‌کننده هستند؛ برای مثال یک پیغام<sup>۲</sup> یا توییت<sup>۳</sup> در وقت خواب<sup>۴</sup> می‌تواند موجب شود که مغز در هنگامی که باید استراحت کند، شروع به پردازش اطلاعات کند. از این رو ضرورت دارد اولیا از وسایل الکترونیک خود، در هنگام دیروقت استفاده نکنند. همچنین از استفاده از گوشی خود به عنوان ساعت کوکی پرهیز کنند (زیرا برای بسیاری از افراد، بودن گوشی در کنار تخت، بسیار وسوسه‌انگیز واقع می‌شود).

- اختراهای<sup>۵</sup> گوشی خود را خاموش کنند؛ بسیاری از افراد گوشی‌های خود را روی تنظیماتی قرار می‌دهند که در صورت دریافت یک پست الکترونیک جدید، پیغام جدید و یا اختراهای برنامه‌های رسانه‌های اجتماعی، به فرد اطلاع دهد. نتایج نظرسنجی میزان استرس در آمریکا، حاکی از آن است تنها ۱۹ درصد از آمریکایی‌ها اختراهای گوشی خود را خاموش می‌کنند؛ این در حالی است که اختراهای مداوم می‌تواند بر روی تندرستی و سلامت تأثیرات منفی بگذارد. در تحقیقات اخیر روان‌شناسان دانشگاه بریتیش کلمبیا<sup>۶</sup>، میزان بی‌توجهی<sup>۷</sup> و بیش‌فعالی<sup>۸</sup> در طول زمانی که افراد اختراهای گوشی هوشمند خود را خاموش می‌کنند، نسبت به زمانی که آن را روشن می‌گذارند، کم‌تر گزارش شده است. همچنین اختراهای پیاپی با بهره‌وری پایین‌تر، ارتباط اجتماعی ضعیف‌تر و سلامت روانی کم‌تر همراه است. در همان تیم پژوهش در پژوهشی مشابه نشان دادند که افرادی که به طور مداوم پست الکترونیک خود را بررسی می‌کنند، میزان استرس بیشتری را نسبت به افرادی که تنها سه بار در روز این کار را انجام می‌دهند، گزارش دادند. برای مدیریت استرس و افزایش تمرکز، باید تصمیمی واقع‌بینانه درباره‌ی اختراهایی که واقعاً مورد نیاز است، گرفته شود. برای مثال، پست‌های الکترونیک کاری نسبت به اختراهای فیس‌بوک از اهمیت چشم‌گیری برخوردارند.

- انتظارهای دیگران را نسبت به خود مدیریت کنند؛ در صورتی که افراد برنامه‌ی خاصی برای استفاده از گوشی خود دارند، بهتر است آن را به اطرافیان خود اطلاع دهند (برای مثال: فرد در طی زمان کار، گوشی خود را مورد بازبینی قرار نمی‌دهد و یا در طول سفر به پست‌های الکترونیک کاری خود پاسخ

- 
1. Blue Light
  2. Text
  3. Tweet
  4. Bedtime
  5. Notifications
  6. University of British Columbia
  7. Inattention
  8. Hyperactivity

نمی‌دهد). در غیر این صورت با وجود بستگان و یا همکارانی که با مشکلی مواجه شده‌اند، از زمان خود نمی‌تواند به خوبی (چه در محل کار، چه در تعطیلات و مانند آن)، استفاده کند.

- از رسانه‌ی اجتماعی عاقلانه استفاده کنند؛ بسیاری از افراد در مقایسه‌ی زندگی خود با «ویترین»<sup>۱</sup> زندگی دوستانشان، در رسانه‌های اجتماعی، زندگی خودشان را بی‌روح‌تر می‌یابند.

تحقیقات انجام شده رابطه‌ی مستقیمی بین بودن در رسانه‌های اجتماعی و احساس افسردگی را گزارش کرده‌اند. ولی افراد می‌توانند ارتباط خود را با فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی به منظور بهبود آن تغییر دهند؛ تحقیقات نشان داده‌اند، زمانی که افراد از رسانه‌های اجتماعی به شکل منفعلانه استفاده می‌کنند (مانند استفاده از اطلاعات و گشتن در بین پُست‌های دیگران)، میزان سلامت و تندرستی‌شان کاهش می‌یابد. این در حالی است که رسانه‌های اجتماعی بر روی سلامت افرادی که به طور فعالانه از آن استفاده می‌کنند (مانند پُست کردن مطلب، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و یا نظر دادن زیر پُست دیگران)، تأثیر منفی نگذاشته است. برای استفاده‌ی بهینه از شبکه‌ی اجتماعی باید به صورت فعالانه با آن درگیر شد. (هم‌چنین نباید فراموش کرد که زندگی واقعی افراد به ندرت به بی‌نقصی «ویترین»هایی است که در رسانه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته می‌شوند).

- در حال زندگی کنند؛ فناوری و رسانه‌های مجازی سبب شده‌اند تا افراد به راحتی با یک‌دیگر در ارتباط باشند، ولی به سادگی می‌توانند آن‌ها را نسبت به ارتباطاتشان در دنیای واقعی بی‌توجه کنند. تعاملاتِ رو در رو و فیزیکی برای سلامتِ عاطفی<sup>۲</sup> افراد ضروری و مهم است. در نظرسنجی میزان استرس در آمریکا، ۴۴ درصد از افرادی که پست الکترونیکِ خود، پیغام‌ها و رسانه‌های اجتماعی را به طور مداوم مورد بازیابی قرار می‌دهند، گزارش کرده‌اند، حتی زمانی که در کنار خانواده‌ی خود هستند، احساس می‌کنند که از آن‌ها جدا شده‌اند. افراد بزرگ‌سال هنگامی که افراد با دوستان و یا خانواده‌ی خود وقت می‌گذارند، باید تلاش کنند تا از وسایل الکترونیک خود نظیر گوشی هوشمند «جدا» شوند (و مثلاً زمان صرفِ شام یا وعده‌های غذایی دیگر و یا دوره‌ی‌های خانوادگی یا دوستانه آن را بی‌صدا<sup>۳</sup> کرده و دور از دسترس قرار دهند).

- زمانی را برای تجدید قوا در نظر بگیرند؛ زمان‌های آرامش به منظور فکر کردن برای تمدد اعصاب، تفکر و حتی افزایش و سرعت‌بخشیدن به خلاقیت، حیاتی هستند. اگر در اوقات فراغت گوشی، به عنوان اولین گزینه برای پُر کردن این زمان‌ها در عموم افراد دیده می‌شود، می‌توان گفت آن‌ها فرصت لازم برای تجدید قوای خویش را از دست می‌دهند، از این رو بهتر است تلاش کنند تا زمانی را برای جدا

---

1. Showcase  
2. Emotional Well-being  
3. Silent

بودن از گوشی خود اختصاص دهند. این کار هر چند در ابتدا به نظر سخت می‌رسد، اما به تدریج به شکل عادت درآمد و افراد می‌توانند از آن زمان‌های آرامش‌بخش به خوبی استفاده کنند».

برخی از پژوهش‌گران دیگر با توجه به دید فنی عمیقی که نوجوانان و جوانان از آن برخوردار هستند و مواردی مانند فیلتر کردن فناوری‌ها را در حد یک چالش جزئی می‌بینند (درج، ۲۰۱۷)، پیشنهاد می‌کنند، باید برای کنترل وضعیت اخیر از میزان تمرکز بر والدین کاست و از مدرسه و نهادهای اطلاع‌رسان دیگر جامعه در این جهت، کمک گرفت (استیوز<sup>۱</sup> و وبستر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸، اولا گونجیو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

فینکلهور<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۹)، از زاویه دید دیگری بیان می‌دارد، بسیاری از جوانان تهدیدهای جنسی و موارد مشابهی را که متوجه آنان می‌شود، به اولیای خود منتقل نمی‌کنند، از این رو ضرورت دارد تا نقش سایر نهادهای زیربند در این جهت پررنگ‌تر شوند.

#### ۱۰- مشکلات حل نشده خطرآفرین

با وجود تلاش‌هایی که نهادهای مختلف در سطح کلان تا میان برد و خرد جامعه، جهت بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه کودکان، نوجوانان و جوانان (غربی) از فضای مجازی انجام داده‌اند، اما باز هم مشکلات حل نشده‌ای در این میان وجود دارد که بیانگر سختی و صعوبت کار در زمینه بهینه‌سازی فضای مجازی است. برخی از این مشکلات حل نشده، به شرح زیر گزارش شده‌اند:

- تعارض ساختاری موجود در نظام‌های لیبرالیستی در جهت اخلاقی بارآوردن نوجوانان و جوانان،
- دور زدن قوانین کاربری از شبکه‌های اجتماعی توسط نوجوانان،
- کاربری نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی از محتواهای خشن و هرزه‌نگار،
- عقب‌ماندن متخصصان فناوری‌های ارتباطی جدید از جوانان، در راستای شناخت کژکاربری‌های جدید نوجوانان و جوانان از فضای مجازی.
- عقب‌ماندگی نسبی سیاست‌گذاری‌های انجام شده از تحولات شدید فناوری‌های ارتباطی جدید،
- دستیابی به نقطه تعادل مناسب بین فیلترینگ اینترنت و آزاد نهادن کاربری نوجوانان و جوانان از فضای مجازی،
- هجوم بازیابان و سرمایه‌دارها به فضای مجازی برای اقناع نوجوانان و جوان برای مصرف کالاهای آنان.

جوامع غربی که غالباً طرفدار سرمایه‌داری بوده و بر همین مبنا الزام لیبرال بودن را پذیرفته‌اند، با تربیت اخلاقی انسان‌ها تعارضی ساختاری دارند، زیرا از سویی لیبرال بودن، حکم به آزادی رفتارهای

---

1. Steeves, V.  
2. Webster, C.  
3. Olagunju, A. D.  
4. Finkelhor, D.

انسان‌ها دارد، و بر همین مبنای بسیاری از تولیدکنندگان در پی کسب سود هر چه بیشتر، ممکن است به سادگی به تولید محتواهای نامناسب (نظیر بازی‌های دیجیتالی پرخاشگرانه و فوق‌پرخاشگرانه، بازی‌های مبتنی بر زامبی، فرانکنشتاین، دراکولا، پویانمایی‌ها و کارتون‌های هرزه‌نگار یا معطوف به بزهکاری- نظیر بازی‌های سرقت بانک- یا شیطان‌پرستی و مانند آن‌ها) دست بزنند و به نام آزادی، محصولات خود را به جامعه عرضه کنند و در این روند، کودکانی که تا حدود ۱۲-۱۱ سالگی از تفکر عینی (و غیرانتقادی) برخوردار هستند و به لحاظ اخلاقی نیز تا همین سنین دیگرپیرو هستند، به سادگی تحت تأثیر القای بازی‌ها، کارتونها و پویانمایی‌های اخیر قرار می‌گیرند و به شکلی غیراخلاقی تربیت می‌شوند، به بیان دیگر، اگر پیازه در نظریه شناختی خودش نشان می‌دهد که جوانان در حدود ۱۶-۱۵ سالگی به تفکر انتزاعی (و انتقادی) می‌رسند، تفکر انتزاعی و انتقادی آنان باز هم مانند افراد بزرگسال عمل نمی‌کند و آن‌ها احتیاج به فرصت بیشتری برای ممارست و تمرین در این جهت دارند تا کاملاً شبیه یک انسان بزرگسال استدلال کند. بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، انسان‌ها در حدود ۱۸-۱۷ سالگی به راستی در مسند انتخاب کردن‌های واقعی خود قرار می‌گیرند و اگر طبق فلسفه لیبرالیسم، ارایه هر تفکری در جامعه مباح باشد، در سن اخیر باید مواردی مانند هم‌جنس‌گرایی، هرزه‌نگاری، شیطان‌پرستی، پرستش قدرت- و پذیرش هدم و نابود کردن قشر ضعیف طبق نظریه داروینسیسم اجتماعی و نظریه قدرت نیچه- و نظایر آن‌ها به جوان عرضه شود، تا وی با انتخاب آزاد خودش دست به گزینش و پذیرش یا رد آن‌ها بزند، نه آن که در ۵ سالگی که کودک در شرایط تفکر غیرانتقادی و دیگرپیروی اخلاقی قرار دارد، به وی با بازی‌ها و پویانمایی‌هایی نظیر باب اسفنجی، سیمز، دهکده لازلو و نظایر آن‌ها، هم‌جنس‌گرایی را پیشنهاد داد یا با بازی‌هایی مانند پرندگان خشمگین، مسلمانان را خوک‌های بدی ترسیم کرد که شایسته هدم و نابودی هستند و یا با بازی پو، غایت مقصود را برای کودکان مصرف همبرگر و محصولات مک‌دونالد ترسیم کرد.

تیلور و کوایل (۲۰۰۳) در کتاب هرزه‌نگاری کودکان، خاطرنشان می‌سازند، با وجود ممنوعیت تهیه تصاویر هرزه‌نگارانه از کودکان در غرب، با این همه اینترنت حاوی انبوهی از این تصاویر است و به نظر نمی‌رسد که بتوان با آن به مقابله جدی برخاست، به این معنا که به دلیل ساختار اینترنت، اقدام‌های پلیس برای برخورد با قربانیان و تهیه‌کنندگان پورنوگرافی کودکان، غالباً به انجام مثبتی نمی‌انجامد. از سوی دیگر، تفاوت قوانین کشورهای مختلف جهان، امکان برخورد قانونی واحد و یک‌پارچه با مقوله هرزه‌نگاری از کودکان را با بن‌بست مواجه می‌سازد. علاوه بر این، تقاضا از ارایه دهندگان خدمات اینترنتی، مبنی بر ممانعت از ارایه هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت، به دلیل آن که این اقدام از سود آن‌ها می‌کاهد، با موافقت آن‌ها توأم نمی‌شود، و در نهایت یونسکو نیز در برخورد با این جرم فراگیر و گسترده اینترنتی، سکوت را پیشه خود کرده و اقدام مشخصی را در دستور کار خود ندارد، فضای ناامیدکننده‌ای در مواجهه و کنترل هرزه‌نگاری‌های فزاینده اینترنتی، پدید می‌آید.

ویلسون<sup>۱</sup> و مک آلونی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مقاله‌ای که در باب حمایت از کنواسیون حقوق کودک تهیه کرده‌اند، در مقاله خود خاطرنشان می‌سازند، این حق کودک است که از آسیب، سوءاستفاده و استثمار محافظت شود، اما از سوی دیگر نویسندگان مقاله به طرح این تعارض می‌پردازند که اینترنت توسط هیچ سازمان رسمی اداره نمی‌شود و کسی در این میان مسوولیت پذیری ندارد که به رعایت حقوق کودکان در فضای مجازی پرداخته و به آن احترام بگذارد.

لوی<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) و فیسر<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) در مقالات خود بیان می‌دارند، با تحلیل اسناد دولتی از سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ و بررسی بیش از ۹۰۰ مقاله، این نتیجه حاصل می‌شود که در زمان اخیر، توجه بیش‌تر جامعه معطوف به خطرناک دیدن فضای مجازی بوده است و حالا باید با تغییر دید اخیر، رویکرد برخورد فعال‌تر کودکان، نوجوانان و جوانان با فضای مجازی در دستور کار نهادهای مختلف قرار گیرد تا ضمن آن که بچه‌ها، توانایی شهروند دیجیتال خوب شدن را می‌یابند، حقوق دموکراتیک آنان نیز رعایت شود. بلیزر<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) در مقاله خود با نقد نسبی فیلترینگ اینترنت مدارس، خاطرنشان می‌سازد، فیلتر کردن اینترنت در عمل امکان دسترسی دانش‌آموزان به اطلاعات لازم و استفاده از ابزارهای ارتباطی موجود برای تحقیق و تفحص و یادگیری کودکان را محدود می‌سازد و باید در اندیشه دسترسی بیش‌تر نوجوانان و جوانان از فضای مجازی بود.

سرانجام اوست<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) در گزارش پژوهشی خود تأکید می‌ورزد، حق خودمختاری کودکان (در جامعه لیبرال) به هیچ روی نباید نادیده گرفته شود و در شرایطی که مدارس اصرار بر فیلتر کردن اینترنت دارند، باید کوشید تا نقطه تعادل لازم بین آزادی انتخاب کودکان و ضرورت مراقبت از آنان را به دست آورد. آکادمی پزشکی اطفال آمریکا (AAP) نیز با ارایه برخی از توصیه‌ها، خواستار توجه به آن‌ها شده است. برخی از این موارد به قرار زیرند:

- «- ارزیابی و ارایه راهنمایی‌های به‌روز شده برای مراقبان، معلمان و سایر ذینفعان در مورد استفاده از رسانه‌های دیجیتال در میان کودکان و نوجوانان، به خصوص کودکان زیر ۲ سال.
- توسعه ابزارهای مشخص و کاربردی برای کمک به برنامه خانواده‌ها و نظارت بر استفاده از رسانه‌های دیجیتال، شامل ارایه اطلاعات درباره‌ی چگونگی کاربری متعادل فرزندان از رسانه.
- تحقیقات حمایت‌کننده بر روی بخش‌های توسعه‌ی اولیه مغز و باقی موضوعات مربوط به استفاده از رسانه‌های دیجیتال، از سوی نهادهای دولت فدرال، جوامع بشردوستانه و نهادهای دانشگاهی.

---

1. Wilson, J. E.  
 2. Mc Aloney, K.  
 3. Levy, P.  
 4. Facer, K.  
 5. Blazer, C.  
 6. Ost, S.



- همکاری با صنایع سخت‌افزار و نرم‌افزار برای ادامه‌ی تلاش برای ارایه‌ی امنیت اینترنتی برای همه‌ی کودکان و نوجوانان؛

- کار پیوسته با پزشکان متخصص اطفال و دیگر متخصصان بهداشت برای رسیدگی به تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر کودکان و نوجوانان».

اما همان‌گونه که از آن یاد شد، تعارض ساختاری نظام‌های سرمایه‌داری و لیبرال، مانع از دستیابی به معیارهای تربیت اخلاقی ایده‌آل کودکان و نوجوانان می‌گردد و کودکان در غوغای طرح دیدگاه‌های مختلف در فضای لیبرال، به دلیل فقدان تفکر انتزاعی و انتقادی و دیگرپیروی خویش، به شدت در معرض آسیب قرار دارند. عقب‌ماندگی اولیا و اولیای تربیتی جوانان از جوانان کاربر اینترنت (گوری<sup>۱</sup>)، معضله‌ی (۲۰۱۲) و اصولاً عقب‌ماندگی سیاست‌گذاری‌های انجام شده در قیاس با پیشرفت سریع فناوری‌های ارتباطی جدید (آنانسیق<sup>۲</sup> و ولی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶) از امور مهمی است که نمی‌توان به سادگی از آن‌ها چشم پوشید.

لیوینگستون<sup>۴</sup> و هاددون<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ی مروری که در ۲۳۵ بررسی انجام شده دارند، گزارش می‌دهند، گزارش‌های اخذ شده از همه کشورها، حاوی شواهد نگران‌کننده‌ای از کاربری خطرناک روی خط کودکان هست. یعنی با وجود بسترسازی‌های فرهنگی انجام گرفته شده، باز هم تهدید و خطرهای فضای مجازی متوجه اقشار خردسال جامعه هست.

ویدن<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۳)، در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، برخی از نوجوانان و جوانان دست به دور زدن قوانین موجود در کاربری از شبکه‌های اجتماعی می‌زنند (و مثلاً قبل از ۱۳ سالگی، عضو شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌گردند).

شارپلس<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۹) هم در مقاله خود گزارش می‌دهند، آنان در بررسی که در سطح نوجوانان و جوانان ۱۶-۱۱ ساله داشته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که ۷۴٪ آنان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و البته جمعی از این افراد با وجود نداشتن سن لازم برای دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، با گزارش نادرست سنشان، شروع به کاربری از این شبکه‌ها کرده‌اند.

- 
1. Guerry, R.
  2. Annansingh, F.
  3. Veli, T.
  4. Livingstone, S.
  5. Haddon, L.
  6. Weeden, S.
  7. Sharples, M.

تسالیکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در بررسی که در سطح نوجوانان و جوانان ۱۷-۹ ساله انجام داده است، میزان کاربری آنان از متون هرزه‌نگار روی خط را نگران کننده توصیف کرده است و از ضرورت اطلاع رسانی گسترده در مورد مضرات هرزه‌نگاری برای کاربران نوجوانان و جوان یاد می‌کند.

لینح<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) از منظر متفاوت به مسأله کاربری نوجوانان و جوانان از شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. او گزارش می‌کند، نوجوانان و جوانان ۱۷-۱۲ ساله آمریکایی در سال ۲۰۰۷، ۵۵٪ کاربری روی-خط از شبکه‌های اجتماعی مختلف داشته‌اند و این استقبال گسترده از فضای مجازی سبب شده است، علاوه بر تجاوزگران جنسی و زورگیران الکترونیکی، بازاریابان و فروشندگان مختلف هم برای بازاریابی و فروش محصولات خود به فضای مجازی هجوم بیاورند و نوجوانان و جوانان از این جهت هم مورد سوءاستفاده آنان قرار گیرند.

به هر روی آنچه به اجمال در این قسمت از آن یاد شد، بیانگر آن است که غرب برای ایمن کردن فضای مجازی مورد استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان با بسیج تمامی امکان عمل‌های ممکن، وارد صحنه شده است و می‌کوشد تا با گسترش فرصت‌های موجود در فضای مجازی، در عمل از تهدیدهای آن بکاهد.

### بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در ایران

فناوری‌های ارتباطی پیشرفته موجد فرهنگ جدیدی هستند. در فرهنگ اخیر، اولاً با توجه به نوجویی و نوگرایی جوانان و ثانیاً با عنایت به علایق وافر آنان به فناوری‌ها و ثالثاً با توجه به انعطاف‌پذیری بیشتر آنان، انتظار می‌رود که بیشترین اثرپذیری فرهنگی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته را در سطح جوانان مشاهده کرد که البته همین مسأله توسط برخی از پژوهش‌های انجام شده (رید<sup>۳</sup> و رید<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴، آودری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴)، مورد تأکید قرار گرفته است.

لورنته<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، از فرهنگ اخیر با تعبیر هوشمندانه شمشیر دو لبه، یاد کرده، در عمل بر فرصت‌ها و تهدیدهای این فرهنگ جدید تأکید می‌ورزد.

برای کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فضای مجازی باید دست به سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی لازم زد. از این رو با توجه به ضرورت کاربری از فضای مجازی، در بسیاری از کشورهای جهان تلاش شده است تا با بسترسازی فرهنگی لازم، تهدیدهای فضای مجازی کاهش یابد و کاربران در محیطی امن‌تر بتوانند با استفاده از فرصت‌های آن، به اعتلای خود و جامعه‌شان بپردازند.

- 
1. Tsaliki, L.
  2. Linh, C.
  3. Reid, D.
  4. Reid, F.
  5. Audrey, N. S.
  6. Lorente, S.

در بررسی مواجهه و برخورد ایران با فناوری‌های ارتباطی جدید باید گفت که اولیای فرهنگی کشور برخلاف تجربه بشری غرب که معطوف به افزایش فرصت‌ها برای کاهش تهدیدهای فضای مجازی است، بیش‌تر متوجه نفی فناوری‌های ارتباطی جدید شده‌اند، زیرا به زعم آنان از این فناوری‌ها می‌توان به شکل نامناسب نیز سود جست، از این رو باید به مقابله و محدود کردن آن‌ها اهتمام ورزید. ممنوعیت قانونی کاربری از ویدیو توسط مجلس شورای اسلامی در اوایل انقلاب و تداوم این رویکرد که در حال حاضر خود را در ممنوعیت ماهواره، ممنوعیت برخی از شبکه‌های اجتماعی و منع ورود تلفن همراه به مدارس نشان می‌دهد، بیانگر رویکرد متفاوت مسوولان فرهنگی کشور در ارتباط با فناوری‌های ارتباطی جدید است.

در گذر زمان با سایه گستر شدن بیش از پیش فناوری‌های ارتباطی جدید در جامعه، این مسأله خود به خود به تضعیف نسبی رویکرد نفی و انکار فناوری‌ها انجامیده است و به نظر می‌رسد رویکرد اخیر به اجبار جای خود را به سردرگمی در مواجهه با فضای مجازی داده است. رویکرد اخیر از دیگر شاخصه‌های مهم برخورد مسوولان فرهنگی ایران با فضای مجازی بوده است. به این معنا که از سال ۱۳۷۳ که برای اولین بار بحث ماهواره در مجلس شورای اسلامی مطرح شد، تا حال حاضر، بحث‌های همان زمان مجلس که معطوف به چه باید کرد بود، تداوم یافته، مسوولان فرهنگی نظام در این جهت به خطامشی واحدی نرسیده‌اند.

بنابراین سیطره رویکرد نفی و انکار فضای مجازی و در ادامه سردرگمی در چگونگی کاربری از فضای مجازی، در عمل فرصت بسترسازی فرهنگی را به میزان زیادی از مسوولان فرهنگی گرفته است و به این ترتیب بار مواجهه با فضای مجازی و تبعات گسترده آن، به تنهایی روی دوش خانواده‌ها افتاده است و البته در این میان برخی از اولیا نیز به سبب ناآگاهی و غفلت، ممکن است برای تسهیل کارهایشان در خانه، با خرید یک تبلت، تلفن همراه یا پی‌اس‌فور برای فرزندشان، در عمل تلاش کنند که از این فناوری‌ها به عنوان یک پرستار الکترونیک سود ببرند که بالطبع همین امر تبعات آسیب‌زای مواجهه کودکان و نوجوانان با فضای مجازی را دو چندان خواهد کرد.

در جست‌وجوی راهکارهای ممکن برای برخورد با وضعیت موجود، منطقی (۱۳۹۵، ج)، در جریان ارایه راهکارهای لازم برای برخورد با فضای مجازی، از سه سطح راهکارهای کلان‌نگر، حدواسط و خردنگر به شرح زیر یاد کرده است:

«در سطح نخست باید «اقدام‌های کلان‌نگر اولیا»، مورد تأمل اولیا قرار گرفته، انتظارات به حقی را که آنان می‌توانند، از نهادهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاست‌گذار جامعه، نسبت به برنامه‌ریزی‌های اصولی و تدارک و تمهید اقدام‌های مناسب، برای فرزندانشان داشته باشند، مورد تأکید قرار گیرد.

در سطح بعد، باید «اقدام‌های حد واسط اولیا»، مورد توجه قرار گیرد. موارد اخیر، اقدام‌هایی هستند که بستر لازم برای رشد و تعالی شخصیتی فرزندان را فراهم آورده، بدان‌ها انگیزه، هدف، کنترل درونی و در نهایت هویتی مطلوب می‌بخشند. بالطبع، بسترسازی شخصیتی اخیر، فرزندان را نه تنها در برابر

فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، مقاوم ساخته، به استفاده بهینه فرزندان از آن‌ها می‌انجامد، بلکه در سایر مراتب فردی و اجتماعی، یاور آن‌ها بوده، به اتخاذ تصمیم‌های مناسب و مطلوب آنان خواهد انجامید. در آخرین سطح از اقدام‌های اولیا، باید «اقدام‌های جزءنگر اولیا در ارتباط با فرزندان»، مدنظر قرار گرفته شود و اقدام‌های مثبت و مؤثر اولیا، در ارتباط با چگونگی استفاده فرزندان از فناوری‌های جدید، مورد تأکید قرار گرفته و توصیه گردد.

### ۱- اقدام‌های کلان‌نگر اولیا

اقدام‌های کلان‌نگر اولیا، از منظری به دو دسته اقدام‌های عام و اقدام‌های خاص، قابل تقسیم هستند. موارد عام، شامل اقدام‌هایی هستند که تحقق آن‌ها در مجموع به ارتقای هویتی کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه خواهند انجامید، بالطبع افرادی که از هویت محقق و قدرت‌مندی برخوردار باشند، در برابر آسیب‌های مختلف، با شایستگی نسبی برخورد خواهند کرد. نکته اخیر، ذیل عنوان «بسترسازی برای ارتقای هویتی کودکان<sup>۱</sup>، نوجوانان و جوان»<sup>۲</sup>، مورد بحث قرار گرفته است.

موارد خاص، ناظر بر تقاضای «فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی فناوری‌های ارتباطی جدید»، توسط مسوولان است که در جامعه، خلاء آن به شدت احساس می‌شود و فقدان فرهنگ‌سازی مناسب سبب شده است، از مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید، بیشتر تهدیدهای آن متوجه کاربران (خاصه در سطح نوجوانان و جوانان) ایرانی شود. در ادامه، هر دو عنوان پیش‌گفته، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۰۱۰۱ بسترسازی برای ارتقای هویتی کودکان، نوجوانان و جوانان

بسترسازی برای ارتقای هویتی جوانان، نیازمند رفع برخی از موانع و مشکلات فراروی جوانان و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آنان است. برخی از این موارد عبارتند از: ضرورت بازنگری جدی در مسایل کودکان، نوجوانان و جوانان، تغییر رویکرد تکلیفی به کودکان، نوجوانان و جوانان، تغییر رویکرد آرمان-گرایانه به رویکرد مداخله‌گرایانه، تغییر رویکرد جامعه‌پذیری مبتنی بر متابعت به جامعه‌پذیری مبتنی بر درونی‌سازی، تلاش جدی در جهت بسترسازی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی لازم برای شکوفایی کودکان، نوجوانان و جوانان، کوشش در جهت تحقق هیجان‌جویی کودکان، نوجوانان و جوانان، تلاش برای تبدیل تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید به فرصت، الگوپردازی‌های مختلف برای کودکان، نوجوانان و جوانان و توجه به برنامه‌های هویت بخش، به آن پرداخته خواهد شد.<sup>۳</sup>

#### ۰۱۰۲ انتظار فرهنگ‌سازی برای استفاده بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته

---

۱. از هویت در دوران پیش دبستان نمی‌توان سخن گفت، اما برخی از بسترهای فرهنگی - اجتماعی می‌توانند به دورنمای هویتی کودک جهت‌های مشخصی بدهند.

۲. در این قسمت جهت رعایت اختصار، خواننده محترم به کتاب «بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه» نگارنده که در سال ۱۳۹۵ توسط انجمن اولیاء و مربیان منتشر شده است، ارجاع داده می‌شود.

فرهنگ‌سازی در بدو ظهور و بروز هر پدیده‌ای، امر مهمی به شمار می‌رود. در جریان فرهنگ‌سازی، با طرح ابعاد مثبت و بهینه‌ی فناوری موردنظر و یادآوری تهدیدهای آن، مردم رفته‌رفته فضایی جهت استفاده از ابعاد مثبت فناوری و اندیشیدن برای کاهش و تقلیل تهدیدهای احتمالی آن، پدید می‌آورند و بدین ترتیب، بستر پذیرش فناوری جدیدالتأسیس را برای جامعه با کم‌ترین هزینه ممکن و حداکثر سود مورد نظر رقم می‌زنند.

ملاحظه طرح و جذب تدریجی فناوری‌های مختلف در غرب، حکایت از برنامه‌ریزی‌های حساب شده و اندیشیده در این جهت دارد. اما بررسی تطبیقی طرح و جذب همان فناوری‌ها در کشورهای جهان سوم، حکایت از نوعی از تأخر فرهنگی و نابسامانی در روند پذیرش‌های جدید الاحداث دارد، چرا که با گسترش تدریجی فناوری در جامعه، سردمداران و اولیای امور جامعه، در اندیشه برخورد بهینه با فناوری پیش‌گفته برنیامده، دست به فرهنگ‌سازی لازم در این جهت نزده‌اند. به عنوان مثال، با ظهور پدیده ویدیو در غرب، استفاده از این فناوری به عنوان یک وسیله کمک آموزشی، فرهنگی، تفریحی و خدماتی مطرح شد، هر چند برخی از این وسیله، در جهات منفی مورد نظرشان نیز سود بردند، اما با ورود همین فناوری به ایران، به علت عدم فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای استفاده از آن در مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات فرهنگی و موارد دیگر، تهدیدهای آن خود را بیشتر نشان داد و مسوولان فرهنگی وقت جامعه، چاره‌ای جز ممنوعیت آن (که در نهایت به تسلیم شدن در برابر آن انجامید)، ندیدند.

جامعه ایران با فناوری‌های تبلت، اینترنت، تلفن همراه و ماهواره نیز مانند ویدیو، بدون فرهنگ‌سازی جدی برخورد کرده است. به این معنا که با وجود انبوهی از استفاده‌های مثبت که می‌توان از اینترنت و ماهواره داشت، بررسی‌های میدانی مقدماتی، بیانگر این مسأله هستند که استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی از اینترنت و ماهواره، در درجه اول اهمیت، ابعاد تفریحی، هیجان‌جویانه (و جنسی) و سرزدن به سایت‌ها و کانال‌های خلاف عرف جامعه می‌باشد.

استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی از تبلت و تلفن همراه نیز علاوه بر ایجاد ارتباط‌های لازم، به میزان بسیار زیادی به برخوردهای غیر مفید، سرکاری و مواردی که به‌طور عمده به تخلیه هیجانی آن‌ها می‌انجامد، محدود می‌شوند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی، ضرورت فرهنگ‌سازی برای کاربران فناوری‌های ارتباطی جدید، در جامعه امری ضروری به شمار می‌آید که به هیچ وجه نباید از آن با غفلت گذشت.

منطقی (۱۳۹۵، ج)، ضمن تأکید ضرورت بسترسازی فرهنگی در سطح خرد برای کاربری بهینه کاربران از فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته، از ضرورت بسترسازی کلان نگر در جامعه و تجدید نظرهای جدی در خط‌مشی‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه نیز یاد کرده است. وی در همین ارتباط می‌نویسد:

فضای مجازی، مقوله بسیار غامضی برای ایران به شمار می‌رود، زیرا نه تنها رویکرد سلبی اولیای فرهنگی در مواجهه با فضای مجازی چندان راهگشا واقع نشده است، بلکه با گره خوردن برخی مسایل جوانان (مانند افزایش سن ازدواج جوانان در جامعه و هم‌زمان فزونی گرفتن تحریک‌های محیطی در

حالی که پاسخ مقتضی به مسایل جنسی جوانان داده نشده است و یا عدم پاسخ مقتضی به هیجان‌جویی کودکان، نوجوانان و جوانان) با فضای مجازی، مسأله فضای مجازی در ایران بسیار پیچیده شده است. بنابراین در راهکارهای کلان‌نگر ضرورت دارد تا هم‌زمان با بسترسازی فرهنگی برای تعدیل و تخفیف مشکلات کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فناوری‌های جدید (نظیر راه‌اندازی پیام‌رسان‌های داخلی، اینترنت ملی و موتورهای جست‌وجوگر ملی)، دست به بسترسازی برای کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی پیشرفته زد. برخی از این راهکارهای کلان‌نگر به قرار زیرند:

- ارتقاء و افزایش سرمایه اجتماعی،
- تقلیل تشتت‌های سیاسی موجود در سطح جامعه،
- شورآفرینی سیاسی در سطح جامعه و پذیرش مشارکت فعال جوانان در مسایل سیاسی جامعه،
- بازنگری جدی در خط‌مشی‌های فرهنگی- اجتماعی جامعه،
- توجه ویژه به مسأله تحول در قرائت دینی نوجوانان و جوانان و هدایت بهینه آن،
- تمهید راهکارهای مناسب جهت کاهش مشکلات اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی کودکان، نوجوانان و جوانان در جامعه،
- پرداختن به گسست و انقطاع گفتمان بین نسلی،
- پرداختن به افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان،
- تمهید راهکارهای مناسب برای ارضای هیجان‌جویی کودکان، نوجوانان و جوانان در جامعه،
- تمهید راهکارهای مناسب برای حل مشکلات جنسی جامعه،
- گسترش فضاهای تفریحی در جامعه،
- پذیرش کنترل شده برنامه‌های ماهواره‌ای (نظیر تجربه مالزی)،
- افزایش محتوای برنامه‌های تلویزیونی ایران،
- افزایش سواد رسانه‌ای شهروندان،
- گسترش خدمات مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،
- تهیه آثار فاخر برای عرضه در فضای مجازی،
- بها دادن به پژوهش در عرصه مسایل فرهنگی مرتبط با فضای مجازی در جامعه،
- تدوین قوانین لازم جهت بهره‌برداری از فضای مجازی (به عنوان مثال، الزامی کردن درج کد ملی افراد برای کاربری از فضای مجازی یا گذراندن دوره‌ای خاص جهت اخذ گواهی لازم در جهت صلاحیت کاربری از فضای مجازی یا ممانعت از کاربری کودکان پیش دبستانی و دبستانی از کاربری از گوشی‌های هوشمند و اینترنت و اعلان جرم علیه اولیای خاطی در امر والدگری الکترونیک مناسب فرزندان)،
- تدوین قوانین لازم جهت حمایت از کاربران نوجوان و جوان فضای مجازی که در معرض پرخطرگری و زورگیری الکترونیکی دیگران واقع شده‌اند،

- راه‌اندازی سرویس‌های ارائه خدمات مشاوره‌ای به کاربران نوجوان و جوان فضای مجازی،
  - ارائه آموزش‌های لازم به اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان برای نظارت بر کاربری فرزند از فضای مجازی،
  - تشویق خانواده‌ها برای ارتقای سواد رسانه و سواد شبانه آنان،
  - تهیه انواع ابزارهای کنترل (نظیر ابزارهایی که زمان کاربری فرزند از فضای مجازی یا عدم ورود وی به سایت‌های خاصی را کنترل می‌کند) برای قرار دادن در اختیار اولیا،
  - تلاش برای رساندن بینش خانواده به ضرورت اعمال والدگری الکترونیک در کنار والدگری معمول،
  - تهیه و تدوین برنامه‌هایی که امکان کنترل کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته را برای اولیا میسر می‌سازد.
  - اعمال سایر کنترل‌های لازم برای تحدید خطرات فضای مجازی.
- گذشته از خط‌مشی‌های کلان‌نگر پیش‌گفته، مشخصاً از آموزش پیش‌دبستان، آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور می‌توان انتظارهای مشخص‌تری جهت بسترسازی فرهنگی جهت کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته داشت!

- 
۱. برخی از مواردی که می‌توان از آموزش پیش‌دبستان، آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور انتظار داشت، به قرار زیرند:
    - الف: پیشنهاد بسترسازی فرهنگی توسط نظام آموزش عمومی کشور
    - برخی از پیشنهادها کاربردی برای اولیای نظام آموزش عمومی کشور در زمینه بسترسازی جهت استفاده بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید به شرح زیر است:
      - ۱- وظایف نظام آموزش پیش‌دبستان و دبستان
      - ۱-۱- عطف توجه خاص به نظام پیش‌دبستان،
      - ۲-۱- کنار نهادن نگاه حراستی در کلان آموزش و پرورش،
      - ۳-۱- تغییر جامعه‌پذیری مبتنی بر متابعت به جامعه‌پذیری مبتنی بر درونی‌سازی در کلان نظام آموزش و پرورش کشور،
      - ۴-۱- ورود اولیا به مراکز تصمیم‌گیری آموزش پیش‌دبستان و آموزش عمومی کشور،
      - ۵-۱- استفاده از امکانات خانواده‌ها و انجمن اولیا و مربیان در جهت غنا بخشیدن به آموزش پیش‌دبستان (که در حال حاضر به صورت یله و رها شده‌ای به سمت کی‌برداری تام و تمام از الگوهای غربی پیش می‌رود).
      - ۶-۱- استفاده از امکانات خانواده‌ها و انجمن اولیا و مربیان در جهت تدریس برخی از دروس، هدایت پروژه‌های دانش‌آموزی، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری برای دانش‌آموزان مسأله‌دار، همکاری در برگزاری همایش‌های علمی، برگزاری اردوهای علمی و تفریحی، همکاری در اجرای کلاس‌های فوق برنامه و مانند آن‌ها،
      - ۷-۱- استفاده از خلاقیت‌های جامعه در تدوین محتوای آموزشی مهد کودک‌ها،
      - ۸-۱- استفاده از خلاقیت‌های جامعه در تدوین کتاب‌های درسی،
      - ۹-۱- تعریف درس سواد رسانه‌ای برای دوره‌های آموزشی پیش از دبستان،
      - ۱۰-۱- تعریف درس سواد رسانه‌ای برای آموزش عمومی کشور،
      - ۱۱-۱- تهیه سیم کارت دانش‌آموزی و تمهیدهای لازم جهت جذابیت بخشیدن به این سیم کارت (مانند ایجاد یک شبکه اجتماعی برای کاربران این سیم کارت، ایجاد پورتال بازی، فیلم، انیمیشن و موسیقی برای این سیم کارت، ایجاد پورتال کلاس-های کمک آموزشی، تهیه کتاب‌های کمک آموزشی و خرید انواع بلیط‌ها با این سیم کارت، ایجاد باشگاه برای کاربران سیم

- کارت دانش‌آموزی، اعلان ورود و خروج دانش‌آموز و پروند درسی وی به اولیا از طریق این سیم کارت، ایجاد امکان رصد خرج پول توجیبی دانش‌آموز از طریق سیم کارت دانش‌آموزی و مانند آن)،
- ۱-۱۲- آموزش اولیای دانش‌آموزان در ارتباط با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،
- ۱-۱۳- تهیه (یا کپی‌سازی) نرم افزارهای لازم برای ارتقای نظارت اولیا بر رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان در فضای مجازی (ابزارهای کنترل اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تبلت)،
- ۱-۱۴- تدوین قوانین لازم برای کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان از فضای مجازی و قوانین حمایت از کاربران فضای مجازی در برابر تعدی دیگران به دانش‌آموزان کاربر،
- ۱-۱۵- تعریف دوره‌های آموزشی برای مربیان مهد کودک‌ها جهت شناخت هر چه بیشتر ظرفیت‌های آموزشی فضای مجازی و آموزش آنان برای به کارگیری فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در جریان مباحث پرورشی،
- ۱-۱۶- تعریف دوره‌های آموزشی برای معلمان جهت شناخت هر چه بیشتر ظرفیت‌های آموزشی فضای مجازی و آموزش معلمان برای به کارگیری فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در جریان مباحث درسی،
- ۱-۱۷- تعدیل مقاومت برخی از اولیا و مربیان که در برابر نوآوری آموزشی کاربری آموزشی از فضای مجازی رخ خواهد داد،
- ۱-۱۸- استفاده از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در نظام آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی کشور با تمهیدات لازم (مانند تهیه سیم کارت دانش‌آموزی)،
- ۱-۱۹- تمهید راهکارهای نرم افزاری و سخت افزاری لازم جهت ممانعت از سوءاستفاده کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،
- ۱-۲۰- تهیه محتوا و ادبیات فاخر (تهیه ادبیات فاخر با تکیه بر ادب و عرفان اسلامی، تهیه تارنمای شخصی در زمینه تخصصی، تهیه وب نوشت‌های تخصصی، نظارت بر تهیه وب لاگ‌های تخصصی و فرهنگی - اجتماعی توسط مربیان و معلمان)،
- ۱-۲۱- تهیه سایت‌های تخصصی (مانند تاریخ ایران، جغرافیای ایران، زیست محیط ایران و جهان)،
- ۱-۲۲- تهیه تولیدات علمی - فرهنگی تحت پوشش E-Journal, E-Newsletter (با معرفی و طرح بازی‌ها و فعالیت‌های مناسب برای کودکان، نوجوانان و جوانان)،
- ۱-۲۳- ایجاد سایت مشاوره و راهنمایی اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان،
- ۱-۲۴- ایجاد سایت مشاوره و راهنمایی مربیان و معلمان کودکان، نوجوانان و جوانان،
- ۱-۲۵- ایجاد سایت مشاوره و راهنمایی کودکان، نوجوانان و جوانان در ارتباط با فضای مجازی،
- ۱-۲۶- ارایه مشاوره‌های روی خط در مباحث درسی و موارد حمایتی به دانش‌آموزان و اولیای آنان.
- ۱-۲۷- حضور فعال در فضای مجازی (ایجاد شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان با محوریت مباحث علمی و فرهنگی - اجتماعی مانند انجمن معلمان تاریخ، ادبیات، باستان‌شناسی، شبکه اجتماعی زیست محیط ایران و مانند آن‌ها).
- ۱-۲۸- حضور فعال مربیان و معلمان در چت‌روم‌ها (مانند ایجاد چت روم‌های عمومی - نظیر مشکلات تربیتی کودکان - و تخصصی - نظیر اتاق گپ باستان - شناسی ایران - و چت روم‌های نودوستانه)،
- ۱-۲۹- برخورد فعال در جهت کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فناوری‌های پیشرفته ارتباطی (راه‌اندازی سایت‌های مشاوره در زمینه سوءاستفاده‌های احتمالی از کاربران خردسال، نوجوان و جوان، اطلاع رسانی به جوانان در زمینه خطرات فضای مجازی)،
- ۱-۳۰- برخورد فعال در جهت ارتقای مهارت‌های اجتماعی کاربران نوجوان و جوان،
- ۱-۳۱- بسیج سازمان‌های مدنی برای نظارت و مداخله فعال در فضای مجازی،
- ۱-۳۲- بسیج اولیای کودکان پیش دبستان و اولیای دانش‌آموزان در جهت تبدیل مسأله فضای مجازی به دغدغه‌ای ملی و اثرگذاری مثبت و مؤثر آنان در این فضا،



- ۳۳-۱- ارایه راهنمایی به مربیان و معلمان جهت شناخت بیش از پیش فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و چگونگی کاربری بهینه از این فضای.
- ۳۴-۱- در نظر گرفتن امتیاز فعالیت فرهنگی برای ارتقای مربیان پرورشی و معلمان آموزشی (با تأکید بر تولید محتوا برای فضای مجازی)،
- ۳۵-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در سطح مربیان پرورشی (مانند تهیه بازی‌های نودوستانه، بازی‌های خلاق و علمی و تهیه بازی‌های تفریحی برای کودکان پیش دبستان)،
- ۳۶-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در سطح معلمان آموزشی (مانند تهیه مباحث درسی با فرمت تلفن همراه، وب نوشت‌ها، ایجاد شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان، راه‌اندازی اتاق‌های گپ اینترنتی تخصصی)،
- ۳۷-۱- اختصاص امتیاز فرهنگی یا امتیاز جدیدی با عنوان تولید محتوا برای فضای مجازی برای ارتقای مربیان پرورشی و معلمان آموزشی (این امتیاز باید نقش وتویی در ارتقای معلمان داشته باشد).
- ۳۸-۱- اعمال تبعیض مثبت در امتیاز آثار علمی مربیان پرورشی و معلمان آموزشی که در ارتباط با فضای مجازی تهیه شده‌اند در جریان ارتقای درجه آنان،
- ۳۹-۱- انجام پژوهش‌های گسترده در زمینه شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید،
- ۴۰-۱- بررسی مطالعات تطبیقی گسترش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید در سطح دیگر کشورهای جهان،
- ۴۱-۱- اطلاع رسانی نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به مربیان، اولیای آنان و معلمانشان،
- ۴۲-۱- انجام پژوهش‌های مبتنی بر آینده پژوهی فضای مجازی.
- ۴۳-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در مربیان پرورشی و معلمان آموزشی (مانند تهیه بازی‌های آموزشی، مباحث درسی با فرمت تلفن همراه، وب نوشت‌ها)،
- ۴۴-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در سطح دانش‌آموزان (جشنواره تهیه بهترین وب-نوشت‌ها، بهترین ایمیل‌های نودوستانه، بهترین انیمیشن‌های علمی)،
- ۴۵-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در اولیای دانش‌آموزان،
- ۴۶-۱- برگزاری جشنواره نقد و بررسی محتواهای فضای مجازی،
- ۴۷-۱- تعمیق هویت بخشی تاریخی دانش‌آموزان،
- ۴۸-۱- تعمیق هویت بخشی اجتماعی دانش‌آموزان (با اتکا به تجربیات انقلاب مانند تجربه جهاد سازندگی، جنگ)،
- ۴۹-۱- سوق دادن جوانان به سمت سازمان‌های مدنی،
- ۵۰-۱- سوق دادن جوانان به سمت حمایت از محیط زیست،
- ۵۱-۱- تبدیل جوانان به یک مددکار اجتماعی،
- ۵۲-۱- ایجاد برنامه‌های مشترک بین دانشگاه و آموزش و پرورش با محوریت دانش‌آموزان (مانند به کارگیری دانش‌آموزان به مثابه بازوهای اجرایی برخی از پژوهش‌های انسانی-اجتماعی در دانشگاه‌ها).
- ب- برخی از پیشنهادها کاربردی برای اولیای نظام آموزش عالی کشور در زمینه بسترسازی جهت استفاده بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید به شرح زیر است:
- ۱- وظایف آموزش عالی
- ۱-۱- تأسیس رشته مستقلی برای شناخت فضای مجازی،
- ۲-۱- تأسیس رشته‌های بین رشته‌ای (مانند مسایل حقوقی فضای مجازی، روان‌شناسی فضای مجازی و...)،
- ۳-۱- اختصاص امتیاز فرهنگی یا امتیاز جدیدی با عنوان تولید محتوا برای فضای مجازی برای ارتقای استادان (این امتیاز باید نقش وتویی در ارتقای استادان داشته باشد).

- ۴-۱- سوق دادن نظام آموزش عالی به سمت استفاده بهینه از فضای مجازی (همکاری دانشگاه‌ها در تهیه متون درسی برای آموزش‌های مجازی، گسترش دوره‌های آموزش مجازی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد).
- ۵-۱- تعریف دوره‌های آموزشی برای استادان جهت شناخت هر چه بیشتر ظرفیت‌های آموزشی فضای مجازی،
- ۶-۱- تعدیل مقاومت برخی از استادان که در برابر نوآوری آموزشی کاربری آموزشی از فضای مجازی رخ خواهد داد.
- ۷-۱- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته در استادان (مانند تهیه مباحث درسی با فرمت تلفن همراه، وب‌نوشت‌ها، ایجاد شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان، راه‌اندازی اتاق‌های گپ اینترنتی تخصصی)،
- ۸-۱- تبعیض مثبت در امتیاز آثار علمی استادان که در ارتباط با فضای مجازی تهیه شده‌اند در جریان ارتقای درجه آنان،
- ۹-۱- قرارداد تولید محتوا و ادبیات فاخر برای فضای مجازی (نظیر تولید محتوا برای پخش بلوتوثی در متروها برای شهرداری، تهیه ایمیل‌های نوع‌دوستانه- برای سازمان‌های خیریه-)،
- ۱۰-۱- همکاری با سایر نهادهای ذیربط (مانند پلیس فتا، قوه قضائیه) برای کاهش تهدیدهای فضای مجازی،
- ۱۱-۱- بسیج سازمان‌های مدنی برای نظارت و مداخله فعال در فضای مجازی،
- ۱۲-۱- بسیج اولیای دانشجویان در جهت تبدیل مسأله فضای مجازی به دغدغه‌ای ملی و اثرگذاری مثبت و مؤثر آنان در این فضا،
- ۱۳-۱- وارد کردن اولیای دانشجویان به مراکز تصمیم‌گیری آموزش عالی (به ویژه در ابعاد فرهنگی- اجتماعی)،
- ۱۴-۱- توجیه نهادهای ذیربط (مانند شورای عالی فناوری یا شورای فیلترینگ) در مقوله برخورد با فضای مجازی (تبدیل رویکرد مبتنی بر نفی نهادهای مزبور به رویکرد مداخله مثبت و فعال)،
- ۱۵-۱- همکاری با نهادهای ذیربط برای ارائه خدمات تخصصی به آن‌ها در زمینه فضای مجازی (مانند ارائه مشاوره روی خط به شهروندان، مربیان مهد کودک‌ها و اولیای دانش‌آموزان).
- ۱۶-۱- ارائه خدمات مشاوره‌ای به استادان جهت کاربری بهینه از فضای مجازی.
- ۲- وظایف استادان
- ۱-۲- پژوهش
- ۱-۱-۲- انجام پژوهش‌های گسترده در زمینه شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید،
- ۲-۱-۲- بررسی مطالعات تطبیقی گسترش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید در سطح دیگر کشورهای جهان،
- ۲-۱-۳- پژوهش‌های مبتنی بر آینده پژوهی فضای مجازی.
- ۲-۲- آموزش
- ۱-۲-۲- استفاده از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در نظام پرورشی و آموزشی،
- ۲-۲-۲- تعریف دوره‌های مستقل و بین رشته‌ای فضای مجازی در تحصیلات تکمیلی (مانند تعریف رشته ارشد فناوری برای قوه قضائیه و نیروی انتظامی)،
- ۳-۲-۲- بسترسازی در جهت گسترش یادگیری مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی جدید،
- ۴-۲-۲- بسترسازی در جهت گسترش کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در زمینه‌های خدماتی، تجارتي و پزشکی،
- ۵-۲-۲- بازنگری جدی در چگونگی طراحی الگوهای عروسکی- کارتونی ملی در بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های تولید داخل.
- ۳-۲- تهیه محتوا و ادبیات فاخر،
- ۱-۳-۲- تهیه ادبیات فاخر با تکیه بر ادب و عرفان اسلامی، تهیه تارنمای شخصی در زمینه تخصصی، تهیه وب‌نوشت‌های تخصصی، نظارت بر تهیه وبلاگ‌های تخصصی و فرهنگی- اجتماعی توسط دانشجویان،
- ۲-۳-۲- تهیه سایت‌های تخصصی (مانند تاریخ ایران، جغرافیای ایران، زیست محیط ایران و جهان).

- ۳-۳-۲- تهیه تولیدهای علمی-فرهنگی تحت پوشش نشریات مجازی (با معرفی و طرح بازی‌ها و فعالیت‌های مناسب برای کودکان، نوجوانان و جوانان، معرفی مطالعات و دستاوردهای جدید در زمینه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته)،
- ۴-۲- حضور فعال در فضای مجازی
- ۱-۴-۲- ایجاد شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان با محوریت مباحث علمی و فرهنگی - اجتماعی (مانند انجمن استادان تاریخ، انجمن استادان ادبیات، باستان‌شناسی، شبکه اجتماعی زیست محیط ایران و مانند آن‌ها).
- ۲-۴-۲- حضور فعال در چت روم‌ها (مانند ایجاد چت روم‌های تخصصی نظیر اتاق گپ باستان‌شناسی ایران و چت روم‌های نوع‌دوستانه -مانند چت روم‌های کودکان سندرم دان، زنان سقط جنینی-)، ارایه مشاوره‌های روی خط به دانشجویان و اولیای آنان.
- ۳-۴-۲- برخورد فعال در جهت کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فناوری‌های پیشرفته ارتباطی (راه‌اندازی سایت‌های مشاوره روانی و پزشکی، اطلاع‌رسانی)،
- عرضه و ارایه الگوهای عروسکی-کارتونی ملی در بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های تولید داخل.
- ۵-۲- بسترسازی فرهنگی برای جامعه
- ۱-۵-۲- برخورد فعال در زمینه بسترسازی فرهنگی جهت برخورد مناسب و بهینه با فناوری‌های ارتباطی جدید (پرهیز از تبلیغات مبتنی بر هراس اخلاقی در جامعه، پذیرش تحمیلی بودن فناوری‌ها، پذیرش فرصت و تهدید بودن فناوری‌ها، پرهیز از آرمان-گرایی‌های غیرواقع‌نگر، پذیرش راهکارهای مبتنی بر دفع افسد به فاسد)،
- ۲-۵-۲- اطلاع‌رسانی درباره فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید به اولیا، اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه،
- ۳-۵-۲- پیشنهاد راهکارهای اجرایی در جهت برخورد فعال نیروی انتظامی و قضایی برای برخورد با جرایم فضای مجازی،
- ۴-۵-۲- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در سطح سایر شهروندان،
- ۵-۵-۲- برگزاری جشنواره نقد و بررسی محتواهای فضای مجازی،
- ۶-۵-۲- آموزش اولیای دانشجویان در ارتباط با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،
- ۷-۵-۲- تهیه (یا کپی‌سازی) نرم افزارهای لازم برای ارتقای نظارت اولیا بر رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان در فضای مجازی،
- ۸-۵-۲- تدوین مباحث سواد رسانه‌ای برای دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر اقشار اجتماعی.
- ۶-۲- ایفای نقش درمانی برای آسیب‌خوردگان فضای مجازی.
- ۷-۲- سوق دادن رساله‌ها و پژوهش‌های دانشجویان به سمت شناخت هر چه بهتر فضای مجازی،
- ۸-۲- تلاش در جهت ارایه محتوای «پاک» به شهروندان (مانند ارایه ترجمه‌های به روز مهم‌ترین اخبار و حوادث منعکس شده در اینترنت، ارایه به روز ترجمه اخبار علمی مهم‌ترین صفحات اینترنتی، ارایه کلیپ‌های منتخب (و پاک) یوتیوب و مانند آن با زیرنویس فارسی، ارایه ایمیل‌های نوع‌دوستانه،
- ۹-۲- نظارت بر تولید محتوا برای فضای مجازی توسط دانشجویان،
- ۱-۹-۲- بسترسازی فرهنگی در جهت استفاده مثبت دانشجویان از فناوری‌های ارتباطی جدید مانند (سوق دادن تهیه تکالیف درسی به صورت تهیه یک کلیپ یا انیمیشن، استفاده از بازی‌های ویدیویی یا حضور در چت‌روم‌ها جهت تحقق مباحث آموزشی، راه‌اندازی چت‌روم‌های تخصصی، تهیه برخی از مباحث درسی با فرمت تلفن همراه، استفاده از برخی از کانال‌های ماهواره‌ای جهت آموزش)،
- ۲-۹-۲- برگزاری جشنواره‌های تولید محتوا برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در دانشجویان (جشنواره تهیه بهترین وب‌نوشت-ها، بهترین ایمیل‌های نوع‌دوستانه، بهترین انیمیشن‌های علمی)،
- ۳-۹-۲- جشنواره تهیه بهترین انیمیشن‌ها و کلیپ‌های علمی -آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و تفریحی با همکاری استادان،
- ۴-۹-۲- دعوت از دانشجویان برای نقد و بررسی فضای مجازی،
- ۵-۹-۲- جشنواره بهترین وب‌لاگ‌های تخصصی دانشجویان با همکاری استادان،

## ۲- اقدام‌های حد واسط تربیتی اولیا

اقدام‌های کلان‌نگر، شامل اقدام‌هایی می‌شدند که همکاری، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مسوولان امر را به خود می‌طلبیدند و اولیا باید با طرح خواسته‌های منطقی خودشان، از اولیای امور کودکان، نوجوانان و جوانان، تحقق آن‌ها را جهت تربیت بهینه فرزندشان در متن جامعه، خواستار می‌شدند. اما اقدام‌های حدواسط و جزءنگر، اقدام‌هایی به شمار می‌روند که اولیا در آن‌ها نقش محوری ایفا می‌کنند.

اقدام‌های حدواسط تربیتی اولیا، شامل بسترسازی‌های تربیتی والدین، در ارتباط با فرزندانشان است. فرزندانی که از اولیایی حساس، متعهد و آشنا با مسایل تربیتی برخوردارند، در بستر تربیتی که آن‌ها برایشان فراهم آورده، از امکانات تعالی دینی، اخلاقی، علمی، هنری، ورزشی و در مجموع هویتی خویش، برخوردار خواهند شد و در این عرصه، به گونه‌ای تربیت خواهند شد که به طور کلی در برابر آسیب‌ها، تهدیدها و انواع خطرهای احتمالی که در فراز و نشیب زندگی، فراروی آن‌ها رخ می‌دهد، به گونه‌ای نسبتاً باکفایت، عمل خواهند کرد، اما اگر والدین، برای فرزندشان دست به سرمایه‌گذاری‌های پیش‌گفته نزنند و فرزند آن‌ها از بسترهای تعالی بخش اخیر، محروم بماند، بیشتر رشدی فیزیکی داشته، از رشد و کفایت روانی و شخصیتی لازم برخوردار نخواهد شد و در برخورد با هر مسأله و مشکلی، به شکل بهینه با آن برخورد نکرده، به سادگی در صدد حل آن برخواهد آمد.

در این قسمت، با بررسی عناوین: «تربیت دینی- انقلابی فرزند»، «تربیت نועدوستانه فرزند»، «تربیت علمی و خلاق فرزند»، «تربیت هنری فرزند»، «هویت بخشیدن به فرزند»، «شکوفاسازی

۱-۲- تلاش در جهت ارتقای سواد رسانه‌ای دانشجویان و دیگر شهروندان، تعریف درس سواد رسانه‌ای برای آموزش عمومی و عالی کشور، تعریف درس سواد رسانه‌ای برای دوره‌های آموزشی پیش از دبستان.

۱۱-۲- نظارت بر جشنواره‌های تولید ادبیات فاخر در سطح استادان، دانشجویان و دیگر اقشار اجتماعی،

۱۲-۲- جشنواره نقد و بررسی محتوای فضای مجازی.

۳- وظایف دانشجویان

۱-۳- تهیه وب‌نوشت‌های تخصصی،

۲-۳- تهیه وب‌نوشت‌های نועدوستانه،

۳-۳- تهیه وب‌نوشت‌های فرهنگی - اجتماعی،

۴-۳- شرکت در چت‌روم‌های تخصصی،

۵-۳- شرکت در نقد و بررسی تحولات فضای مجازی،

۶-۳- شرکت در جشنواره‌های تولیدات فضای مجازی،

۷-۳- ایجاد شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان با موضوع‌های علمی، نועدوستانه، زیست محیطی.

۸-۳- نقد فعال فضای مجازی در رسانه‌ها با هدف ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه،

۹-۳- همکاری با استادان و دیگر نهادهای ذیربط برای تهیه اینترنت پاک (ارایه مباحث علمی، فرهنگی و اجتماعی با سانسور ابعاد پرخطرگانه، مبلغ الکلیسم و اعتیاد و شهوی مندرج در اطلاعات اینترنتی) در پیام‌سان‌های داخلی و اینترنت ملی.

۱۰-۳- ایده‌پردازی در جهت چگونگی طرح الگوهای عروسکی-کارتونی ملی در بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌های تولید داخل.

استعدادهای فرزند»، «ارضای هیجان‌جویی فرزند»، «پرکردن فراغ بال فرزند با کار و ورزش» و «توجه به گروه هم‌سالان فرزند»، درباره اقدام‌های حدواسط تربیتی اولیا که در مجموع به تربیت بهینه و مطلوب فرزند خواهد انجامید، بحث خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۳- نگاهی به اقدام‌های جزءنگر اولیا

در بررسی اقدام‌های جزءنگر اولیا، سه عنوان: «ضرورت کسب شناخت و انتقال اطلاعات لازم به فرزند»، «فرهنگ‌سازی برای استفاده بهینه فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید»، «اقدام‌های درمانی»، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در محور «ضرورت کسب شناخت و انتقال آن به فرزند»، ضمن تأکید بر ضرورت حساس شدن اولیا نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های جدید، خاطرنشان گردیده است که اولیا ضمن انتقال دانش و اطلاعات به فرزندشان، در ارتباط با فرصت‌ها و تهدیدهای فن‌آوری‌های ارتباطی، باید به ارتقای دانش ارایه شده به سطح نگرش، و در ادامه ارتقای سطح نگرش به رفتار و عمل، اهتمام ورزند. زیرا دانش به تهابی کافی نیست و باید با عواطف فرزند چنان آمیخته شود که برای وی تبدیل به باور شود. در سطحی فراتر، اولیا باید با تحریک فرزند به اقدام و عمل، باور وی را به جریان عمل، پیوند زند تا شاهد بهترین نتیجه ممکن در این ارتباط باشند.

در محور بعد، «فرهنگ‌سازی برای استفاده بهینه فرزندان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، مورد توجه قرار گرفته است. در این محور ضمن برشمردن اقدام‌هایی که والدین باید شخصاً به رعایت آن‌ها بپردازند، از ضرورت قرار و مدارهای اولیه، در ارتباط با چگونگی استفاده از فناوری‌ها، یاد گردیده است. در ادامه، از بسترسازی اولیا جهت استفاده فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید (تبلت، تلفن همراه، رایانه، ماهواره)، به مثابه یک منبع کمک آموزشی، تحقیقاتی، خلاق و تفریحی، سخن رفته است. به همین ترتیب، در محور اخیر، خاطرنشان گردیده است که اولیا می‌توانند از خود الگویی در جهت چگونگی استفاده مثبت و مؤثر در برابر فرزندان ترسیم کنند تا آن‌ها نیز بر مبنای یادگیری مشاهده‌ای، به الگوبرداری از رفتارهای آن‌ها دست بزنند.

سرانجام در آخرین محور، ذیل عنوان «اقدام‌های درمانی»، یادآوری گردیده است که در صورت وابستگی فرزند به فناوری‌های ارتباطی جدید، پیش گرفتن چه اقدام‌هایی از سوی اولیا، به کاهش وابستگی فرزند خواهد انجامید.<sup>۲</sup>

---

۱. در این قسمت جهت رعایت اختصار، خواننده محترم به کتاب «بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های

اجتماعی تلفن همراه» نگارنده که در سال ۱۳۹۵ توسط انجمن اولیاء و مربیان منتشر شده است، ارجاع داده می‌شود.

۲. در این قسمت جهت رعایت اختصار، خواننده محترم به کتاب «بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های

اجتماعی تلفن همراه» نگارنده که در سال ۱۳۹۵ توسط انجمن اولیاء و مربیان منتشر شده است، ارجاع داده می‌شود.

با توجه به آنچه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی باید بیان داشت، راه حل مشکل فضای مجازی در ایران، در گام نخست وفاق مسوولان در پذیرش کنترل شده یا نفی آن می‌باشد و در صورت پذیرش ارایه کنترل شده فضای مجازی به جامعه، باید هم‌زمان با بسترسازی فرهنگی لازم جهت تقلیل تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و افزایش فرصت‌های آنها، در خط‌مشی‌های کلان‌نگر فرهنگی- اجتماعی نیز تجدید نظرهای لازم انجام پذیرد، در غیر این صورت، به نظر می‌رسد دورنمایی که در این اثر به دست داده شد، به شکل پررنگ‌تری جامعه را دربرگرفته، سیطره خود را در فضای اجتماعی به معرض دید خواهد گذارد.

به حمد و کرمش در شب قدر به انجام رسید.

## منابع

- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳). روان‌شناسی نسل سوم انقلاب. (گزارش پژوهش). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۴). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵، الف). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری دانش‌آموزان متوسطه اول از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵، ب). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری دانش‌آموزان متوسطه دوم از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵، ج). بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵، و). سیم کارت دانش‌آموزی. پیوند. شماره ۴۴۳. دی ماه ۱۳۹۵.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۶، الف). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش. ج ۱.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۶، ب). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری کودکان پیش دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش. ج ۲.
- منطقی، مرتضی (در دست نشر). زندگی از افق دید باری، برتر و السا.
- ولیس، پاتریشیا (?). روان‌شناسی اینترنت. ترجمه بهنام اوحدی، فضل‌الله قنادی و حمیرا صفوی همای. ۱۳۸۲. اصفهان: نقش خورشید.

Adelman, Hallee (2004). Teaching Online Safety. *Voices from the Middle*, v11 n3 p17-22 Mar 2004

Alvermann, Donna E. (2011). Moving On/Keeping Pace: Youth's Literate Identities and Multimodal Digital Texts. *Yearbook of the National Society for the Study of Education*, v110 n1 p109-128 2011

Aminolroaya, Saeideh; Yarmohammadian, Mohammad H.; Keshtiaray, Narges (2016). Methods of Nurturing Creativity during Preschool Term: An Integrative Study. *Educational Research and Reviews*, v11 n6 p204-210 Mar 2016

Annansingh, Fenio; Veli, Thomas (2016). An Investigation into Risks Awareness and E-Safety Needs of Children on the Internet: A Study of Devon, UK. *Interactive Technology and Smart Education*, v13 n2 p147-165 2016

Arnott, Lorna; Grogan, Deirdre; Duncan, Pauline (2016). Lessons from Using iPads to Understand Young Children's Creativity. *Contemporary Issues in Early Childhood*, v17 n2 p157-173 Jun 2016

Atmore, Eric (1998). Reconstructing Early Childhood Development Services in South Africa: From Apartheid to Democracy. *International Journal of Early Years Education*, v6 n3 p291-98 Oct 1998

Audrey, N. S. (2004). Mobile phone and youth: A look at the U.S student market. The International Telecommunication Union (ITU). <http://www.itu.int/futuremobile>.

Ayers, Lauren (2007). How to Protect Kids from Child Molesters. Online Submission

Bengisoy, Ayse (2017). Examination of Tablet Usage by 4 Years Old Pre-School Student. *World Journal on Educational Technology: Current Issues*, v9 n3 p158-164 2017

Berson, Michael J.; Berson, Ilene R. (2003). Lessons Learned about Schools and Their Responsibility To Foster Safety Online. *Journal of School Violence*, v2 n1 p105-17 2003

Bertozi, Elena (2012). Killing for Girls: Predation Play and Female Empowerment. *Bulletin of Science, Technology & Society*, v32 n6 p447-454 Dec 2012

Blazer, Christie (2012). Social Networking in Schools: Benefits and Risks; Review of the Research; Policy Considerations; and Current Practices. Information Capsule. Volume 1109. Research Services, Miami-Dade County Public Schools

Burchinal, Margaret R.; And Others (1996). The Relations of Maternal Social Support and Family Structure with Maternal Responsiveness and Child Outcomes among African American Families. *Developmental Psychology*, v32 n6 p1073-83 Nov 1996

Bushong, Sara (2002). Parenting the Internet: Resources for Parents and Children. *Teacher Librarian*, v29 n5 p12-16 Jun 2002

Collier, Anne (2009). A Better Safety Net: It's Time to Get Smart about Online Safety. *School Library Journal*, v55 n11 p36-38 Nov 2009

Cremin, Teresa; Glauert, Esme; Craft, Anna; Compton, Ashley; Stylianidou, Fani (2015). Creative Little Scientists: Exploring Pedagogical Synergies between Inquiry-Based and Creative Approaches in Early Years Science. *Education 3-13*, v43 n4 p404-419 2015



Dashti, Fatimah A.; Yateem, Azizah K. (2018). Use of Mobile Devices: A Case Study with Children from Kuwait and the United States. *International Journal of Early Childhood*, v50 n1 p121-134 Apr 2018

Department for Education and The Rt Hon Nicky Morgan (2015). New measures to keep children safe online at school and at home. Published 22 December 2015

Donohue, Chip (2017). Putting the "T" in STEM for the Youngest Learners: How Caregivers Can Support Parents in the Digital Age. *ZERO TO THREE*, v37 n5 p45-52 May 2017

Dowling, Mitchell J.; Rickwood, Debra J. (2014). Experiences of Counsellors Providing Online Chat Counselling to Young People. *Australian Journal of Guidance and Counselling*, v24 n2 p183-196 Dec 2014

Dredge, S. . (2017). How do I keep my children safe online? What the security experts tell their kids. Mon 11 Aug 2014 12.40 BST Last modified on Fri 26 May 2017 10.26 BST

Facer, Keri (2012). After the Moral Panic? Reframing the Debate about Child Safety Online. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, v33 n3 p397-413 2012

Federal Bureau of Investigation, Washington, DC. Crimes against Children Unit. (2001). *A Parent's Guide to Internet Safety*.

Federal Trade Commission (2009). *Virtual Worlds and Kids: Mapping the Risks. A Report to Congress*.

Finkelhor, David; Mitchell, Kimberly J.; Wolak, Janis (1999). *Online Victimization: A Report on the Nation's Youth*.

Floros, Georgios D.; Siomos, Konstantinos E.; Fisoun, Virginia; Dafouli, Evaggelia; Geroukalis, Dimitrios (2013). Adolescent Online Cyberbullying in Greece: The Impact of Parental Online Security Practices, Bonding, and Online Impulsiveness. *Journal of School Health*, v83 n6 p445-453 Jun 2013

Gallagher, Frank (2011). *Hand in Hand: Media Literacy and Internet Safety*. Library Media Connection, v29 n4 p16, 18 Jan-Feb 2011

Giant, Nikki (2013). *E-Safety for the i-Generation: Combating the Misuse and Abuse of Technology in Schools*. Jessica Kingsley Publishers

Gresham, John (2006). *The Divine Pedagogy as a Model for Online Education*. *Teaching Theology & Religion*, v9 n1 p24-28 Jan 2006

Grubbs, Natalie Kane (2013). *School Counselor-Parent Collaborations: Parents' Perceptions of How School Counselors Can Meet Their Needs*. ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Georgia State University.

Grusin, Elinor Kelley; Edmondson, Aimee (2003). Taking It to the Web: Youth News Moves Online. *Newspaper Research Journal*, v24 n3 p91-96 Sum 2003

GSM Association and the mobile society research institute within NTT DOCOMO (2013). *Children's use of mobile phones, An international comparison ZOD*.

Guernsey, Lisa; Levine, Michael H. (2016). Nurturing Young Readers: How Digital Media Can Promote Literacy Instead of Undermining It. *American Educator*, v40 n3 p23-28, 44 Fall 2016

Guerry, Richard (2012). Building a Digital Consciousness: Make "Public and Permanent" the Golden Rule. *Education Digest: Essential Readings Condensed for Quick Review*, v77 n7 p57-59 Mar 2012

Henderson, Michael; de Zwart, Melissa (2014). ACCE Submission to Public Consultation to "Enhancing Online Safety for Children". Australian Educational Computing, v29 n1 2014

Holladay, Jennifer (2010). Cyberbullying. Teaching Tolerance, n38 p42-46 Fall 2010

Insulander, Eva; Ehrlin, Anna; Sandberg, Anette (2015). Entrepreneurial Learning in Swedish Preschools: Possibilities for and Constraints on Children's Active Participation. Early Child Development and Care, v185 n10 p1545-1555 2015

Koops, Lisa Huisman (2012). Music Play Zone II: Deepening Parental Empowerment as Music Guides for Their Young Children. Early Childhood Education Journal, v40 n6 p333-341 Dec 2012

Kronholz, June (2011). Getting at-Risk Teens to Graduation: Blended Learning Offers a Second Chance. Education Next, v11 n4 p24-31 Fall 2011

Levy, Peter (2011). Confronting Cyberbullying. T.H.E. Journal, v38 n5 p25-27 May 2011

Linh, Claudia (2007). [Your College Here] Wants to Be Your "Friend". Campus Technology, v20 n13 p44-46, 48, 50, 52 Sep 2007

Livingstone, Sonia; Haddon, Leslie (2008). Risky Experiences for Children Online: Charting European Research on Children and the Internet. Children & Society, v22 n4 p314-323 Jul 2008

MacFarlane, Maureen A. (2007). Misbehavior in Cyberspace. School Administrator, v64 n9 p4-8 Oct 2007

Manzo, Kathleen Kennedy (2009). Filtering Fixes. Education Week, v29 n2 p23-25 Sep 2009

Marsh, Jackie; Plowman, Lydia; Yamada-Rice, Dylan; Bishop, Julia; Scott, Fiona (2016). Digital Play: A New Classification. Early Years: An International Journal of Research and Development, v36 n3 p242-253 2016

McDonald-Brown, Craig; Laxman, Kumar; Hope, John (2017). Sources of Support and Mediation Online for 9-12-Year-Old Children. E-Learning and Digital Media, v14 n1-2 p52-71 Jan-Mar 2017

McTavish, Marianne; Filipenko, Margot (2016). Reimagining Understandings of Literacy in Teacher Preparation Programs Using Digital Literacy Autobiographies. Journal of Digital Learning in Teacher Education, v32 n2 p73-81 2016

Mirkka, Mattila (2011). Mobile technologies for child protection, A brief note. Unicef. Dakar.

Olagunju, Amos O. (2008). Harmonizing the Interests of Free Speech, Obscenity and Child Pornography on Cyberspace: The New Roles of Parents, Technology and Legislation for Internet Safety. Online Submission, Paper presented at the Oxford Round Table on "The Regulation of Cyberspace: Balancing the Interests" (Oxford, England, Mar 28, 2008)

Olsen, Heather; Thompson, Donna; Hudson, Susan (2011). Outdoor Learning: Supervision Is More than Watching Children Play. Dimensions of Early Childhood, v39 n1 p3-11 2011

Ost, Suzanne (2013). Balancing Autonomy Rights and Protection: Children's Involvement in a Child Safety Online Project. *Children & Society*, v27 n3 p208-219 May 2013

PACER Center (2013). Cyberbullying: What Parents Can Do to Protect Their Children

Palaiologou, Ioanna (2014). Children under five and digital technologies: implications for early years pedagogy Pages 5-24 | Published online: 24 Jun 2014

Plowman, L. & Mc Pake, J. (2012). Seven myths about young children and technology. Pages 27-33. Published online: 18 Dec 2012

Ramos-Soler, Irene; López-Sánchez, Carmen; Torrecillas-Lacave, Teresa (2018). Online Risk Perception in Young People and Its Effects on Digital Behaviour. *Comunicar: Media Education Research Journal*, v26 n56 p71-79 2018

Rangelov, Stanislav (2010). Summary Report Education on Online Safety in Schools in Europe. *New Horizons in Education*, v58 n3 p149-163 Dec 2010

Reid, D. & Reid, F. (2004). Insights into the Social and Psychological Effects of SMS Text Messaging. The social and psychological effects of Text. February 2004.

Roberts, Kevin J. (2010). Cyber Children: What Parents Need to Know. *Exceptional Parent*, v40 n9 p36-37 Sep 2010

Roberts-Holmes, Guy (2014). Playful and Creative ICT Pedagogical Framing: A Nursery School Case Study. *Early Child Development and Care*, v184 n1 p1-14 2014

School Libraries in Canada (2000). Online Marketing to Kids: How To Protect Yourself.

*School Libraries in Canada*, v20 n2 p10-11 2000

Sharples, M.; Graber, R.; Harrison, C.; Logan, K. (2009). E-Safety and Web 2.0 for Children Aged 11-16. *Journal of Computer Assisted Learning*, v25 n1 p70-84 Feb 2009

Shewchuk, Samantha (2014). Children in Need of Protection: Reporting Policies in Ontario School Boards. *Canadian Journal of Educational Administration and Policy*, n162 p1-37 Aug 2014

Slutsky, R. & DeShetler, L. M. (2017). How technology is transforming the ways in which children play. Pages 1138-1146 Received 25 Jan 2016, Accepted 21 Feb 2016, Published online: 22 Mar 2017

Soldatova, Galina Urtanbekovna; Rasskazova, Elena Igorevna (2016). Adolescent Safety on the Internet: Risks, Coping with Problems and Parental Mediation. *Russian Education & Society*, v58 n2 p133-162 2016

Steeves, Valerie; Webster, Cheryl (2008). Closing the Barn Door: The Effect of Parental Supervision on Canadian Children's Online Privacy. *Bulletin of Science, Technology & Society*, v28 n1 p4-19 2008

Steinberg, Scott (2017). How to Keep Kids Safe in Online Games and Apps. August 23, 2017

Steinkuehler, Constance (2016). Parenting and Video Games. *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, v59 n4 p357-361 Jan-Feb 2016

Sumsion, Jennifer; Grieshaber, Sue; McArdle, Felicity; Shield, Paul (2014). Pathways to Partnership. *Australasian Journal of Early Childhood*, v39 n3 p4-13 Sep 2014

Swanke, Jayme; Doktor, Judy; Shrestha, Sabita; Zeman, Laura Dreuth (2013). Is the Week over yet? Insight for Educators about Social Network Support among Cyber Mothers Raising Children with ASD. *Teaching Education*, v24 n2 p222-234 2013

Taylor, M. & Quayle, E. (2003). *Child pornography*. New York: Brunner-Routledge.

Tolentino, Eflada Preclaro; Lawson, Lauren (2017). Well, We're Going to Kindergarten, so We're Gonna Need Business Cards!": A Story of Preschool Emergent Readers and Writers and the Transformation of Identity. *Journal of Early Childhood Literacy*, v17 n1 p47-68 Mar 2017

Tsaliki, Liza (2011). Playing with Porn: Greek Children's Explorations in Pornography. *Sex Education: Sexuality, Society and Learning*, v11 n3 p293-302 2011

US Department of Homeland Security (2011). *Parents and Educators [Tip Card]*

US Department of Homeland Security (2013). *Spread the Word: The Stop. Think. Connect. [TM] Community Outreach Guide*

Valentine, Christopher (2013). Online Sexual Solicitation: The Role and Responsibility of Parents and School Psychologists. *Communique*, v41 n5 p1, 18-22 Jan-Feb 2013

Weeden, Shalynn; Cooke, Bethany; McVey, Michael (2013). Underage Children and Social Networking. *Journal of Research on Technology in Education*, v45 n3 p249-262 2013

Wilson, Joanne Elaine; McAloney, Kareena (2010). Upholding the Convention on the Rights of the Child: A Quandary in Cyberspace. *Child Care in Practice*, v16 n2 p167-180 Apr 2010

Winn, Matthew R. (2012). Promote Digital Citizenship through School-Based Social Networking. *Learning & Leading with Technology*, v39 n4 p10-13 Dec 2011-Jan 2012

Yardi, Sarita A. (2012). *Social Media at the Boundaries: Supporting Parents in Managing Youth's Social Media Use*. ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Georgia Institute of Technology.

Ybarra, Michele L.; Finkelhor, David; Mitchell, Kimberly J.; Wolak, Janis (2009). Associations between Blocking, Monitoring, and Filtering Software on the Home Computer and Youth-Reported Unwanted Exposure to Sexual Material Online. *Child Abuse & Neglect: The International Journal*, v33 n12 p857-869 Dec 2009

Zilka, Gila Cohen (2017). Awareness of eSafety and Potential Online Dangers among Children and Teenagers. *Journal of Information Technology Education: Research*, v16 p319-338 2017